

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج و عمره

سید موسی شبیری زنجانی

مناسک حج و عمره

سید موسی شبیری زنجانی

-
- سرشناسه: شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۳۰۶ -
 - عنوان و نام پدیدآور: مناسک حج و عمره: مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی حاج سید موسی شبیری زنجانی مد ظله / سید موسی شبیری زنجانی.
 - مشخصات نشر: قم: دفتر حضرت آیت الله شبیری زنجانی، انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام، ۱۳۹۶.
 - مشخصات ظاهری: ۳۹۶ ص:، ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
 - شابک: ۱۵۰۰۰۰ ریال ۱-۱-4-96455-600-978
 - وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 - موضوع: حج
 - موضوع: Hajj*
 - موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه
 - موضوع: Islamic law, Ja'fari -- Handbooks, manuals, etc.*
 - شناسه افزوده: دفتر آیت الله العظمی شبیری زنجانی، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام
 - رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۲ ش / ۸ / ۱۸۸ BP
 - رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۵۸
 - شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۹۲۱۴۰
-

ناشر: انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۵۵-۴-۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

قیمت: ۱۵,۰۰۰ تومان



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ماہنامہ کدر لکھنؤ میں شائع ہونے والے مطبوعہ فائن آرٹس پبلسیشنز

۱۱ ذی القعدہ ۱۴۱۸ھ / ۸ مارچ ۱۹۹۸ء / سید موسیٰ حسین نقوی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَنَبِیِّنَا
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ وَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ .
اللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلَدِیْكَ الْحُجَّۃِ بِنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَیْهِ وَعَلٰی اَبَائِهِ
فِی هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِی كُلِّ سَاعَةٍ وَّلِیًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَدَلِیْلًا وَعَیْنًَا حَتّٰی تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِیْهَا طَوِیْلًا .

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ
مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»^۱

«ای ابراهیم! در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا
[زائران] پیاده و سوار بر هر شتر لاغری از هر راه دوری به سوی
تو روی آورند.»

ندای حضرت ابراهیم خلیل عليه السلام در همه جا پیچید، و به
همه انسان‌ها در سراسر تاریخ رسید.

و توای زائر! برای پاسخ به این نداست که گام در راه نهاده‌ای
و اوست که تو را برای مهمانی خود برگزیده و دروازه‌های خانه
خویش را به رویت گشوده است؛ و چگونه می‌توان این نعمت
را شکر گفت که دعوت خاص او به تو رسیده و تو اکنون کوله‌بار
سفر بر دوش، شور و شوق دیدار سراپای وجودت را فرا گرفته؛ با
خود می‌اندیشی که چگونه باید برای این سفر مهیا شد، که این

سفری دیگر است و راه و رسمی دیگر دارد. مقصد تو «خانه خدا» قطعه‌ای از این دنیای خاکی نیست؛ بلکه نقطه وصل مکان و زمان و پیوند زمین و آسمان است.

و تو اینک پا بر جای گامهای پیامبران نهاده‌ای و چون فرشتگان گرد عرش، بر پای بندگی ایستاده‌ای؛ و کعبه بیت معمور زمینیان است. در آسمان فرشتگان به نشانه فرمانبری گرد بیت معمور به طواف می‌پردازند و در زمین آدمیان در گرد کعبه او آزمون تسلیم و رضا بجا می‌آورند؛ که حج سراپا آزمون است و فصل فصل این عبادت پر راز و رمز، آزمایش تعبد و فرمانپذیری و صبر و بردباری و تسلیم مطلق در برابر فرمان حضرت حق است.

و تو ای زائر! از او همت می‌طلبی که از این امتحان سربلند بیرون آیی و با انجام این مراسم هرگونه آلودگی و تباهی که یک عمر به دوش کشیده‌ای را از خویش بزدایی و به حج مقبول و سعی مشکور دست یابی.

«مدینه» شور دیگری را در وجود انسان برمی‌انگیزد؛ از یک سو، یادآور شکوه و عظمت سالهای آغازین اسلام است که تازه مسلمانان در «مسجد النبی» گرد شمع وجود پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله جامعه اسلامی نمونه را پایه‌ریزی می‌کنند، و از سوی دیگر این شهر، غم و اندوه و مظلومیت خاندان همان پیامبر صلی الله علیه و آله را در خاطره‌ها زنده می‌سازد که جای جای این شهر، حدیث تازه‌ای از این مظلومیت بر لب دارد.

نام مدینه با نام «بقیع» و مرقد گمشده بانوی اسلام قرین است و زائر در این شهر در جستجوی تاریخ گذشته، برای

تجدید عهد با آنان که به ولایشان دل بسته گام می‌نهد.
روح مکه را در مدینه می‌توان یافت که حج بدون امامت
حج نیست؛ گرد سنگ و خشت گردیدن است و تلاش خویش
تباه کردن.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «أَمَّا امْرَأَتَانِ إِذْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَخْجَارَ
فَيَطُوفُوا بِهَا، ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيُعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ»^۱
از مردم خواسته شده که بیایند و گرد این سنگ‌ها بگردند،
سپس به نزد ما بیایند و اظهار ولایت کنند و هواداری خود را
نسبت به ما نشان دهند.

آری! تنها در سایه سار امامت، حج کمال می‌یابد.
و اکنون در عصر غیبت، حضور امام عصر علیه السلام را بیشتر باید
در حج و مشاعر آن جستجو کرد که آن عزیز از دیده نهان گشته،
مردمان را می‌بیند و می‌شناسد و مردمان او را می‌بینند و
نمی‌شناسند و تنها اوست که حج را روح می‌بخشد و معنویت
می‌دهد؛ و چه سعادت‌مند است کسی که در این سفر، وجود
حضرت را در گوشه و کنار و خلوت خود و خدا احساس کند و از
درگاه ربوبی عاجزانه بخواهد که خداوند پرده غیبت را برفکند
و جمال آن ذخیره الهی را ظاهر سازد، و زمین را از عدالت و داد
لبریز کند همچنان که از ظلم و ستم لبریز گردیده است.

کتاب «مناسک حج و عمره» مجموعه‌ای فراگیر از احکام
حج و عمره است که مطابق فتاوی «حضرت آیت‌الله العظمی
شبیری زنجانی رحمته الله علیه»، توسط مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام

تنظیم گردیده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. گروه مؤلفان کوشیده‌اند که این کتاب ضمن برخورداری از دقت و صحت متن، از نثری شیوا و روان برخوردار بوده و پاسخگوی مسائل مورد نیاز زائران شریف و روحانیون محترم کاروان‌های حج باشد.

کتاب حاضر باراهنمایی و نظارت استاد معظم حجة الإسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد جواد شبیری (دامت توفیقاته) نگاشته شده است. لازم می‌دانیم از ایشان و محققان گران قدر بخش استفتائات مرکز فقهی، به‌ویژه حجج اسلام آقایان میثم جواهری، محمد حسین کاظمی و حمید رضا خراسانی تشکر و قدردانی نماییم.

در پایان تذکراتی چند لازم است:

۱. هرگاه برای زائران عزیز مسأله‌ای پیش آمد، از روحانیون معظم کاروان‌ها سؤال نمایند. بعثت معظم له در موسم حج نیز همه‌روزه آماده پاسخگویی به سؤالات روحانیون مکرم و زائران محترم است.

۲. از آنجا که استحباب پاره‌ای از آداب و مستحباتی که در این کتاب ذکر شده، ثابت نیست، شایسته است آنها را به «امید ثواب» و «قصد رجاء» بجا آورند.

۳. گروه تحقیق و تألیف این اثر از پیشنهادهای و راهنمایی‌های مخاطبان عزیز صمیمانه استقبال خواهد کرد.

مسائل کلی

فصل اول: حجة الإسلام و شرایط وجوب آن

۱ اهمیت حجة الإسلام ♦ حج بر شخص مستطیع واجب است و حجی که به جهت استطاعت بر انسان واجب می شود، «حَجَّةُ الْإِسْلَام» نامیده می شود که در تمام عمر بیش از یک مرتبه واجب نیست و ترک آن از گناهان کبیره است و در منابع اسلامی وعده عذاب بر آن داده شده است.

۲ شرایط وجوب حجة الإسلام ♦ حجة الإسلام با چند شرط واجب می گردد و اگر یکی از آن ها نباشد، واجب نیست:
۱. بلوغ ۲. عقل ۳. استطاعت ۴. حریت.

۳ فوریت حج برای مستطیع ♦ وجوب حج بر شخص مستطیع فوری است؛ یعنی واجب است در اولین سال ممکن آن را انجام دهد، و تأخیر آن جایز نیست، و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد، و همین طور در سال های بعد.

۴ لزوم آماده کردن مقدمات برای رسیدن به اولین حج پیش رو ♦

اگر تشریف به حج، متوقف بر مقدماتی مانند ثبت نام و تهیه ویزا باشد، در صورت حصول استطاعت مالی واجب است آن مقدمات را تحصیل کند (به طوری که در اولین سال ممکن به حج برسد). و اگر مخارجی داشته باشد، باید بپردازد. و چنانچه کوتاهی کند و در اولین سال ممکن به حج نرود، حج برعهده او مستقر می شود. البته در صورت عدم تمکن از پرداخت این مخارج، مستطیع نیست.

۵ نتیجه ترک حج در اولین سال ممکن ♦ اگر با وجود شرایط

استطاعت در اولین سال ممکن، حج را ترک کند، حج بر ذمه او مستقر می شود و حج مستقر مانند یکی از دیون فوری است که بر مکلف واجب است برای انجام آن در اولین فرصت ممکن - و لو با کسب و کار یا قرض گرفتن و یا فروختن لوازم غیر ضروری منزل - اقدام کند.

بلی اگر رفتن به حج بر او حرجی شود، تأخیر حج تا زمان رفع حرج جایز است، ولی بر ذمه او باقی است.

۶ نایب گرفتن کسی که استطاعتش از بین رفته ♦ شخصی که

استطاعت داشته ولی حج انجام نداده تا این که استطاعت او از بین رفته، بر او واجب است که حج خود را انجام دهد؛ مگر این که انجام حج برایش مشقت شدید داشته و از این که بتواند تا آخر عمر، خودش حج را بدون تحمل مشقت شدید بجا آورد ناامید باشد؛ که در این صورت می تواند نایب بگیرد و این حج

از حجة الاسلام کفایت می‌کند حتی اگر عذرش برطرف شود.

۷ استحباب انجام حج قبل از استطاعت ♦ کسی که شرایط و جوب حج را ندارد و رفتن به حج برای او مستلزم امر حرامی مانند هتک حیثیت نیست، مستحب است حج بجا آورد. اما کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

۸ انجام حج پس از انجام حج واجب ♦ مستحب است کسی که حج واجب خود را انجام داده دوباره حج بجا آورد؛ و مستحب است حج را در هر سال تکرار کند؛ بلکه ترک حج در پنج سال متوالی مکروه است و مستحب است هنگام خروج از مکه قصد بازگشتن داشته باشد، و مکروه است قصد کند دیگر به مکه برنگردد.

۹ استحباب انجام حج هرچند با استیجار و نیابت ♦ کسی که مخارج حج را ندارد، مستحب است هرچند با اجیر شدن و نیابت از دیگری یا قرض کردن - در صورتی که توانایی ادای آن را داشته باشد - به حج برود.

۱۰ حج غیر مکلفین ♦ بر کودک و دیوانه حج واجب نیست؛ و اگر کودک، حج بجا آورد صحیح است ولی کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

۱۱ بلوغ کودک پس از احرام حج ♦ اگر کودکی که برای حج مُحرم شده است بالغ شود، حج او حجة الاسلام است و کفایت

می‌کند؛ هرچند بعد از درک مشعرالحرام بالغ شود.

۱۲ عاقل شدن مجنون قبل از مشعر ♦ اگر مجنون قبل از مشعر عاقل شود و مستطیع باشد، چنانچه بتواند احرام ببندد و پس از اعمال عمره تمتع و احرام حج، مشعر را درک کند باید به احرام عمره تمتع محرم گردد، و اگر نمی‌تواند، به حج افراد محرم گردد؛ و کفایت از حجة الإسلام می‌کند. در غیر این صورت باید در اولین سالی که می‌تواند حج بجا آورد.

۱۳ حج کودک ممیز و اذن ولی ♦ انجام حج برای بچه ممیز مستحب است، و حج او صحیح است؛ اگرچه ولی او اذن ندهد.

۱۴ ممانعت ولی از حج کودک ♦ اگر انجام حج، مستلزم تصرف در اموال کودک باشد، چنانچه ولی، حج را به مصلحت کودک نداند، باید مانع حج رفتن او گردد؛ و در هر حال اگر حج بجا آورد صحیح است، ولی کفایت از حجة الإسلام نمی‌کند.

۱۵ وظیفه ولی نسبت به اعمال حج کودک ♦ کودکی که با سرپرستی کسی به سفر حج آمده و خودش نمی‌تواند مستقلاً اعمال را بجا آورد، مستحب است سرپرستش او را محرم کند و اگر کودک با تلقین هم نمی‌تواند به شکل صحیح تلبیه بگوید آن شخص از طرف او تلبیه بگوید. همچنین در سایر اعمال اگر کودک نمی‌تواند بجا آورد، ولی از طرف او انجام دهد.

۱۶ مقصود از ولی و سرپرست کودک ♦ ولی و سرپرست در این

امر کسی است که شرعاً اختیار دارد کودک را به سفر حج ببرد خواه پدر یا جد باشد، یا غیر آن‌ها.

۱۷ وظیفه ولی در بازداشتن کودک از محرمات احرام ♦ ولی باید کودکی را که محرم کرده با نهی خود یا ممانعت عملی، از محرمات احرام (به جز زیر سایه رفتن که بر بچه حرام نیست) بازدارد؛ و در این امر فرقی بین ممیز و غیر او نیست. اما در مورد کودکی که مستقلاً محرم شده، وظیفه خاصی ندارد.

۱۸ کفاره شکار توسط کودک محرم ♦ اگر کودک محرم، مرتکب محرمات احرام شود، در غیر صید، کفاره نیست، و در صید چنانچه ولی کودک او را محرم کرده، کفاره بر عهده اوست، و در غیر این صورت بر عهده خود طفل است.

۱۹ قربانی در حج کودک ♦ اگر کودک مستقلاً حج بجا می‌آورد، قربانی بر عهده خود اوست؛ اما اگر ولی یا مأذون از طرف او کودک را به حج می‌آورد، پول قربانی بر عهده ولی است؛ هر چند کودک ممیز باشد و پول داشته باشد. البته اگر ولی پول ندارد، از مال کودک، قربانی تهیه کند و اگر کودک هم ندارد از طرف او روزه بگیرد.

۲۰ نیت حج استحبابی به گمان عدم وجوب آن ♦ اگر کسی به گمان عدم بلوغ، حج استحبابی را انشا کند^۱ و بعد معلوم شود

۱. به معنایی که در مسأله ۱۶۰ خواهد آمد.

بالغ بوده، حج او کفایت از حجة الإسلام نمی‌کند.

استطاعت

۲۱ امور معتبر در استطاعت ♦ در استطاعت چند امر معتبر

است:

۱. استطاعت مالی؛
۲. توانایی جسمی (استطاعت بدنی)؛
۳. باز بودن راه و داشتن امنیت در سفر (استطاعت طریقی)؛
۴. وسعت وقت و کفایت آن (استطاعت زمانی)؛
۵. تشرف به حج مستلزم اختلال در زندگی او نباشد؛
۶. رفتن به حج مستلزم هتک حیثیت او نباشد.

◀ استطاعت مالی

۲۲ امور معتبر در استطاعت مالی ♦ در استطاعت مالی چند

امر معتبر است:

- الف) داشتن هزینه حج؛
- ب) داشتن مخارج برگشت (اگر نیاز به برگشت داشته باشد)؛
- ج) مختل نشدن زندگی و محفوظ ماندن حیثیت در صورت

مصرف اموال برای حج.

۲۳ تأمین تدریجی مخارج سفر ♦ داشتن تمام مخارج سفر قبل از حرکت لازم نیست و همین که در هر مرحله‌ای مخارج لازم را داشته باشد کافی است؛ پس اگر قبل از حرکت، مخارج تمام سفر را ندارد ولی می‌داند که در طی مسافرت، مخارج او تأمین می‌شود، مستطیع است.

۲۴ استطاعت مالی از میقات ♦ کسی که در محل خودش مستطیع نیست، لازم نیست به حج برود هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد؛ ولی اگر به جایی برود که از آنجا می‌تواند حج بجا آورد با داشتن سایر شرایط، مستطیع است و باید حج بجا آورد.

۲۵ استطاعت با نداشتن پول قربانی ♦ کسی که می‌تواند روزه بگیرد، لازم نیست پول قربانی را داشته باشد تا مستطیع شود؛ پس چنانچه سایر شرایط وجوب حج را دارد ولی پول قربانی را ندارد، باید حج بجا آورد و به جای قربانی روزه بگیرد. بلکه اگر قادر بر روزه هم نباشد، حج بر او واجب نیست.

۲۶ بالارفتن بیش از حد هزینه‌های سفر حج در سال استطاعت ♦ اگر هزینه سفر - مثل اجرت ماشین یا هواپیما - در سال استطاعت، زیاد و بیش از حد متعارف باشد، مانع استطاعت نیست؛ مگر این‌که به قدری زیاد باشد که تهیه آن با مشقت

شدید یا هتک حیثیت همراه باشد.

۲۷ **تأمین مخارج سفر با فروش اموال** ♦ داشتن عین توشه سفر لازم نیست؛ و داشتن پولی که بتواند با آن توشه سفر را فراهم کند، یا مالی که بتواند با فروش آن مخارج سفر را تأمین کند کافی است.

۲۸ **استطاعت با فروش اموال مازاد بر نیاز** ♦ کسی که بعضی از لوازم زندگی اش - مثل املاک و جواهرات - یا بخشی از سرمایه کسب و کارش مورد نیاز او نیست و با فروش آن‌ها بدون مشقت شدید می‌تواند هزینه حج را تأمین کند، از نظر مالی مستطیع است.

۲۹ **فروش اموال به کمتر از قیمت بازار برای تأمین مخارج سفر** ♦ کسی که پول حج را ندارد اما اموالی دارد که به آن نیاز ندارد، چنانچه بتواند با فروش آن‌ها - هرچند به کمتر از قیمت متعارف - هزینه حج را تأمین کند، از نظر مالی مستطیع است؛ مگر آن‌که فروش به این نحو موجب مشقت شدید یا هتک حیثیت برای او شود.

۳۰ **فروش طلب، به مقدار کمتر برای تأمین مخارج حج** ♦ اگر طلب‌کار بتواند با فروش طلب خود به مبلغ کمتر، هزینه حج خود را تأمین کند، چنانچه این کار بر او مشقت شدید نداشته باشد مستطیع بوده و حج بر او واجب می‌گردد؛ هرچند در این فروش ضرر کند.

۳۱ تأمین مخارج سفر با تبدیل وسائل زندگی به وسائل ارزان‌تر ♦ کسی که هزینه حج را به طور نقدی ندارد، ولی اموال گران‌قیمتی مثل خانه یا ماشین دارد که می‌تواند بدون حرج و هتک حیثیت، با تبدیل آن به خانه یا ماشین ارزان‌تر، هزینه حج را تأمین کند، از نظر مالی مستطیع است؛ هرچند اموال فعلی زائد بر شوون او نباشد.

۳۲ استطاعت با ارث ♦ اگر اموالی که به فرد ارث رسیده به مقدار مخارج حج باشد، وی از نظر مالی مستطیع است.

۳۳ استطاعت با دریافت طلب ♦ کسی که هزینه حج را ندارد ولی به مقدار آن از دیگری طلب دارد، چنانچه گرفتن پول برای او موجب مشقت شدید یا هتک حیثیت نیست یا می‌تواند بدون مشقت شدید و هتک حیثیت آن را به مقدار هزینه حج مبادله کند، از نظر مالی مستطیع است.

۳۴ مطالبه مهریه برای انجام حج ♦ زنی که مهریه‌اش مساوی یا بیش از هزینه حج است، چنانچه بتواند بدون مشقت شدید و آبروریزی، مهریه‌اش را بگیرد استطاعت مالی را داراست.

۳۵ لزوم پرداخت مهریه برای انجام حج ♦ مردی که مهریه همسر خود را حج قرار داده یا تعهد کرده که همسرش را به حج بفرستد، چنانچه بتواند باید به آن عمل نماید.

۳۶ لزوم تأمین هزینه‌های حج از مال حلال ♦ تصرف در

مال حرام و مالی که وجوه شرعیۀ آن -خمس یا زکات یا ...- پرداخت نشده جایز نیست و کسی که می‌خواهد حج برود، باید کلیۀ هزینه‌های مربوط به حج -مانند پول ثبت‌نام و پول قربانی و لباس احرام و سوغاتی و ولیمه و ...- را از مال حلال تهیه کند. اما اگر مال او مشتبه است و علم به حرمت آن ندارد، در صورتی که از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد می‌تواند آن را صرف کند.

۳۷ خمس سپرده حج ♦ خمس پولی که برای انجام حج واجب پرداخت شده، در برخی موارد لازم نیست:

۱. از اموالی باشد که به آن خمس تعلق نمی‌گیرد مانند ارث، مهریه یا مالی که قبلاً خمسش پرداخته شده است.

۲. قبل از گذشت یک سال از زمان به دست آوردن آن به حج مشرف شود.

۳. در سال به دست آوردن مال ثبت نام کرده باشد و راه متعارف حج رفتن وی، متوقف بر ثبت نام باشد.

۴. راه متعارف حج رفتن وی متوقف بر پس انداز مال از همان سال به دست آوردن آن باشد.

۳۸ استطاعت با مال متعلق خمس و زکات ♦ کسی که مالی دارد که متعلق خمس یا زکات است، چنانچه علاوه بر خمس و زکات، مخارج حج را هم داشته باشد از نظر مالی مستطیع

است؛ در غیر این صورت، باید خمس و زکاتش را بپردازد و مستطیع نیست.

۳۹ استطاعت بدهکار ♦ کسی که بدهکار است و به مقدار مخارج حج مال دارد، در صورتی که هزینه کردن این مال در سفر حج باعث شود که نتواند بدهی خود را بپردازد یا پرداخت بدهی با مشقت شدید یا آبروریزی او همراه گردد، مستطیع نیست وگرنه از نظر مالی مستطیع است. و فرقی بین بدهی مدت‌دار و غیر آن نیست.

در هر صورت، چنانچه آن مال را در پرداخت بدهی مصرف نکند، از نظر مالی مستطیع است.

۴۰ قرض گرفتن برای حج ♦ بر کسی که هزینه حج را ندارد واجب نیست مخارج حج را قرض کند ولی اگر قرض بگیرد چنانچه در پرداخت بدهی به مشقت شدید نمی‌افتد، از نظر مالی مستطیع است.

۴۱ استطاعت فرد در صورت تأمین مخارج او توسط دیگری ♦ کسی که دیگری خرجی او را بدون ذلت می‌دهد - خواه واجب‌النفقة او باشد یا نه - چنانچه هزینه سفر حج را داشته باشد، از نظر مالی مستطیع است؛ بنابراین فرزندی که پدرش مخارج وی را تأمین می‌کند، اگر هزینه سفر حج را داشته باشد، با تحقق سایر شرایط، حج بر او واجب است.

۴۲ استطاعت با نیاز به شهریه ♦ طلاب و دانشجویانی که

زندگی آن‌ها از شهریهٔ حوزه و دانشگاه تأمین می‌شود، اگر هزینهٔ حج را داشته باشند، مستطیع‌اند و نیاز به شهریه مانع استطاعت نیست مگر در مورد کسی که انجام حج، وی را مجبور به ارتزاق از این وجوه می‌کند و این امر مناسب شأنش نیست.

۴۲ داشتن مخارج برگشت سفر حج ♦ در وجوب حج شرط است که اگر نیاز به برگشتن به مکانی، مثلاً وطن، را دارد، مخارج برگشتن را نیز داشته باشد.

۴۴ شرط نبودن رجوع به کفایت در استطاعت ♦ رجوع به کفایت - به این معنا که بعد از بازگشت از حج، مال یا شغل مناسبی داشته باشد که به وسیلهٔ آن تأمین معیشت کند- از شرایط حج نیست. بله، اگر رفتن به حج مستلزم اخلاص در معیشت شود (مثلاً باعث از دست دادن تنها محل درآمد زندگی‌اش شود) حج واجب نیست.

۴۵ به زحمت افتادن شوهر در اثر حج رفتن زن ♦ زنی که مخارج حج را دارد ولی با رفتن او به حج، شوهرش به زحمت می‌افتد، مستطیع است و باید به حج برود؛ مگر این‌که به زحمت افتادن شوهر موجب حرج یا آبروریزی برای زن باشد.

◀ حج بذلی

۴۶ حج بذلی و شرایط و جوب آن ♦ اگر مخارج حج فردی که استطاعت مالی ندارد را دیگری بر عهده بگیرد، با اطمینان به وفا و عدم رجوع وی، حج واجب می‌شود و این حج را «حج بذلی» گویند.

البته اگر قبول بذل و رفتن به حج، مستلزم اختلال در زندگی باشد، حج واجب نیست.

۴۷ استطاعت با شک در رجوع باذل از بذل ♦ اگر شک داشته باشد که باذل در بذلش رجوع می‌کند یا خیر، چنانچه بترسد که این امر باعث بروز مشکلی جدی برای او شود مستطیع نیست؛ و چنانچه باذل از بذل منصرف شود و شخص مخارج اتمام و برگشت از سفر حج را بالفعل نداشته باشد، رجوع باذل کشف از عدم استطاعت شخص می‌کند.

۴۸ کفایت حج بذلی از حجة الإسلام ♦ حج بذلی کفایت از حجة الإسلام می‌کند؛ پس اگر بعد از انجام حج بذلی، خودش هم استطاعت پیدا کند واجب نیست دوباره به حج برود.

۴۹ حصول استطاعت به مجرد در اختیار داشتن مخارج حج ♦ در حج بذلی و غیر بذلی، مالک بودن مخارج حج لازم نیست؛ بلکه همین مقدار که جایز باشد مالی که در اختیار اوست، خرج سفر حج کند کفایت می‌کند، هر چند مالک آن نباشد.

۵۰ **حصول استطاعت با بذل مقدار مورد نیاز از مخارج سفر** ♦ کسی که بخشی از مخارج حج را دارد، اگر بقیه مخارج به او بذل شود مستطیع می‌شود.

۵۱ **پذیرش هدیه برای انجام حج** ♦ کسی که مخارج حج به او هدیه شده، در صورتی که پذیرفتن بخشش و تحویل گرفتن آن مشقت شدید ندارد و این کار مخالف شأن و منزلت اجتماعی او به حساب نمی‌آید، مستطیع است؛ ولی اگر این کار دارای مشقت شدید یا مخالف شأن اجتماعی او باشد از نظر مالی مستطیع نیست. البته اگر بخشش را پذیرفت مستطیع است و حج بروی واجب می‌گردد و فرقی ندارد آن را برای حج ببخشند یا اختیار آن را به خودش واگذار کنند یا اصلاً اسمی از حج نبرند.

۵۲ **پول قربانی و کفارات در حج بذلی** ♦ بذل مخارج حج تمتع به حسب ظاهر عرفی، شامل پول قربانی و کفاراتی که سبب آن، از لوازم متعارف حج است نیز می‌شود؛ بنابراین کفاره اموری مثل تردد با ماشین سرپوشیده در فرض ضرورت بر عهده کسی است که مخارج حج را عهده‌دار شده است؛ مگر آن که بر خلاف آن تصریح کند.

۵۳ **پرداخت نکردن هزینه قربانی توسط باذل** ♦ در صورتی که بذل‌کننده، پول قربانی را عهده‌دار نشود اگر حاجی پول قربانی را داشته باشد باید حج بجا بیاورد و قربانی ذبح کند؛ و اگر پول ندارد ولی می‌تواند روزه بگیرد، به جای قربانی روزه می‌گیرد.

۵۴ رجوع باذل از بذل ♦ باذل می‌تواند از بذلش برگردد ولی اگر حاجی در بین راه باشد و نتواند به وطن بازگردد، باذل باید هزینه ادامه سفر را بپردازد. و اگر بعد از احرام رجوع کند باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد.

۵۵ استطاعت کارگزاران حج ♦ آنان که با مأموریت به حج می‌روند مانند روحانیون و پزشکان کاروان و کارگزاران حج، چنانچه توانایی انجام حج را هر چند از این راه داشته باشند و انجام حج با وظیفه کاری آن‌ها منافات نداشته باشد، حج بر آن‌ها واجب می‌شود.

◀ استطاعت غیر مالی

۵۶ تمکن مالی بدون سایر ابعاد استطاعت ♦ کسی که استطاعت مالی دارد ولی از جهات دیگر استطاعت ندارد، مثلاً بیمار است یا راه حج برای او باز نیست، انجام حج بر او واجب است؛ لذا چنانچه بیمار بتواند خود را معالجه کند برای این که بتواند حج بجا آورد باید خود را معالجه کند.

۵۷ لزوم ثبت نام با وجود استطاعت مالی ♦ کسی که استطاعت مالی دارد و از جهات دیگر هم می‌تواند استطاعت را تحصیل کند باید استطاعت در آن‌ها را در اولین سال ممکن تحصیل نماید تا بتواند به حج مشرف گردد؛ لذا در کشورهایی که باز

شدن راه حج منحصر به ثبت نام است، بر کسی که استطاعت مالی دارد ثبت نام واجب است.

۵۸ تهیه فیش آزاد برای تشریف به حج ♦ کسی که می تواند فیش حج به قیمت آزاد تهیه کند یا از فیش ثبت نامی دیگری استفاده کند، اگر این امر برای او مشقت شدید ندارد و با ذلت و خواری وی همراه نیست با داشتن شرایط دیگر استطاعت، حج بر او واجب می گردد.

۵۹ حصول استطاعت طریقی با فیش دیگری ♦ کسی که استطاعت مالی دارد ولی راهی برای رفتن به حج ندارد، اگر به واسطه اجیر شدن یا عمل به وصیت بر او واجب شده که با استفاده از فیش دیگری حج نیابی بجا آورد، حتی پس از رسیدن به میقات هم مستطیع نیست و باید حج نیابی را انجام دهد، ولی اگر وصیت یا قرارداد الزامی برای انجام حج نیابی در کار نباشد و با فیش دیگری راه برای او باز شده باشد مستطیع است و باید حج خود را بجا آورد. همچنین اگر تعهد وی برای حج نیابی مقید به امسال نباشد، چنانچه بتواند بعداً به تعهد خود عمل کند باید امسال برای خود حج بجا آورد.

۶۰ استفاده از فیش حج نیابی ♦ اگر فیش حج به شخصی داده شود به شرط این که با این فیش فقط حج نیابی بجا آورد ولی قراردادی الزامی برای حج نیابی نداشته باشد، حج نیابی بر او واجب نیست اما اگر بخواهد از فیش استفاده کند، باید با

آن فقط حج نیابتی بجا آورد.

۶۱ توقف انجام حج بر ترک واجب و صور مختلف آن ♦ اگر رفتن به حج، مستلزم ترک یکی از واجبات باشد، در صورتی که انجام آن واجب، اصل حج را در معرض از بین رفتن قرار نمی‌دهد باید واجب را انجام دهد و حج را در اولین سال ممکن انجام دهد.

ولی اگر انجام آن واجب، اصل حج را در معرض فوت قرار می‌دهد باید ملاحظه کند که حج مهم‌تر است یا آن واجب؛ پس اگر آن واجب مهم‌تر بوده یا فقط احتمال مهم‌تر بودن آن را می‌داد باید آن واجب را انجام دهد هر چند این کار سبب شود که دیگر نتواند حج را انجام دهد، و اگر حج مهم‌تر بود یا فقط احتمال اهمیت حج را می‌داد باید در اولین سال ممکن حج را انجام دهد، و اگر هر دو باهم برابر باشند یا احتمال اهمیت هر دو را یکسان بدانند، می‌تواند آن واجب را انجام دهد.

در تمامی صورت‌هایی که لازم یا جایز است که آن واجب دیگر را انجام دهد، اگر آن واجب را ترک کند مستطیع محسوب می‌شود و حج او صحیح خواهد بود، و در صورت ترک آن، حج بر عهده‌اش مستقر می‌شود.

۶۲ تراحم حج با ترک حرام ♦ اگر انجام حج مستلزم حرامی باشد، باید ملاحظه شود که آیا حج مهم‌تر است یا ترک آن حرام. صورت‌های مسأله و نیز حکم آن‌ها از مسأله قبل روشن می‌شود.

۶۳ **تزامم نذر و حج** ♦ کسی که نذر کرده که در روز عرفه، کربلای معلا یا یکی دیگر از مشاهد مشرفه را زیارت کند اگر با عمل به نذر، دیگر نتواند حتی در آینده حج بجا آورد، نذرش منعقد نمی‌شود ولی اگر عمل به نذر تنها باعث تأخیر حج شود، چنانچه قبل از حصول استطاعت، نذر کرده باشد باید به نذر عمل نماید، و اگر عمل نکرد باید در اولین سال ممکن حج انجام دهد و چنانچه قبل از نذر استطاعت مالی پیدا کرده باشد باید حج بجا آورد، ولی اگر حج بجا نیاید به نذرش عمل کند.

۶۴ **اجازه شوهر برای انجام حج** ♦ اگر زن مستطیع باشد باید حج بجا آورد و در این حج، اجازه شوهر شرط نیست؛ ولی برای حج و عمره مستحب، باید از شوهر خود اجازه بگیرد.

◀ احکام استطاعت

۶۵ **مصرف ضروریات زندگی برای انجام حج** ♦ شخص مستطیع به هر شکلی که به حج برود، مجزی از حجة الإسلام است؛ هرچند ضروریات زندگی خود را صرف حج کند.

۶۶ **اخلال در زندگی به واسطه انجام حج** ♦ داشتن ضروریات زندگی مانند مسکن در استطاعت معتبر نیست. بلی، یکی از شرایط استطاعت مالی، آن است که صرف مال در حج، زندگی انسان را مختل نکند؛ بنابراین کسی که با صرف مال در حج در

تأمین زندگی خود یا کسانی که نفقه آن‌ها عرفاً یا شرعاً بر او واجب است، دچار اختلال می‌شود، از نظر مالی مستطیع نیست. و در هر صورت، کسی که مخارج حج را دارد ولی حتی اگر به حج نرود نمی‌تواند ضروریات زندگی‌اش را تهیه کند یا این مال را در تهیه مسکن صرف نمی‌کند، باید به حج برود.

۶۷ | اخلال حج در شغل و تأمین مخارج زندگی ♦ کسی که در تأمین زندگی نیازمند مالی که در حج صرف می‌کند نباشد، اما رفتن به حج سبب برکناری او از شغلش باشد و برای تأمین مخارج زندگی دچار هتک حیثیت یا مشقت شدید شود، و نتواند این مشکل را حل کند یا رفع مشکل برایش با مشقت شدید همراه باشد، فعلاً حج بروی واجب نیست؛ ولی باید استطاعت مالی‌اش را حفظ کند و در رفع مشکل تلاش کند و بعد از برطرف شدن مشکل در اولین سال ممکن به حج مشرف شود؛ و اگر تا آخر عمر از برطرف شدن مشکل ناامید است در اولین سال ممکن برای انجام حج نایب بگیرد.

۶۸ | وجوب حج با نیاز به ازدواج ♦ نیاز به ازدواج، چنانچه به حد حرج نرسد، مانع از استطاعت نیست؛ البته کسی که نیاز مبرم به ازدواج دارد چنانچه با تشریف به حج، برای تهیه مخارج ازدواج به مشقت شدید افتد یا به کارهایی که موجب هتک اوست، مجبور شود، از نظر مالی مستطیع نیست. ولی در صورتی که پول را صرف ازدواج نکند و یا با صرف آن پول در حج بتواند از

راه دیگری - هرچند با کسب کردن یا قرض گرفتن بدون مشقت شدید- مخارج ازدواج را تأمین کند، حج بر وی لازم است.

۶۹ از بین بردن استطاعت ♦ کسی که مستطیع است باید حج بجا آورد و جایز نیست با مصرف کردن پول حج یا بخشیدن آن به دیگران حتی پدر و مادر، خود را از رفتن به حج ناتوان سازد.

۷۰ لزوم حفظ استطاعت مالی ♦ کسی که استطاعت مالی دارد ولی فعلاً از جهات دیگر مستطیع نیست، اگر راه انجام حج منحصر به نگهداری این پول باشد، تا نیاز شدیدی پیش نیامده نباید آن را مصرف کند و اگر بدون نیاز جدی، مال را مصرف کرد و حج را به تأخیر انداخت، حج بر او مستقر می‌شود؛ اما اگر نیاز جدی پیش آمد و مال را مصرف کرد، دیگر مستطیع نیست.

۷۱ داشتن استطاعت مالی و ناامیدی از تحقق سایر ابعاد استطاعت ♦ کسی که از نظر مالی مستطیع است چنانچه به خاطر بیماری و غیر آن، از یافتن سایر جهات استطاعت ناامید است باید با قصد قربت در اولین سال ممکن برای حج - و لو حج میقاتی- نایب بگیرد؛ و احتیاط مستحب آن است که مردان، مردی را که تاکنون حج بجا نیاورده و مالی برای رفتن به حج ندارد به حج بفرستند.

۷۲ انجام حج از جانب مستطیع توسط شخص دیگر ♦ مستطیع باید خودش حج بجا آورد و حج شخص دیگر از جانب او کفایت نمی‌کند؛ مگر در مورد کسانی که استطاعت مالی

دارند و از یکی از جهات دیگر تا آخر عمر استطاعت ندارند. البته مستطیع‌ای که انجام حج برایش حرجی است اگر با تحمل حرج، خودش حج بجا آورد کفایت می‌کند.

۷۳ حج نیابی و استحبابی مستطیع ♦ کسی که مستطیع است و حجۃ‌الاسلام خود را بجا نیاورده، نمی‌تواند از طرف دیگری برای حج نیاب شود یا حج استحبابی بجا آورد.

۷۴ استطاعت نیاب با دریافت اجرت حج ♦ کسی که با دریافت مزد، برای نیابت از دیگری استطاعت مالی پیدا کرده، چنانچه برای انجام حج در همان سال اول نیاب شده، باید در سال اول، حج نیابی بجا آورد و اگر با اجرتی که گرفته می‌تواند در سال بعد یا پس از آن برای خودش حج بجا آورد، مستطیع است و باید در اولین سال ممکن حجۃ‌الاسلام خود را بجا آورد. و اما اگر حج نیابی مقید به همان سال نباشد، چنانچه برای او محرز است که می‌تواند حج نیابی را در سال‌های بعد بجا آورد، حج خودش را مقدم کند، و الا باید حج نیابی را مقدم بدارد.

۷۵ به وجود آمدن اختلال غیرمنتظره در زندگی پس از انجام حج ♦ کسی که مخارج حج را داشته و با این اعتقاد که انجام حج موجب اختلال در زندگی یا هتک حیثیتش نمی‌شود، حج بجا آورد، ولی بعداً معلوم شود اشتباه کرده است، اگر به جهت صرف مال در حج، این اختلال یا هتک حیثیت پیش آمده، حجتی که انجام داده کفایت از حجۃ‌الاسلام نمی‌کند؛ ولی اگر

اختلال به این جهت نبوده - مثلاً به دلیل سرکار نرفتن، کارش را از دست داده و زندگی اش مختل شده - حجی که انجام داده کفایت از حجة الإسلام می‌کند.

۷۶ تحقیق از استطاعت در فرض شک ♦ اگر شک کند مالی که دارد به اندازه مخارج حج هست یا نه، لازم نیست تحقیق کند؛ هرچند مطابق احتیاط استحبابی است.

۷۷ ناآگاهی از استطاعت ♦ اگر مالی به اندازه مخارج حج، در اختیار داشته ولی فکر می‌کرده چنین مالی ندارد و وقتی بفهمد که دیگر مال موجود نیست، حج بروی واجب نیست؛ همچنین است کسی که نسبت به وجود چنین مالی شک داشته و با تحقیق هم نمی‌توانسته آن را بفهمد.

۷۸ وجوب وصیت به حج در صورت استقرار آن ♦ کسی که حجة الإسلام بر او واجب شده و انجام نداده، چنانچه بترسد حج از او فوت شود باید با مشاهده نشانه‌های مرگ در خود، از راهی - مثل سپردن هزینه حج به شخصی مورد اعتماد و وصیت به انجام حج - مطمئن شود که از طرف او حجة الإسلام انجام می‌شود.

۷۹ وصیت به حج و وظیفه ورثه ♦ اگر کسی وصیت کند که برای او عمره یا حج بجا آورند باید بعد از فوت، بدون تأخیر به وصیت عمل نمایند. البته چنانچه عمره یا حج مستحب باشد

و بیش از ثلث اموالش وصیت کرده باشد، در صورتی عمل به وصیت واجب است که ورثه اجازه دهند.

۸۰ شک در استطاعت متوفی ♦ اگر ورثه ندانند که متوفی مستطیع بوده یا خیر، لازم نیست از طرف او حج بجا آورند.

۸۱ فوت مستطیع ♦ کسی که استطاعت مالی دارد و برای حج نام‌نویسی کرده، اگر پیش از رسیدن نوبت از دنیا برود چنانچه می‌توانسته در زمان حیاتش با گرفتن نایب حج بجا آورد، باید پس از مرگ برای حج او نایب بگیرند.

۸۲ فوت مستطیع در سفر حج ♦ کسی که هنوز حج بر عهده‌ او مستقر نشده است اگر در سفر حج از دنیا برود -هرچند قبل از احرام باشد- حجی بر عهده‌ او نیست.

۸۳ فوت شخصی که حج بر او مستقر شده ♦ کسی که حج بر او مستقر شده، اگر قبل از انجام حج از دنیا برود، باید برای او -هرچند از میقات- حج بجا آورند، گرچه وصیت نکرده باشد؛ ولی لازم است در همان سال فوت، حج را ادا نمایند و تأخیر آن جایز نیست و اگر بترسند با تصرف در اموال به ارث رسیده از میت، حج از طرف وی فوت شود یا به تأخیر افتد، تا حج او را انجام ندهند نمی‌توانند در این اموال تصرف نمایند.

البته اگر میت به مقدار کافی مال برای حج نداشته باشد، بر وراث قضای حج او واجب نیست.

۸۴ وظیفه و رثه در فرض استقرار حج ♦ چنانچه گرفتن نایب در سال فوت، متوقف بر پرداخت هزینه‌ای بیش از هزینه متعارف یا اجیر گرفتن از شهر باشد، لازم است اجیر بگیرند و حج را به تأخیر نیندازند و در هر حال اجرتی که برای حج لازم است از اصل ترکه خارج می‌شود. بله، اگر حج میقاتی ممکن باشد و با این حال از بلد استیجار کنند، چنانچه میت نسبت به حج بلدی، وصیت نافذی نکرده باشد، در این صورت فقط به مقدار حج میقاتی می‌توانند از اصل ترکه بردارند.

۸۵ فوت کسی که حج بر او مستقر شده در سفر حج ♦ کسی که حج بر عهده او مستقر شده است، اگر بعد از احرام و ورود به حرم بمیرد، کفایت از حجة الإسلام می‌کند؛ ولی اگر قبل از احرام یا قبل از ورود به حرم بمیرد کفایت نمی‌کند.

۸۶ اهمال در انجام حج برای میت و از بین رفتن ترکه ♦ کسی که ترکه میت در اختیار وی بوده، اگر در انجام حج از جانب میت اهمال کند و ترکه از بین برود، ضامن است؛ هرچند وصی یا وارث نباشد.

فصل دوم: نیابت در عمره و حج

۸۷ ارکان نیابت ♦ به شخصی که به جای دیگری عملی را انجام می‌دهد «نایب» و به دیگری «منوبّ عنه» و کار وی را «نیابت» می‌گویند.

۸۸ شرایط نایب ♦ نایب باید دارای این شرایط باشد:

۱. عاقل باشد؛

۲. ممیز باشد؛

پس نیابت دیوانه از دیگری و نیز نیابت کودکی که به سن تمییز نرسیده صحیح نیست.

۳. مسلمان بلکه بنابر مشهور شیعه اثناعشری باشد؛

پس نیابت غیر مسلمان و بنا بر مشهور، نیابت غیر شیعه دوازده امامی صحیح نیست هرچند مطابق مذهب امامیه، حج بجا آورد.

۴. در سال نیابت، ذمه‌اش به حجة الإسلام خودش مشغول

نباشد؛

لذا کسی که در آن سال باید حجة الإسلام خودش را بجا آورد نمی‌تواند نایب دیگری بشود و اگر نایب شد حجش باطل است؛ اما اگر حجی دیگر بر او واجب باشد - چه آن حج به سبب استیجار واجب شده باشد چه به سبب وصیت و یا کفاره و یا نذر و یا ... - چنانچه معصیت کند و در آن سال از طرف شخصی دیگر نایب شود، حج او صحیح است و کفایت از منوب عنه می‌کند؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که به این حج اکتفا نشود.

البته این شرط در مورد نیابت در حج است نه اجزای

آن مانند نیابت در طواف یا سعی

۵. در هنگام عمل به مناسک عمره و حج - هر چند با راهنمایی دیگری - آشنا باشد. البته اگر اعمالی را که نمی‌داند مطابق احتیاط بجا آورد کافی است؛

۶. هنگام احرام بستن اطمینان داشته باشد که می‌تواند اعمال اختیاری عمره یا حج را انجام دهد؛ پس با تردید در این جهت نمی‌تواند در حج و عمره واجب نایب شود و عمل او باطل است، خواه نیابت مجانی باشد یا در مقابل پول؛

ولی اگر اتفاقاً در ضمن اعمال برای نایب عذری پیش بیاید، ضرری به نیابتش نمی‌زند. همچنین معذور بودن نسبت به

محرمات احرام، مانع صحت نیابت نیست.

۸۹ **نیابت شدن کسی که به حج نرفته** ♦ کسی که تاکنون به حج نرفته باشد، اگر خودش مستطیع نباشد و سایر شرایط نیابت را داشته باشد، می‌تواند برای انجام حج از طرف دیگری نیابت شود.

۹۰ **اجرت حج نیابتی با اشتغال ذمه نیابت به حج واجب** ♦ کسی که حجی -غیر از حجة الإسلام- بر عهده دارد اگر برای حج آن سال با دیگری قرارداد نیابت ببندد چنانچه نیابت در عقدی مانند جعاله باشد که عامل در آن تعهد عمل ندارد، عقدش صحیح است و استحقاق عوض مذکور در قرارداد را دارد هرچند برای ترک حجی که قبلاً واجب شده گناهکار است.

و چنانچه نیابت در عقدی مانند اجاره باشد که عامل در آن تعهد عمل دارد، قرارداد باطل است. لذا اگر نیابت عمل را بدون قصد مجانی بودن انجام داده، مستحق اجرت معمولی این حج است و اگر اجرت معمولی بیشتر از اجرت تعیین شده باشد در صورتی که نیابت به طور کلی (خواه قرارداد صحیح باشد خواه باطل) به اجرت تعیین شده راضی شده، نمی‌تواند بیشتر از آن بگیرد.

۹۱ **نیابت شدن فردی که حج بر او واجب است** ♦ کسی که حجة الإسلام بر او واجب است اگر به نیابت از دیگری محرم شده و اعمال عمره تمتع را هم بجا آورد، فایده ندارد و باید به

میقات برگشته و دوباره برای خودش محرم شود و اگر نمی‌تواند به میقات برگردد از حرم خارج شده، در خارج حرم محرم شود.

۹۲ انجام حج افراد از جانب کسی که وظیفه‌اش تمتع بوده ♦
 کسی که وقت کافی برای انجام عمره تمتع ندارد نمی‌تواند از طرف کسی که وظیفه او حج تمتع است نایب شود. البته اگر در وسعت وقت اجیر شده و بدون کوتاهی وی وقت عمره تنگ شود و حج افراد بجا آورد، از حج منوب عنه کفایت می‌کند خواه به جهت تنگ بودن وقت، از ابتدا به حج افراد محرم شده یا بعد از احرام عمره تمتع به حج افراد عدول کرده باشد.

۹۳ نیابت بانوان و خدمه کاروان با توجه به رمی آنان در شب ♦
 بانوان، کودکان ممیز و خدمه همراه آن‌ها که در حالت اختیار می‌توانند پس از وقوف شبانه در مشعر برای رمی جمره عقبه به منا بروند، نیابتشان صحیح است؛ البته اگر خدمه بتوانند قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند، باید بازگردند و تا طلوع آفتاب در آنجا وقوف نمایند.

۹۴ نایب شدن افراد عاجز از رمی در روز ♦ کسی که از رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم عاجز است، نیابتش در حجة الإسلام صحیح نیست.

۹۵ پذیرش نیابت با علم به ارتکاب برخی محرمات احرام ♦
 کسی که می‌داند در حال احرام محرماتی را که باعث بطلان

احرام نمی شود انجام می دهد، نیابتش صحیح است.

۹۶ ناتوانی نایب از قرائت صحیح ♦ نیابت کسی که نمی تواند تلبیه یا قرائت نماز را به شکل صحیح ادا نماید در حجة الإسلام، صحیح نیست. بنابراین فرزندی که قرائتش صحیح نیست، اگر از طرف پدرش حجة الإسلام انجام دهد، حجش باطل است؛ هرچند پدر به این امر وصیت کرده باشد.

۹۷ انجام مناسک با ناتوانی از قرائت صحیح ♦ کسی که نمی تواند تلبیه را صحیح ادا کند یا نمازش را با قرائت صحیح بخواند، می تواند برای خودش عمره یا حج واجب یا مستحب بجا آورد و برای دیگری عمره یا حج مستحب بجا آورد، ولی در هر صورت باید تا آخرین فرصت برای تصحیح قرائتش تلاش کند.

۹۸ شرایط منوب عنه ♦ در منوب عنه، اموری شرط است:

شرط اول: اسلام؛

نیابت از غیر مسلمان و کسی که به حکم غیر مسلمان است (مثل ناصبی) صحیح نیست. البته نیابت فرزند از پدر ناصبی اش صحیح است.

شرط دوم: بلوغ؛

نیابت از کودک، هرچند ممیز باشد صحیح نیست.

شرط سوم: عقل؛

نیابت از دیوانه صحیح نیست؛ البته حاکم شرع

می‌تواند از مال دیوانه‌ای که قبلاً حج بر او استقرار یافته، کسی را از جانب وی اجیر کند.

شرط چهارم: فوت منوب عنه یا ناتوانی وی از جهات غیر مالی؛

در نیابت حجة الإسلام یا باید منوب عنه فوت شده باشد و یا مستطیعی باشد که از جهات غیر مالی از انجام حج تا آخر عمر ناامید است.

این شرط در نیابت حج و عمره استحبابی نیست و در حجی که با نذر، قسم، شرط و مانند آن واجب شده، بستگی به کیفیت التزام آن‌ها دارد و در حج کفاره‌ای، اساساً نیابت صحیح نیست.

۹۹ نیابت زن و مرد از یکدیگر ♦ نیابت زن از مرد و نیابت مرد از زن صحیح است و در هر دو صورت، نایب باید وظیفه خود را رعایت کند.

۱۰۰ قصد نیابت و تعیین منوب عنه در حج نیابی ♦ لازم نیست نایب اسم منوب عنه را به زبان بیاورد ولی باید نیابت و منوب عنه را - هرچند اجمالاً - قصد کند، و اگر نیابت را قصد نکند، حج از طرف خودش واقع می‌شود، و چنانچه نیابت را قصد کند ولی منوب عنه را - هرچند اجمالاً - تعیین نکند، احرامش باطل است.

۱۰۱ نیت نایب در مناسک و محرمات احرام برای او ♦ نایب باید طواف نساء را نیز به نیت منوب عنه انجام دهد اما اگر

طواف نساء را به طور صحیح بجا نیاورد، زن بر خودش حلال نمی‌شود و بر منوبّ عنه چیزی نیست؛ و همچنین سایر محرمات احرام برای نایب حرام است نه منوبّ عنه. البته کسی که فقط برای انجام طواف نساء نایب شده، چنانچه آن را صحیح انجام ندهد، زن بروی حرام نیست ولی حرمت نساء بر منوبّ عنه اگر زنده باشد باقی می‌ماند.

۱۰۲ اختلاف مرجع نایب و منوبّ عنه و ملاک عمل در حج نیابی ♦

نایب باید در محرمات احرام و همچنین در سایر احکام حج و عمره، فتوای مرجع تقلید خود را رعایت کند تا به شکل صحیح محرم شده و از احرام خارج شود، و در صورتی که با نذر یا عهد یا اجاره یا شرط و مانند آن متعهد شده باشد که فتوای مرجع دیگری را رعایت کند، باید آن فتوا را نیز رعایت کند.

۱۰۳ حج از جانب فرد زنده و لزوم رعایت نظر مرجع وی ♦ اگر

کسی به جهت عذری لازم باشد برای حجة الإسلام در زمان حیاتش نایب بگیرد یا به انجام حج وصیت کند باید از راهی - مثل قید کردن در ضمن نیابت به این که نایب، فتوای مرجع تقلیدش را رعایت کند - مطمئن باشد که حج طبق وظیفه خودش انجام می‌شود و اگر چنین قیدی هم نکرده، بر نایب لازم است در انجام حج، فتوای مرجع تقلید وی را رعایت کند.

۱۰۴ لزوم احتیاط نایب در برخی موارد حج نیابی ♦ در جایی

که وصیت شده که برای حج نایب بگیرند و بر ولی نیز لازم

بوده که برای میت نایب بگیرد، نایب باید بین فتوای مرجع وصیت‌کننده و فتوای مرجع تقلید ولی میت احتیاط کند؛ و نیز باید با تفصیلی که در مسأله ۱۰۲ گذشت فتوای مرجع تقلیدش را نیز رعایت کند.

۱۰۵ گونه‌های مختلف نیابت ♦ در حج و عمره، نیابت با اجاره، جعله، شرط ضمن عقد و مانند این‌ها نیز محقق می‌شود. همچنان که نیابت از طرف میت یا در حج و عمره مستحبی به صورت تبرّعی هم صحیح است.

۱۰۶ انجام حج استیجاری در غیر از سال معین شده ♦ شخصی که برای حج در سال معینی اجیر شده، نمی‌تواند آن را زودتر یا دیرتر بجا آورد؛ مگر آن‌که از اجیرکننده برای این کار اجازه بگیرد و اگر بدون اجازه حج را زودتر یا دیرتر بجا آورد، چنانچه منوبّ عنه زنده باشد حج از عهده او ساقط نمی‌شود؛ ولی اگر مرده باشد هرچند حج از عهده منوبّ عنه ساقط می‌شود لکن نایب مستحق اجرتی نیست.

۱۰۷ واگذاری حج استیجاری به دیگری ♦ کسی که اجیر شده که شخصاً حج بجا آورد، نمی‌تواند بدون اجازه مستأجر، دیگری را برای این حج اجیر کند.

۱۰۸ مخارج حج استیجاری ♦ لباس احرام، پول قربانی و کفارات عمدی و غیرعمدی در حج نیابتی بر عهده اجیر است؛

مگر در صورتی که بر اساس قرارداد، مستأجر متعهد به پرداخت آن شده باشد.

۱۰۹ برداشته شدن حج از ذمه منوب عنه ♦ تا زمانی که نایب، اعمال حج را به طور صحیح انجام ندهد، حج از عهده منوب عنه ساقط نمی‌شود؛ مگر در موردی که در مسأله بعد بیان می‌شود.

۱۱۰ وفات نایب در اثنای سفر حج ♦ اگر پس از شروع سفر حج، آثار مرگ در نایب ظاهر شود باید برای حج منوب عنه، نایب بگیرد؛ و اگر نتواند نایب بگیرد، برای آن وصیت کند و حج نایب دوم از منوب عنه کفایت می‌کند.

و چنانچه نایب، قبل از آن که این امر فراهم شود فوت کند، حج از عهده منوب عنه ساقط می‌شود خواه حجة الإسلام باشد خواه حج واجب دیگر؛ و فرقی نمی‌کند نایب بعد از احرام بمیرد یا قبل از آن.

فوت نایب، قبل از انجام حج افراد یا قران نیز همین حکم را دارد ولی در هر صورت عمره مفرده یا قران از عهده منوب عنه ساقط نمی‌شود.

۱۱۱ لزوم حجت شرعی بر انجام حج توسط نایب ♦ وثوق و اطمینان به انجام عمل توسط نایب، شرط صحت نیابت نیست، لکن تا زمانی که حجت شرعی مثل اطمینان یا بینه بر انجام عمل توسط نایب وجود نداشته باشد نمی‌توان به آن اکتفا کرد.

۱۱۲ شک در انجام صحیح حج توسط نایب ♦ اگر نایب گیرنده در این‌که نایب اعمال را صحیح انجام داده شک داشته باشد، در صورت اعتماد به او، بنا بر صحت عملش می‌گذارد.

۱۱۳ رفع عذر معذور پس از استنابه دیگری ♦ مستطیع مالی که به جهت عذر نمی‌تواند خودش حج را انجام دهد اگر عذرش قبل از اتمام حج برطرف شود، باید خودش حج برود اما اگر عذرش پس از انجام حج از جانب وی، برطرف شود حج از عهده‌اش ساقط می‌شود و لازم نیست خودش حج بجا آورد؛ اگرچه موافق احتیاط استحبابی است.

۱۱۴ نیابت یک نفر از چند نفر ♦ در عمره و حج و طواف مستحب، یک نفر می‌تواند از طرف چندین نفر در یک سال نایب شود اما در حجة‌الاسلام و حج کفاره‌ای چنین نیابتی صحیح نیست و در عمره یا حجی که به جهت نذر، عهد یا اجاره و مانند آن واجب شده، صحت نیابت اشتراکی بستگی به کیفیت تعهد دارد؛ مثلاً اگر دو نفر نذر کنند که با هم کسی را اجیر نمایند می‌توانند یک نفر را برای حج اجیر کنند.

۱۱۵ شرکت دادن دیگران در مناسک مستحب ♦ انسان می‌تواند یک طواف یا یک عمره و یا یک حج مستحبی را هم از جانب خود و هم به نیابت از دیگران انجام دهد.

۱۱۶ عمره مفرده به نیابت از دیگران ♦ عمره مفرده مستحبی

را می‌توان به نیابت از یک یا چند نفر - زنده یا مرده - انجام داد؛ ولی به نیابت از هر کس که شروع شود، بقیه اعمال هم باید به همان نیت انجام شود.

۱۱۷ نیابت در انجام برخی مناسک ♦ نایب در حج یا عمره می‌تواند در اثنای مناسک، به نیابت از دیگری طواف یا سعی یا رمی یا ذبح کند، هرچند اعمال خود را بجا نیاورده باشد، ولی نمی‌تواند عمره یا حج دیگری بجا آورد؛ بلی قبل از احرام به عمره تمتع یا بعد از اتمام حج تمتع و گذشتن روزهای تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی‌حجه) می‌تواند عمره مفرده بجا آورد؛ و در این امر فرقی بین نایب اجیر شده و غیر او نیست.

۱۱۸ وظیفه نایب نسبت به عمره مفرده برای خودش ♦ کسی که به نیابت از دیگری به حج مشرف شده، بنا بر احتیاط مستحب برای خودش نیز عمره مفرده بجا آورد - مخصوصاً اگر برای انجام عمره مفرده، از وطن مستطیع بوده باشد -؛ مگر این که قبلاً برای خودش حجة الإسلام یا عمره مفرده بجا آورده باشد.

۱۱۹ انجام مناسک مستحبی به نیابت از آشنایان و معصومان علیهم‌السلام ♦ انجام عمره و حج مستحب از طرف خویشان و دوستان و غیر آن‌ها، هرچند در مکه یا حوالی آن حضور داشته باشند؛ همچنین از طرف حضرات معصومین علیهم‌السلام و حضرت بقیة الله الاعظم علیه‌السلام و امام زادگان لازم التکریم، مستحب است.

۱۲۰ اهدای ثواب حج مستحبی به دیگران ♦ ثواب حج
استحبابی را می‌توان به دیگران هدیه کرد؛ خواه از اول آن را به
نیت هدیه به دیگری انجام داده باشد و خواه بعد از انجام حج
تصمیم به این کار بگیرد.

فصل سوم: اقسام حج و عمره

۱۲۱ اقسام سه‌گانه حج و عمره ♦ عمره و حج سه‌گونه است:
۱. افراد؛ ۲. قرآن؛ ۳. تمتع.

۱۲۲ دو بخش حج تمتع ♦ حج تمتع مرکب از دو عمل است:
عمره تمتع و حج تمتع؛ و عمره تمتع مقدم بر حج است.

۱۲۳ وظیفه اهالی مکه در انجام حجة الإسلام ♦ حج افراد یا قرآن، همچنین عمره افراد یا قرآن وظیفه مستطیع از اهالی مکه یا ساکنین اطراف آن تا فاصله شانزده فرسخ شرعی (حدود ۸۰ کیلومتر) است.

۱۲۴ حج تمتع، وظیفه ساکنان مناطق دور از مکه ♦ مستطیعی که محل سکونت او تا مکه معظمه بیش از شانزده فرسخ شرعی (حدود ۸۰ کیلومتر) فاصله دارد، برای انجام حجة الإسلام باید حج تمتع بجا آورد.

۱۲۵ اعتبار استطاعت عمره و حج با هم در حج تمتع ♦ کسانی

که فاصلهٔ منزل آن‌ها تا مکه معظمه بیش از شانزده فرسخ شرعی است (مانند ایرانیان)، چنان‌چه استطاعت حج تمتع را داشته باشند، باید حج تمتع انجام دهند و اگر استطاعت حج تمتع را نداشته باشند، وظیفه‌ای ندارند و از آنجا که حج تمتع مرکب از عمره و حج تمتع است هیچ‌گاه استطاعت حج از استطاعت عمرهٔ تمتع جدا نیست.

البته اگر تنها استطاعت عمرهٔ مفرده را داشته باشند، احتیاط مستحب در انجام عمرهٔ مفرده است. بنابراین شخص غیرمستطیعی که حج تمتع استحبابی یا نیابی بجا می‌آورد، بنا بر احتیاط مستحب پس از انجام حج، برای خودش عمرهٔ مفرده بجا آورد؛ ولی تکرار عمرهٔ مفرده در سفرهای بعدی لازم نیست.

۱۲۶ جدایی استطاعت در حج با استطاعت در عمره برای

اهالی مکه ♦ اهالی مکه و ساکنین اطراف آن تا فاصلهٔ شانزده فرسخ، اگر فقط استطاعت برای حج داشته باشند، حج بر آن‌ها واجب است و اگر فقط استطاعت برای عمره داشتند، عمره بر آن‌ها واجب، و اگر استطاعت برای هر دو داشته باشند، هم حج و هم عمره بر آن‌ها واجب می‌شود؛ و در هر سه فرض بین افراد و قرآن مخیر هستند.

۱۲۷ تفاوت‌های عمرهٔ مفرده و عمرهٔ تمتع ♦ بین عمرهٔ مفرده و

عمرهٔ تمتع تفاوت‌هایی است مانند:

۱. عمره تمتع قبل از حج تمتع انجام می‌شود ولی عمره مفرده را می‌توان قبل یا بعد از حج افراد بجا آورد.
۲. عمره تمتع باید در ماه‌های حج (شوال، ذی‌قعدة، ذی‌حجه) انجام شود، بر خلاف عمره مفرده که در تمام سال - غیر از ایام تشریق - انجام می‌گیرد.
۳. بنا بر مشهور، عمره و حج تمتع باید در یک سال انجام شود؛ برخلاف عمره مفرده و حج افراد که جز در برخی حالات لازم نیست در یک سال واقع شوند.
۴. در عمره تمتع تقصیر متعین است و تراشیدن سر کفایت نمی‌کند، ولی در عمره مفرده، مردها بین حلق و تقصیر مخیرند؛ بلکه تراشیدن سر افضل است.
۵. عمره تمتع طواف نساء ندارد، ولی در عمره مفرده طواف نساء واجب است.
۶. در عمره تمتع با انجام تقصیر، تمام محرمات احرام - حتی بهره‌گیری جنسی زن و مرد از همدیگر - حلال می‌شود؛ برخلاف عمره مفرده که بهره‌گیری جنسی حلال نمی‌شود مگر پس از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن.
۷. بعد از عمره تمتع، خروج از مکه و حوالی آن - مگر در صورت حاجت که می‌توان با احرام بستن برای حج از مکه خارج شد - جایز نیست؛ به خلاف عمره مفرده که خروج از مکه بعد از آن، حتی در ماه‌های حج جایز است؛ هرچند حاجتی در

کار نباشد.

۸. نزدیکی با همسر قبل از انجام سعی اگر از روی علم و عمد و اختیار باشد، عمره مفرده را باطل می‌کند؛ برخلاف عمره تمتع که باطل نمی‌شود.

۹. انجام دادن عمره مفرده بعد از عمره تمتع و قبل از حج باعث بطلان عمره تمتع می‌شود به خلاف عمره مفرده که با انجام عمره مفرده دیگر بین حج افراد و آن، عمره یا حج باطل نمی‌شود.

۱۲۸ تفاوت‌های حج افراد و حج تمتع ♦ میان حج افراد و حج

تمتع تفاوت‌هایی وجود دارد؛ مانند این موارد:

۱. محل احرام حج تمتع، مکه معظمه است اما محل احرام حج افراد - همچون عمره تمتع - مواقیت معروف یا خارج حرم است. (با توضیحی که در احکام عمره تمتع - مسأله ۱۵۴ به بعد - خواهد آمد.)

۲. در حج تمتع انجام طواف مستحبی قبل از اعمال جایز نیست ولی در حج افراد جایز است. (با توضیحی که در مسأله ۱۵۸ خواهد آمد.)

۳. در حج افراد می‌توان در حال اختیار طواف زیارت و نماز آن و سعی را بر وقوف در عرفات و مشعر مقدم داشت، ولی مقدم داشتن این اعمال در حج تمتع جز در موارد خاص جایز نیست.

۴. قربانی کردن در حج تمتع واجب است، ولی در حج افراد

استحباب دارد.

۵. در حج افراد بعد از حلق یا تقصیر، بوی خوش حلال می‌شود، اگرچه طواف زیارت و سعی، قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام نشده باشد؛ اما در حج تمتع، با حلق و تقصیر، بوی خوش حلال نمی‌گردد، مگر برای کسی که طواف و سعی را مقدم کرده باشد.

۱۲۹ وجوب اتمام عمره و حج ♦ بر کسی که محرم به هرگونه عمره یا حج می‌شود، پس از گفتن تلبیه واجب است مناسک آن - حتی طواف نساء- را بجا آورد و نمی‌تواند آن را رها کند؛ هرچند مستحبی باشد.

۱۳۰ آموختن مناسک حج و عمره ♦ هنگام نیت عمره و حج، دانستن اعمال آن‌ها لازم نیست؛ بلکه باید با یاد گرفتن اعمال در وقت عمل، عمره و حج صحیح انجام شود. البته یادگرفتن اجمالی آن قبل از عمل بهتر و موافق احتیاط استحبابی است.

فصل چهارم: احکام عمره مفرده

۱۳۱ مناسک عمره مفرده ♦ اعمال عمره مفرده به ترتیب

عبارت است از:

۱. احرام؛ ۲. طواف؛ ۳. نماز طواف؛ ۴. سعی؛ ۵. حلق یا

تقصیر؛ ۶. طواف نساء؛ ۷. نماز طواف نساء.

۱۳۲ وجوب عمره مفرده با تبدیل حج تمتع به حج افراد ♦

کسانی که حج تمتع آن‌ها مبدل به حج افراد شده، باید پس از انجام حج و گذشتن روز سیزدهم ذی حجه عمره مفرده بجا آورند؛ هرچند حج تمتع آن‌ها استحبایی باشد.

۱۳۳ وجوب عمره مفرده برای ورود به مکه یا حرم ♦ ورود به

مکه یا حرم، بدون احرام جایز نیست؛ بنابراین کسی که در غیر ماه‌های حج می‌خواهد به مکه یا حرم برود، وقتی به میقات رسید باید به عمره مفرده محرم گردد.

۱۳۴ تکرار عمره مفرده و فاصله میان دو عمره ♦ تکرار عمره

مفرده مستحب است و فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست؛ حتی می‌توان در یک روز چندین عمره مفرده انجام داد هرچند تمام آن‌ها از طرف خود یا به نیابت از یک شخص باشد.

۱۳۵ انجام عمره مفرده قبل از طواف نساء حج یا عمره قبلی ♦

کسی که هنوز طواف نساءش را بجا نیاورده است - خواه طواف نساء حج باشد یا عمره مفرده - می‌تواند احرام عمره مفرده ببندد و در این صورت باید دو طواف نساء - یکی برای احرام جدید و دیگری برای احرام قبلی - بجا آورد.

۱۳۶ تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع ♦ مستحب است کسی

که در یکی از ماه‌های حج (شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه) برای خودش یا دیگری عمره مفرده مستحبی بجا آورده و بعد از پایان عمره از مکه بیرون نرفته، آن عمره را عمره تمتع استحبابی قرار دهد و پس از آن حج تمتع بجا آورد.

۱۳۷ خروج از مکه در اثنای عمره مفرده و پس از آن ♦ اگر

کسی در اثنای عمره مفرده یا بعد از آن از مکه یا حرم خارج شود، در بازگشت احتیاج به احرام مجدد ندارد؛ مگر آن‌که بعد از اتمام عمره خارج شده و هنگام بازگشت به حرم یا مکه یک ماه از احرام قبلی‌اش گذشته باشد. بنابراین کسانی که به عمره مفرده می‌روند و سازمان حج آن‌ها را به عرفات و مشعر و منا می‌برد و قبل از فاصله شدن یک ماه باز می‌گردند، لازم نیست

مجدداً محرم شوند؛ هرچند احرام عمره مفرده آن‌ها در ماه گذشته باشد.

۱۳۸ ممنوعیت عمره مفرده در برخی زمان‌ها ♦ انجام عمره مفرده قبل از عمره تمتع یا بعد از حج تمتع و گذشتن ایام تشریق (یعنی بعد از روز سیزدهم)، مانعی ندارد ولی بین عمره تمتع و حج آن، و همچنین در ایام تشریق جایز نیست.

عمره تمتع

از آنجا که معمول حجاج محترم، حج تمتع انجام می دهند، به بیان احکام حج تمتع (که از عمره تمتع و حج تمتع تشکیل می گردد) اکتفا می شود.

۱۳۹ اعمال عمره تمتع ♦ عمره تمتع مرکب از پنج عمل است:

اول: احرام؛

دوم: طواف کعبه؛

سوم: دو رکعت نماز طواف؛

چهارم: سعی بین کوه صفا و مروه؛

پنجم: تقصیر، یعنی کوتاه کردن مو یا گرفتن مقداری

از ناخن.

با انجام کامل این اعمال، آنچه به واسطه احرام بستن، حرام شده بود حلال می شود.

۱۴۰ زمان عمره تمتع ♦ عمره تمتع باید در ماه های حج (شوال،

ذی قعدة و ذی حجه) انجام شود و پایان وقت عمره تمتع زمانی است که محرم بتواند اعمال آن را به اتمام رساند و به حج تمتع

محرم شود و خود را قبل از غروب روز نهم به عرفات برساند.

۱۴۱ تأخیر احرام عمره تمتع از روی عذر و احرام به حج افراد ♦

کسی که وظیفه اش حج تمتع است اگر دیر به میقات رسیده و می‌ترسد با احرام عمره تمتع و انجام اعمال آن، نتواند قبل از غروب روز نهم به عرفات برسد، چنانچه در این تأخیر معذور بوده باید به حج افراد محرم شود و پس از انجام حج افراد و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده بجا آورد، و این حج مجزی از حج تمتع است.

۱۴۲ تأخیر بدون عذر احرام عمره تمتع و احرام به حج افراد ♦

کسی که وظیفه او حج تمتع است اگر احرام را بدون عذر تا تنگی وقت به تأخیر اندازد نباید به نیت عمره تمتع محرم شود.

بله اگر احتمال دهد که بتواند اعمال عمره تمتع را انجام دهد باید به نیت آنچه فعلاً مطلوب خداوند است - اعم از عمره تمتع یا حج افراد - یا به نیت آنچه که فعلاً وظیفه ظاهری اوست، یعنی حج افراد محرم شود؛ و در هر دو صورت اگر امکان انجام اعمال عمره تمتع و درک عرفات را یافت، اعمال عمره و حج تمتع را بجا می‌آورد و این حج مجزی از حجة الإسلام است؛ و الا باید اعمال حج افراد را بجا آورد ولی این حج، کفایت از حجة الإسلام نمی‌کند و نیازی به انجام عمره مفرده بعد از آن نیست؛ هر چند انجام عمره مفرده مطابق احتیاط استحبابی است.

۱۴۳ حج تمتع و عدول به حج افراد ♦ کسی که برای انجام حجة الإسلام به احرام عمره تمتع درآمده، اگر دیر به مکه رسیده یا پس از رسیدن به مکه اعمال را به قدری تأخیر انداخته که می‌ترسد با انجام اعمال عمره به وقوف عرفات نرسد، باید حج افراد بجا آورد و بعد از انجام حج افراد و گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرده بجا آورد و این حج کفایت از حجة الإسلام نمی‌کند؛ مگر آن‌که در این تأخیر معذور باشد.

۱۴۴ حج مستحب و تنگ شدن وقت عمره تمتع ♦ اگر کسی در حج استحبابی، بعد از احرام به عمره تمتع برای بجا آوردن آن وقت ندارد، باید حج افراد بجا آورد و بعد از انجام اعمال حج افراد و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده بجا آورد.

۱۴۵ تبدیل وظیفه زن به حج افراد با معذوریت وی از انجام عمره تمتع ♦ زنی که وظیفه‌اش حج تمتع است اگر به جهت حیض یا نفاس از انجام طواف عمره تمتع و نماز آن معذور است، چنانچه در هنگام احرام مطمئن باشد که تا آخر وقت عمره تمتع فرصتی برای طواف و نماز آن ندارد، باید به نیت حج افراد محرم شود و پس از انجام آن و گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرده بجا آورد. البته، اگر اتفاقاً قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد باید نیت خود را به عمره تمتع برگرداند و با همان احرام اعمال عمره تمتع و پس از آن حج تمتع را بجا آورد. در هر دو صورت این حج مجزی از حجة الإسلام خواهد بود.

۱۴۶ احرام به نیت وظیفه فعلیه با احتمال تحقق عذر شرعی ♦

زنی که در میقات دچار حیض و نفاس است اگر احتمال دهد که به این جهت نتواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید به نیت وظیفه فعلیه - اعم از عمره تمتع یا حج افراد - یا به نیت حج افراد که فعلاً وظیفه ظاهری اوست، محرم شود اما اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد، باید اعمال عمره و حج تمتع را بجا آورد؛ و گرنه اعمال حج افراد و پس از گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده را بجا آورد و مجزی از حجة الإسلام است.

۱۴۷ عذر شرعی پس از احرام به عمره تمتع ♦ سه دسته از

زن‌ها باید به احرام عمره تمتع محرم شوند:

اول: زنی که در میقات پاک است و می‌داند حیض یا

نفاس نمی‌بیند؛

دوم: زنی که در میقات پاک است و شک دارد حیض یا

نفاس می‌بیند یا خیر؛

سوم: زنی که در میقات حائض یا نفساء است، ولی

می‌داند که تا آخرین وقت عمره تمتع پاک می‌شود.

۱۴۸ فوریت انجام مناسک با احتمال تحقق عذر ♦ زنی که

محرم شده و احتمال می‌دهد قبل از انجام عمره تمتع دچار حیض یا نفاس شود، بنابراین احتیاط مستحب پس از ورود به مکه، بدون تأخیر اعمال آن را انجام دهد.

۱۴۹ حائض شدن زن پس از احرام به عمره تمتع و قبل از اعمال ♦

زنی که به احرام عمره تمتع محرم شده ولی قبل از طواف، حیض یا نفاس دیده است، در صورتی که از پاک شدن ناامید باشد باید سعی را بر طواف مقدم کند و بعد از سعی تقصیر کند. در غیر این صورت هم می‌تواند سعی و تقصیر را مقدم دارد و تأخیر آن‌ها لازم نیست؛ هرچند مطابق احتیاط استحبابی است. و در هر حال اگر با تقصیر از احرام خارج شد چنانچه بتواند بعد از انجام طواف و نماز آن، خود را قبل از غروب به عرفات برساند، باید طواف عمره و نماز آن را بجا آورد؛ و اگر پاک نشد با احرام حج تمتع به عرفات می‌رود و پس از پاک شدن و قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را بجا می‌آورد.

احرام

مکان احرام

۱۵۰ احرام برای ورود به مکه و حرم ♦ کسی که قصد دارد وارد حرم یا مکه شود، جایز نیست بدون احرام وارد حرم یا مکه شود؛ مگر این‌که از چهار گروهی باشد که در مسأله بعد بیان می‌شود.

۱۵۱ ورود به مکه و حرم بدون احرام ♦ چهار گروه‌اند که می‌توانند بدون احرام وارد مکه و حرم شوند:

۱. کسانی که قبلاً احرام حج یا عمره بسته‌اند و اعمال آن را بجا آورده‌اند و از آن احرام یک ماه کامل نگذشته است، هرچند ماه عوض شده باشد؛
۲. اشخاصی که به خاطر شغلشان زیاد وارد مکه یا حرم شده و از آن خارج می‌گردند (مانند رانندگان مسیّر مکه)؛

۳. مبطون، بلکه هر مریضی که احرام و مناسک حج برایش مشقت دارد، هرچند به حد حرج نرسد؛
۴. کسانی که محرم شدن برای آن‌ها با اضطرار و استیصال همراه است.

۱۵۲ میقات‌ها ♦ میقات‌ها پنج موضع هستند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای احرام کسانی که از آن نقاط عبور می‌کنند، معین فرموده‌اند: ۱. ذو الحلیفه؛ ۲. جحفه؛ ۳. وادی عقیق؛ ۴. قرن المنازل؛ ۵. یلملم.

• «مسجد شجره» در منطقه ذوالحلیفه، نزدیک مدینه منوره واقع شده و میقات کسانی است که از آن مسیر به مکه می‌روند.

• «جُحْفَه» میقات کسانی است که از راه شام به مکه می‌روند. اکنون بسیاری از زائران از جده به جحفه می‌روند و در آنجا محرم می‌شوند.

• «وادی عقیق» که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «نَمْرَه» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند، میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

• «قَرْنُ الْمَنَازِل» میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

• «يَلْمَلَمَ» میقات اهل یمن و کسانی است که از آن مسیر به مکه می‌روند.

۱۵۳ راه شناخت میقات ♦ برای شناخت میقات، شهادت دو

مرد عادل کافی است؛ بلکه گواهی اهل محل نیز کفایت می‌کند.

۱۵۴ وجوب احرام در میقات ♦ کسی که عازم مکه است و از یکی از مواقیت یا نزدیکی آن‌ها عبور می‌کند و عذری همچون بیماری ندارد، باید در همان میقات احرام ببندد و جایز نیست بدون احرام از آن میقات بگذرد؛ همان طور که قبل از میقات حتی با نذر هم نمی‌تواند محرم شود. افراد معذور مانند بیماران می‌توانند بدون احرام از میقات گذشته و در یکی از میقات‌های دیگر محرم شوند.

۱۵۵ تأخیر عمدی احرام از میقات ♦ کسی که از روی علم و عمد و اختیار، احرام را از میقات به تأخیر انداخته، اگر نتواند به آن میقات برگردد، باید به یکی دیگر از مواقیت پنج‌گانه برود و از آنجا محرم شود وگرنه احرام و حج یا عمره او باطل است و نمی‌تواند وارد مکه یا حرم شود.

۱۵۶ تأخیر غیر عمدی احرام از میقات ♦ کسی که به سبب عذری مثل فراموشی یا ندانستن، بدون احرام از میقات عبور کرده:

الف) چنانچه برگشتن به همان میقات برایش ممکن باشد و با برگشتن بتواند به اعمال عمره برسد، باید برگردد و از همان میقات احرام ببندد.

ب) اگر نمی‌تواند به همان میقات برگردد، چنانچه میقات دیگری سرراه اوست باید از آن میقات محرم شود.

البته در هر دو صورت اگر تخلف کرده و از سایر مواقیت پنج گانه احرام ببندد، صحیح است.
 ج) اگر نمی‌تواند به همان میقات برگردد و میقات دیگری هم سر راه او نیست از هرجا که هست، احرام ببندد. البته اگر داخل حرم شده، در صورت امکان باید برای احرام از حرم خارج شود و گرنه همان جا مُحرم شود و لیبیک بگوید.

۱۵۷ ترک احرام عمره تمتع از روی ناآگاهی یا فراموشی ♦ کسی

که به سبب فراموشی یا ندانستن مسأله، بدون احرام، اعمال عمره تمتع را انجام داده و زمانی متوجه شده، که وقت جبران گذشته، باید احتیاطاً حج تمتع نیز بجا آورد اما برای حج واجب به آن اکتفا نکند.

۱۵۸ محل احرام برای عازم از غیرمدینه بدون عبور از میقات ♦

کسانی که از غیر مدینه، عازم مکه‌اند و از میقات و نزدیکی آن هم عبور نمی‌کنند هر کجا قبل از حرم، مُحرم شوند صحیح است؛ هرچند احتیاط مستحب آن است که در محاذی میقات مُحرم شوند و در این صورت نیازی به نذر نیست. البته اگر نذر کنند از مکان معینی مُحرم شوند باید از همانجا احرام ببندند.

۱۵۹ مقصود از محاذی میقات ♦ مراد از محاذات میقات

برای کسی که به طرف مکه می‌رود، رسیدن او به جایی است که میقات به خط مستقیم در طرف راست یا چپ او واقع شود

به طوری که اگر از آنجا بگذرد، میقات متمایل به پشت او شود.

۱۶۰ محل احرام با حرکت از مدینه به مکه ♦ کسی که از مدینه منوره عازم مکه است باید در «مسجد شجره» که در منطقه ذوالحلیفه واقع است، نیت احرام را «انشا کند»، یعنی بگوید یا از قلب خود بگذراند که می‌خواهم مناسک و اعمال عمره تمتع یا عمره مفرده یا حج افراد یا ... بجا آورم؛ ولی گفتن لبیک واجب در کل منطقه ذوالحلیفه جایز است و لازم نیست داخل مسجد شجره باشد.

۱۶۱ محل احرام با حرکت از مدینه به مکه از راه نامتعارف ♦ کسی که از غیر راه متعارف، از مدینه عازم مکه است باید پس از آن‌که به مقدار فاصله مسجد شجره از مدینه قدیم (حدود ده کیلومتر) دور شد محرم شود و قبل از این مکان حتی با نذر هم نمی‌تواند محرم شود.

۱۶۲ احرام در قسمت توسعه یافته مسجد شجره ♦ نیت احرام از قسمت‌های توسعه یافته مسجد هم صحیح است و لازم نیست در محل مسجد اصلی نیت کند.

۱۶۳ احرام حائض در مسجد شجره ♦ بانوان حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد شجره نیت احرام نمایند و با لبیک گفتن محرم شوند؛ همچنان که می‌توانند در خارج مسجد محرم گردند. و اگر قسمت بانوان مسجد شجره تنها یک در

داشته باشد، بانوان حائض باید در خارج مسجد محرم شوند.

۱۶۴ وظیفه جنب در فرض عدم امکان احرام در مسجد ♦ اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود، نباید وارد مسجد شود؛ بلکه باید از کنار مسجد نیت احرام کند.

۱۶۵ احرام در مسجد با نهی از توقف در آن ♦ اگر جنب یا حائض یا نساء عسیاناً یا از روی فراموشی در مسجد شجره توقف نموده و محرم شود، احرامش صحیح است.

۱۶۶ تأخیر احرام تا جحفه در صورت ضرورت ♦ تأخیر احرام از مسجد شجره تا جحفه برای مریض و ناتوان و نیز در صورت ضرورت، جایز است.

۱۶۷ احرام از جُحْفَه ♦ زائرانی که از جدّه به جحفه می‌روند و از آنجا عازم مکه می‌شوند (مانند زائران ایرانی مدینه بعد)، باید در منطقه جُحْفَه محرم شوند.

۱۶۸ تعیین میقات در منطقه جحفه ♦ تمام منطقه جحفه میقات است و اختصاصی به مسجد واقع در جحفه ندارد.

۱۶۹ احرام از جدّه و در طریق مکه ♦ کسانی که از جدّه به مکه می‌روند می‌توانند در خود جدّه محرم شوند؛ به شرطی که از مدینه به قصد مکه به جدّه نیامده باشند و از جحفه یا مواقیت

دیگر و نزدیکی آن‌ها هم عبور نکنند؛ چنانکه می‌توانند قبل از رسیدن به حرم و مکه هر کجا که بخواهند محرم شوند.

۱۷۰ محل احرام برای افراد حاضر در مکه ♦ کسی که در مکه است، اگر بخواهد عمره مفرده یا تمتع بجا آورد، می‌تواند از حرم خارج شود - مثلاً به مسجد تنعیم برود - و به عمره تمتع محرم گردد؛ هرچند بهتر است که از یکی از مواقیت پنج‌گانه محرم شود. در این حکم فرقی بین ساکنان مکه و زائران آن نیست. البته کسی که بدون احرام از میقات یا نزدیکی آن گذشته، حکم خاصی دارد که در مسائل پیش گفته شد.

واجبات احرام

۱۷۱ واجبات احرام ♦ واجبات احرام سه چیز است:

۱. پوشیدن لباس احرام (بنا بر مشهور)؛
۲. نیت احرام؛
۳. تلبیه (لبیک گفتن).

۱۷۲ سیر اجمالی احرام بستن ♦ کسی که می‌خواهد محرم شود، باید پس از بیرون آوردن لباس‌های عادی، لباس مناسب احرام بپوشد و «نیت احرام» نماید و برای محرم شدن «لبیک» بگوید؛ پس از لبیک گفتن، شخص محرم شده و محرمات احرام بر او حرام می‌گردد و بنابر احتیاط اکید استحبابی قبل از

پوشیدن لباس، برای احرام غسل کند و لباس احرام پوشیده، پس از نماز، نیت احرام نماید.

۱۷۳ شرطیت ختان در احرام ♦ در صحت احرام بنا بر احتیاط ختنه بودن شرط است، بنابراین چنانچه بدون ختنه احرام ببندد، بنا بر احتیاط نسبت به صحت احرامش مطابق احتیاط عمل کند. البته در صحت احرام زن یا پسر نابالغ ختنه شرط نیست.

◀ غسل احرام

۱۷۴ غسل احرام ♦ یکی از آداب استحبابی احرام غسل است و بنا بر احتیاط مؤکد مستحب، کسی که می‌خواهد محرم شود، برای احرام غسل نماید؛ و در این حکم فرقی بین مرد و زن، حائض و غیر او نیست.

۱۷۵ مکان غسل احرام ♦ بهتر است غسل احرام در میقات انجام شود ولی انجام آن قبل از میقات نیز - به ویژه با ترس نیافتن آب در میقات - صحیح است؛ و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد، اعاده مستحب است.

۱۷۶ مبطلات غسل احرام ♦ چهار چیز غسل احرام را باطل می‌کند:

۱. پوشیدن پیراهن و به سر بستن دستمال و روسری

و مقنعه برای مردان و زدن نقاب برای بانوان؛

۲. خوردن غذای معطر؛

۳. خوابیدن قبل از تلبیه در مورد کسی که در میقات یا نزدیک آن غسل کرده؛

۴. فاصله افتادن به مقدار یک روز بین غسل و لبیک گفتن.

غسل اول شب، برای محرم شدن تا قبل از طلوع فجر کفایت می‌کند. همچنین غسل پس از طلوع فجر (بلکه حوالی آن) برای احرام در آن روز کافی است.

سایر مبطلات وضو و غسل، غسل احرام را باطل نمی‌کند و خوابیدن پس از لبیک گفتن، اشکال ندارد.

۱۷۷ آداب غسل احرام ♦ مستحب است هنگام غسل احرام

این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَظُهُورًا وَحِزْرًا
وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، اللَّهُمَّ
ظَهِّرْ لِي وَظَهِّرْ قَلْبِي وَأَشْرِحْ لِي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي
مَحَبَّتَكَ وَمِدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ؛ فَإِنَّهُ لَأَقْوَمُ لِي إِلَّا بِكَ؛
وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ، وَالِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ
نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...».

◀ ۱. لباس احرام

۱۷۸ احرام بدون رعایت شرایط لباس ♦ پوشیدن لباس احرام، شرط صحت احرام نیست؛ هرچند بنا بر مشهور پوشیدن آن هنگام لبیک گفتن واجب است و در هر حال اگر لباسی را که پوشیده شرایط لباس احرام را نداشته باشد، به احرام ضرری نمی‌رساند.

۱۷۹ در آوردن لباس قبل از میقات ♦ لازم نیست در آوردن لباس‌های معمولی و پوشیدن لباس‌های احرام در میقات، هنگام احرام بستن باشد؛ بلکه می‌تواند قبل از آن لباس احرام را بپوشد.

۱۸۰ لباس احرام مردان ♦ لباس احرام برای مردان دو جامه است که یکی را مانند «لنگ» به کمر می‌بندند، و دیگری «ردا» است که آن را برشانه می‌اندازند.

۱۸۱ اکتفا به یک جامه در احرام ♦ در حال اختیار نباید به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ و مقداری را ردا قرار دهد، اکتفا کند؛ بلکه باید از دو جامه جدا استفاده کند.

۱۸۲ لباس احرام بانوان ♦ این دو جامه مخصوص مردان است، و بانوان برای احرام لباس مخصوص ندارند، و می‌توانند در لباس‌های معمولی خود - اگر شرایط مذکور در مسأله بعد را داشته باشد - محرم شوند.

۱۸۳ شرایط لباس احرام ♦ لباسی که محرم در حال احرام

می‌پوشد - مرد باشد یا زن - نباید از ابریشم خالص باشد، و واجب است شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد؛ پس باید پاک و حلال باشد و از اجزای مردار یا حیوانی که خوردن گوشت آن حرام است نباشد.

۱۸۴ آداب لباس احرام و پوشیدن آن ♦ مستحب است لباس احرام سفید و پاکیزه و از جنس پنبه باشد و مکروه است در جامه سیاه یا راه‌راه یا جامه چرکین احرام ببندد.

و مستحب است هنگام پوشیدن جامه احرام، بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوْدَى فِيهِ فَرْضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَ عَنِّي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي، وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي، وَحِزْبِي، وَظَهْرِي وَمَلَاذِي، وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَدُخْرِي، وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي.»

۱۸۵ قصد قربت در پوشیدن لباس احرام ♦ برای بیرون آوردن لباس‌های معمولی و پوشیدن لباس‌های احرام، نیت احرام و همچنین قصد قربت لازم نیست؛ هرچند احتیاط مستحب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او را داشته باشد.

۱۸۶ ویژگی‌های لنگ و ردا ♦ لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد همچنین بنابر احتیاط ردا، نازک و بدن‌نما نباشد.

۱۸۷ تطهیر لباس و بدن محرم ♦ هرگاه لباس یا بدن محرم نجس شود باید بدون تأخیر، آن را تطهیر نماید یا لباس را عوض کند؛ ولی اگر این کار را نکند، کفاره ندارد.

۱۸۸ نجاست بخشیده شده در لباس احرام ♦ در مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار اشکال ندارد، نجس بودن لباس احرام نیز اشکال ندارد.

۱۸۹ احرام در لباس غصبی ♦ کسی که عمداً در لباس غصبی -مانند لباسی که خمس آن پرداخت نشده- محرم شود، هرچند گناه کرده اما احرامش صحیح است. البته احتیاط مؤکد مستحب آن است که به آن احرام اکتفا نکند.

۱۹۰ احرام در جامه پوستی ♦ بنابر احتیاط مستحب نباید جامه احرام از پوست باشد؛ لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانعی ندارد.

۱۹۱ احرام در لباس نمدی ♦ لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد؛ بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانعی ندارد.

۱۹۲ طهارت از حدث در حال احرام ♦ در حال احرام بستن، پاک بودن از حدث اصغریا حدث اکبر شرط نیست؛ پس احرام در حال جنابت و حیض و نفاس، یا با بدن و لباس نجس نیز صحیح است.

۱۹۳ اندازه لنگ و ردا ♦ لنگ و ردا اندازه خاصی ندارد و تنها باید به نحو متعارف باشد؛ یعنی به حدی که به آن لنگ و ردا بگویند و لازم نیست که لنگ، ناف و زانوها را بپوشاند؛ گرچه مستحب است.

۱۹۴ کیفیت پوشیدن جامه احرام ♦ در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب و کیفیت خاصی معتبر نیست بلکه به هر شکلی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ و دیگری را ردا قرار دهد، به هر کیفیتی که می‌خواهد، و احتیاط مستحب آن است که ردا شانه‌ها را بپوشاند.

۱۹۵ تعویض جامه احرام ♦ اگر مُحرم جامه احرام را عوض کرده، افضل بلکه موافق احتیاط استحبابی آن است که هنگام ورود به مکه، برای طواف، همان جامه‌ای را که در آن مُحرم شده بپوشد.

۱۹۶ درآوردن جامه احرام بعد از احرام بستن ♦ لازم نیست جامه احرام را همیشه پوشیده باشد؛ بلکه می‌تواند آن را برای حاجت و غیر حاجت کنار بگذارد.

۱۹۷ پوشیدن بیش از دو جامه احرام ♦ شخص محرم می‌تواند بیشتر از دو جامه احرام بپوشد؛ مثلاً دو ردا بپوشد. بلکه می‌تواند برای غرضی مثل حفظ از سرما از پتو استفاده نماید، و دوخته بودن پتو مانع ندارد. ولی باید شرایط لباس

احرام را داشته باشد.

۱۹۸ اضطرار محرم به پوشیدن لباس دوخته ♦ اگر مُحرم به جهت سردی هوا یا غیر آن، ناچار شود از قبا یا پیراهن استفاده کند، می‌تواند قبا و پیراهن را به دوش اندازد، لکن نباید آن‌ها را بیپوشد؛ بلکه باید قبا را پایین و بالا کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند و اگر اضطرار رفع نمی‌شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می‌تواند بیپوشد ولی باید کفاره بدهد.

۱۹۹ چگونگی کندن لباس دوخته در حال احرام ♦ اگر کسی پس از احرام پیراهن بیپوشد - خواه عالم به حرمت آن باشد یا جاهل - لازم است که پیراهن را از پایین در آورد، و اگر بدون شکافتن پیراهن نتواند آن را از پایین بیرون بیاورد لازم است آن را بشکافد؛ و همچنین اگر در پیراهن مُحرم شده باشد، باید آن را از پایین بیرون آورد و اگر لازم باشد، آن را بشکافد. مگر این‌که از روی جهل به مسأله باشد که در این صورت درآوردن پیراهن به‌طور معمول کفایت می‌کند.

◀ نماز احرام

۲۰۰ چگونگی نماز احرام ♦ مستحب بلکه مطابق احتیاط استحبابی مؤکد است که نیت احرام بعد از نماز واجب یا

مستحب - مانند نماز تحیّت مسجد - باشد، و بهتر است بعد از نمازهای یومیه - خواه نماز ادا باشد و خواه نماز قضا - محرم شود و بهترین حالت، آن است که احرام بعد از نماز ظهر باشد. و اگر نمی‌تواند، پس از یک یا دو نماز مستحبی، و بهتر از این آن است که پس از سه نماز دو رکعتی محرم شود.

۲۰۱ مکان نماز احرام برای عازم از مدینه ♦ کسی که از مدینه به مکه می‌رود و در مسجد شجره محرم می‌شود، نماز احرام را در مسجد شجره بجا می‌آورد.

۲۰۲ نماز احرام برای حائض یا نفسا ♦ حرام است زن در حال حیض و نفاس نماز احرام بخواند؛ همچنان‌که برای احرام بستن نباید در مسجد توقف نماید.

۲۰۳ آداب نماز احرام ♦ بهتر است در رکعت اول نماز احرام پس از حمد، سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر پیامبر و آل او بفرستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ، وَأَمَرَ بِوَعْدِكَ، وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَلَا آخُذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ؛ وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحُجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْزِمَ لِي عَلَيْهِ، عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقَوِّبَنِي عَلَى مَا صَعُفْتُ عَنْهُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي، فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي

مَنْ وَفَدَكَ الَّذِي رَضِيتَ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَنَيْتَ .
 اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ
 مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي
 أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ
 يَحْبِسُنِي، فَحِلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ
 عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً؛ أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي
 وَبَسْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَخُحِّي وَعَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ
 وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ؛ أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ.»

◀ ۲. نیت

۲۰۴ امور معتبر در نیت احرام ♦ در نیت احرام چند امر معتبر

است:

الف) تعیین در نیت: یعنی خصوصیات عمره یا حجی را که برای آن احرام می‌بندد مشخص کند، هرچند به نحو اجمال؛ مثلاً اگر هم حج نذر بر او واجب است هم حجة الإسلام، با نیت، نوع آن را معین کند، و اگر به نیابت از دیگری بجا می‌آورد، قصد نیابت و تعیین منوب عنه لازم است.

ب) قصد قربت: یعنی با نیت خالص برای خداوند

متعالم احرام ببندد.

ج) انشای احرام: نیت احرام عمره یا حج را انشا کند؛ یعنی بگوید یا از قلب خود بگذرانند که می‌خواهم مناسک عمره یا حج را بجا آورم (و داشتن انگیزه و نیت ارتکازی کافی نیست).

در نیت احرام عمره تمتع - علاوه بر موارد مذکور - لازم است قصد کند عمره تمتع را به عنوان بخشی از مجموعه عمره و حج بجا می‌آورد.

۲۰۵ قصد پرهیز از محرمات و حرام کردن آن در هنگام احرام بستن ♦ در نیت احرام، قصد حرام کردن محرمات احرام بر خود و قصد پرهیز از آن‌ها لازم نیست؛ بلکه تصمیم بر ارتکاب محرمات احرام در اثنای احرام، ضرری به احرام نمی‌زند؛ مگر در احرام عمره مفرده که اگر مکلف بداند یا احتمال بدهد که نزدیکی با زن قبل از اتمام سعی عمره را باطل می‌کند و قصد انجام چنین کاری را داشته یا در این کار تردید داشته باشد، احرامش باطل است.

۲۰۶ به زبان آوردن نیت ♦ به زبان آوردن نیت در هیچ کدام از مناسک عمره و حج، لازم نیست. بلکه در احرام مستحب است نیت را به زبان بیاورد.

۲۰۷ تلفظ اشتباهی نیت ♦ اگر به جای عمره تمتع، حج تمتع را نام ببرد چنانچه در نظر دارد همین کاری که همه مردم بجا

می‌آورند او هم بجا آورد و گمان کرده که اسم جزء اول اعمال، حج تمتع است، عمل او صحیح است؛ همچنین است اگر قصد ادای مطلوب فعلی شارع را داشته و اشتباهاً نام حج تمتع را ببرد؛ و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

۲۰۸ نیت حجة الإسلام به جای حج مستحبی ♦ کسی که مستطیع نیست یا حج واجب خود را انجام داده و برای حج مستحبی به حج آمده است اگر از روی غفلت و اشتباه، هنگام نیت نام حجة الإسلام را ببرد، احرام او صحیح است.

۲۰۹ مقدم داشتن حج تمتع بر عمره در نیت ♦ اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمره آن مقدم است و نیت حج تمتع کند به این قصد که پس از احرام به عرفات و مشعر برود و حج بجا آورد و عمره را پس از آن بجا آورد، احرام او باطل است.

۲۱۰ فراموش کردن مناسک نیت شده پس از تلبیه ♦ اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا حج تمتع، اگر احتمال بدهد هنگام احرام متوجه وظیفه خود بوده، بنا بگذارد که مطابق وظیفه خود نیت کرده است.

۲۱۱ نیت ارتکازی در مناسک عمره و حج ♦ به جز احرام، در نیت سایر اعمال عمره و حج، بناگذاری قلبی لازم نیست بلکه تنها نیت ارتکازی کافی است؛ به طوری که مثلاً اگر در حال طواف

از او بپرسند: «چه می‌کنی؟» بگوید: «برای خدا طواف می‌کنم».

۲۱۲ ریا در احرام ♦ کسی که در احرام عمره یا حج، ریا کند اصلاً محرم نشده است؛ بنابراین اگر وقتی بفهمد که جبران آن ممکن نباشد، لازم نیست حج افراد یا عمره مفرده بجا آورد.

۳. لَبَّيْكَ گفتن

۲۱۳ تلبیه و قصد قربت در آن ♦ سومین عمل واجب احرام، لبیک گفتن است که به آن «تلبیه» می‌گویند و لازم است تلبیه را پس از نیت، برای خداوند متعال بگوید.

۲۱۴ الفاظ تلبیه واجب ♦ صورت تلبیه واجب چنین است:
«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ
الْحَمْدَ وَالتَّعَمَّةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

و گفتن «لَبَّيْكَ» دیگر در آخر عبارت لازم نیست. هر چند مانعی هم ندارد.

۲۱۵ مقدار واجب لبیک ♦ برای محرم شدن تنها یک بار لبیک گفتن لازم است.

۲۱۶ صحیح گفتن الفاظ تلبیه ♦ واجب است مقدار واجب از تلبیه را به طور صحیح بگوید.

۲۱۷ وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه و نماز ♦ وقف

به حرکت و وصل به سکون در گفتن تلبیه و خواندن نماز اشکال ندارد؛ هرچند خلاف احتیاط استحبابی است.

۲۱۸ یادگیری تلبیه ♦ اگر مقدار واجب تلبیه را نمی‌داند باید یاد بگیرد؛ هرچند به این‌که در صورت امکان، احرام را تا تنگی وقت به تأخیر بیندازد تا آن را یاد بگیرد یا به کمک تلقین دیگری، آن را به شکل صحیح ادا نماید؛ یعنی آن شخص شمرده بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

۲۱۹ ناتوانی از ادای تلبیه صحیح ♦ اگر نتواند تلبیه را یاد بگیرد - هرچند به جهت این‌که وقت برای یادگیری تلبیه تنگ است - و نتواند با تلقین دیگری آن را ادا کند، باید نایب بگیرد و احتیاط مستحب آن است که خود نیز به کامل‌ترین شکلی که می‌تواند - هرچند با تلقین - تلبیه را بگوید.

۲۲۰ ورود در احرام با لبیک گفتن ♦ پیش از گفتن تلبیه محرمات احرام بر محرم حرام نمی‌شود، و اگر آنچه را که در حال احرام کفاره دارد بجا آورد، کفاره‌ای بر او واجب نمی‌شود؛ هرچند لباس احرام را پوشیده و نیت احرام هم کرده باشد.

۲۲۱ نقش تلبیه در انعقاد احرام ♦ انسان با گفتن تلبیه، داخل احرام می‌شود و تا از احرام بیرون نیامده، باید از کارهایی که بر محرم حرام است پرهیز کند؛ و همچنین با گفتن تلبیه،

تطهیر بدن در صورت نجس شدن آن و تطهیر لباس متنجس یا عوض کردن یا درآوردن آن - در صورتی که پوشیدنش واجب نباشد - بر او لازم است.

۲۲۲ عبور از میقات بدون ادای تلبیه ♦ کسی که قصد دارد وارد حرم یا مکه شود تا زمانی که لبیک واجب را نگوید نباید از میقات بگذرد. همان‌گونه که در مسأله ۱۵۴ گذشت.

۲۲۳ تلبیه مستحب ♦ مستحب است پس از گفتن تلبیه واجب، بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبَدِيُّ
وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا التَّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ
عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ»

و خوب است این جملات را نیز بگوید:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ
وَ عُمْرَةٍ مَعَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُنْعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ
لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا

عَلَيْكَ لَبَّيْكَ.»

۲۲۴ بلند گفتن تلبیه ♦ مستحب است مردان هنگام محرم شدن، تلبیه را بلند بگویند. اما بلند گفتن تلبیه توسط زنان به طوری که نامحرم بشنود مکروه است؛ بلکه اگر نوعاً محرک باشد حرام و بنا بر احتیاط باطل است.

۲۲۵ تکرار تلبیه ♦ مستحب است محرم - هر چند حائض یا نفساء باشد - تلبیه را زیاد بگوید و هر چه بتواند تکرار کند و در روایات برای هفتاد مرتبه گفتن تلبیه ثواب زیادی ذکر شده است و لازم نیست همه آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند بلکه کافی است بگوید «لبيك اللهم لبيك» یا فقط «لبيك» را تکرار کند.

۲۲۶ موارد استحباب تکرار تلبیه ♦ تکرار تلبیه در بعضی زمان‌ها بیشتر سفارش شده است.

(الف) بعد از هر نماز واجب و مستحب؛

(ب) وقت سوار شدن و پیاده شدن؛

(ج) وقت رسیدن به شخص سواره؛

(د) هنگام بالا رفتن از سربالایی و سرازیر شدن از آن؛

(ه) وقت برخاستن از خواب و هنگام سحر.

۲۲۷ محدوده استحباب تکرار تلبیه ♦ استحباب تکرار تلبیه برای کسی که از مواقیت محرم به عمره تمتع شده تا وقتی است

که به خانه‌های مکه قدیم (محدوده مکه زمان پیامبر اکرم ﷺ) می‌رسد و بعد از آن، دیگر تکرار تلبیه مستحب نیست و برای کسی که احرام حج بسته است استحباب تکرار تلبیه تا ظهر روز عرفه است و برای کسی که از ادنی الحل (مانند تنعیم) محرم شده تا زمان مشاهده مسجدالحرام است.

۲۲۸ شک در صحت برخی از اعمال احرام ♦ اگر بعد از غسل یا نماز یا تلبیه در صحت آن‌ها شک کند، چنانچه احتمال می‌دهد به رعایت شرایط صحت توجه داشته، اعمالش صحیح است و اعاده لازم نیست.

مستحبات و مکروهات احرام

۲۲۹ مستحبات پیش از احرام ♦

۱. کسی که می‌خواهد حج بجا آورد از اول ذی‌قعدة و شخصی که قصد عمره مفرده دارد از یک ماه قبل، موی سر و ریش خود را کوتاه نکند؛
۲. قبل از احرام، بدن خود را شستشو دهد؛
۳. موی زیر بغل و عانه را تمیز کند؛
۴. ناخن و شارب خود را کوتاه کند؛
۵. غسل کند؛ و بنا بر احتیاط مؤکد استحبابی غسل احرام ترک نشود.

۲۳۰ مکروهات احرام ♦

۱. شستن جامهٔ احرام اگر در حال احرام چرک شود؛
۲. خوابیدن در رختخواب و بالش سیاه و زردرنگ؛
۳. حمام رفتن و ساییدن بدن با کیسه و مثل آن؛
۴. استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند؛
۵. «لَبَّيْكَ گفتن» در پاسخ کسی که او را صدا می‌زند.

محرمات احرام

۲۳۱ توضیحی پیرامون محرمات احرام ♦ در محرمات احرام

فرقی بین عمره و حج و اقسام آن‌ها نیست؛ همچنان که فرقی بین حج و عمره واجب و مستحب، حج نیابی و غیر آن نیست. برخی از محرمات احرام، مخصوص مردان و برخی مخصوص بانوان و بقیه محرمات بین مرد و زن مشترک است.

برخی از محرمات احرام مانند دروغ گفتن و دشنام دادن و استمنا در غیر حال احرام هم حرام است و حرمت آن در حال احرام شدیدتر خواهد بود.

بر محرمی که بدون عذر، مرتکب یکی از محرمات احرام شده، واجب است که «استغفار» کند، و انجام بسیاری از محرمات احرام، علاوه بر این که گناه است، «کفاره» هم دارد که توضیح آن در مسائل بعدی خواهد آمد.

۲۳۲ محرمات احرام ♦ بیست و یک چیز بر محرم حرام است

که عبارتند از:

- بهره‌گیری جنسی زن و مرد از یکدیگر؛
- عقد کردن و شاهد عقد شدن؛
- استمنا؛
- پوشیدن لباس معمولی (برای مردان)؛
- استفاده بانوان از دستکش؛
- پوشاندن پا با پاپوش (برای مردان)؛

- پوشاندن سر (برای مردان)؛
- پوشاندن صورت (برای بانوان)؛
- فرو بردن تمام سر در آب؛
- زیر سایبان حرکت کردن و تردد با وسیله نقلیه
- مسقف (برای مردان)؛
- زینت کردن؛
- پوشیدن زیورآلات؛
- استفاده از عطریات؛
- استعمال روغن؛
- بیرون آوردن خون از بدن؛
- گرفتن ناخن خود؛
- جدا کردن مواز بدن خود یا دیگری؛
- دروغ و دشنام و فخرفروشی؛
- جدال (قسم خوردن به خداوند متعال)؛
- کشتن و انداختن جانوران روی بدن؛
- شکار حیوانات وحشی صحرائی.

◀ اول: لذت جویی شهوانی

۲۳۳ لذت‌های حرام در حال احرام ♦ انجام امور شهوانی زیر

بر محرم حرام است:

- نزدیکی هرچند منی خارج نشود؛
- هرگونه تماس از روی شهوت (بوسیدن، درآغوش گرفتن، لمس کردن و ...)؛ هرچند همراه با خروج منی نباشد؛
- نگاه کردن به همسر اگر از روی شهوت و همراه با خروج منی باشد؛
- نگاه کردن به غیر همسر در صورت علم به خروج منی جایز نیست چه با شهوت باشد چه بدون شهوت؛
- بوسیدن همسر اگر همراه با خروج منی باشد هرچند از روی شهوت وی را نبوسد؛
- و احتیاط مستحب در ترک مطلق لذت جویی است.

۲۳۴ التذاذ جنسی زن از شوهر ♦ همچنان که بر مرد محرم، التذاذ جنسی از زن حرام است، بر زن محرم نیز التذاذ جنسی از مرد حرام است.

۲۳۵ وظیفه زن نسبت به لذت بردن مرد و به عکس ♦ زن یا مرد محرم نباید اجازه دهد که همسرش از وی التذاذ جنسی ببرد؛ هرچند همسر او در حال احرام نباشد.

۲۳۶ لذت جویی از غیر همسر ♦ حرمت استمتاع زن و مرد از یکدیگر، اختصاص به همسر ندارد؛ بلکه اگر بین زن و مرد اجنبی هم باشد باز هم حرام است.

۲۳۷ ارتباط بدون التذاذ با همسر ♦ محرم می‌تواند با همسر

خود - هرچند او نیز محرم باشد - صحبت کند یا به او نگاه کند یا کنار وی بنشیند یا بدون شهوت دست او را بگیرد.

۲۳۸ ارتباط با محارم ♦ محرمیت محارم - مانند مادر، خواهر، عمه و خاله - در حال احرام نیز باقی است و معاشرت با آنها با غیر حال احرام تفاوتی ندارد.

عقوبت آمیزش

۲۳۹ نزدیکی در عمره تمتع ♦ نزدیکی بعد از پایان سعی در عمره تمتع بدون تردید باعث فساد عمره نمی شود بلکه ظاهراً قبل از سعی نیز همین طور است؛ چه عالم به مسأله باشد چه جاهل.

و احتیاط مستحب آن است که اگر این عمل پیش از پایان سعی واقع شد، عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه بجا آورد و اگر وقت تنگ است حج را به نیت مافی الذمه بجا آورد و بعد از حج و گذشتن ایام تشریق، عمره مفرده انجام دهد؛ و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند.

۲۴۰ کفاره آمیزش قبل از پایان سعی در عمره تمتع ♦ نزدیکی با همسر از روی علم و عمد و اختیار در عمره تمتع قبل از پایان سعی، یک شتر و بعد از سعی و قبل از تقصیر، یک قربانی، اعم از شتر یا گاو یا گوسفند کفاره دارد؛ و قربانی کردن شتر از گاو، و

قربانی کردن گاو از گوسفند افضل است.

۲۴۱ نزدیکی با همسر در احرام حج ♦ اگر محرم با علم و عمد و اختیار در احرام حج با همسرش نزدیکی کند باید یک شتر قربانی کند - وقوف به مشعر را درک کرده باشد یا خیر - البته اگر بعد از پایان اعمال و تمام شدن شوط چهارم طواف نساء نزدیکی کند اگر چه مرتکب حرام شده است و باید استغفار کند ولی کفاره ندارد.

۲۴۲ نزدیکی با زن مُحرم پس از خروج شوهر از احرام ♦ اگر شوهر از احرام خارج شده و در حالی که هنوز همسرش از احرام بیرون نیامده با وی نزدیکی کند، کفاره بر عهده زن قرار می‌گیرد ولی باید شوهر از مال خود این کفاره را بپردازد.

۲۴۳ نزدیکی با همسر در احرام حج، قبل از درک مشعر ♦ اگر محرم با علم و عمد و اختیار در احرام حج - واجب باشد یا مستحب - قبل از وقوف به مشعر با همسرش نزدیکی کند علاوه بر این که باید یک شتر قربانی کند دو امر دیگر هم بر وی لازم می‌گردد:

۱. انجام حج در سال آینده؛ ۲. جدایی زن و مرد محرم.

تفصیل این مسأله در مسائل آینده خواهد آمد.

۲۴۴ مراد از وقوف در مشعر در مسائل مذکور ♦ مراد از وقوف به مشعر، ادراک مقدار رکنی آن است، ولی احتیاط مستحب آن

است که در نزدیکی، پس از ادراک رکن و قبل از پایان واجبات وقوف به مشعر نیز این حکم جاری گردد.

۲۴۵ آمیزش با همسر موقت ♦ مراد از همسر در مسأله محرمات

احرام، همسر دائمی یا کسی است که به مدت طولانی به ازدواج موقت وی درآمده به طوری که عرفاً او را اهل و همسروی می‌دانند، ولی اگر در مدت کوتاهی مثلاً یک ساعت به ازدواج وی درآمده این احکام را ندارد؛ اگر چه نزدیکی با او حرام است.

۲۴۶ نوع حج عقوبتی ♦ حجی که سال بعد، به عنوان عقوبت

لازم است بجا آورده شود باید از نظر نوع، مانند حج اول باشد هر چند آن حج، استحبابی بوده است.

۲۴۷ احکام جدایی زن و شوهر پس از جماع در حال احرام ♦

منظور از این که زن و شوهر در صورت آمیزش، باید از یکدیگر جدا شوند این است که باید تا زمان نحر شتر قربانی در منا بلکه تا پایان مناسک از یکدیگر جدا شوند؛ به این صورت که در مکان خلوت مانند اتاق و چادر بدون حضور شخص سوم حضور نیابند، و اگر از همان مسیر برمی‌گردند جدایی تا رسیدن به محل معصیت ادامه داشته باشد. همچنین اگر در سال آینده از آن مسیر عبور می‌کنند پس از رسیدن به محل معصیت به همین گونه از یکدیگر جدا شوند.

۲۴۸ اجبار زن محرم به نزدیکی ♦ اگر محرمی زن محرم خود

را مجبور به نزدیکی کند، باید دو کفاره بپردازد؛ و در این صورت حج سال بعد برزن واجب نیست. ولی اگر زنش به این کار راضی باشد، کفاره زن بر عهده خودش است.

۲۴۹ وجوب حج برای عقوبت آمیزش با همسر ♦ نزدیکی قبل از وقوف به مشعر، حج را فاسد نمی‌کند، ولی حج سال آینده به جهت عقوبت معصیتی که مرتکب شده، واجب می‌شود. این مسأله نتایجی دارد:

۱. چنانچه حجی را که در آن نزدیکی کرده حجة الإسلام بوده، آن را به نیت حجة الإسلام تمام می‌کند و با اتمام آن، ذمه اش از حجة الإسلام فارغ می‌شود؛ و اگر قبل از انجام حج در سال آینده از دنیا برود، انجام حج از طرف او واجب نیست.

۲. اگر حج اول را به نیابت از دیگری انجام می‌دهد، حج او از منوب عنه واقع می‌شود؛ و اگر ذمه منوب عنه به حج مشغول بوده از آن فارغ می‌گردد و ملکیت نایب بر تمام اجرت استقرار می‌یابد؛ مگر آن که مستاجر شرط کرده باشد حجی به نیابت از او بجا آورد که خللی از این نوع نداشته باشد.

۳. حج دوم را به نیت حج عقوبتی انجام می‌دهد؛ البته چنانچه به طور اجمال نیت کند که وظیفه فعلی اش را انجام دهد کافی، بلکه مطابق احتیاط مستحبی است.

۴. اگر مرد در حجة الإسلام مرتکب این کار شده باشد، برای

خروجش از احرام باید حلق کند، و در سال آینده که باید حج بجا آورد بین حلق و تقصیر مخیر است.

۵. اگر سال آینده انجام حج برای وی مقدور نشد، تکلیفی ندارد.

۲۵۰ نزدیکی با همسر در عمره مفرده ♦ نزدیکی با همسر قبل از پایان سعی در عمره مفرده اگر از روی علم و عمد و اختیار باشد، موجب بطلان عمره است و یک شتر کفاره دارد و با بطلان عمره، از احرام بیرون آمده و لازم است تا اول ماه قمری جدید در مکه بماند، سپس به یکی از مواقیت پنج‌گانه، بلکه میقات منطقه خودش برود و برای عمره‌ای دیگر محرم شود؛ بنابراین اگر مثلاً در اواخر ماه رجب جماع کرده، می‌تواند در اول ماه شعبان برای احرام عمره جدید به میقات برود و لازم نیست سی روز از آن بگذرد.

۲۵۱ نزدیکی موجب کفاره ♦ در جماع موجب کفاره، فرقی نیست نزدیکی از جلو باشد یا پشت؛ البته کفارات مذکور اختصاص به نزدیکی با همسر دارد ولی اگر العیاذ بالله زنا یا لواط کند، گناه بزرگی مرتکب شده ولی کفاره ندارد.

۲۵۲ تمکین زن محرم از شوهر غیر محرم ♦ اگر زن محرم با علم و عمد و اختیار حاضر شود که شوهرش که اصلاً محرم نشده با وی نزدیکی کند، احکام فوق بر وی جاری می‌گردد، و اگر هر دو محرم باشند این احکام بر هر دو ثابت می‌شود.

عقوبت لذت جویی های دیگر

۲۵۳ کفاره بوسیدن بدون شهوت همسر ♦ اگر مرد مُحرم، همسرش را بدون شهوت ببوسد و از وی منی خارج شود باید یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر از وی منی خارج نشود کفاره ندارد.

۲۵۴ کفاره بوسیدن همسر از روی شهوت ♦ اگر مرد محرم همسرش را از روی شهوت ببوسد باید یک شتر کفاره دهد، خواه منی خارج شود و خواه خارج نشود؛ مگر در صورتی که تمام اعمال عمره تمتع را انجام داده و فقط تقصیر باقی مانده باشد، یا تمام اعمال حج را انجام داده و فقط طواف نساء باقی مانده باشد؛ که در این صورت یک گاو یا گوسفند هم کافی است.

۲۵۵ بوسیدن غیر همسر ♦ بوسیدن نامحرم و همچنین بوسیدن محارم از روی شهوت در حال احرام، کفاره ندارد؛ اگر چه گناه بزرگی است.

۲۵۶ کفاره نگاه شهوت آلود به همسر ♦ اگر مرد محرم از روی شهوت به همسرش نگاه کند و از وی منی خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد؛ ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد.

۲۵۷ کفاره نگاه شهوت آلود به زن نامحرم ♦ اگر به زن نامحرم نگاه کند و منی خارج شود، هر چند از روی شهوت نباشد، چنانچه به دست و پای او و مانند آن نگاه کرده، باید یک شتر یا گاو، و اگر نتواند یک گوسفند کفاره بدهد؛ و اگر به ساق و

عورت و مانند آن نگاه کرده، چنانچه ثروتمند است یک شتر، و اگر از قشر متوسط است یک گاو، و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

۲۵۸ لمس همسر در حال احرام ♦ اگر مرد مُحرم همسرش را با شهوت لمس کند یک قربانی که حداقل آن یک گوسفند است کفاره دارد؛ خواه منی خارج شود خواه نشود، و اگر بدون شهوت باشد کفاره ندارد.

◀ دوم: عقد کردن و شاهد عقد شدن

۲۵۹ حرمت عقد کردن و شاهد عقد شدن ♦ ازدواج کردن و صیغه عقد خواندن و شاهد عقد شدن، در حال احرام حجّ یا عمره حرام است.

۲۶۰ بطلان عقد در حال احرام ♦ اگر فردی که در حال احرام است با دیگری ازدواج نماید، مجری صیغه عقد، خودش باشد یا دیگری، آن عقد باطل است؛ هرچند دیگری در حال احرام نباشد.

۲۶۱ حرمت انواع عقد در حال احرام ♦ در حرمت عقد کردن و شاهد عقد شدن و بطلان عقد، فرقی نیست که عقد به نحو دائم باشد یا موقت، برای خود مُحرم باشد یا دیگری، آن دیگری مُحرم باشد یا مُحلّ.

۲۶۲ بطلان عقد خوانده شده برای محرم ♦ عقدی که برای محرم خوانده شده باطل است؛ چه عاقد در حال احرام باشد و چه نباشد؛ چه با اجازه محرم عقد خوانده شود و چه بدون اجازه او، چه محرم در حال احرام عقد را اجازه دهد، چه پس از آن.

۲۶۳ اجازه عقد خوانده شده پیش از احرام، توسط محرم ♦ محرم نمی تواند در حال احرام عقدی را که دیگری بدون اجازه او در حال احلال وی انجام داده اجازه دهد، و در صورت اجازه دادن، عقد صحیح نیست.

۲۶۴ ازدواج قبل از طواف نساء ♦ اگر محرم در عمره مفرده یا حج بعد از حلق یا تقصیر - که با آن از احرام خارج می شود - ازدواج کند، صحیح است؛ هرچند طواف نساء را انجام نداده باشند.

۲۶۵ خواستگاری در حال احرام ♦ خواستگاری کردن در حال احرام مکروه است؛ بلکه احتیاط مستحب ترک آن است.

۲۶۶ شهادت دادن بر عقد ♦ محرم می تواند در حال احرام، بر واقع شدن عقد ازدواج شهادت دهد؛ هرچند این کار او خلاف احتیاط استحبابی است.

۲۶۷ رجوع محرم به زن مطلقه اش ♦ مرد محرم می تواند به زنی که طلاق داده، رجوع کند؛ مثلاً حرفی بزند که از آن فهمیده شود که او را دوباره زن خود قرار داده است.

۲۶۸ عقوبت عقد در حال احرام ♦ هرگاه کسی که می داند

محرم است و ازدواج در حال احرام حرام است، با دیگری ازدواج نماید، آن شخص بر او حرام ابدی می‌شود؛ هرچند با وی آمیزش نکرده باشد. و بنابر احتیاط مستحب همین طور است اگر هیچ‌کدام حرمت عقد را نمی‌دانسته‌اند، ولی نزدیکی -چه در حال احرام و چه پس از آن- صورت گرفته باشد.

◀ سوم: استمنا

۲۶۹ استمنای محرم ♦ بر محرم حرام است استمنا کند؛ یعنی با خود هرچند به وسیله دیگری -همسر یا غیر او- کاری غیر از جماع انجام دهد که منی از او بیرون آید. البته استمنا (به جز در صورت التذاذ جنسی با همسر) در غیر حال احرام هم حرام است، ولی حرمت آن در حال احرام شدیدتر است.

۲۷۰ استمنا در حج قبل از وقوف به مشعر ♦ اگر محرم قبل از وقوف به مشعر، با آلت خود بازی کند و منی از او خارج شود -خواه قصد خروج منی داشته باشد یا نداشته باشد- یک شتر کفاره دارد، و باید حج را کامل کرده و در سال آینده نیز حج بجا آورد، و باید احتیاط کند و همان حج سال قبل را انجام دهد؛ مثلاً اگر حج تمتع باشد و در آن استمنا کرده باشد، در سال آینده باید حج تمتع بجا آورد.

۲۷۱ عقوبت خروج منی در ملاعبه با همسر ♦ اگر به قصد خروج منی با همسرش بازی کند و از وی منی خارج شود، کفارهٔ جماع بر عهده‌اش آمده؛ بنابراین چنانچه در حج، قبل از پایان دور چهارم طواف نساء، این کار را انجام داده، باید یک شتر قربانی کند. البته انجام حج در سال آینده واجب نیست - هرچند قبل از وقوف به مشعر مرتکب این کار شده باشد- و اگر بدون قصد با همسرش بازی کند و منی خارج شود، یا با قصد باشد ولی منی خارج نشود، کفاره‌ای بر او نیست.

۲۷۲ کفارهٔ سایر موارد استمنا ♦ در سایر اقسام استمنا، کفاره‌ای نیست هرچند پرداخت کفاره مطابق احتیاط استحبابی است.

◀ چهارم: پوشیدن لباس معمولی (برای مردان)

۲۷۳ پوشیدن لباس معمولی برای مردان ♦ مرد در حال احرام باید از پوشیدن کت، قبا، پیراهن، شلوار، شورت، زیرپوش و هر لباسی که مانند آن عرض بدن را می‌پوشاند، خودداری کند؛ هرچند دوخته نباشد.

۲۷۴ بستن لباس احرام با سنجاق و مانند آن ♦ مرد محرم باید از گره زدن یک طرف لباس احرام به طرف دیگر یا بستن آن با دکمه و کش و سنجاق و مانند آن - جز در صورت لزوم - اجتناب کند؛ و در هر حال این عمل به احرام ضرر نمی‌زند.

۲۷۵ دوخت در جامه احرام ♦ جامهٔ احرام - لنگ و ردا- اگر

دوخته باشد، اشکال ندارد هرچند احتیاط مستحب در ترک آن است. بنابراین اگر برای تهیهٔ لنگ یا ردا، چند تکه پارچه را به هم بدوزند اشکالی ندارد ولی نباید از پیراهن و شلوار و قبا و مانند آن که عرض بدن را می پوشانند استفاده کرد.

۲۷۶ استفاده از عبا و پتوی دوخته و مانند آن ♦ مرد محرم

می تواند عبا به دوش بگیرد هرچند دوخته باشد، ولی احتیاط استحبابی در ترک آن است؛ همچنین می تواند هنگام خواب، نشستن یا راه رفتن، از روانداز، لحاف، پتو و ... هرچند دوخته باشد استفاده کند.

۲۷۷ استفاده از کیسه خواب ♦ محرم می تواند برای خوابیدن

از کیسهٔ خواب استفاده کند، هرچند دوخته باشد و روی پایش را نیز بپوشاند؛ ولی این کار خلاف احتیاط استحبابی است.

۲۷۸ بستن ساعت مچی ♦ بستن ساعت مچی برای محرم

جایز است؛ هرچند بند آن دوخته باشد.

۲۷۹ به دوش انداختن کیف دوخته ♦ دست گرفتن و به دوش

انداختن بند کیف و ساک و قمقمهٔ آب، بر محرم جایز است؛ هرچند دوخته باشد.

۲۸۰ استفاده از کمربند و همیان ♦ مرد محرمی که برای نگاه

داشتن پول یا لباس احرامش لازم است از همیان و کمربند

استفاده کند، می‌تواند همیان یا کمربند ببندد، هرچند دوخته باشد، و کفاره هم ندارد، ولی اگر لازم نباشد، پوشیدن آن‌ها کراهت دارد؛ بلکه بنا بر احتیاط مستحب از آن اجتناب کند.

۲۸۱ استفاده از فتق بند ♦ بستن فتق بند در حال احرام، هرچند بند آن دوخته باشد، جایز است؛ البته در غیر ضرورت بنا بر احتیاط مستحب اجتناب شود.

۲۸۲ کفاره پوشیدن لباس ♦ اگر مرد محرم لباسی که نباید بپوشد به تن کند - حتی اگر ناچار باشد - باید یک گوسفند قربانی کند و احتیاط مستحب آن است که تلبیه بگوید و غسل هم بنماید. البته اگر لنگ ندارد جایز است شلوار بپوشد و کفاره هم ندارد.

◀ پنجم: استفاده از دستکش (برای بانوان)

۲۸۳ پوشیدن دستکش برای بانوان محرم ♦ پوشیدن هر نوع دستکش بر زن محرم حرام است.

۲۸۴ کفاره پوشیدن دستکش ♦ اگر زن در حال احرام، با علم و عمد دستکش بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد هرچند ناچار باشد از آن استفاده کند.

◀ ششم: پوشیدن چیزی که روی پا را می پوشاند (برای مردان)

۲۸۵ پوشیدن پاپوش ♦ پوشیدن چکمه، گیوه، کفش، جوراب و هر گونه پاپوشی که تمام روی پا را می پوشاند، بر مرد محرم حرام است.

۲۸۶ پوشیده شدن پا با غیر پاپوش ♦ مرد محرم می تواند روی پای خود را با غیر پاپوش بپوشاند؛ بنابراین اگر حوله احرامی بلند باشد و روی پا را بپوشاند، مانعی ندارد؛ همچنین است اگر روی پا با پتو و حوله و مانند آن پوشیده شود.

۲۸۷ پوشیدن نعلین و دمپایی ♦ استفاده محرم از دمپایی و نعلینی که تمام روی پا را نمی پوشاند، اشکال ندارد.

۲۸۸ اضطرار به پوشیدن کفش ♦ در صورتی که دمپایی و نعلین برای محرم فراهم نباشد و به پوشیدن کفش مضطر شود می تواند از کفشی که همچون چکمه نیست و ساق بلند ندارد استفاده کند ولی لازم است قسمتی از آن را که روی پا قرار می گیرد بشکافد و همین مقدار که گفته شود روی پا شکافته است کفایت می کند.

۲۸۹ پوشاندن پا برای زن محرم ♦ زن محرم می تواند کفش و چکمه و جوراب بپوشد.

۲۹۰ کفّاره پوشیدن پاپوش ♦ کفّاره پوشیدن جوراب یک گوسفند است، و ظاهراً پوشیدن چکمه و کفش کفّاره ندارد.

◀ هفتم: پوشاندن سر (برای مردان)

۲۹۱ پوشاندن سر با اشیای مختلف ♦ مرد مُحرم نباید سر

خود را بپوشاند؛ خواه با چیزهای پوششی مانند کلاه و لباس احرام یا با چیزهای غیر پوششی مانند: بادبزن و حنا و بار.

۲۹۲ پوشاندن بخشی از سر ♦ بر مرد محرم پوشاندن قسمتی

از سر حتی گوش‌ها نیز حرام است؛ بنابراین نمی‌تواند کلاه کوچکی که فقط وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد یا دستمال به سر ببندد، ولی پوشاندن قسمتی از سر یا گوش با مانند گوشی تلفن و دستۀ عینک در هنگام استفاده از این اشیاء اشکال ندارد.

۲۹۳ گذاشتن سرروی بالش و کشیدن روانداز بر روی آن ♦ مرد

محرم وقتی می‌خواهد بخوابد می‌تواند سر خود را با روانداز بپوشاند. هرچند این کار، مکروه و خلاف احتیاط استحبابی است؛ ولی گذاشتن سرروی بالش هیچ اشکالی ندارد.

۲۹۴ پوشاندن سر با بخشی از بدن ♦ مرد محرم می‌تواند برای

جلوگیری از تابش خورشید، سر خود را با بعضی از اعضای بدن بپوشاند؛ مثلاً دست خود را روی سرش بگذارد؛ هرچند احتیاط مستحب در ترک آن است، مگر آن‌که ضرورت اقتضا کند.

۲۹۵ خشک کردن سر با حوله ♦ مرد محرم نباید برای

خشک کردن سر، حوله را روی سر یا قسمتی از آن قرار دهد. اما

پوشاندن سر با پوششی که ثابت نیست مانعی ندارد؛ بنابراین خشک کردن سر با حوله جایز است هرچند خلاف احتیاط استحبابی است.

۲۹۶ پوشاندن سر با بند کیف و مانند آن ♦ اگر محرم برای جابه‌جا کردن کیف، ساک، مشک و مانند آن، بند این وسائل را بر سر بیندازد، اشکال ندارد.

۲۹۷ بستن سر برای سردرد ♦ مرد محرم می‌تواند برای سردرد دستمال به سر بیندازد یا کلاه بر سر بگذارد ولی باید کفاره بدهد.

۲۹۸ استفاده از پشه‌بند ♦ اگر محرم برای حفظ از پشه پارچه‌ای را روی کمانی به نحوی که بالای سر باشد بیندازد و سر را زیر آن کند مانعی ندارد و همچنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد.

۲۹۹ کفاره پوشاندن سراز روی غفلت ♦ اگر مرد محرم بدون توجه سر را بپوشاند باید فوراً پس از التفات، پوشش را بردارد و تلبیه بگوید؛ و گفتن یک «لَبَّيْكَ» کافی است، هرچند احتیاط مستحب آن است که تلبیه‌های چهارگانه را به صورت کامل بگوید.

۳۰۰ کفاره پوشاندن سراز روی علم و عمد ♦ اگر محرم با علم و عمد سر خود را بپوشاند، چنانچه پوشاندن سر با چیزهای پوششی مانند کلاه و عمامه بوده، باید یک گوسفند قربانی کند؛

ولی اگر با غیر لباس بوده، ظاهراً کفاره ندارد، ولی بنا بر احتیاط مؤکد مستحب یک گوسفند قربانی کند.

◀ هشتم: پوشاندن صورت خود (برای بانوان)

۳۰۱ پوشاندن صورت برای بانوان ♦ زن محرم، حرام است صورت خود و حتی بخشی از آن را بپوشاند، خواه به چیزهای پوششی مانند نقاب و پوشیه و روسری و چادر یا با چیزهای غیر پوششی مانند بادبزن.

۳۰۲ پوشاندن صورت با قسمتی از بدن ♦ زنی که در حال احرام است می‌تواند برای جلوگیری از آفتاب، صورت خود را با برخی از اعضای بدن بپوشاند؛ مثلاً دست خود را روی صورت بگذارد؛ اگر چه جز در ضرورت، خلاف احتیاط استحبابی است.

۳۰۳ کشیدن روانداز روی صورت در هنگام خواب ♦ زن محرم می‌تواند هنگام خواب، صورتش را با روانداز بپوشاند؛ هر چند این کار مکروه و خلاف احتیاط استحبابی است؛ ولی گذاشتن صورت روی بالش هیچ اشکالی ندارد.

۳۰۴ پوشاندن بخشی از صورت برای نماز ♦ بانوان برای نماز، باید بدن و موی سر خود را به استثنای مقداری از صورت که در وضو شسته می‌شود بپوشانند و اگر برای پوشاندن سر و گردن،

مقداری از صورت نیز پوشیده شود، مانعی ندارد، لکن باید فوراً بعد از نماز آن را باز کنند.

۳۰۵ پوشاندن صورت از نامحرم ♦ زن محرم می‌تواند چادر را روسری خود را از طرف پیشانی آویزان کند؛ بنابراین برای رو گرفتن از نامحرم می‌تواند چادر و روسری خود را جلو کشیده روی صورت خود بیندازد، هرچند تمام صورت را بپوشاند؛ و بهتر آن است که با دست یا چیز دیگر، چادر و مانند آن را که پایین می‌اندازد دور از رو نگاه دارد که به صورت نچسبد؛ بلکه این کار مطابق احتیاط استحبابی است.

۳۰۶ پوشاندن زیر چانه ♦ زیر چانه جزء صورت محسوب نمی‌شود ولی پوشیدن مقنعه‌ای که چانه را تالاب‌ها می‌پوشاند، جایز نیست.

۳۰۷ پوشاندن صورت با پوشش غیر مستقر ♦ زن محرم می‌تواند صورت خود را با پوشش‌های غیر ثابت بپوشاند؛ بنابراین شستن و خشک کردن صورت با حوله جایز است و کفاره هم ندارد. همچنین پوشیده شدن صورت در حال پوشیدن یا در آوردن مقنعه یا لباس، اشکال ندارد.

۳۰۸ استفاده بانوان از ماسک ♦ زن محرم در صورت حاجت می‌تواند از ماسک‌هایی که جهت جلوگیری از ورود هوای آلوده به دهان می‌زنند استفاده کند؛ و در صورتی که ماسک از جنس لباس باشد کفاره دارد.

۳۰۹ پوشاندن صورت برای آقایان ♦ مرد محرم می‌تواند صورت خود را بپوشاند؛ بنابراین می‌تواند ماسک به صورت خود بزند، هرچند به آن احتیاج نداشته باشد، ولی به احتیاط مستحب پیشانی را نپوشاند.

۳۱۰ کفّاره پوشاندن صورت ♦ کفّاره پوشاندن صورت با چیزهای پوششی مانند نقاب و پوشیه یک گوسفند است و در غیرلباس، ظاهراً کفّاره نیست؛ ولی بنا بر احتیاط مؤکد مستحب یک گوسفند قربانی کند.

◀ نهم: فرو بردن سردر آب

۳۱۱ فرو بردن عمدی تمام سردر آب ♦ بر محرم - مرد باشد یا زن - حرام است که عمداً تمام سر را در آب فرو برد.

۳۱۲ فرو بردن بخش‌بخش سردر آب ♦ اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه دیگر در آب فرو برد، اشکالی ندارد.

۳۱۳ شک در زیر آب رفتن تمام سر ♦ اگر شک کند که با فرو رفتن در آب، تمام سر زیر آب می‌رود یا نه، می‌تواند در آب فرو رود.

۳۱۴ زیردوش رفتن محرم ♦ در حال احرام، زیردوش حمام رفتن بلکه قرار گرفتن زیر آبشاری که سر را فراگیرد جایز است.

۳۱۵ غسل ارتماسی در حال احرام ♦ اگر محرم برای انجام

غسل - با التفات به ممنوعیت فروردن سر در آب - بدون عذر تمام سر را در آب فرو برد، معصیت کرده و اگر وظیفه‌اش تیمم بوده، غسلش باطل است، و گرنه بنابر احتیاط غسلش باطل می‌شود.

۳۱۶ غسل ارتماسی معذور در حال احرام ♦ اگر محرم به جهت عذری به نیت غسل، سر را در آب فرو برد؛ مثل این‌که فراموش کند که محرم است یا بدون تقصیر مسأله را نداند، غسل او صحیح است و معصیتی نکرده است.

۳۱۷ فرو بردن سر در آب مضاف و سایر مایعات ♦ احتیاط مستحب آن است که محرم سر را در گلاب و آب‌های مضاف و مایعات دیگر فرو نبرد.

◀ **دهم: سایبان داشتن در هنگام حرکت (برای مردان)**

۳۱۸ تردد با ماشین مسقف و یا با چتر حرکت کردن ♦ تردد مرد محرم با وسیله نقلیه سقف‌دار جایز نیست؛ روز باشد یا شب، هوا آفتابی باشد یا ابری. همچنین جایز نیست در هوای آفتابی یا بارانی در پناه سایبان متحرک مانند چتر، حرکت کند.

۳۱۹ قرار دادن سایبان بر بدن ♦ علاوه بر سایبان قرار دادن بر سر، قرار دادن بدن در زیر سایبان نیز در حال احرام جایز

نیست؛ همچنین حرمت سایبان، اختصاصی به سایبانی که در بالای سر قرار می‌گیرد ندارد بلکه اگر در سمت راست و چپ نیز باشد جایز نیست.

۳۲۰ سوار ماشین سقف‌دار شدن پس از احرام در تنعیم ♦ مردی که از مسجد تنعیم محرم شده، برای رفتن به مسجدالحرام یا هتل، نباید سوار ماشین مسقف شود؛ همچنین مردی که در مسجدالحرام برای حج محرم می‌شود، نمی‌تواند برای رفتن به محل اقامت یا رفتن به عرفات سوار ماشین سقف‌دار شود.

۳۲۱ تردد با ماشین مسقف در مکه و مواقف ♦ مرد محرم در مکه و منا و عرفات و مشعر هم نمی‌تواند در ماشین سقف‌دار سوار شود یا چتر به دست بگیرد، اگرچه در خانه‌اش مستقر شده باشد.

۳۲۲ عبور از تونل و راه‌های مسقف ♦ عبور مرد محرم از زیر سایبان‌ها و تونل‌های طولانی که اخیراً در مکه و منا احداث شده، در هنگام آفتاب و باران، جایز نیست؛ مگر در صورتی که انتخاب مسیر روباز برای این شخص یا معمول‌مُحرمین با مشقت زیاد همراه باشد. و در هر حال عبور از تونل‌ها و سایبان‌ها در صورتی که آفتاب و باران نباشد، جایز است.

۳۲۳ حرجی بودن اجتناب از ماشین سقف‌دار ♦ در صورتی که اجتناب از ماشین سقف‌دار و سایبان متحرک برای محرم

ضرر اساسی داشته باشد یا برای او یا معمول مُحرمین، همراه با مشقت شدید باشد - مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی شدید - حرکت با ماشین سقف‌دار و در پناه سایبان متحرک جایز است.

۳۲۴ زیرسایبان رفتن مریض و پیرمرد ♦ مریض و پیرمرد، در فرض مشقت می‌توانند زیر سایبان بروند هرچند همراه با مشقت شدید نباشد.

۳۲۵ ورود به منزل مسقف ♦ محرم می‌تواند در منزل خود در مکه یا عرفات یا منا زیر سقف برود یا داخل چادر شود.

۳۲۶ حرکت زیر سایبان ثابت کوتاه ♦ محرم می‌تواند در پناه سایبان‌های کوتاه ثابت و مستقر مانند دیوارها و پل‌ها و تونل‌های کوتاه حرکت کند.

۳۲۷ قرار گرفتن محرم در سایه ماشین و همسفران ♦ اگر محرم در کنار ماشین حرکت کند که در سایه آن واقع شود، یا سایه همسفران و صندلی‌ها و دیواره‌های ماشینی که سوار بر آن است یا ماشین دیگری بروی بیفتد، اشکال ندارد.

۳۲۸ استظلال زنان و کودکان ♦ برای بانوان و کودکان جایز است در حال احرام، با وسیله نقلیه سقف‌دار تردد کنند، یا در پناه سایبان متحرک مانند چتر حرکت نمایند؛ و کفاره‌ای هم ندارد.

۳۲۹ زیرسایبان رفتن از روی ناآگاهی ♦ هرگاه محرم از روی

سهو و فراموشی یا ندانستن مسأله، با وسیله نقلیه سقف‌دار حرکت نماید، این عمل او کفاره ندارد.

۳۳۰ کفاره زیر سایبان رفتن ♦ کفاره تردد با وسیله مسقف و نیز حرکت در زیر سایبان در روز یا شب بارانی برای هر احرام، قربانی کردن یک گوسفند است. و حرکت با وسیله مسقف در شب غیر بارانی، بنا بر احتیاط کفاره دارد؛ همچنین است در روز غیر بارانی، اگر به جهت وجود ابر ضخیم، رفتن در زیر سایبان هیچ تأثیری برای محرم نداشته باشد.

و در هر صورت در ثبوت کفاره فرقی نیست برای اضطرار یا مشقت زیاد این کار را کرده باشد یا خیر.

۳۳۱ زیر سایبان رفتن در بین الطلوعین ♦ در مسائل مربوط به سایبان قراردادن، بین الطلوعین در حکم شب است.

◀ یازدهم: زینت کردن

۳۳۲ زینت کردن خود و لزوم برطرف کردن آن ♦ هرگونه زینت کردن مانند حنا بستن، سرمه کشیدن و استفاده از وسایل و پودرهای آرایشی در حال احرام، حرام، و پاک کردن آن، واجب است.

۳۳۳ حرمت زینت برای زن و مرد ♦ در حرمت زینت کردن فرقی بین مرد و زن نیست؛ همچنان که فرقی نیست که محرم قصد زینت داشته باشد یا خیر.

۳۳۴ استفاده از حنا در غیر سرو صورت ♦ حنا بستن و رنگ کردن مو با حنا در صورتی که زینت به حساب آید، بر محرم حرام است و اگر زینت نباشد استفاده از آن در غیر سرو صورت اشکال ندارد.

۳۳۵ حنا بستن سر و صورت ♦ از آنجاکه در حال احرام، پوشاندن سر بر مرد و پوشاندن صورت بر زن، حرام است، نباید در سرو صورت حنا بگذارند.

۳۳۶ حنا بستن برای استفاده از خواص دارویی آن ♦ حنا بستن برای جلوگیری از شکاف خوردن دست و پا و مانند آن مکروه است؛ البته در فرض اضطرار، کراهت آن هم برطرف می‌شود.

۳۳۷ استفاده از حنا قبل از احرام ♦ حنا بستن قبل از احرام چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام باقی بماند یا نماند، مانعی ندارد ولی بهتر است احتیاط رعایت شود.

۳۳۸ رنگ کردن مو در حال احرام و قبل از آن ♦ محرم نباید موی خود را با رنگ‌های زینتی رنگ کند؛ ولی اگر قبل از احرام رنگ کرده باشد، پاک کردن آن لازم نیست.

۳۳۹ سرمه کشیدن در حال احرام ♦ کشیدن سرمه سیاه و سرمه معطر برای محرم جایز نیست؛ و همچنین است سرمه‌های دیگر در صورتی که زینت به حساب آید و در غیر این صورت اشکال ندارد.

۳۴۰ سرمه کشیدن برای معالجه ♦ سرمه کشیدن، در فرضی که معالجه بیماری متوقف بر آن باشد، جایز است.

۳۴۱ استفاده محرم از عینک ♦ عینک زینتی برای محرم جایز نیست، ولی اگر زینتی نباشد یا ضرورت داشته باشد اشکال ندارد.

۳۴۲ به دست کردن انگشتر ♦ انگشتر به دست کردن به قصد زینت بر مرد محرم جایز نیست؛ ولی برای هدف دیگری مانند استحباب یا شمارش اعداد طواف، مانعی ندارد.

۳۴۳ نگاه در آئینه و ملاک حرمت آن ♦ نگاه کردن در آئینه اگر به قصد زینت و آرایش بدن یا آراستن لباس یا در معرض آن باشد جایز نیست هرچند محرم قصد تزئین نکرده باشد؛ اما نگاه کردنی که هیچ ارتباطی با آرایش نداشته باشد، مانند نگاه کردن راننده برای دیدن اطراف اشکال ندارد.

۳۴۴ نگاه کردن در آب صاف و اشیای صیقلی ♦ نگاه کردن در آب صاف و اجسام صاف صیقلی مانند ظروف استیل که تصویر در آن پیدا است، حکم نگاه کردن در آینه را دارد.

۳۴۵ قرار گرفتن در معرض نگاه به آینه ♦ اگر محرم در اتاقی ساکن است که آینه دارد و می‌داند که گاهی سهواً چشم او به آینه می‌افتد، چنانچه در معرض زینت کردن بدن یا لباس نباشد مانعی ندارد و گرنه باید آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

۳۴۶ نگاه سهوی محرم به آینه ♦ اگر چشم محرم بدون توجه و سهواً در آینه بیفتد و خود را در آن ببیند، اشکال ندارد.

۳۴۷ تصویربرداری در حال احرام ♦ عکس برداری یا فیلم برداری و نگاه کردن در دوربین اشکالی ندارد. البته اگر زن محرم بخواهد عکس بگیرد یا فیلم برداری کند، باید مواظب باشد که دوربین روی صورتش قرار نگیرد.

۳۴۸ عکس سلفی ♦ گرفتن عکس سلفی اگر به قصد نگاه کردن در حال احرام و به قصد آرایش بدن یا آراستن لباس یا در معرض آن باشد، جایز نیست؛ و گرنه اشکالی ندارد.

۳۴۹ کفّاره زینت کردن ♦ زینت کردن و به دست کردن انگشتر برای زینت و نگاه کردن در آینه کفّاره ندارد.

◀ دوازدهم: پوشیدن زیورآلات

۳۵۰ استعمال زیورآلات بر مرد محرم ♦ پوشیدن هرگونه زیورآلات بر مرد محرم حرام است، و حکم انگشتر در مسأله ۳۴۲ گذشت.

۳۵۱ پوشیدن گوشواره و گردنبند ♦ برای بانوان استعمال گوشواره و گردنبند در حال احرام جایز نیست؛ البته مواردی که عادت به پوشیدن آنها داشته یا هنگام احرام در تن او بوده،

مانعی ندارد؛ هرچند احتیاط مستحب در ترک است. اما در هر صورت نباید آن را به مردان حتی به شوهر خود نشان دهد.

۳۵۲ پوشیدن سایر زیورآلات ♦ پوشیدن سایر زیورآلات بر زن در حال احرام مکروه است؛ ولی اگر پوشید جایز نیست آن را به مردان حتی شوهر خود نشان دهد.

۳۵۳ درآوردن زیورآلات قبل از احرام ♦ واجب نیست بانوان، زیورآلاتی را که قبل از احرام پوشیده‌اند، هنگام محرم شدن بیرون آورند و می‌توانند در همان زیورآلات محرم شوند؛ هرچند این کار مکروه و خلاف احتیاط استحبابی است.

۳۵۴ کفّاره پوشیدن زیورآلات ♦ پوشیدن زیورآلات بر زن و مرد محرم، کفّاره ندارد.

◀ سیزدهم: استفاده از عطریات

۳۵۵ پرهیز از بوی خوش ♦ مرد یا زن محرم باید از بوییدن چیزهای عطردار پرهیز کند؛ بلکه باید از رسیدن بوی خوش آنها به مشامش جلوگیری نماید.

۳۵۶ استفاده از مواد خوش‌بو ♦ هرگونه استفاده از عطریاتی که بوی خوش آنها همانند مشک و عود و عنبر و زعفران و یا شدیدتر از آنهاست، در حال احرام حرام است؛ بنابراین محرم

نباید با آن‌ها خود را معطر کند یا آن‌ها را ببوید یا لباس‌های معطر به این عطرها را بپوشد یا غذای زعفران‌دار بخورد یا در فضای معطر به این عطرها توقف کند.

ولی استفاده از عطریاتی که بوی خوش آن به اندازه این‌ها نیست جایز است هرچند باید از بوییدن آن‌ها اجتناب کند.

۳۵۷ استفاده از چیزهایی که عطردار شمرده نمی‌شوند ♦

استفاده از حنا و روغن بنفشه و مانند آن‌ها که از اشیای عطردار به شمار نمی‌آیند جایز است.

۳۵۸ عطرهاى امروزی ♦ محرم باید از هرگونه استفاده از

عطرهایی که امروزه استفاده می‌شود، پرهیز کند ولی مجرد همراه داشتن شیشه عطراشکالی ندارد.

۳۵۹ خوردن و بوییدن سبزیجات خوشبو ♦ محرم باید از

بوییدن گل‌های عطردار مانند گل محمدی و یاس و سبزی‌های خوش‌بو مانند ریحان و نعناع، اجتناب کند و با رعایت این امر، خوردن آن‌ها جایز است ولی اجتناب از سبزی‌های خوش‌بوی صحرائی همچون اذخر و قيصوم لازم نیست.

۳۶۰ خوردن میوه‌های خوشبو ♦ خوردن میوه‌های خوش‌بو

مانند سیب و ترنج بر محرم جایز است، ولی نباید آن‌ها را ببوید؛ همچنین است استفاده از «دارچین» و «زنجبیل» و امثال آن‌ها هرچند احتیاط مستحب اجتناب از آن‌ها است.

۳۶۱ استفاده از صابون خوشبو ♦ محرم نمی‌تواند برای شستن صورت از صابونهای خوشبو استفاده کند. شستن دست و بدن با صابون اشکال ندارد ولی باید مواظبت کند بوی خوش آن به مشام او نرسد.

۳۶۲ پاک کردن عطر از بدن و لباس در حال احرام ♦ در صورتی که بدن یا لباس محرم به عطرهایی که استفاده از آن حرام است آغشته شود، لازم است آن را با دست یا غیر آن پاک کند یا آن را بشوید و در هنگام پاک کردن یا شستن لازم نیست بینی خود را بگیرد.

۳۶۳ احرام در لباس آغشته به عطریات ♦ احرام در لباسی که به عطریات حرام آغشته شده، جایز نیست. هر چند اگر در آن محرم شود، احرام باطل نیست.

۳۶۴ اجتناب از عطری که بوی آن رفته ♦ محرم باید از عطری هم که بوی خوش آن از بین رفته ولی عین آن باقی است اجتناب کند؛ بنابراین استفاده از زعفرانی که بوی خوش آن از بین رفته، جایز نیست.

۳۶۵ وجود آثار عطری بر لباس محرم ♦ اگر عین عطر و بوی آن از لباس زایل شده باشد ولی سایر آثار عطر همچون رنگ آن باقی بماند، استفاده از آن اشکالی ندارد؛ بنابراین اگر لباس به زعفران آغشته گردد و عین زعفران و بوی آن زایل شود، می‌توان در آن لباس محرم شد، هر چند رنگ زعفران باقی مانده باشد.

۳۶۶ استعمال سرمه خوشبو ♦ کشیدن سرمه‌ای که در آن مواد معطر همچون مشک و عنبر به کار رفته، بر محرم - جز در فرض اضطرار - جایز نیست.

۳۶۷ اضطرار محرم به استفاده از بوی خوش ♦ اگر محرم به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد اضطرار پیدا کند، باید بینی خود را بگیرد که بوی خوش به او نرسد؛ مگر این‌که موجب عسر و حرج باشد.

۳۶۸ استفاده از دوای مخلوط به زعفران ♦ استفاده از دوایی که در آن ماده معطری همچون زعفران به کار رفته، در صورتی که بوی عطر بر آن غلبه داشته باشد جایز نیست، و در غیر این صورت جایز است. ولی اگر معالجه متوقف بر استفاده از خصوص دوای معطر باشد، مانعی ندارد.

۳۶۹ خرید و فروش عطر در حال احرام ♦ خرید و فروش عطریات بر محرم جایز است ولی نباید برای امتحان، عطرها را بو کند و لازم است که بینی خود را از بوی خوش بگیرد؛ و در هر صورت، رفتن به مغازه‌ها و اماکنی که سبب معطر شدن بدن یا لباس یا بوییدن عطری که در فضای آن پراکنده است می‌گردد، جایز نیست.

۳۷۰ بوییدن و استفاده از عطر کعبه ♦ اجتناب محرم از عطری که کعبه مطهر و مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با آن معطر

می‌کنند، لازم نیست؛ لذا بوییدن و لمس کردن آن‌ها جایز است و در صورتی که از آن‌ها به بدن یا لباس انسان برسد برطرف کردن آن‌ها واجب نیست، و اگر لباس به آن آغشته گردد می‌توان در همان لباس محرم شد.

۳۷۱ گرفتن بینی از بوی بد ♦ محرمی که بوی بد را احساس می‌کند نباید بینی خود را از بوی بد بگیرد؛ ولی می‌تواند با تند رفتن از بوی بد فرار کند.

۳۷۲ کفاره استفاده از عطر ♦ خوردن غذای معطر به زعفران و مانند آن از انواع عطر، یک گوسفند کفاره دارد و در استفاده‌های دیگر از عطر یا گل‌های معطر، ظاهراً کفاره‌ای واجب نیست، ولی بهتر است صدقه بدهد.

۳۷۳ استفاده مکرر از بوی خوش ♦ اگر بعد از خوردن غذای معطر کفاره بدهد و دوباره غذای معطر بخورد، باید دوباره کفاره بدهد؛ اگرچه در یک احرام باشد.

◀ چهاردهم: استعمال روغن

۳۷۴ مالیدن روغن به بدن ♦ محرم نمی‌تواند روغن یا کرم یا پمادهای روغنی به بدن خود بمالد، اگرچه بوی خوش نداشته باشد.

ولی استفاده‌های دیگر، مانند خوردن روغن‌های غیر معطر، برای محرم مانعی ندارد.

۳۷۵ استفاده از روغن معطر ♦ هرگونه استفاده از روغن‌های خوش بو و کرم و پمادهای روغنی معطر، بر محرم حرام است و فرقی ندارد که خودش معطر باشد یا عطر دیگری به آن افزوده باشند.

۳۷۶ استفاده محرم از پمادهای خوشبو ♦ در حرمت استعمال روغن معطر لازم نیست شدت عطر و بوی خوش آن به اندازه عود و عنبر و زعفران و ... یا بیشتر باشد.

۳۷۷ خوردن روغن و غذاهای چرب ♦ خوردن غذاهای چرب و روغن، اگر معطر نباشد مانعی ندارد.

۳۷۸ استفاده از پماد طبی ♦ مالیدن پماد طبی در حال ناچاری مثلاً برای درمان بیماری جایز است؛ ولی تا زمانی که مشکل او با مالیدن پماد غیر معطر برطرف می‌شود، نباید از پماد معطر استفاده کند.

۳۷۹ روغن مالی پیش از احرام ♦ اگر پیش از احرام بدن خود را با روغن‌هایی که در آن عطریات حرام، همچون عود و عنبر و زعفران به‌کار رفته روغن مالی کرده باشد، در صورتی که بوی عطر باقی مانده، احرام در این حال حرام است؛ و احرام در غیر این صورت و روغن مالی با سایر روغن‌ها پیش از احرام مانعی ندارد.

ولی روغن مالی پس از غسل احرام مکروه است.

۳۸۰ کفاره خوردن روغن معطر ♦ کفاره خوردن روغن معطر، یک گوسفند است.

۳۸۱ کفاره مالیدن روغن ♦ کفاره مالیدن روغن در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، غذا دادن به یک فقیر است. و فرقی بین روغن خوش بو و غیر آن و حالت اختیار و اضطرار نیست.

◀ پانزدهم: بیرون آوردن خون از بدن خود

۳۸۲ بیرون آوردن خون از بدن ♦ مرد یا زن محرم نباید از بدن خود خون بیرون آورد؛ هرچند با خراشیدن یا خاراندن بدن باشد؛ ولی خون آوردن از بدن دیگری مثلاً با کشیدن دندان او مانعی ندارد؛ البته اگر این کار باعث نجس شدن بدن یا لباس محرم شود، بدون عذر جایز نیست.

۳۸۳ کشیدن دندان ♦ محرم می‌تواند دندان خود را چنانچه منجر به خونریزی نشود بکشد؛ ولی اگر منجر به خونریزی می‌شود تنها در صورت ضرورت جایز است.

۳۸۴ مسواک زدن ♦ محرم می‌تواند بدون استفاده از خمیر دندان خوش بو، مسواک بزند، هرچند خون بیاید؛ ولی کسی

که می‌تواند بدون خونریزی مسواک بزند، باید مراعات نماید. بنابراین اگر زیاد مسواک زدن، موجب خون آمدن شود، نباید زیاد مسواک بزند.

۳۸۵ بیرون آوردن خون برای درمان ♦ خون دادن یا رگ‌زدن در حال احرام، اگر لازم شود، مانعی ندارد.

۳۸۶ حجامت کردن در حال احرام ♦ حجامت کردن در صورتی که لازم باشد مانعی ندارد و کراهت هم ندارد و اگر حاجت عرفیه‌ای باشد که به حد لزوم نرسیده کراهت شدید دارد و بدون حاجت حرام است.

۳۸۷ تزریق آمپول ♦ تزریق آمپول در حال احرام جایز است؛ ولی اگر موجب بیرون آمدن خون شود، تنها در صورت لزوم جایز است.

۳۸۸ کندن پوست‌های زائد ♦ جدا کردن پوست‌های زائد لب‌ها یا کنار ناخن‌ها در صورتی که خون نیاید اشکالی ندارد.

۳۸۹ خون آمدن سر هنگام حلق ♦ اگر در هنگامی که مرد محرم برای بیرون آمدن از احرام، سرش را می‌تراشد، خون بیاید اشکال ندارد و لو این که بین حلق و تقصیر مخیر باشد؛ مانند عمره مفرده.

۳۹۰ کفاره بیرون آوردن خون ♦ بیرون آوردن خون کفاره ندارد.

◀ شانزدهم: گرفتن ناخن خود

۳۹۱ شرایط ناخن گرفتن حرام ♦ مرد یا زن محرم نباید ناخن دست یا پای خود را بگیرد، با هر وسیله‌ای که باشد، کم باشد یا زیاد، تمام ناخن را بچیند یا بخشی از آن را؛ ولی گرفتن ناخن دیگری اشکال ندارد.

۳۹۲ وسیله ناخن چیدن ♦ فرقی نیست چیدن ناخن با قیچی باشد یا چاقو یا ناخن‌گیر؛ و نباید ناخنش را حتی با سوهان و دندان بچیند.

۳۹۳ چیدن ناخن به جهت اذیت آن ♦ چیدن ناخن حتی به جهت اذیت آن، جایز نیست؛ بلکه، اگر سبب حرج و مشقت شدید شود چیدن آن اشکال ندارد؛ هرچند موجب کفاره می‌گردد.

صورت‌های مختلف کفاره ناخن گرفتن

۳۹۴ کفاره ناخن گرفتن ♦ برای گرفتن یک تائنه ناخن دست یا پا بدون ضرورت، به ازای هر ناخن باید یک مُدّ (حدود ۹۰۰ گرم به حساب گندم) غذا به فقیر بدهد. کفاره گرفتن ناخن دست یا پا به صورت کامل، یک گوسفند است.

۳۹۵ کفاره چیدن تمام ناخن‌ها در یک مجلس ♦ کفاره گرفتن تمام ناخن‌های دست و پا در یک مجلس، یک گوسفند است.

۳۹۶ گرفتن ناخن دست یا پا در چند مجلس ♦ اگر برخی از ناخن‌های دست را در یک مجلس بگیرد و بقیه را در مجلس دیگر، یک گوسفند کفاره دارد؛ و اگر برخی از ناخن‌های دست و پا را گرفته، چنانچه باقیمانده ناخن‌های دست و پا را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره دارد، ولی اگر بقیه ناخن‌های دست را در یک مجلس و بقیه ناخن‌های پا را در مجلس دیگر بگیرد باید دو گوسفند کفاره پردازد.

۳۹۷ پرداخت کفاره و چیدن بقیه ناخنها ♦ اگر پس از چیدن چند ناخن دست، کفاره پردازد، سپس سایر ناخن‌ها را بچیند - و لو این‌که در یک مجلس باشد - ظاهراً کفاره گوسفند ندارد؛ بلکه برای هر ناخنی که بعداً چیده یک مد طعام بدهد.

۳۹۸ چیدن ناخن‌های پا پس از پرداخت کفاره چیدن ناخن‌های دست ♦ اگر پس از چیدن ناخن‌های دست و پرداخت کفاره آن، ناخن‌های پا را بگیرد، باید کفاره ناخن‌های پا را هم جدا حساب کند.

۳۹۹ کفاره گرفتن ناخن انگشت زائد ♦ کسی که بیشتر از ده انگشت دارد، اگر ناخن تمام آن‌ها را بگیرد باید یک گوسفند بدهد و احتیاط مستحب آن است که برای هریک از ناخن‌های زائد، یک مد طعام هم به فقیر پردازد.

و اگر ده ناخن از ناخن‌هایش را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و تفاوتی بین این‌که همه آن ناخن‌ها، اصلی یا برخی زائد

باشد نیست؛ و اگر کمتر از ده ناخن را بگیرد، باید برای هر کدام یک مد طعام بدهد.

۴۰۰ گرفتن تمام ناخن‌ها برای کسی که کمتر از ده ناخن دارد ♦ کسی که کمتر از ده ناخن دارد، چنانچه تمام آن‌ها را بچیند، باید یک گوسفند کفاره بدهد؛ البته احتیاط مستحب آن است که برای هر ناخن، یک مد طعام هم به فقیر بدهد.

۴۰۱ کفاره چیدن قسمتی از یک ناخن ♦ کسی که قسمتی از یک ناخن یا بیشتر را می‌چیند لازم نیست کفاره بدهد هر چند مرتکب گناه شده است.

۴۰۲ چیدن ده ناخن از مجموع ناخن‌های دست و پا ♦ اگر چند ناخن از دست و چند ناخن از پا بچیند که روی هم رفته ده ناخن چیده باشد، مثلاً پنج ناخن از دست و پنج ناخن از پا، باید ده مد طعام بدهد و یک گوسفند هم قربانی کند.

۴۰۳ کفاره گرفتن ناخن در صورت اضطرار ♦ اگر کسی ناچار شود ناخن بگیرد، باید برای هر ناخن یک مشت طعام کفاره بدهد؛ و ظاهراً در ده ناخن هم ده مشت طعام لازم است و گوسفند لازم نیست؛ ولی احتیاط مستحب آن است که گوسفند را هم ضمیمه کند.

۴۰۴ ناخن گرفتن محرم به استناد کلام دیگری ♦ اگر کسی به محرمی که مسأله را نمی‌داند بگوید گرفتن ناخن جایز است و

محرم به استناد گفته او ناخن‌هایش را بگیرد، گوینده مسأله باید یک گوسفند کفاره بدهد و اگر به استناد گفته او بعضی از ناخن‌هایش را گرفت، گوینده مسأله باید احتیاط کند و کفاره آن را بدهد و در این مسأله فرقی نیست خون بیاید یا خون نیاید؛ و فرقی ندارد که خود مسأله‌گو محرم باشد یا مُحَلِّ، مقصر باشد یا نباشد، بله، اگر مجتهد از روی اشتباه، فتوا به جواز گرفتن ناخن دهد و مسأله‌گو از روی اعتماد به فتوای او، مسأله را به محرم بگوید و محرم ناخن‌هایش را بگیرد، کفاره گوسفند فقط بر عهده مجتهد است.

۴۰۵ ناخن گرفتن محرم به استناد کلام چند نفر ♦ اگر چند نفر به محرم بگویند که می‌تواند ناخن‌هایش را بگیرد و او به گفته یکی از آن‌ها این کار را انجام دهد، بر آن فرد کفاره لازم می‌شود؛ و اگر به استناد گفته بیش از یک نفر ناخن گرفت، ظاهراً کفاره ندارد.

◀ هفدهم: جدا کردن مو از بدن خود یا دیگری

۴۰۶ حرمت جدا کردن مو ♦ جدا کردن مو به هر شکل آن اعم از کندن، تراشیدن، قیچی کردن، سوزاندن و ... بر مرد و زن محرم حرام است.

۴۰۷ محدوده حرمت ازاله مو ♦ در حرمت جدا کردن مو فرقی

نیست موی سر باشد یا صورت یا بدن؛ همچنین فرقی نیست موی خود را بکند یا دیگری، خواه دیگری هم محرم باشد یا محرم نباشد.

۴۰۸ **کنده شدن مو هنگام غسل و وضو** ♦ اگر هنگام غسل یا وضو بدون قصد مو کنده شود اشکال ندارد؛ هرچند غسل یا وضوی مستحب باشد و اگر مویی هم بیفتد کفاره ندارد؛ همچنین است اگر هنگام انجام کاری که ترک آن برای نوع مردم مشقت شدید دارد بدون قصد مویی کنده شود.

۴۰۹ **ازالۀ مو در صورت ضرورت** ♦ ازالۀ مو اگر از روی ضرورت باشد اشکالی ندارد؛ مثل ازالۀ مو به جهت زیادی شپش و یا درد سر و یا ازالۀ موی چشم اگر موجب اذیت شود.

۴۱۰ **خاراندن سر و شانه کردن مو** ♦ خاراندن سر و صورت یا شانه کردن مو یا دست کشیدن بر آن، در صورت اطمینان به ریزش مو یا ترس از آن، جایز نیست و در غیر این دو صورت مانعی ندارد.

۴۱۱ **کشتی گرفتن برای محرم** ♦ محرم باید از کاری که معرض خونریزی یا افتادن مو است، پرهیز نماید. بنابراین باید از کشتی گرفتن اجتناب کند.

۴۱۲ **انداختن موی جدا شده و شک در جدا شدن مو** ♦ انداختن مویی که از بدن جدا شده و بر آن قرار گرفته اشکالی

ندارد و در صورت شک در جدا بودن یا جدا نبودن مو، باید احتیاط کند و آن را از بدن نیندازد.

کفارهٔ صورت‌های مختلف ازالهٔ مو

۴۱۳ تراشیدن موی سر به جهت سردرد ♦ کسی که به جهت بیماری یا سردرد موی سرش را بتراشد باید یک گوسفند ذبح کند یا به شش مسکین، به هر یک، دو مدّ طعام بدهد یا سه روز روزه بگیرد؛ و اگر عمداً بدون ضرورت موی سر را بتراشد یک گوسفند کفاره دارد و در سایر ضرورت‌ها به جز بیماری و سردرد، ظاهراً کفاره‌ای واجب نیست، و احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

۴۱۴ کفاره پیرایش مو بدون تراشیدن ♦ کفاره‌های مذکور در مسألهٔ قبل، مخصوص تراشیدن مو است؛ اما ازالهٔ موی سر به طریق دیگر همچون دارو گذاشتن یا موم نهادن یا کندن یا کوتاه کردن مو، کفاره ندارد، هرچند احتیاط مستحب در پرداخت کفاره است.

۴۱۵ تراشیدن مو برای عمل جراحی ♦ در ثبوت کفارهٔ تراشیدن سر به جهت بیماری و سردرد، فرقی نیست که تراشیدن به جهت خود مو باشد یا به جهت دیگری مو را بتراشد؛ بنابراین اگر محرم به خاطر عمل جراحی سر مجبور است سرش

را بتراشد، باید کفاره بدهد.

۴۱۶ کفاره بر کسی که قسمتی از سرش مو ندارد ♦ کسی که مقداری از سرش مو ندارد، اگر بقیه سرش را بتراشد ظاهراً کفاره دارد.

۴۱۷ کفاره تراشیدن بخشی از مو ♦ کفاره در تراشیدن تمام موی سر بی تردید ثابت است. همچنین است اگر تنها مقدار کمی را باقی بگذارد که عرفاً بگویند سرش را تراشیده؛ ولی اگر برخی از سر را بتراشد ظاهراً کفاره ندارد، هرچند پرداخت کفاره مطابق احتیاط استحبابی است.

۴۱۸ کفاره ازاله موی زیر بغل ♦ کندن موی زیر هر دو بغل، یک گوسفند کفاره دارد و همین طور است بنا بر احتیاط مستحب، کندن موی زیر یک بغل.

۴۱۹ کفاره جدا شدن مو در اثر لمس سر یا ریش ♦ اگر محرم ریش یا سرش را لمس کند و از آن مویی جدا شود، باید مقداری طعام (یک مشت یا دو مشت یا یک مد یا غیر آن) به فقیر بدهد و بهتر است یک مد باشد و در لزوم کفاره فرقی نیست که با دست، ریش یا سرش را لمس کند یا با عضو دیگر.

◀ هجدهم: دروغ و دشنام و فخرفروشی

۴۲۰ موارد فسوق ♦ فسوق بر مرد یا زن محرم حرام است و در روایات، دروغ گفتن، دشنام دادن و فخرفروشی، هر سه از موارد فسوق شمرده شده است و محرم باید از آن‌ها پرهیز کند.

۴۲۱ حرمت دروغ و دشنام ♦ دروغ گفتن، دشنام دادن، بلکه فخرفروشی اگر با اهانت به مؤمن همراه باشد، در همه حال حرام است؛ ولی در حال احرام به خصوص از آن نهی شده و حرمت آن شدیدتر است.

۴۲۲ دستور به دیگری ♦ محرم می‌تواند به دیگری دستور بدهد؛ ولی نباید در آن فخرفروشی و برتری جویی باشد.

۴۲۳ کفاره فسوق ♦ در فسوق کفاره نیست؛ فقط باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره بدهد؛ و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

◀ نوزدهم: جدال

۴۲۴ تعریف جدال ♦ یکی از محرمات احرام، جدال است؛ و آن عبارت است از قسم خوردن به خداوند متعال در مقام اثبات یا ابطال مطلبی - خواه قسم راست باشد یا دروغ، همراه با نزاع و ستیزه جویی باشد یا نباشد - و گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» یا

مرادف آن در سایر لغات مانند «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد.

۴۲۵ انواع قسم به خدا ♦ محرم باید از قسم خوردن به لفظ «الله»، مانند «وَاللَّهِ» و «تَاللَّهِ»، یا مرادف لفظ «الله» در زبانهای دیگر، مانند «به خدا»، و همچنین قسم خوردن به سایر اسمای مخصوص خداوند مانند «بِالرَّحْمَنِ» اجتناب کند؛ بلکه در جدال کافی است که عرفاً قسم به خدای متعال باشد، هر چند اسم مخصوص هم نباشد.

۴۲۶ قسم به غیر خدا ♦ قسم خوردن به غیر خداوند متعال - هر چند به حضرات معصومین علیهم السلام باشد - بر محرم جایز است.

۴۲۷ قسم‌های بدون توجه ♦ قسم‌هایی که بدون توجه از محرم صادر می‌شود، اشکال ندارد.

۴۲۸ قسم خوردن ضروری ♦ قسم خوردن در حال احرام به هنگام ضرورت برای اثبات حق یا دفع باطل، یا برای اظهار مودت و دوستی و تکریم مؤمن جایز است.

کفاره جدال

۴۲۹ کفاره قسم راست ♦ قسم راست در کمتر از سه مرتبه، کفاره‌ای جز استغفار ندارد و در سه مرتبه و بیشتر، کفاره‌اش یک گوسفند است.

۴۳۰ کفاره قسم با غفلت از دروغ بودن ♦ اگر از روی عمد برای مطلبی قسم بخورد ولی از دروغ بودن آن غفلت داشته، کفاره قسم راست بر او واجب است.

۴۳۱ کفاره قسم دروغ ♦ اگر از روی عمد و علم به دروغ بودن مطلبی، برای آن قسم بخورد، باید یک شتر قربانی کند.

۴۳۲ کفاره قسم به مطلبی با شک در راست بودن آن ♦ اگر با تردید در راست و دروغ بودن کلام، از روی عمد برای مطلبی قسم بخورد و بعد از قسم معلوم شود که دروغ بوده، کفاره آن، در مرتبه اول، یک گوسفند و در مرتبه دوم، یک گاو و در مرتبه سوم و بیشتر، قربانی کردن شتر یا گاو است. البته اگر در دفعه اول یک گوسفند ذبح کند و بعد از آن دوباره به همین گونه جدال کند، ظاهراً کفاره آن یک گوسفند است نه گاو و اگر دو بار به همین گونه قسم خورده و یک گاو ذبح کند و پس از آن دوباره به همین گونه قسم به دروغ بخورد، ظاهراً کفاره آن یک گوسفند است نه یک گاو یا شتر.

۴۳۳ تکرار بیش از سه بار جدال ♦ در جدال بیش از سه بار، کفاره متعدد نمی‌گردد؛ مگر این که پس از جدال کفاره داده باشد که در این صورت جدال بعد از کفاره، جدال مستقل محسوب می‌شود.

بنابراین اگر پس از سه بار قسم راست کفاره بدهد و سپس سه قسم راست دیگر بخورد باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد،

و نیز اگر پس از سه بار قسم دروغ، کفارہ را ذبح کند و پس از آن یک بار دیگر قسم دروغ بخورد باید دوباره یک گوسفند ذبح کند.

◀ بیستم: کشتن و انداختن جانوران بدن

۴۳۴ کشتن شپیش، کک و سایر حشرات ♦ در حال احرام، کشتن شپیش مطلقاً جایز نیست؛ مگر آن که موجب آزار شدید شود و تنها راه رهایی از آن، کشتنش باشد؛ و کشتن پشه و کک اگر آزار نرسانند، جایز نیست، ولی در صورت آزار دیدن، جایز است؛ هرچند که آزار به حد حرج نباشد. و باید احتیاط کند و در صورت عدم آزار از کشتن سایر حشرات هم اجتناب کند.

۴۳۵ کشتن زنبور و مگس و مورچه ♦ محرم نباید زنبور و مگسی را که به او آزار نمی‌رساند بکشد؛ ولی کشتن مورچه برای محرم اشکال ندارد.

۴۳۶ انداختن جانوران از بدن یا لباس ♦ انداختن شپیش از بدن یا لباس، در حال احرام جایز نیست، ولی نقل آن مانعی ندارد؛ مگر آن که بدانییم با انتقال، سقوط می‌کند که در این صورت جایز نیست. انداختن حشرات دیگر از بدن اشکالی ندارد.

۴۳۷ کفارۀ کشتن و انداختن شپیش ♦ کفارۀ انداختن شپیش از بدن یا لباس، یک مشت طعام است و کشتن شپیش هم بنا بر احتیاط مستحب، یک مشت طعام کفارہ دارد.

۴۳۸ کفّاره کشتن و انداختن سایر جانوران ♦ انداختن و کشتن سایر جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند، کفّاره ندارد.

◀ بیست و یکم: شکار حیوانات وحشی صحرایی

۴۳۹ گستره حرمت شکار در حال احرام ♦ شکار حیوانات صحرایی وحشی بر مرد و زن محرم حرام است؛ مگر در صورتی که از آزار آن ترس داشته باشد. همچنین کمک کردن به شکارچی هرچند با راهنمایی او و نگاه داشتن حیوان شکار شده و ذبح آن، بر محرم حرام است؛ خواه صیاد در حال احرام باشد یا نه. در حرام بودن این امور فرقی نیست که صید، داخل حرم باشد یا خارج از آن.

۴۴۰ خوردن گوشت شکار بر محرم ♦ خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است؛ خواه خودش شکار کند یا دیگری، و خواه آن را شخص محرم شکار کرده باشد یا شخص مُحلّ.

۴۴۱ حفظ حیوان ناتوان و نگهداری آن ♦ اگر پرنده‌ای که نزد او است «پر» در نیاورده یا پر او را کنده‌اند، بنا بر احتیاط آن را حفظ کند تا پر درآورد و آن را رها کند؛ بلکه بنا بر احتیاط، بچه صید، مثل آهوبره را حفظ کند تا بزرگ شود و آن را رها کند.

۴۴۲ کشتن پرندگان و ملخ ♦ پرندگان و ملخ، در حکم شکار

صحرائی هستند؛ بنابراین در روزهایی که ملخ‌ها به مگه می‌آیند و در صحن‌های اطراف مسجدالحرام روی زمین می‌نشینند، محرم باید هنگام راه رفتن مراقب باشد تا ملخ‌ها زیر پای او از بین نروند، و اگر سهواً زیر پا رفته و کشته شوند اشکال ندارد.

۴۴۳ جوجه و تخم حیوانات صحرائی ♦ جوجه و تخم

حیوانات صحرائی وحشی حکم همان حیوان را دارند.

۴۴۴ شکار دریایی ♦ در حال احرام، شکار حیوانات دریایی

(حیوانی که در دریا تخم و جوجه می‌گذارد و بنا بر احتیاط در دریا هم زندگی می‌کند) جایز است.

۴۴۵ ذبح حیوان اهلی و خوردن آن ♦ ذبح و خوردن حیوانات

اهلی مانند مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر، در حال احرام جایز است؛ هرچند خلاف احتیاط استحبابی است. البته در هر صورت، محرم باید از نجس شدن لباس و بدنش در حال ذبح اجتناب کند.

۴۴۶ ذبح صید در حال احرام ♦ ذبح صید بر محرم حرام

است اما اگر محرم شکار را ذبح کند، در حکم میتة نیست؛ پس شخص مُحَلٌّ می‌تواند از آن بخورد هرچند احتیاط مستحب در ترک آن است.

۴۴۷ کفّاره شکار ♦ انواع شکار، کفّاره‌های مختلفی دارد که در

کتاب‌های فقهی آمده است.

◀ مسلح بودن

۴۴۸ **اسلحه برداشتن** ♦ برداشتن اسلحه، مانند تفنگ یا شمشیر و هر چه از آلات جنگ باشد بر محرم کراهت دارد و احتیاط استحبابی در ترک است مگر در صورت ضرورت.

۴۴۹ **همراه داشتن وسایل جنگ** ♦ همراه داشتن آلات جنگ - در صورتی که آن را نپوشیده باشد و مسلح شمرده نشود - جایز است، ولی اگر ظاهر باشد و با چیزی پوشیده نشده باشد، مکروه است.

محرمات حرم

۴۵۰ **حدود حرم** ♦ مسجدالحرام و منطقه‌ای در اطراف آن را که احترام خاص و احکام و آداب ویژه‌ای دارد، «حرم» می‌گویند. حدود حرم نسبت به جوانب مکه مختلف است. «تنعیم» در شمال مکه، «عرفات» در شرق و قسمتی از منطقه «حدیبه» در شمال غربی، برخی از حدود حرم هستند.

۴۵۱ **اموری که در حرم باید از آن اجتناب شود** ♦ دو چیز بر تمام افراد در حرم حرام است خواه محرم باشند یا مُحَلٌّ:
 ۱. شکار کردن؛ ۲. کندن یا بریدن یا سوزاندن درخت و گیاه.

◀ اول: شکار کردن

۴۵۲ **محرمات مربوط به شکار در حرم** ♦ صید کردن شکار درحرم و اذیت کردن و کشتن و خوردن از گوشت آن و راندن آن از حرم جایز نیست.

◀ دوم: کندن درخت و گیاه

۴۵۳ **کندن درخت و گیاه حرم** ♦ کندن یا بریدن یا سوزاندن درخت و گیاهی که در حرم روییده باشد، بر محرم و غیر محرم حرام است.

۴۵۴ **خارج بودن ریشه یا شاخه درخت از حرم** ♦ اگر شاخه درخت در حرم و ریشه آن خارج حرم باشد، یا شاخه درخت در خارج از حرم و ریشه آن درحرم باشد حکم درختی را دارد که تمام آن داخل حرم است.

۴۵۵ **کنده شدن گیاه با راه رفتن عادی** ♦ اگر در حرکت عادی انسان، گیاهی کنده شود اشکال ندارد؛ ولی نباید از مسیری حرکت کند که گیاه یا درختی کنده شود. مگر این که عبور از غیر آن مسیر مشقت داشته باشد؛ هرچند به حد حرج نرسد.

۴۵۶ **منع حیوان از خوردن گیاه حرم** ♦ جلوگیری حیوان از خوردن گیاه حرم لازم نیست؛ بلکه می‌تواند حیوان را رها کند

که از گیاه حرم بخورد، ولی بنا بر احتیاط خودش نباید گیاه برای حیوان بکند.

۴۵۷ مستثنیات قطع گیاه و درخت ♦ از حرمت کندن یا بریدن چند مورد استثنا شده است:

۱. کندن خرما و درخت میوه (و ظاهراً کندن میوه‌ای

که خوردنی نیست جایز نیست)؛

۲. کندن اذخر که گیاه معروفی است؛

۳. کندن درخت جهت تهیه دو چوبی که برای چرخ چاه از آن استفاده می‌شود؛

۴. کندن درخت خشک شده (ولی کندن علف خشک شده جایز نیست)؛

۵. کندن درخت یا گیاهی که خود انسان کاشته یا آب داده است؛ خواه در زمین ملکی انسان باشد یا در زمین

مباح؛ بلکه در زمین غصبی نیز همین حکم را دارد؛

۶. کندن درخت یا گیاهی که در منزل یا چادر انسان پس از سکنی‌گزیدن روییده باشد؛ هر چند دیگری آن

را کاشته باشد؛

۴۵۸ کفاره کندن درخت حرم ♦ اگر درختی را که کندنش جایز

نیست، بکند یک گاو کفاره دارد و فرقی بین درخت بزرگ و کوچک نیست و اگر بعض درخت را قطع کند، مثلاً شاخه‌های آن را بشکند، باید قیمت آن را صدقه بدهد.

۴۵۹ کفارهٔ قطع گیاه ♦ قطع گیاهان، به جز استغفار، کفاره ندارد.

احکام عمومی کفارهٔ محرمات احرام

۴۶۰ ندانستن حرمت یا ارتکاب سهوی محرمات ♦ همهٔ کفارات احرام فقط در صورت علم و عمد لازم می‌شود؛ بنابراین بر کسی که حرام بودن کاری را نمی‌داند و بر کسی که از روی اشتباه یکی از محرمات را مرتکب شود، کفاره‌ای نیست؛ مگر در شکار که در صورت جهل یا خطا هم کفاره لازم است، و مالیدن روغن که آن هم در فرض جهل به حکم، کفاره دارد.

۴۶۱ مکان قربانی کفاره ♦ کفارات عمره و حج به جز کفارهٔ مباشرت با زن و شکار، محل معینی ندارد و اگر در وطن هم انجام شود، کافی است.

۴۶۲ محل ذبح کفارهٔ آمیزش و شکار ♦ کفارهٔ نزدیکی با همسر و کفارهٔ شکار اگر در حج واقع شوند باید در منا ذبح شود؛ و اگر در عمرهٔ مفرده باشد در مکه، و اگر در عمرهٔ تمتع باشد در منا یا مکه ذبح شود.

۴۶۳ شرایط لازم در قربانی کفاره ♦ حیوانی که به عنوان کفاره، قربانی می‌شود، باید دارای همان شرایطی باشد که در

قربانی حج تمتع لازم است.

۴۶۴ مصرف قربانی کفاره ♦ پس از ذبح قربانی کفاره، باید تمام آن (حتی پوستش) را به فقیر صدقه بدهد و نمی‌تواند خودش از آن قربانی بخورد - هرچند نیازمند باشد؛ و برای صدقه دادن می‌تواند با گوشت قربانی غذایی تهیه کند و فقرا را میهمان کند، همچنان که می‌تواند آن را به صورت خام به فقرا بدهد.

۴۶۵ تعدد کفاره با تعدد سبب آن ♦ اگر محرم چند نوع از محرمات کفاره‌دار را مرتکب شود باید برای هر کدام یک کفاره بدهد؛ مثلاً اگر پیراهن بپوشد و غذای زعفران‌دار هم بخورد باید دو گوسفند قربانی کند.

۴۶۶ کفاره پوشیدن لباس‌های متعدد ♦ اگر محرم چند عدد از لباس‌هایی که نباید به تن کند بپوشد، چنانچه همه از یک صنف باشد - مانند دو پیراهن یا دو پوشیه - تنها یک کفاره واجب می‌شود؛ هرچند احتیاط مستحب آن است که برای هر کدام یک کفاره بدهد؛ چه در مجلس واحد باشد چه در مجالس متعدد. ولی اگر از چند نوع مختلف باشد، مثلاً مرد محرم پیراهن پوشیده و عمامه بر سر بگذارد یا زن محرم دستکش به دست کرده و نقاب به رویش ببندد بی تردید کفاره متعدد می‌گردد. اگر از چند صنف باشد ولی نوع آن واحد باشد، مثلاً مرد محرم پیراهن و شلوار بپوشد یا عمامه و عرقچین به سر بگذارد،

باید احتیاط کند و کفاره متعدد بپردازد.

۴۶۷ تکرار یکی از محرمات پس از پرداخت کفاره آن ♦ اگر محرم کاری را که کفاره دارد انجام داده و کفاره آن را بدهد و سپس دوباره آن کار را انجام دهد باید دوباره کفاره بپردازد، ولی اگر قبل از پرداخت کفاره، آن کار را تکرار کند ظاهراً یک کفاره کافی است - به جز در کفاره ناخن گرفتن -؛ ولی احتیاط مستحب آن است که برای هر مرتبه یک کفاره بدهد. خصوصاً اگر تکرار آن کار در مجالس مختلف باشد.

۴۶۸ ارتکاب موجب کفاره در حج و عمره ♦ اگر عملی را که کفاره دارد، هم در عمره و هم در حج مرتکب شود، باید برای هر یک جداگانه بدهد.

۴۶۹ کفاره سایر محرمات احرام ♦ محرمات احرامی که برای آن‌ها کفاره‌ای ذکر نشده کفاره ندارد، ولی احتیاط مستحب آن است که برای هر یک از آن‌ها یک گوسفند کفاره بدهد.

۴۷۰ کفاره استحبابی ♦ مستحب است پس از پایان عمره، به مبلغ یک درهم خرما خریده، آن را به فقرا صدقه بدهد تا کفاره کارهایی باشد که ممکن است از روی سهو و غفلت در احرام عمره انجام داده باشد؛ و نیز مستحب است پس از پایان اعمال حج و هنگام خروج از مکه، یک درهم خرما خریده، صدقه بدهد.

آداب و مستحبات حرم

۴۷۱ مستحبات ورود به حرم ♦ مستحب است حاجی هنگام

ورود به حرم آداب زیر را رعایت کند:

۱. برای ورود به حرم غسل کند؛

۲. پیاده و پابرهنه با تواضع و فروتنی کامل نسبت به ذات اقدس حق ﷻ پاپوش خود را به دست بگیرد و وارد حرم شود؛

۳. هنگام ورود به حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ بِمَنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ؛ وَكُلَّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ. أَتَبْتَغِي بِذَلِكَ الرُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمُنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛

۴. هنگام ورود به حرم مقداری از گیاه اذخر گرفته آن

را بجود.

۴۷۲ مستحبات ورود به مکه معظمه ♦ مستحب است مکلف

برای ورود به مکه معظمه، آداب زیر را رعایت کند:

۱. برای ورود به حرم غسل کند؛
۲. با حالت تواضع وارد شود؛
۳. کسی که از راه مدینه آمده از بالای مکه^۱ وارد شود و وقت بیرون آمدن از پایین آن^۲ خارج شود.

۴۷۳ آداب و مستحبات مسجد الحرام ♦ مستحب است زائر،

آداب زیر را هنگام ورود به مسجد الحرام رعایت کند:

۱. برای ورود به مسجد غسل کند؛
۲. با پای برهنه و با حالت تواضع و وقار وارد شود؛
۳. از باب بنی شیبه^۲ داخل گردد؛
۴. بر در مسجد الحرام بایستد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. بِسْمِ اللَّهِ
وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ؛ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ
وَرُسُلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى

۱. از طرف قبرستان ابوطالب.

۲. از طرف مسجد تنعیم.

۳. گفته اند آن باب در مقابل «باب السلام» کنونی بوده است.

مَلَّةَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ
لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَ بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ. السَّلَامُ عَلَى
خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ. السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ؛ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ. اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَ سَلِّمْ
عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ
مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي؛ جَلَّ
تَنَاؤُ وَجْهِكَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُورِهِ،
وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَغْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَى كُلِّ مَا تَبِي حَقُّ
لِمَنْ آتَاهُ وَ زَارَهُ؛ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَا تَبِي وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ؛ فَاسْأَلُكَ
يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ حَدِّكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ
وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ

- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ - يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا
مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ نُحُفَّتَكَ إِنَائِي
بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»؛

پس سه مرتبه می گوید: «اللَّهُمَّ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»؛

پس می گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ
شَيَاطِينِ الْحَيْنِ وَالْأَنْسِ وَشَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»؛

۵. پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را

بلند کرده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ
تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَجَاوَزَ عَن حَاطِيَّتِي وَتَضَعَ عَنِّي وَرْزِي.
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ
أَنْ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَآمِنًا
مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ،
وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ؛ جِئْتُكَ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْمُ طَاعَتِكَ،
مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ؛ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ الْيَتِيمِ،
الْحَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ؛ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ،
وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ»؛

۶. آنگاه به کعبه خطاب کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ

مَثَابَةٌ لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛

۷. وقتی روبروی حجرالاسود رسید بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛

۸. و مستحب است رو به حجرالاسود بایستد و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، أَكْبَرُ مَنْ أَحْشَى وَ أَحْذَرُ؛ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ؛ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي؛ بِيَدِهِ الْخَيْرُ؛ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، [وَ تَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ] كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ؛ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ، وَ أَصْدَقُ رُسُلَكَ، وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ»؛

۹. آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوْفِي بِعَهْدِكَ»؛

۱۰. و در روایت معتبر آمده است که وقتی نزدیک حجرالاسود

رسیدی، دست‌های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور و بر پیامبر و آل او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ درود فرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول فرماید، پس از آن حجرالاسود را ببوس و اگر نتوانستی دست روی آن بکش، و اگر نتوانستی از دور به آن اشاره کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَاتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِيَتَّشَهَّدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ؛ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَالظَّالِمِينَ وَالْبِلَالِ وَالْعُرَى وَعِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛

و اگر نتوانی همه را بخوانی، قسمتی از آن را بخوان، سپس بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَفِي مَا عِنْدَكَ عَظَمْتُ رَعْبَتِي، فَاقْبَلْ سِيحَتِي، وَاعْفُزْ لِي وَارْحَمْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَمَوَاقِفِ الْحِزْبِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

۴۷۴ بوسیدن حجرالاسود در شلوغی ♦ بوسیدن و استلام حجرالاسود در صورت مزاحمت و شلوغی مستحب نیست و بنابر روایات معتبر، حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به جهت شلوغی و ازدحام جمعیت، از استلام حجر خودداری کرده‌اند.

طواف

۴۷۵ تعریف طواف ♦ پس از احرام به عمره، اولین عمل واجب، طواف خانه خداست. طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه خدا (کعبه) گردیدن به شکلی که خواهد آمد.

رکن بودن طواف

۴۷۶ ترک عمدی طواف در عمره و حج ♦ طواف از ارکان عمره و حج است و کسی که از روی عمد و اختیار، همه یا بعضی از دوره‌های طواف عمره تمتع را انجام ندهد تا وقت آن بگذرد، عمره یا حجش باطل می‌شود؛ چه عالم به اصل وجوب طواف باشد و چه جاهل به آن.

۴۷۷ ترک طواف در عمره تمتع ♦ کسی که از روی عمد

طواف عمره تمتع را تا آخر وقت آن، ترک کرده، عمره تمتعش صحیح نیست و به حج افراد مبدل می‌شود - خواه بدانند که طواف واجب است یا نداند-؛ و باید با همان احرام به عرفات برود و اعمال حج افراد را انجام دهد و پس از آن و گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرده را بجا آورد؛ هرچند عمره تمتع او مستحبی باشد. و اگر بدون عذر، طواف را ترک کرده، کفایت از حجة الإسلام نمی‌کند.

۴۷۸ آخر وقت طواف در عمره تمتع ♦ پایان وقت طواف عمره

تمتع، زمانی است که محرم بتواند اعمال عمره تمتع را به پایان ببرد و پس از احرام حج، قبل از غروب روز نهم ذی حجه خود را به عرفات برساند. پس اگر بتواند تمام اعمال عمره را انجام داده و با احرام حج، خود را هرچند کمی نزدیک مغرب به عرفات برساند واجب است اعمال عمره را تمام کند و حج و عمره‌اش صحیح است و اگر ترس نرسیدن به عرفات داشته باشد حجتش به افراد تبدیل شده و باید طواف را رها کرده و خود را به عرفات برساند.

کسی که می‌داند نمی‌تواند زمان اختیاری وقوف به عرفات را درک کند ولی می‌تواند پس از انجام اعمال عمره تمتع، وقوف اضطراری عرفات و وقوف اختیاری مشعر را درک کند، محرم به احرام عمره تمتع میشود و پس از انجام اعمال آن، احرام حج بسته و خود را به عرفات و مشعر می‌رساند.

۴۷۹ ترک سهوی تمام طواف در عمره ♦ اگر سهواً طواف را در عمره تمتع یا مفرده ترک کند یا آن را به شکل صحیح انجام ندهد، باید آن عمل و اعمال بعدی را بجا آورد و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند و در عمره تمتع اگر وقت جبران گذشته، عمره اش تبدیل به حج افراد شده و باید پس از آن و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده بجا آورد.

۴۸۰ ترک سهوی بخشی از طواف ♦ اگر سهواً مقداری از طواف را ترک کند یا آن مقدار را به شکل غیر صحیحی بجا آورد صورت های مختلفی دارد:

الف) اگر قبل از سعی متوجه شود باید طواف را تکمیل کند؛

ب) اگر در حال سعی متوجه شود باید سعی را رها کند و پس از تکمیل طواف و خواندن نماز آن، ادامه سعی را بجا آورد؛

ج) اگر بعد از سعی و قبل از تقصیر متوجه شود طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و اعاده سعی لازم نیست؛
 د) اگر بعد از تقصیر متوجه گردد، طواف را تکمیل کند و نماز آن را بخواند و بنابر احتیاط مستحب از محرمات احرام اجتناب کرده و تقصیر را اعاده کند، ولی اعاده سعی لازم نیست؛

ه) اگر بعد از بازگشتن به وطن متوجه شود می تواند

برای تکمیل طواف نایب بگیرد، مگر این‌که تکمیل طواف برای خودش هیچ‌گونه مشقتی نداشته باشد؛ و در هر حال اعاده سعی و تقصیر و اجتناب از محرّمات احرام لازم نیست.

۴۸۱ ترک طواف از روی فراموشی ♦ کسی که طواف را فراموش کرده یا همه آن را به شکل ناصحیح انجام داده، باید از محرّمات احرام پرهیز کند و طواف و اعمال بعد از آن را بجا آورد و اگر مشقت شدید دارد، نایب بگیرد.

البته اگر از روی فراموشی یا غفلت از موضوع، طواف را ترک کرده یا به شکل ناصحیح انجام داده است، در صورتی‌که پس از بازگشت به وطن متوجه شود، محرّمات احرام بر او حلال است. ولی باید طواف را بجا آورد و می‌تواند برای طواف نایب بگیرد؛ مگر آن‌که انجام آن برای خودش هیچ‌گونه مشقتی نداشته باشد؛ و در هر صورت لازم نیست اعمال بعدی را دوباره بجا آورد.

۴۸۲ بطلان طواف به خاطر ندانستن احکام آن ♦ کسی که از روی ندانستن فروع احکام طواف، همه یا بخشی از آن را به صورت باطل انجام داده باشد (مثلاً نمی‌دانسته که باید در محدوده مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام طواف کند) حکم کسی را دارد که سهواً طواف را ترک کرده یا ناقص گذاشته است. و همچنین است کسی که به جهت نشناختن خصوصیات خارجی یا همان جهل به موضوع، همه یا مقداری از طوافش را ناصحیح بجا

آورده است.

۴۸۳ کفاره فراموشی طواف و نزدیکی ♦ اگر کسی طواف واجب - چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء - را فراموش کند و برگردد و با زن نزدیکی نماید، باید در مکه قربانی کند؛ و بنا بر احتیاط قربانی شتر است.

۴۸۴ انجام دوباره طواف واجب ♦ کسی که می خواهد پس از انجام طواف واجب، از روی احتیاط آن را اعاده کند، باید ابتدا نماز طواف اول را بخواند، سپس مشغول طواف بعدی شود؛ و اگر بدون خواندن نماز، طواف را اعاده کند، طواف اولش باطل می شود؛ مگر این که تأخیر نماز از روی جهل یا سهو باشد.

شرایط و واجبات طواف

۴۸۵ امور لازم در طواف ♦ اموری که رعایت آن در طواف واجب خانه خدا لازم است عبارت اند از:

۱. نیت؛
۲. پاک بودن از حدث اکبر و اصغر؛
۳. پاک بودن بدن و لباس از نجاست؛
۴. ختنه برای مردان؛
- ۵ و ۶. شروع از حجرالأسود و ختم به آن؛
۷. حرکت به کیفیت معتبر در طواف؛

۸. طواف کردن در بیرون حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام؛
 ۹. رعایت محدوده طواف؛
 ۱۰. داخل نشدن به خانه کعبه و ملحقات آن در حین طواف؛
 ۱۱. با اختیار طواف کردن؛
 ۱۲. هفت دور طواف کردن بدون کم و زیاد؛
 ۱۳. رعایت ترتیب بین اجزای طواف؛
 ۱۴. رعایت موالات عرفی بین اجزای طواف؛
 ۱۵. اطمینان به عدد دورها؛
 ۱۶. اجتناب زنان از نقاب؛
 ۱۷. ترک قران بین دو طواف؛
 ۱۸. مباح بودن لباس طواف و وسیله آن، بنا بر احتیاط.
- و چون طواف کننده در معرض دید ناظر محترم است باید خود را بپوشاند؛ خواه طواف واجب باشد یا مستحب. اما این امر جزء واجبات طواف نیست.

۱. نیت

۴۸۶ امور معتبر در نیت طواف ♦ در نیت طواف، سه چیز معتبر

است:

۱. قصد عمل: یعنی نیت کند هفت دور طواف خانه خدا را به این قصد که از محاذی حجرالأسود شروع

و به همان جا ختم نماید. و همین که قصد طواف صحیح داشته باشد کافی است.

۲. قصد تعیین: یعنی در نیت، نوع طواف را مشخص کند که طواف واجب است یا مستحب؛ و اگر دو نوع طواف بر عهده دارد (مثلاً طواف نذر و طواف عمره) باید آن را هرچند به صورت اجمالی مشخص کند.

۳. قصد قربت: یعنی طواف را با نیت خالص برای خداوند متعال انجام دهد و فرق نیست که انگیزه او از انجام عمل برای خدا، محبت خداوند باشد یا ترس از جهنم یا شوق به بهشت و ثواب یا غیر آن.

۴۸۷ به زبان آوردن نیت ♦ لازم نیست طواف کننده نیت طواف را به زبان آورد یا حتی از قلب خود بگذراند؛ بلکه نیت ارتکازی کافی است، یعنی همین مقدار که اگر بپرسند چه می‌کنی؟ به طور مثال بگوید «طواف عمره تمتعی را که به آن محرم شده‌ام انجام می‌دهم» کافی است.

۴۸۸ نیت کردن پیش از رسیدن به حجرالأسود ♦ اگر قبل از رسیدن به حجرالأسود نیت کند که برای خدا هفت دور از حجرالأسود تا حجرالأسود برای عمره تمتع طواف می‌کنم کافی است و تجدید نیت، موقع رسیدن به حجرالأسود و همچنین در دوره‌های بعد لازم نیست.

۲. طهارت از حدث

۴۸۹ طهارت از حدث در طواف واجب ♦ کسی که طواف واجب بجا می‌آورد باید از حدث اصغر و اکبر پاک باشد؛ یعنی با وضو بوده و از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد؛ و اگر بدون طهارت طواف کند طواف او باطل است؛ هرچند از روی غفلت یا به خاطر ندانستن مسأله باشد.

۴۹۰ طهارت از حدث برای نابالغ ♦ کودک نابالغ ممیز هم باید برای طواف واجب، از حدث اصغر و اکبر پاک باشد؛ ولی برای بچه غیر ممیز طهارت لازم نیست.

۴۹۱ مقصود از طواف واجب ♦ مقصود از طواف واجب که طهارت از حدث در آن شرط است طواف عمره یا حج یا طواف نساء است. این حکم در طواف عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن، بقیه اعمال آن از جمله طواف، واجب می‌شود نیز جاری است.

۴۹۲ کفایت غسل از وضو ♦ غسل جنابت بدون تردید کفایت از وضو می‌کند و غسل‌های واجب دیگر و نیز غسل‌هایی که استحباب آن‌ها ثابت شده است (مانند غسل احرام، غسل جمعه، غسل ورود به مسجدالنبی ﷺ، غسل زیارت خانه خدا)، کفایت از وضو می‌کند؛ هرچند احتیاط مؤکد استحبابی آن است که در نماز و طواف واجب خانه خدا به این غسل‌ها اکتفا نکند.

۴۹۳ معذور از وضو و غسل ♦ کسی که می‌خواهد طواف کند، اگر از وضو گرفتن یا غسل کردن معذور است، چنانچه امید دارد عذرش برطرف شود، بنابر احتیاط باید صبر کند تا عذرش برطرف گردد و اگر از آن ناامید است یا نمی‌تواند صبر کند، باید به جای وضو یا غسل، تیمم کند. البته محدث به حدث اصغر اگر در وسعت وقت، رجاء تیمم کرده بعد معلوم شود که تا تنگی وقت عذرش باقی بوده، کفایت می‌کند.

۴۹۴ حدث اصغر بعد از تیمم بدل از غسل ♦ کسی که بدل از غسل، تیمم کرده و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آمده، باید وضو بگیرد، و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، بدل از وضو تیمم کند.

۴۹۵ شک در طهارت گرفتن ♦ کسی که می‌داند قبلاً باطهارت نبوده، اگر شک کند طهارت گرفته است، باید بنا را بر این بگذارد که طهارت ندارد و پس از طهارت گرفتن، طواف کند.

۴۹۶ شک در حدث ♦ کسی که می‌داند قبلاً باطهارت بوده، اگر شک کند حدثی از او سرزده، لازم نیست دوباره وضو بگیرد و یا غسل نماید؛ خواه قبل از طواف شک کند، یا در اثنای طواف، یا بعد از آن.

۴۹۷ شک در وضو داشتن در اثنای طواف ♦ اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه، باید پس از گرفتن وضو،

طواف را از سر بگیرد؛ خواه بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن؛ مگر آن‌که بداند وضو داشته و شک کند که بعد از آن حدثی از وی سرزده است یا خیر.

۴۹۸ شک در انجام غسل در اثنای طواف ♦ اگر در اثنای طواف شک کند که غسل جنابت یا حیض یا نفاس کرده یا نه، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود، و پس از غسل، طواف را تمام کرده و نماز آن را بخواند و سپس آن را اعاده کند؛ خواه قبل از تمام شدن دور چهارم شک کرده باشد یا بعد از آن.

۴۹۹ شک در طهارت پس از پایان طواف ♦ اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که آن را با طهارت بجا آورده یا نه، چنانچه احتمال بدهد در حال طواف به طهارت خود توجه داشته طوافش صحیح است، در غیر این صورت، طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را اعاده کند. همچنین اگر مسأله را نمی‌دانسته بنا بر احتیاط بعد از تحصیل طهارت و خواندن نماز طواف، اصل طواف و نمازش را دوباره بجا آورد.

۵۰۰ رعایت احتیاط با وجود حکم به صحت طواف ♦ در تمام شک‌هایی که طواف با آن‌ها صحیح است و حاجی می‌تواند بنا را بر طهارت بگذارد، انجام طواف و نماز با طهارت یقینی بهتر است؛ به این معنا که اگر هنوز طواف نکرده، تجدید وضو کند، یا رجاءً غسل بجا آورد و سپس طواف و نماز آن را بجا آورد، و اگر در حین طواف بوده یا آن را به اتمام رسانده، پس از تکمیل، دوباره

با طهارت جدید، طواف و نماز را اعاده کند تا اگر احیاناً روشن شد که طهارت نداشته، دچار مشکل نشود.

۵۰۱ مبادرت مستحاضه برای انجام اعمال ♦ مستحاضه لازم نیست برای طواف صبر کند تا پاک شود، بلکه در همان حالت استحاضه می‌تواند طواف کند؛ هرچند مطمئن باشد قبل از گذشتن وقت عمره یا حج، پاک خواهد شد.

۵۰۲ وظیفه مستحاضه برای طواف ♦ مستحاضه باید برای طواف، کارهایی را که برای نماز لازم است انجام داده و بعد از آن فوراً طواف کند؛ و چنانچه بین انجام این کارها و طواف فاصله بیفتد، در صورتی که پس از وضو یا غسل تا پایان طواف خون نیامده، طوافش صحیح است؛ و گرنه باید برای طواف دوباره این کارها را انجام دهد.

۵۰۳ طواف در پاکی بین روزهای حیض ♦ اگر در بین روزهایی که زن خون می‌بیند یک یا چند روز پاک شود، به طوری که در باطن هم خون نباشد، در روزهایی که پاک شده حائض نیست؛ هرچند روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک شده، بر روی هم از ده روز بیشتر نباشد؛ بنابراین اگر مثلاً سه روز خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره چهار روز خون ببیند، در مدّت دو خون، حائض، و در دو روز وسط، پاک می‌باشد و می‌تواند غسل کند و طواف و نماز آن را بجا آورد، و کفایت می‌کند.

۵۰۴ قرص خوردن بانوان برای عقب انداختن حیض ♦ بانوان
می‌توانند با خوردن قرص، عادت خود را به عقب بیندازند و طواف عمره و حج را بجا آورند.

۵۰۵ وظیفه فاعد الطهورین در انجام طواف ♦ شخصی که
می‌خواهد طواف کند اگر آب و چیزی که تیمم بر آن صحیح است پیدا نکند و از یافتن آن دو ناامید باشد، باید نایب بگیرد و احتیاط مستحب در غیر جنب و حائض و نساء و مستحاضه کثیره - که بدون غسل نمی‌توانند وارد مسجد الحرام شوند - آن است که خودش نیز طواف کند.

۳. طهارت از خبث

۵۰۶ پاک‌ی بدن و لباس ♦ کسی که طواف واجب بجا می‌آورد
باید بدن و لباسش پاک باشد و طواف در بدن یا لباس نجس باطل است.

۵۰۷ طهارت بدن و لباس بچه غیر ممیز ♦ پاک بودن بدن و
لباس بچه غیر ممیز، در حال طواف لازم نیست.

۵۰۸ طواف با نجاسات بخشوده شده در نماز ♦ طواف کردن
با نجاساتی که در نماز بخشوده شده است مانند خون کمتر از درهم و همچنین نجاست عینک و انگشتر و جامه‌ای که نمی‌توان عورت را با آن پوشاند، مانند کلاه و جوراب اشکال

ندارد؛ البته احتیاط مستحب در اجتناب است.

۵۰۹ طواف با خون جراحت ♦ برای طواف و نماز آن، تطهیر زخم یا جراحت یا دملی که خوب نشده و قسمت‌هایی از بدن و لباس که معمولاً به خون آن‌ها نجس می‌شود لازم نیست؛ و اگر خوب شده باید بدن و لباس را تطهیر کند؛ مگر این‌که این کار برای او ضرر داشته یا همراه با مشقت زیاد باشد.

۵۱۰ همراه داشتن نجس در طواف ♦ اگر چیز نجسی همراه طواف‌کننده باشد اشکال ندارد و به طواف او صدمه‌ای نمی‌زند.

۵۱۱ نجاست بدن یا لباس طواف‌کننده و مشقت تطهیر یا تعویض آن ♦ کسی که بدن یا لباسش به خونی که بخشوده نشده آلوده باشد و تطهیر یا تعویض آن مشقت داشته باشد، اگر نمی‌تواند طواف را تا زمانی که تطهیر یا تبدیل آن بدون مشقت ممکن است به تأخیر اندازد، می‌تواند با همان بدن یا لباس نجس طواف کند؛ و اگر می‌تواند باید طواف را به تأخیر انداخته یا با تحمل مشقت، تطهیر کرده و طواف نماید.

۵۱۲ طواف با بدن یا لباس آلوده به خون‌های سه‌گانه ♦ طواف واجب با بدن یا لباسی که به خون حیض، نفاس یا استحاضه و یا خون حیوان حرام گوشت آلوده است، صحیح نیست؛ هرچند کمتر از مقدار درهم باشد.

۵۱۳ التفتات به نجاست بدن و لباس در اثنای طواف ♦ اگر در

بین طواف واجب ببیند بدن یا لباسش نجس است، باید طواف رارها کند و پس از آب کشیدن آن، طوافش را ادامه داده و کامل کند. حتی اگر قبل از تکمیل دور چهارم هم باشد یا از مطاف خارج شود یا با تطهیر، موالات از بین برود.

در این حکم فرقی نیست که در همان موقع نجس شده یا از قبل نجس باشد، و فرقی نیست که قبلاً اطلاع از نجاست داشته و فراموش کرده یا هیچ گونه اطلاع قبلی نداشته باشد.

۵۱۴ آگاه شدن بر نجاست بدن یا لباس پس از طواف ♦ اگر
طواف کننده پس از پایان طواف بفهمد یا یادش بیاید که با بدن یا لباس نجس طواف کرده، طوافش صحیح است.

۵۱۵ شک در نجاست بدن و لباس ♦ کسی که شک دارد لباس
یا بدنش نجس است، می تواند در آن حال طواف کند؛ مگر آن که نجاست آن اثبات شود یا اثبات شود که قبلاً نجس بوده است.

۵۱۶ رعایت سایر شرایط لباس نماز گزار در طواف ♦ به جز
طهارت، رعایت سایر شرایط لباس نماز گزار در لباسی که هنگام طواف واجب می پوشند، شرط نیست؛ هر چند رعایت آن مطابق احتیاط استحبابی است.

۴. ختنه برای مردان

۵۱۷ مختون بودن ♦ مردی که می خواهد طواف - واجب یا

مستحب- بجا آورد باید ختنه شده باشد، وگرنه طوافش باطل است؛ اگر چه توجه نداشته باشد. احتیاط مستحب آن است که این شرط دربارهٔ پسرهای نابالغ نیز مراعات شود.

۵۱۸ معذور از ختان ♦ مردی که از ختنه معذور است باید برای طواف نایب بگیرد و پس از طواف او، خودش نماز طواف را بجا آورد.

۵۱۹ ختنهٔ مادرزادی ♦ اگر شخصی ختنه کرده به دنیا بیاید، طوافش صحیح است.

۶۰۵. شروع و ختم به حجرالاسود

۵۲۰ شروع و ختم طواف به حجرالاسود ♦ باید طواف را از مقابل گوشه‌ای از کعبه که حجرالأسود در آن قرار دارد شروع کند و به همانجا ختم نماید؛ و در تشخیص روبروی حجرالأسود، دقت لازم نیست؛ بلکه همین اندازه که از جایی شروع کند که در عرف بگویند از حجرالأسود شروع کرده و به آن ختم نموده، کافی است.

۵۲۱ نیت اجمالی برای محل شروع و ختم طواف ♦ اگر کسی پیش از رسیدن به حجرالأسود اجمالاً نیت کند که مثلاً اولین جایی که محاذات حاصل می‌شود اول طواف، و بعد از هفت دور، همان جا آخر طواف من باشد، کافی است؛ هرچند تفصیلاً

نداند که اولین خط محاذات حجرالأسود کجاست؛ و اگر در نهایت طواف، به جهت اطمینان به اتمام دور هفتم از آن خط عبور کرد، اشکالی ندارد.

۵۲۲ شروع طواف از قبل حجرالأسود یا بعد آن ♦ اگر کسی طواف را قبل از حجرالأسود - مثلاً از رکن یمانی - شروع کند، همه طوافش باطل است؛ خواه از روی علم و عمد باشد یا به خاطر غفلت یا ندانستن مسأله یا اشتباه در تشخیص رکن حجرالأسود. همچنین اگر بعد از حجرالأسود - مثلاً از مقابل در کعبه - طواف را شروع کند، همه طوافش باطل است.

۵۲۳ وسواس در طواف ♦ طواف کردن بدون دقت‌های صاحبان وسوسه به همان گونه که همه مسلمین طواف می‌کنند صحیح است و توقف نمودن و جلو و عقب رفتن قبل از شروع در هر دور لازم نیست؛ بلکه گاهی موجب حصول خلل در طواف نیز می‌شود.

۷. حرکت به کیفیت معتبر در طواف

۵۲۴ حرکت در خلاف مسیر عقربه‌های ساعت ♦ طواف‌کننده باید در هر حال از حجرالأسود به سمت در خانه طواف نماید؛ یعنی بر خلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت، طواف کند.

۵۲۵ قرار گرفتن کعبه در سمت چپ طواف‌کننده ♦ در حال

طواف لازم نیست روی طواف‌کننده به طرف جلو و شانه چپ او به سمت خانه کعبه باشد. بنابراین طواف‌کننده می‌تواند در حالی که رویش به سوی کعبه است طواف کند؛ بلکه اگر همان مسیر طواف را عقب‌عقب برود یا گاهی پشت او به کعبه شود، طوافش صحیح است.

۵۲۶ سمت شانه‌ها هنگام دور زدن ♦ دور زدن به نحو متعارف کافی است؛ بنابراین کسی که به طور متعارف دور می‌زند، اگر موقع رسیدن به گوشه‌های خانه، شانه چپ او از محاذات کعبه خارج شود - بلکه اگر خانه متمایل به پشت او گردد - اشکال ندارد.

۵۲۷ سمت شانه‌ها برای افراد عاجز ♦ طواف دادن افراد ناتوان در مسیر بقیه طواف‌کنندگان، کافی است و لازم نیست در حال طواف، شانه چپ آن‌ها به طرف کعبه باشد.

۵۲۸ طواف به نحو غیر متعارف ♦ ظاهراً طواف کردن به طوری که در بیشتر حالات طواف پشت به کعبه باشد، صحیح نیست. ولی اگر در بعضی از قسمت‌های جزئی طواف پشت به کعبه شود، کما این‌که در حال ازدحام برای بسیاری از طواف‌کنندگان پیش می‌آید، اشکال ندارد.

۵۲۹ نگاه کردن به چپ و راست در حال طواف ♦ در حال طواف، لازم نیست روی طواف‌کننده به طرف جلو باشد و می‌تواند به چپ و راست یا پشت سر نگاه کند.

۵۳۰ کیفیت حرکت در طواف ♦ در طواف کردن به هر شکل حرکت کند مانع ندارد؛ آهسته برود یا تند، سواره باشد یا پیاده؛ ولی بهتر آن است که با آرامش حرکت کند و به خواندن دعا‌های طواف و ذکر خدا مشغول باشد.

۵۳۱ طواف به صورت نشسته یا سواره ♦ طواف در حال اختیار باید ایستاده انجام شود و طواف کردن در حال نشسته صحیح نیست؛ مگر برای کسی که سواره طواف می‌کند.

۸. طواف کردن در بیرون حجر اسماعیل

۵۳۲ دور حجر اسماعیل گردیدن ♦ طواف‌کننده باید دور حجر اسماعیل عليه السلام بگردد و اگر از داخل حجر اسماعیل عليه السلام طواف کند، باید آن دور را از حجر الاسود دوباره طواف نماید، و اعاده کل طواف واجب نیست - چه عالم به مسأله باشد و چه نباشد - و فرقی نمی‌کند که قبل از دور چهارم باشد یا بعد از آن.

۵۳۳ ورود به حجر اسماعیل در اثنای طواف ♦ اگر طواف‌کننده به قصد طواف وارد حجر شود ولی از دور زدن منصرف گشته و برگردد و از بیرون حجر آن دور را کامل کند، طواف او صحیح است؛ هرچند احتیاط مستحب در آن است که رجاء قسمت اول آن دور را نیز بجا آورد. همچنین است اگر به قصد استراحت وارد حجر شود.

۵۳۴ طواف بردیوار حجر ♦ طواف‌کننده باید احتیاط کند و در هنگام طواف روی دیوار حجر هم نرود. پس اگر کسی از روی دیوار حجر طواف کند باید طواف را از سر بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب باید این کار را بعد از اتمام طواف و خواندن نماز آن، انجام دهد.

ولی اگر روی دیوار استراحت کند و یا به قصد طواف، مقداری در روی دیوار حرکت کند ولی منصرف گشته، برگردد و از بیرون حجر طواف را ادامه دهد، طوافش صحیح است.

۵۳۵ گذاشتن دست بردیوار حجر ♦ دست گذاردن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام در حال طواف، مانع ندارد.

۵۳۶ اعاده طواف انجام شده در حجر ♦ اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج چند دور از طواف را از داخل حجر اسماعیل دور زده، حج او صحیح است و باید آن چند دور و نماز طواف را اعاده کند.

۹. رعایت محدوده طواف

۵۳۷ حد مطاف در شرایط مختلف ♦ محدوده اصلی مطاف، یعنی منطقه‌ای که در شرایط عادی می‌توان در آن طواف نمود، در تمام اطراف کعبه به مقدار فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام - حدوداً ۱۲ متر- است و در شرایط عادی، طواف

در فاصله دورتر باطل است؛ و در این جهت فرقی بین طواف عمره و حج، و همچنین بین طواف واجب و مستحب نیست. در ایام شلوغ که طواف همه حجاج در این محدوده غیرممکن یا بسیار دشوار است، حاجی می‌تواند دورتر از این محدوده طواف کند و اتصال به طواف‌کنندگان و نزدیک شدن به محدوده - حتی اگر مشقت نداشته باشد- لازم نیست.

۵۳۸ محدوده طواف از طرف حجر ♦ محدوده طواف در طرف حجر اسماعیل علیه السلام کم نمی‌شود بلکه از بیرون دیوار حجر محاسبه می‌گردد نه از کعبه.

۵۳۹ تأخیر طواف برای رعایت محدوده ♦ در شرایط عادی کسی که بتواند با تأخیر انداختن طواف، محدوده مقام ابراهیم علیه السلام را رعایت کند، چنانچه تأخیر طواف برایش زحمت شدید نداشته باشد باید برای صحت طواف، آن را به تأخیر اندازد تا در محدوده مقام ابراهیم علیه السلام طواف نماید.

۵۴۰ کمک گرفتن از دیگران و نایب گرفتن برای رعایت محدوده ♦ در شرایط عادی، اگر حتی با تأخیر طواف، رعایت محدوده ممکن نیست، چنانچه بتواند با کمک دیگران در محدوده طواف کند، باید از دیگران کمک بگیرد و در محدوده طواف نماید؛ و اگر از این هم عاجز است یا برایش مشقت شدید دارد باید برای طواف در محدوده نایب بگیرد، و بنا بر احتیاط مستحب خودش نیز در خارج محدوده طواف کند. اما اگر نایب گرفتن

هم ممکن نباشد، طواف خارج محدوده برای او کافی است و رعایت نقاط نزدیک‌تر به مقام لازم نیست؛ بلکه اگر در آخر جمعیت هم طواف کند صحیح است.

۵۴۱ طواف در طبقه دوم ♦ طواف نباید بالاتر از سطح کعبه باشد؛ بنابراین طواف در طبقه دوم کفایت نمی‌کند و در شرایطی که چرخ‌ها تنها در طبقه دوم اجازه طواف دارند، کسانی که نمی‌توانند -هرچند با سوار شدن بر دوش دیگری- جز در طبقه دوم طواف کنند، یا این کاربرایشان مشقت شدید دارد، برای طواف نایب می‌گیرند و بنا بر احتیاط مستحب خودشان نیز در طبقه دوم طواف داده شوند. بلی، چنانچه نتوانند برای طواف نایب بگیرند، باید احتیاط کنند و خودشان در طبقه دوم طواف کنند. اما طواف در نیم طبقه -که از کعبه بالاتر نیست- در ایام شلوغ حج (با توجه به تفصیلی که در مسأله ۵۳۷ گذشت) اشکالی ندارد، و در هر جایی که مقام ابراهیم بین نمازگزار و کعبه باشد نماز طواف صحیح است؛ هر چند در این طبقه باشد.

۵۴۲ خروج از محدوده در برخی دورها ♦ طواف در خارج محدوده باطل است و اگر قسمتی از طواف، خارج محدوده باشد، از آن قسمت به بعد باطل می‌شود. پس اگر موالات بهم نخورده است، آن را تکمیل می‌کند و صورت فوت موالات، حکم قطع طواف را دارد که صورت‌های مختلف آن در مسائل قطع طواف خواهد آمد.

۱۰. وارد کعبه نشدن

۵۴۳ طواف در بیرون از خانه خدا ♦ طواف‌کننده باید بیرون از خانه و هر چه که از خانه به حساب می‌آید طواف کند.

۵۴۴ ورود به کعبه در اثنای طواف ♦ وارد شدن به کعبه از روی علم یا جهل یا سهو، همه طواف را باطل می‌کند؛ بنابراین اگر طواف‌کننده در اثنای طواف وارد کعبه شود باید همه طواف را از سر بگیرد. البته امروزه امکان ورود به کعبه برای افراد عادی وجود ندارد.

۵۴۵ حرکت طواف‌کننده بر شاذروان ♦ اگر طواف‌کننده از روی شاذروان (پیش‌آمدگی که در پایین دیوار اطراف کعبه است) طواف کند، نسبت به صحت آن قسمت از طوافش باید احتیاط کند و رجاء آن قسمت را اعاده نماید. و اگر بدون اعاده این قسمت، در ادامه قصد طواف کند، با رسیدن به جایی که روی شاذروان رفته، باید احتیاط کند و طواف را باطل بداند و آن را از سر بگیرد.

۵۴۶ استلام دیوار کعبه در حال طواف ♦ بوسیدن خانه کعبه و دست گذاردن به آن و نیز طواف کردن در حال بوسیدن کعبه مانعی ندارد - گرچه احتیاط مستحب ترک آن است - همچنین می‌تواند طواف را رها کرده و کعبه را ببوسد و سپس برگردد و طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه دهد.

۵۴۷ ورود طواف‌کننده به کعبه ♦ اگر در حال طواف، داخل کعبه معظمه شود کل طوافش باطل می‌شود؛ و فرقی نمی‌کند که از روی عمد باشد یا سهو، مسأله را بدانند یا ندانند.

۱۱. با اختیار طواف کردن

۵۴۸ طواف از روی اختیار ♦ طواف‌کننده باید با اختیار خود طواف نماید؛ و اگر در حال اختیار شخصاً طواف نکند بلکه دیگری او را طواف دهد - به گونه‌ای که درباره او بگویند طواف نکرده بلکه طوافش داده‌اند - طوافش باطل است.

۵۴۹ تندی و کندی حرکت به جهت فشار جمعیت ♦ اگر فشار طواف‌کنندگان باعث تند یا کند رفتن طواف‌کننده شود، مانعی ندارد؛ بلکه همین مقدار که عملی انجام دهد که معمول مردم درباره او بگویند «طواف می‌کند» کافی است.

۵۵۰ حرکت بی‌اختیار در چند قدم از طواف ♦ اگر طواف‌کننده در چند قدم از طواف، بدون اختیار قدم بردارد باید از همان جایی که بدون اختیار طواف کرده یا از محاذی آن، طواف را تکمیل نماید. بنابراین می‌تواند در ادامه، قصد طواف نکند تا به همان نقطه برسد و از آن جا طواف را تکمیل کند؛ و اگر از روی غفلت یا ناآگاهی به مسأله در ادامه قصد طواف کند، با رسیدن به همان نقطه یا محاذی آن، آن قسمت از طواف را

که در ادامه انجام داده حساب نکند و طواف را تکمیل نماید.

۵۵۱ انجام طواف با وسیله نقلیه ♦ طواف کردن با وسایل نقلیه مانند چرخ جایز است؛ ولی در حال اختیار باید خود طواف‌کننده آن را راه ببرد و تا ممکن باشد -هرچند با این کار- خودش طواف کند، نوبت به وظیفه عاجز نمی‌رسد.

۵۵۲ ناتوانی از انجام طواف ♦ کسی که بر اثر عذری مانند بیماری یا پیری نمی‌تواند خودش -هرچند با کمک گرفتن از وسیله‌ای- طواف کند یا این کار برای او مشقت شدید دارد، باید از کسی بخواهد که با رعایت شرایط صحت طواف، او را طواف دهد؛ و اگر از کمک گرفتن هم عاجز است یا این کار برایش مشقت شدید دارد، برای طواف نایب بگیرد و اگر نتواند نایب بگیرد، در بیرون محدوده، طواف داده شود.

۱۲. هفت عدد بودن تعداد دورها

۵۵۳ تعداد دورها ♦ طواف‌کننده باید هفت دور بزند، نه کمتر و نه بیشتر.

۵۵۴ قصد کمتری یا بیشتر از هفت دور زدن از ابتدای طواف ♦ اگر طواف‌کننده از ابتدای طواف با علم و عمد، قصد کند کمتری یا بیشتر از هفت دور انجام دهد، طوافش باطل است.

۵۵۵ قصد کمتری یا بیشتر از هفت دور زدن در اثنای طواف ♦ اگر

در اثنای طواف از روی علم و عمد، قصد کند کمتر یا بیشتر از هفت دور طواف کند، مقداری که با این قصد طواف کرده باطل است، ولی دورهای سابق بر آن با دو شرط صحیح است: اولاً: مجموع دورهایی که قبل از تغییر قصد و بعد از آن انجام داده، بیش از هفت دور نباشد؛ و ثانیاً: موالات بین اجزای صحیح و اجزای باقیمانده، بهم نخورده باشد. و اگر موالات از بین رفته یا عملاً بیش از هفت دور طواف کرده باشد همه طوافش باطل می‌شود.

۵۵۶ قصد زیاده در طواف به جهت ندانستن مسأله ♦ کسی که به خاطر عذری مانند ندانستن مسأله، از ابتدای طواف یا در اثنای آن قصد بیش از هفت دور را داشته، چنانچه در عمل به هفت دور ختم نماید، طوافش صحیح است؛ و اگر بیش از هفت دور طواف کرد، همه طوافش باطل است؛ و در صورتی که طواف را در کمتر از هفت دورها کند، حکم کسی را دارد که سهواً یا جهلاً طواف خود را ناقص گذاشته است (که در مسائل قطع طواف می‌آید).

۵۵۷ قصد افزودن یک دور برای تبرک ♦ اگر از اول قصد کند که هشت دور بجا آورد، لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا هدف دیگر باشد، طواف او صحیح است.

۵۵۸ افزودن یک دور به طواف به خیال استحباب آن ♦ اگر بعد از تکمیل طواف به خیال این که یک دور نیز به طور مستقل مستحب است، یک دور بیشتر طواف کند به طوافش ضرری نمی‌رسد.

۵۵۹ ترک عمدی طواف، قبل از تکمیل آن ♦ اگر به قصد هفت دور مشغول طواف شده و از روی علم و عمد، بدون عذر، قبل از تمام شدن هفت دور طواف را رها کند، باید قبل از فوت موالات آن را اتمام کند؛ و گرنه طوافش باطل است.

۵۶۰ دور زدن در مطاف پس از تکمیل طواف ♦ بعد از اتمام طواف، دور زدن همراه طواف‌کنندگان به قصد خروج از مطاف ضرری به طواف نمی‌زند، ولی اگر مقداری از مسافت را به قصد جزئیت طواف قبلی بجا آورد همه طوافش باطل است، چه از روی عمد باشد یا به جهت ندانستن مسأله یا غفلت از آن.

۵۶۱ قصد انجام طواف ناقص به جهت جهل، سهو یا غفلت ♦ کسی که به خاطر ندانستن مسأله یا غفلت از آن، قصد کمتر از هفت دور را داشته، اگر در هنگام طواف یا قبل از گذشتن موالات متوجه شده، هفت دور را کامل می‌کند و طوافش صحیح است. و اگر پس از این که موالات از بین رفت، متوجه گردد، چنانچه عدد دورها را می‌داند، باید آن را تکمیل کند و طوافش صحیح است؛ هرچند از نصف نگذشته باشد. ولی اگر عدد دورها را نداند کل طوافش باطل است.

۵۶۲ التفات به نقصان طواف پس از بازگشت به وطن ♦ کسی که طوافش را ناقص انجام داده، اگر بعد از بازگشت به وطن متوجه شود، می‌تواند برای تکمیل طواف نایب بگیرد؛ مگر آن‌که انجام آن برای خودش هیچ‌گونه مشقتی نداشته باشد؛ و در هر صورت لازم نیست دوباره سعی و تقصیر کند و از محرمات احرام اجتناب نماید.

۵۶۳ تکرار بخشی از طواف ♦ اگر به خاطر ندانستن مسأله یا غفلت، قسمتی از اول یا وسط یا آخر مطاف را دوبار طواف کند، مثلاً در اثنای طواف برای همراهی دوستانش مقداری به عقب بازگشته و آن مقدار را دوبار طواف نماید، طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.

۵۶۴ ترک بخشی از طواف از روی غفلت یا جهل ♦ اگر به جهت غفلت یا ندانستن مسأله، قسمتی از وسط طواف را ترک نماید (مانند کسی که برای بوسیدن کعبه، طواف را رها کرده و در بازگشت، از مقداری جلوتر طواف را ادامه داده) باید از آن قسمت که طواف را رها کرده تا آخر دور طواف کند.

۵۶۵ زیادی سهوی در طواف ♦ اگر طواف‌کننده سهواً بیش از هفت دور طواف کند، چنانچه مقدار زیادی کمتر از یک دور است، از همان جا طواف را قطع کند و طوافش صحیح است. و چنانچه مقدار زیادی، یک دور یا بیشتر است باید هفت دور دیگر را تکمیل کند و بعد از آن، دو رکعت نماز برای طواف فریضه (طواف دوم) بخواند؛ و مستحب، بلکه مطابق احتیاط

استحبابی آن است که پس از سعی، دو رکعت دیگر به نیت طواف مستحب (طواف اول) بجا آورد.

۵۶۶ احتیاط در آغاز و پایان طواف ♦ کسی که می‌خواهد از نقطه‌ای شروع به طواف کند، می‌تواند احتیاطاً مقداری قبل از آن مشغول دور زدن شود، به قصد آن که وقتی به آن نقطه یا محاذی آن رسید، اول طوافش باشد؛ و در پایان طواف نیز می‌تواند احتیاطاً مقدار بیشتری طواف کند، به قصد آن که به همان خطی که شروع کرده ختم کند.

۱۳. رعایت ترتیب

۵۶۷ ترتیب میان اجزای یک دور ♦ طواف‌کننده باید قسمت‌های طواف را به ترتیب انجام دهد؛ بنابراین اگر در پایان یک دور بفهمد که قسمتی از اول آن دور باطل بوده، باید تمام آن دور را از سر بگیرد تا ترتیب بین اجزای طواف رعایت شود.

۱۴. موالات

۵۶۸ رعایت موالات عرفی در طواف ♦ رعایت موالات عرفی در طواف لازم است و فرقی بین دور چهارم و قبل از آن نیست؛ بنابراین اگر طواف‌کننده کاری انجام دهد که موالات عرفی

طواف از بین برود، جز در موارد خاص باید طواف را از سر بگیرد. البته احتیاط مستحب آن است که اگر بعد از گذشتن سه و نیم دور از طواف بوده، قبل از اعاده، طواف قبلی را تمام کند.

۵۶۹ موالات در طواف مستحب ♦ رعایت موالات عرفی در طواف مستحب هم لازم است؛ بنابراین اگر طواف‌کننده کاری انجام دهد که موالات عرفی طواف از بین رود، در غیر موارد خاص طوافش باطل است.

۵۷۰ حکم تکلیفی قطع طواف ♦ رعایت موالات در طواف واجب، جز در مواردی که می‌آید لازم است؛ یعنی نباید با فاصله انداختن یا انجام کاری، موالات عرفی طواف از بین برود و به گونه‌ای شود که مجموعه طواف، از نظر متعارف مردم، دیگر یک عمل به شمار نیاید؛ و در این حکم فرقی نیست که قبل از دور چهارم باشد یا بعد از آن.

۵۷۱ قطع طواف به مقداری که موالات از بین نرود ♦ رها کردن طواف واجب به مقدار کمی که موالات عرفی از بین نرود مانعی ندارد و موجب بطلان طواف نمی‌شود؛ هرچند از مطاف بیرون رفته باشد. پس اگر برای بوسیدن خانه کعبه، طواف را رها کند می‌تواند بدون فاصله زیاد برگردد و از آن نقطه یا خط محاذی آن، طواف را تکمیل کند.

۵۷۲ شروع طواف جدید قبل از تکمیل طواف پیشین ♦ اگر

طواف‌کننده به هر جهت در وسط طواف آن را رها نماید و به خاطر ندانستن مسأله، دوباره طواف کند، طواف جدیدش صحیح است؛ هرچند بدون فاصله، طواف جدید را شروع کرده باشد. اما اگر با علم به وجوب اتمام طواف قبلی، طواف جدید را قبل از این‌که موالات طواف اول از بین برود شروع کند، بنا بر احتیاط، طواف دومش باطل است؛ لذا بنا بر احتیاط، باید بعد از تکمیل طواف دوم و خواندن نماز آن، دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند.

۵۷۳ تکمیل طواف ناقص ♦ اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، طواف واجب را ناقص گذاشت، هر وقت متوجه شد باید طواف را تکمیل کند، و بنا بر احتیاط مستحب اگر دور چهارم تمام نشده باشد، پس از اتمام، اعاده نیز بنماید.

قطع کردن طواف

۵۷۴ موارد جواز قطع طواف ♦ قطع کردن طواف واجب، در موارد زیر جایز است:

۱. آب کشیدن بدن یا لباس؛
۲. وضو گرفتن یا غسل کردن؛
۳. خوف قضا شدن نماز واجب؛
۴. خوف قضا شدن نماز وتر؛
۵. رسیدن به نماز اول وقت؛

۶. رسیدن به نماز جماعت؛
۷. برآوردن حاجت خود یا دیگری؛
۸. بیماری؛
۹. عیادت بیمار؛
۱۰. استراحت و رفع خستگی؛
۱۱. هر کاری که مطلوب شارع مقدس باشد و وقت آن می‌گذرد؛ مانند تشییع جنازه مؤمن و شرکت در نماز و تطهیر مسجد.

۵۷۵ قطع طواف واجب برای استراحت ♦ نشستن و دراز کشیدن در اثنای طواف برای رفع خستگی و استراحت جایز است؛ هرچند قبل از دور چهارم باشد و موالات عرفی از بین برود یا از مطاف خارج شود، ولی بعد از رفع خستگی نباید ادامه طواف را به تأخیر اندازد.

۵۷۶ قطع طواف واجب برای تطهیر بدن یا لباس ♦ اگر در اثنای طواف واجب، بدن یا لباس طواف‌کننده نجس شود، طواف را رها کرده، آن را آب می‌کشد و طواف را از جایی که رها کرده تمام می‌کند و طواف او صحیح است؛ خواه بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن، موالات باقی باشد یا خیر، از مسجد خارج شود یا نه.

۵۷۷ حدث اصغر در اثنای طواف ♦ اگر در اثنای طواف واجب از روی عذر، وضوی طواف‌کننده باطل شود، سه صورت دارد:
اول: قبل از رسیدن به نیمه دور چهارم باشد؛ در این

صورت باید بعد از تجدید طهارت، طواف را از سر بگیرد؛ هرچند از مطاف خارج نشده باشد و موالات از بین نرفته باشد؛ مانند کسی که آب، همراه دارد و با آن در مطاف وضو می‌گیرد.

دوم: پس از پایان دور چهارم باشد؛ در این صورت باید بعد از تجدید طهارت، طواف قبل را از جایی که وضویش باطل شده کامل کند؛ هرچند از مسجد خارج شده یا موالات از بین رفته باشد.

سوم: پس از رسیدن به نصف طواف و قبل از اتمام دور چهارم باشد؛ که بنا بر احتیاط باید بعد از طهارت، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند و دوباره یک طواف کامل بجا آورد.

۵۷۸ **حدث اکبر در اثنای طواف** ♦ اگر در اثنای طواف واجب، بدون اختیار حدث اکبر از طواف‌کننده سرزند، مثلاً حائض شود، باید بعد از تجدید طهارت، طواف قبل را از جایی که وضویش باطل شده، کامل کند. البته احتیاط مؤکد آن است که اگر حدث، قبل از پایان دور چهارم بوده، بعد از طهارت ابتدا طواف قبلی را تکمیل کرده، نماز آن را بخواند، و دوباره یک طواف کامل بجا آورد.

۵۷۹ **حدث اختیاری در وسط طواف** ♦ کسی که در اثنای طواف - بدون این که حفظ طهارت مشقت شدید داشته باشد -

وضوی خود را باطل کند طوافش باطل می‌شود؛ هرچند بعد از دور چهارم باشد.

۵۸۰ قطع طواف برای درک نماز جماعت یا فضیلت وقت ♦

قطع کردن طواف جهت رسیدن به نماز جماعت - هرچند نماز جماعت اهل تسنن - یا درک فضیلت وقت نماز واجب، یا به جهت فوت نشدن نماز وتر، جایز، بلکه مستحب است؛ و طواف را از هر جا که قطع کرده بعد از نماز از همان جا ادامه دهد؛ گرچه قبل از چهار دور باشد یا از مطاف خارج شده باشد یا موالات از بین رفته باشد.

۵۸۱ قطع طواف واجب برای برآوردن حاجت ♦ اگر کسی که

به خاطر برآوردن حاجت خودش یا دیگری یا عیادت بیمار و یا هر کاری که مطلوب شارع مقدس است در جایی که بدون قطع طواف نتواند آن کار را انجام دهد، طواف واجب را قطع کند، مسأله سه صورت دارد:

اول: قطع طواف بعد از دور چهارم باشد؛ که در این صورت آن را تمام کند.

دوم: قبل از عبور از نیمه دور چهارم باشد؛ که باید دوباره طواف کند. البته احتیاط مستحب است که این طواف را نیز تکمیل کند و نمازش را بخواند.

سوم: بعد از نیمه دور چهارم و قبل از تکمیل دور چهارم باشد؛ که بنابر احتیاط طواف را تکمیل کند و

نمازش را بخواند، سپس طواف را اعاده کند.

۵۸۲ قطع طواف مستحب برای برآوردن حاجت ♦ کسی که

به خاطر برآوردن حاجت خودش یا دیگری یا عیادت بیمار و یا هر کاری که مطلوب شارع مقدس است و نمی‌تواند بدون قطع طواف آن کار را انجام دهد طواف مستحب را قطع کند، اگر طواف را تکمیل کند طوافش صحیح است.

۵۸۳ بیماری در اثنای طواف ♦ کسی که در اثنای طواف، به

جهت بیماری از ادامه طواف عاجز شده، اگر قبل از گذشتن از نیمه دور چهارم، طواف را قطع نموده، چنانچه از توانایی بر انجام طواف ناامید است، یکی-دو روز صبر می‌کند و اگر خوب نشد، برای طوافش نایب می‌گیرد. در هر صورت نماز طواف را اگر بتواند خودش می‌خواند و الا نایب می‌گیرد.

و اگر بعد از چهار دور طواف را قطع کرده، باید بدون تأخیر عرفی برای تکمیل طوافش نایب بگیرد و کفایت می‌کند؛ و اگر در نایب گرفتن تأخیر شد، طوافش باطل است و باید از اول اعاده کند؛ هرچند احتیاط استحبابی در اتمام و اعاده است.

و اگر قطع طواف بعد از نیمه دور چهارم و قبل از تکمیل دور چهارم بوده، بنا بر احتیاط، بدون تأخیر عرفی برای اتمام طواف نایب بگیرد و بعداً خودش - و اگر بهبودی پیدا نکرد، نایبش - کل طواف را اعاده کند؛ و در این صورت نیز اگر در نایب گرفتن تأخیر شد طوافش باطل است و باید از اول اعاده کند؛ هرچند

احتیاط استجبایی در اتمام و اعاده است.

۵۸۴ قطع طواف به جهت موانع خارجی ♦ اگر به خاطر موانع خارجی -مانند نظافت مطاف یا برپایی صفوف جماعت در صورتی که در نماز جماعت شرکت نکند- طواف واجب را به گونه‌ای که موالات از بین برود قطع کند، باید طواف را از سر بگیرد. البته احتیاط مستحب آن است که ابتدا این طواف را تکمیل کند و نماز آن را هم بخواند، سپس طواف را اعاده کند.

۵۸۵ ناتوانی از انجام وظیفه پس از قطع طواف ♦ اگر شخصی که با عذر، طواف را قطع کرده، نتوانست به وظیفه خود که اتمام یا استیناف طواف است عمل کند تا آن که وقت تنگ شد، اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست چنانچه بعد از رسیدن به دور چهارم طوافش قطع شده، برای ادامه طواف نایب بگیرد، و اگر قبل از گذشتن از نیمه دور چهارم طوافش قطع شده، برای انجام همه طواف نایب بگیرد. و بنابر احتیاط اگر طواف بعد از نیمه دور چهارم و قبل از اتمام آن قطع شده، مطابق احتیاط عمل شود.

۵۸۶ قطع طواف در تنگی وقت نماز ♦ اگر هنگام اشتغال به طواف، وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند و پس از آن بدون تأخیر طواف را از هر جا که قطع کرده تکمیل کند؛ هر چند قطع طواف قبل از اتمام دور چهارم باشد. و اگر قطع ننمود و طواف را ادامه داد، گناهکار

است، ولی طوافش صحیح است.

۱۵. اطمینان به عدد دورها

۵۸۷ شک طواف‌کننده در تعداد دورها ♦ طواف‌کننده باید اطمینان به تعداد دورها داشته باشد؛ پس اگر در اثنای طواف در عدد دورها شک کند، طوافش باطل است. البته اگر مطمئن باشد در ادامه به عدد دورها اطمینان پیدا می‌کند، چنانچه اطمینان حاصل شود، طوافش صحیح است.

۵۸۸ ظن و گمان به عدد دورها ♦ ظن و گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

۵۸۹ اعتماد به شمارش دیگری ♦ طواف‌کننده می‌تواند در عدد دورهای طواف به شمارش دیگری اعتماد کند؛ اگر چه گفته‌اش او برایش اطمینان بخش نباشد.

۵۹۰ شک بین هفت و هشت ♦ اگر بعد از رسیدن به حجر الاسود در عدد دورها بین هفت و هشت شک کند به شکش اعتنا نکند و طوافش صحیح است.

۵۹۱ شک در تعداد دورها پس از پایان طواف ♦ اگر بعد از انصراف و فارغ شدن از طواف شک کند که آیا طواف را زیادتراز هفت دور یا کم‌تر از هفت دور بجا آورده است یا نه، اگر به رعایت تعداد دورها توجه نداشته، در صورت استمرار شک، طوافش

باطل است. اما اگر احتمال بدهد به رعایت تعداد دورها توجه داشته، به شکش اعتنا نکند و طوافش صحیح است (البته احتیاط مستحب در تکرار طواف است).

۵۹۲ شک میان هفت و کمتر، در پایان دور یا اثنای آن ♦ اگر در آخر دور یا اثنای آن، میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است شک کند، چنانچه اطمینان دارد پیش از پایان طواف، نسبت به تعداد دورها حجت شرعی پیدا می‌کند - مثلاً از همراه خود می‌پرسد - می‌تواند طواف را در حال شک ادامه دهد و اگر حجت شرعی پیدا کرد طوافش صحیح است. در غیر این صورت، طوافش باطل است.

۵۹۳ شک وسواسی در تعداد دورها ♦ اطمینان وسواسی به عدد دورها لازم نیست. لذا اگر وسواسی در تعداد دورها شک کند به شکش اعتنا نکند بلکه بنا را بر یک طرف شک که طواف صحیح است بگذارد؛ خواه عدد کمتر باشد یا بیشتر.

۵۹۴ شک کثیر الشک در تعداد دورها ♦ فرد کثیر الشک اگر کثرت شکش به حد وسواس نرسد باید دوباره طواف کند؛ البته احتیاط مستحب این است که بنا را بر اقل بگذارد و طواف اول را تمام کند و نماز آن را بخواند سپس طواف را از سر بگیرد.

۵۹۵ شک در طواف مستحبی ♦ در طواف مستحب، با شک در عدد دورها بنا بر کمتر بگذارد و طوافش صحیح است.

۱۶. اجتناب بانوان از نقاب

۵۹۶ نقاب زدن در حال طواف ♦ بانوان در حال طواف نباید نقاب به صورت داشته باشند.

۵۹۷ نقاب داشتن زن در حال طواف ♦ اگر خانمی در حال طواف نقاب بر صورت داشته باشد، طوافش باطل است؛ و در این مسأله فرقی بین طواف واجب و مستحب نیست.

۱۷. ترک قران در طواف

۵۹۸ قران در طواف ♦ در طواف واجب، قران جایز نیست؛ یعنی انجام دادن طواف دیگری بعد از طواف واجب - بدون اینکه بین آنها نماز یا چیزی که موالات را از بین می برد فاصله شود - جایز نیست و این کار طواف را باطل می کند. واجب یا مستحب بودن طواف دوم، و همچنین عالم یا جاهل بودن طواف کننده به این مسأله، تفاوتی ایجاد نمی کند.

۵۹۹ قران در طواف مستحبی ♦ قران در طواف مستحبی مکروه است ولی طواف را باطل نمی کند.

۶۰۰ اعاده احتیاطی طواف ♦ اگر طواف را بدون فوت موالات و فاصله شدن نماز طواف، احتیاطاً اعاده کند، از موارد قران در طواف نیست؛ البته از آنجا که بدون عذر نباید بین طواف و نماز آن فاصله شود، طواف اول باطل می گردد؛ مگر آنکه از روی عذری

مانند فراموشی یا ناآگاهی به مسأله نماز را تأخیر انداخته باشد.

۱۸. مباح بودن لباس طواف و وسیله آن (بنابر احتیاط)

۶۰۱ مباح بودن لباس در طواف ♦ مباح بودن لباسی که طواف‌کننده می‌پوشد - ساتر باشد یا غیر ساتر - بنابر احتیاط، شرط صحت طواف است؛ پس اگر کسی با لباس غصبی - حتی جوراب یا کمر بند غصبی - طواف کند، کار حرامی کرده و بنابر احتیاط، طواف او صحیح نیست. همچنین است طواف با لباسی که خمس آن پرداخت نشده است.

این شرط اختصاص به عالم عامد دارد؛ بنابراین کسی که از روی جهل، فراموشی، غفلت یا اضطرار در لباس غصبی طواف کند، طوافش صحیح است مگر آن‌که خودش غاصب آن لباس باشد که طوافش با آن لباس، بنابر احتیاط باطل است.

۶۰۲ طواف در لباس تهیه شده با مال متعلق خمس ♦ طواف در لباسی که با پول خمس داده نشده، خریده شده صحیح است؛ مگر در موارد نادری که معامله در قبال خود همان پول خاص صورت گرفته باشد، و رضایت فروشنده - هر چند رضایت تقدیری وی - احراز نشود؛ که در این دو صورت بنابر احتیاط، طواف با آن لباس باطل است.

۶۰۳ همراه داشتن مال متعلق خمس در طواف ♦ اگر طواف‌کننده

بدون عذر، پول خمس ن داده همراه داشته باشد، گناهکار است، ولی طوافش صحیح است.

۶۰۴ طواف با وسیله غصبی ♦ طواف با وسیله غصبی، حکم طواف با لباس غصبی را دارد؛ بنابراین در فرض علم و عمد، طواف با آن بنا بر احتیاط باطل است.

ستر عورت (بنا بر احتیاط مستحب)

۶۰۵ پوشاندن عورت در طواف ♦ بر مردان واجب است در حال طواف، عورت خود را بپوشانند؛ و اگر بدون عذر خود را نپوشانند، گناهکارند. البته پوشاندن عورت شرط صحیح بودن طواف نیست؛ هر چند اگر بدون ستر عورت طواف واجب را بجا آورد به احتیاط مستحب آن را اعاده کند.

۶۰۶ پوشش زن در طواف ♦ بانوان باید سر و بدن خود را به استثنای صورت و دست‌ها از مچ تا سر انگشتان در مقابل نامحرم بپوشانند؛ ولی این پوشش شرط صحت طواف نیست. بنابراین اگر پوشش آنان در حال طواف بدن نما باشد، مرتکب گناه بزرگی شده‌اند ولی طوافشان صحیح است؛ هر چند احتیاط مؤکد استجابی در آن است که به این طواف اکتفا نکنند.

احکام متفرقه طواف

۶۰۷ شک در رعایت شرایط طواف برای کسی که قبلاً شرایطش را داشته ♦ کسی که شک دارد در قسمتی از طواف، آیا شرایط آن را رعایت کرده یا نه - مثلاً از مطاف خارج شده یا نه - چنانچه بداند که شرایط در قطعۀ سابق که به این قطعۀ مشکوک متصل بوده، رعایت شده، طوافش صحیح است و به شک خود اعتنا نکند؛ چه در اثنای طواف شک کند چه پس از پایان آن.

۶۰۸ شک در صحت طواف پس از پایان آن ♦ اگر کسی پس از فارغ شدن از طواف، در تعداد دورهای طواف یا شرایط آن، شک کند، چنانچه احتمال دهد هنگام طواف به رعایت شرایط آن توجه داشته، به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است؛ حتی اگر نماز طواف را شروع نکرده باشد.

ولی اگر مطمئن است به رعایت شرایط آن توجه نداشته، باید قطعۀ مشکوک و اجزای بعد از آن را بجا آورد. البته اگر مثلاً در انجام صحیح قسمتی از دور سوم شک کند، وقتی در دور بعد به همان محل رسید ادامه طواف، دور سومش محسوب می‌شود؛ بنابراین بعد از اتمام هفت دور، در واقع شش دور طواف کرده و اگر یک دور دیگر طواف کند طوافش صحیح است.

۶۰۹ شک در صحت بخش‌های قبلی طواف ♦ اگر هنگام طواف، در انجام صحیح آن شک کند، در صورتی که مطمئن

باشد به رعایت شرایط آن توجه نداشته است؛ باید قطعهٔ مشکوک و بعد از آن را به توضیحی که در مسألهٔ قبل گذشت، بجا آورد. ولی اگر احتمال دهد به رعایت شرایط آن توجه داشته، باید طواف را از سر بگیرد؛ البته احتیاط مستحب است ابتدا این طواف را تکمیل کند و نمازش را بخواند.

۶۱۰ شک در طواف در حال نماز ♦ هر گاه پس از شروع نماز شک کند تعداد دورهای طواف را ناقص بجا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است.

۶۱۱ طواف دادن بیمار ♦ باید شرایط و احکام طواف، در مورد شخص مریضی که او را طواف می‌دهند، در حد امکان مراعات شود.

۶۱۲ طواف در حال طواف دادن دیگری ♦ اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند، طواف هر دو صحیح است.

۶۱۳ انجام طواف عمره بدون لباس احرام ♦ کسی که عمرهٔ تمتع یا عمرهٔ مفرده بجا می‌آورد، اگر بدون عذر، لباس احرام را کنار گذارد و در لباس‌های عادی، طواف یا سعی عمره را بجا آورد، گناهکار است؛ و در صورت علم و عمد کفاره نیز دارد؛ ولی در هر حال اعمالش صحیح است.

۶۱۴ انجام امور دنیوی در حال طواف ♦ صحبت کردن،

خندیدن، شعر خواندن و حتی خوردن و آشامیدن در حال طواف جایز است؛ ولی کراهت دارد. مستحب است که طواف‌کننده به دعا و ذکر و تلاوت قرآن مشغول باشد و حضور قلب خود را با این امور دنیوی از بین نبرد.

۶۱۵ نگاه به نامحرم و تماس با وی در حال طواف ♦ اگر طواف‌کننده در حال طواف به نامحرم نگاه کند یا با وی برخورد کند، طوافش باطل نمی‌شود؛ ولی باید به خصوص هنگام ازدحام، مراقب دام‌های شیطان باشد، و اگر عمداً با بدن زنی تماس پیدا کند معصیت بزرگی را مرتکب شده است.

۶۱۶ ریا در طواف و سایر مناسک ♦ اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره یا حج ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و خود را خوب جلوه دادن آن را بجا آورد، گناه کرده و عمل او نیز باطل است.

۶۱۷ ناخالصی در عبادت ♦ اگر در عملی عبادی رضای دیگران را نیز شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد، عمل او باطل است و در این عمل گناهکار است. ولی به وسوسه و القائات شیطانی نباید اعتنا کرد.

۶۱۸ ریا در ادعیه طواف و سعی ♦ اگر در خواندن دعاها یا طواف یا سعی ریا کند، اصل طواف و سعی او باطل نمی‌شود.

۶۱۹ ریا پس از پایان عمل ♦ ریا بعد از تمام کردن عمل، آن را

باطل نمی‌کند.

۶۲۰ طهارت داشتن در سایر مناسک ♦ در میان اعمال عمره و حج، تنها طواف و نماز طواف است که نیاز به طهارت دارد؛ و طهارت در سایر مناسک عمره و حج لازم نیست.

طواف مستحب

۶۲۱ استحباب موکّد طواف ♦ از مستحبات مورد تأکید در روایات شریف، طواف کعبه است و به تکرار آن نیز سفارش شده است؛ ولی بهتر است هنگام ازدحام جمعیت به جای طواف مستحب نماز بخوانند و مطاف را در اختیار کسانی قرار دهند که طواف واجب انجام می‌دهند.

۶۲۲ انجام طواف مستحب به نیت چند نفر ♦ طواف مستحب را می‌توان به نیابت از چندین نفر بجا آورد؛ همچنان که می‌توان برای خود و به نیابت از دیگران، یک طواف انجام داد؛ ولی نمی‌توان هر یک یا چند دور از طواف را به نیت یک نفر انجام داد.

۶۲۳ ویژگی‌های طواف مستحبی ♦ این امور، به طواف مستحبی ضرری نمی‌رساند:

۱. حدث اکبر؛
۲. حدث اصغر؛
۳. نجاست بدن یا لباس (اگر چه احتیاط مستحب در

پاک بودن است)؛

۴. خواندن نماز طواف در هر نقطه از مسجد الحرام؛

۵. قرآن؛ ۶. شک در دوره‌های طواف؛

۷. شک در رکعات نماز طواف؛

۸ و ۹. نیابت چند نفر از یک نفر و نیابت یک نفر از چند نفر.

۶۲۴ سایر احکام طواف مستحبی ♦ رعایت اموری که در طواف واجب لازم است - به استثنای مواردی که در مسأله قبل گذشت - در طواف مستحب نیز لازم است.

۶۲۵ طهارت از حدث در طواف مستحبی ♦ طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست؛ البته فرد جنب یا حائض جایز نیست وارد مسجد الحرام شود؛ ولی اگر از روی غفلت یا فراموشی، طواف مستحب انجام دهد یا ناچار شود در مسجد الحرام به مقدار طواف یا تکمیل طوافی که انجام داده توقف کند، طوافش صحیح است.

۶۲۶ محل نماز طواف مستحبی ♦ نماز طواف مستحبی را در هر نقطه از مسجد الحرام می‌توان بجا آورد؛ و بسیار مناسب است که حجاج در مواقع شلوغ، برای مراعات حال کسانی که طواف واجب بجا می‌آورند، پشت مقام ابراهیم ع را در اختیار آنان قرار دهند.

۶۲۷ طواف نیابی ♦ انجام طواف به نیابت از دیگران نیز مستحب است، به شرطی که آن افراد در مکه اقامت نداشته باشند، یا اگر در آنجا هستند، خودشان نتوانند طواف کنند. ولی عمره و حج و نماز مستحبی از طرف کسی که در مکه اقامت دارد، مانعی ندارد.

۶۲۸ رها کردن طواف مستحب ♦ تمام کردن طواف مستحب، واجب نیست؛ بلکه می‌توان آن را بدون هیچ عذری رها کرد.

۶۲۹ انجام طواف به نیابت از انبیا و معصومین علیهم‌السلام ♦ انجام طواف به نیابت از انبیا و عظام و حضرات معصومین علیهم‌السلام مستحب است؛ ولی چون بنا بر برخی از روایات، حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله فرجه در موسم حج حضور دارند، بسیار مناسب است طواف بجا بیاورند و ثواب آن را به محضر مبارک آن حضرت تقدیم کنند.

۶۳۰ طواف مستحبی قبل از انجام طواف عمره یا حج تمتع ♦ کسی که طواف عمره تمتع یا طواف نساء حج تمتع بر عهده اوست - خواه حج و عمره او واجب باشد یا مستحب - نمی‌تواند طواف مستحبی انجام دهد؛ اما اگر طواف مستحب بجا آورد به عمره یا حج ضرر نمی‌زند.

۶۳۱ طواف مستحب در اثنای عمره مفرده یا حج افراد ♦ انجام طواف مستحب در اثنای عمره مفرده یا حج افراد صحیح است، هرچند زائر هنوز طواف عمره یا حج را انجام نداده باشد.

آداب و مستحبات طواف

۶۳۲ مستحبات طواف ♦

۱. در حال طواف مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُنْشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ،
كَمَا يُنْشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ
مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ
جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ،
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ -صلى الله
عليه وآله- مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَ أُمَّمْتُ
عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تُقْضِيَ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

و به جای «أَنْ تُقْضِيَ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» می تواند
حاجات خود را طلب کند.

۲. و نیز مستحب است بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي الْيَكْفِي فَقِيرٌ وَإِنِّي
خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي».

۳. صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بفرستد، بخصوص

وقتی به درب خانه می رسد.

۴. روبروی در خانه بخواند:

«سَأَلْتُكَ فَقِيرٌ مَسْكِينٌ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْحَبَّةِ؛
اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا
مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعْتَفِنِي وَ الْوَالِدِيَّ

وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ
يَا كَرِيمُ».

۵. چون به حجر اسماعیل رسید، به ناودان نگاه کند و

بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَجْزِنِي بِرَحْمَتِكَ
مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ
الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْحَيِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ
الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۶. وقتی که از حجر گذشت و به پشت کعبه رسید، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ
فَضَاعِفُهُ لِي، تَقَبَّلْهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

۷. آن گاه که به رکن یمانی^۱ رسید، دست به سوی آسمان

بلند کند و بگوید:

«يَا اللَّهُ، يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقِ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقِ
الْعَافِيَةِ، وَالْمُنْعِمِ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمَتَّانِ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَّفَضِّلِ
بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ،
وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَمَتَامَ الْعَافِيَةِ، وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۸. و در میان رکن یمانی و حجر الأسود بگوید:

۱. گوشه‌ای از خانه است که قبل از زاویه حجر الاسود قرار گرفته است.

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ».

۹. و در دور هفتم وقتی به مستجار^۱ رسید مستحب است
دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید، شکم و صورت خود را
به دیوار کعبه بچسباند و بگوید: «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنُكَ، وَالْعَبْدُ
عَبْدُكَ، وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ»، پس به گناهان خود
اعتراف نماید و از خداوند عالم، آمرزش آن را بطلبد که ان شاء
الله تعالی مستجاب خواهد شد.

بعد بگوید: «اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنِّي
عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي، وَأَعْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفَى
عَلَى خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»؛ و آنچه خواهد دعا کند.

۱۰. رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالأسود بیاید و
طواف خود را تمام نماید و بگوید: «اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي،
وَبَارِكْ لِي فِيهَا أَتَيْتَنِي».

استلام ارکان خانه کعبه و حجرالأسود در هر دور از طواف
مستحب است و در وقت استلام حَجْر بگوید: «أَمَاتَنِي أَدْنِيهَا وَ
مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالمُؤَافَاةِ».

۱. قسمتی از پشت کعبه که نزدیک رکن یمانی و روبروی در خانه کعبه
واقع شده است.

نماز طواف

احکام نماز طواف

۶۳۳ کیفیت نماز طواف ♦ واجب است بعد از تمام شدن طواف دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح ولی اذان و اقامه ندارد. و مرد و زن محرم می‌توانند حمد و سوره نماز طواف را بلند یا آهسته بخوانند.

۶۳۴ خواندن سوره‌های سجده در نماز طواف ♦ نباید سوره‌های سجده (سوره‌های فضلت، سجده، نجم و علق) را در نماز طواف بخواند؛ و مستحب است در رکعت اول، بعد از حمد سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخواند، و در رکعت دوم، سوره ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را بخواند.

۶۳۵ ترتیب میان طواف و نماز آن ♦ ترتیب بین طواف و نماز آن

لازم است و کسی که بدون طواف، نماز آن را خوانده است باید بعد از طواف، نماز را اعاده کند.

۶۳۶ رعایت موالات میان طواف واجب و نماز آن ♦ نماز طواف واجب وقت معینی ندارد، ولی چون از توابع و ملحقات طواف است، باید پس از طواف بدون فاصله عرفی خوانده شود به گونه‌ای که عرفاً از توابع و ملحقات طواف به حساب آید. ولی رعایت موالات بین طواف مستحب و نماز آن لازم نیست.

۶۳۷ اخلال عمدی به موالات ♦ کسی که بدون عذر بین طواف و نمازش فاصله انداخته، به حدی که موالات عرفی از بین رفته، اگر نماز را خوانده، باید هم طواف و هم نماز را اعاده کند؛ و اگر نخوانده باید بعد از خواندن نماز، طواف و نماز را اعاده کند.

۶۳۸ اخلال به موالات از روی عذر ♦ کسی که به جهت عذری مثل تشکیل صفوف جماعت یا ندانستن مسأله، بین طواف و نماز آن فاصله انداخته، نماز و طوافش صحیح است و نیازی به اعاده ندارد.

۶۳۹ مکان اصلی نماز طواف ♦ نماز طواف را باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد؛ و باید به قدری نزدیک مقام باشد که بگویند نزد مقام نماز می‌خواند.

۶۴۰ مکان نماز طواف در ازدحام جمعیت ♦ در مواقع ازدحام جمعیت، لازم نیست نماز طواف را نزد مقام بخواند

بلکه می‌تواند تا جایی که مزاحمت طواف‌کنندگان نباشد عقب برود و نماز طواف را بخواند؛ هرچند بتواند با محافظت همراهان، نزدیک مقام نماز بخواند؛ ولی باید در پشت مقام باشد به طوری که مقام بین او و کعبه واقع شود؛ و نماز خواندن در طرف راست یا چپ مقام هرچند به مقام نزدیک‌تر باشد، صحیح نیست.

۶۴۱ زمان نماز طواف ♦ اگر نماز طواف با واجب اهمی مثل نماز یومیه مزاحمت کند به صورتی که خواندن نماز طواف موجب فوت نماز یومیه شود، باید امر مهم‌تر (یعنی نماز یومیه) را بخواند و اگر نماز طواف بخواند گناهکار است؛ هرچند نمازش صحیح است.

۶۴۲ جلوتر بودن زن از مرد هنگام اقامه نماز در مکه ♦ در مسجدالحرام و اطراف نزدیک آن - که محل تراکم نمازگزاران است - بانوان می‌توانند در کنار مردان یا جلوتر از آنان نماز بخوانند؛ هرچند هیچ فاصله‌ای بین آن‌ها نباشد؛ و این امر کراهت نیز ندارد. ولی در غیر مسجدالحرام و اطراف نزدیک آن احتیاط مستحب است اگر زن مساوی یا جلوتر از مرد ایستاد به مقدار ده ذراع (حدود پنج متر) بینشان فاصله باشد.

۶۴۳ شک در رکعات نماز طواف ♦ اگر انسان در تعداد رکعت‌های نماز طواف واجب شک کند، باید مقداری فکر کند، پس اگر یادش آمد یا گمان به یک طرف پیدا کرد، مطابق آن

عمل کند و نمازش صحیح است؛ ولی در صورتی که به یک طرف یقین یا گمان پیدا نکرد، نمازش باطل است و باید دوباره بخواند.

۶۴۴ شک در افعال نماز طواف ♦ اگر شک کند که یکی از کارهای واجب نماز را بجا آورده یا نه، چنانچه جزء بعدی را آغاز نکرده، باید آن را بجا آورد، ولی اگر وارد جزء بعدی شده، به شک خود اعتنا نکند و نماز را ادامه دهد.

و اگر شک کند که بعضی از اجزای نماز که رکن نیست را صحیح بجا آورده یا خیر، چنانچه به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده، باید آن را به طور صحیح بجا آورد و اگر پس از رسیدن به جزئی که رکن است -مانند رکوع- یا بعد از آن شک کرده، باید به شک خود اعتنا نکند؛ و اگر پیش از رسیدن به رکن شک کند ولی به چیزی که بعد از آن است مشغول شده؛ مثلاً موقع خواندن سوره شک کند که حمد را صحیح خوانده یا نه، باید قسمت خوانده شده را به طور صحیح به قصد قربت مطلقه تکرار کند.

۶۴۵ التفات به ترک نماز طواف یا بطلان آن قبل از سعی ♦ اگر نماز طواف را فراموش کند و یا از روی سهو یا ندانستن مسأله به شکل صحیح انجام ندهد -مثلاً در حجر اسماعیل بجا آورد- چهار صورت پیدا می‌کند:

اول: قبل از سعی متوجه شود؛ که در این صورت نماز

طواف را می‌خواند.

دوم: در اثنای سعی متوجه شود؛ در این صورت سعی را رها می‌کند و پس از خواندن نماز طواف، سعی را از همانجا که رها کرده تکمیل می‌کند.

سوم: بعد از اعمال بعدی در مگه یا حوالی آن متوجه شود؛ که در صورت توانایی باید به مسجدالحرام برگردد و نماز طواف را بجا آورد.

چهارم: بعد از خروج از حوالی مگه متوجه شود؛ در این صورت می‌تواند در همانجا که یادش آمد، نماز طواف را بجا آورد؛ و بهتر است به کسی نیابت دهد تا از طرف او در پشت مقام ابراهیم علیه السلام نماز بخواند؛ و بهتر از آن این است که خود به مسجدالحرام برود و شخصاً بجا آورد.

۶۴۶ **اعاده اعمال پس از انجام نماز طواف فراموش شده** ♦ کسی که نماز طواف را فراموش کند یا اشتباه انجام دهد و بعد از آن عملی که باید بعد از نماز طواف انجام شود را بجا آورد، همین که نماز طواف را بخواند کافی است، و لازم نیست اعمال بعدی را دوباره بجا آورد؛ اگر چه احتیاط استحبابی در اعاده آنهاست.

۶۴۷ **وجوب قضای نماز طواف والدین بر پسر ارشد** ♦ اگر کسی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگ او واجب است که آن را قضا کند؛ البته اگر دیگری نیز بجا آورد کفایت می‌کند.

۶۴۸ **لزوم تصحیح قرائت نماز** ♦ بر هر فرد بالغ و عاقل واجب

است که نماز و احکام آن را یاد بگیرد تا وظیفه الهی خود را به طور صحیح انجام دهد؛ هرچند به این شکل که دیگری در حال نماز به او تلقین کند. به خصوص، کسی که قصد عمره یا حج را دارد باید از فرصت استفاده کند و قرائت نماز خود را تصحیح کند تا تمامی نمازها - که یکی از آن‌ها نماز طواف است - به طور صحیح انجام شود.

۶۴۹ احرام با تصحیح نکردن قرائت ♦ کسی که می‌تواند همه یا مقداری از قرائت نمازش را تصحیح کند، اگر از اول احرام بنا دارد که قرائتش را تصحیح نکند و نماز غیر صحیح بجا آورد، احرام او منعقد نمی‌شود و تمامی اعمال او باطل است؛ ولی اگر بنا بر تصحیح داشته ولی بعداً منصرف شده یا در اثر سهل‌انگاری یاد نگرفته است و در آخرین وقت ممکن محرم شده، احرامش صحیح است ولی باید نماز طواف را به کامل‌ترین شکلی که می‌تواند - هرچند با تلقین - بخواند؛ و احتیاط مستحب در آن است که برای نماز نایب هم بگیرد.

۶۵۰ لزوم تأخیر طواف برای تصحیح قرائت ♦ محرمی که قرائت نمازش درست نیست ولی می‌تواند همه یا برخی از اشتباه‌هایش را تصحیح کند، باید طواف را تأخیر بیندازد و پس از تصحیح قرائت، طواف و نماز آن را بجا آورد. بنابراین چنانچه از روی علم و عمد طواف و نماز را زود بجا آورد، طواف و نماز و اعمال بعدی او باطل است؛ و اگر در آخر وقت،

اعمال عمره را اعاده نکند حشش مبدل به حج افراد می‌شود.

۶۵۱ تأخیر نیانداختن طواف برای تصحیح قرائت نماز ♦ کسی
که وظیفه‌اش تأخیر انداختن طواف است، تا قرائت نمازش را تصحیح کند اگر بدون اطلاع از این امر، طواف کند و اعمال بعدی را بجا آورد، هر وقت متوجه شود باید قرائتش را یاد بگیرد و نماز طوافش را به طور صحیح بخواند، ولی طواف و اعمال بعدی او صحیح است.

۶۵۲ تأخیر طواف برای عاجز از تصحیح قرائت ♦ کسی که
نمی‌تواند تا آخر وقت هیچ مقداری از قرائتش را تصحیح کند، لازم نیست طوافش را به تأخیر بیندازد.

۶۵۳ به جماعت خواندن نماز طواف ♦ به جماعت خواندن
نماز طواف صحیح نیست و کسی که طواف کرده نمی‌تواند نماز طواف - واجب یا مستحب - را به نماز دیگری اقتدا کند؛ خواه نماز امام جماعت، نماز طواف باشد و خواه نماز روزانه.

۶۵۴ اعتقاد به صحت قرائت و کشف خلاف ♦ کسی که
مطمئن بوده قرائتش صحیح است ولی بعد از اتمام حج متوجه شود که قرائتش اشتباه بوده، باید قرائتش را تصحیح کند و نماز طوافش را به طور صحیح بخواند، ولی طواف و اعمال بعدی او صحیح است.

۶۵۵ وظیفه مستحاضه برای نماز طواف ♦ مستحاضه اگر

بین طواف او و نماز آن فاصله عرفی نیفتد، می‌تواند با همان حال نماز طواف را بخواند، ولی اگر بین طواف و نماز فاصله بیفتد، لازم است برای نماز، وظایف خود را مجدداً انجام دهد؛ مگر آن‌که مطمئن باشد که پس از طواف تا پایان نماز خونی نیامده است.

۶۵۶ آگاه شدن برنجاست بدن یا لباس پس از نماز طواف ♦ اگر بعد از نماز طواف بفهمد که بدن یا لباسش هنگام نماز نجس بوده، نمازش صحیح است؛ ولی اگر نجاست بدن یا لباس را فراموش کند و نماز طواف را بجا آورد، نمازش باطل است.

آداب و مستحبات نماز طواف

۶۵۷ آداب و مستحبات نماز طواف ♦ در نماز طواف، مستحب است در رکعت اول، بعد از حمد سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند.

پس از نماز، حمد الهی بگوید و بر پیامبر و آل او سَلَامٌ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درود بفرستد و دعا کند که خداوند اعمالش را بپذیرد و بگوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي»؛ همچنین بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ بِحَمِيدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ زَكِّ عَمَلِي».

در روایت دیگر آمده است که بعد از نماز طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ اِزْهِمْنِي بِطَاعَتِي اِيَّاكَ، وَ طَاعَةَ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي اَنْ اَتَعَدَى حُدُوْدَكَ، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُوْلَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِيْنَ».

در بعضی روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته، چنین می‌گفتند:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ؛ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُفَرِّدٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

پس از فراغ از نماز، مستحب است از «آب زمزم» بنوشد و به سر و پشت خود بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

سپس نزد «حجرالأسود» بیاید و آن را «استلام» کند، اگر چه از دور باشد و از روبروی حجرالأسود با آرامش و وقار به سوی صفا برود.

سعی

۶۵۸ تعریف سعی ♦ پس از طواف و نماز آن، باید برای خداوند متعال، هفت مرتبه فاصلهٔ میان «صفا» تا «مروه» را بپیماید. به این عمل «سعی» می‌گویند و هر مرتبهٔ آن را یک «شوط» می‌نامند.

رکن بودن سعی

۶۵۹ رکن بودن سعی در عمره و حج ♦ سعی از ارکان عمره و حج است و کسی که از روی عمد و اختیار همه یا بعضی از اشواط سعی عمرهٔ تمتع را انجام ندهد تا وقت آن بگذرد، عمره یا حجش باطل می‌شود؛ چه عالم به اصل وجوب سعی باشد و چه جاهل به آن. و کسی که از روی عمد، سعی عمرهٔ تمتع را تا آخر وقت آن،

ترک کرده، عمره تمتعش صحیح نیست و به حج افراد، مبدل می‌شود.

۶۶۰ التفات به ترک سعی یا بطلان آن ♦ کسی که از روی فراموشی یا ندانستن فروع احکام سعی یا نشناختن خصوصیات مسعی، سعی را ترک کرده یا آن را باطل انجام داده است، باید آن را به صورت صحیح انجام دهد.

۶۶۱ التفات به بطلان سعی پس از احرام به حج ♦ اگر حاجی بعد از احرام حج در حالی که هنوز به عرفات نرفته، متوجه بطلان یا نقصان سعیش شود، مخیر است که آن را قبل از رفتن به عرفات یا پس از بازگشت از منا - قبل از اعمال مکه یا بعد از آن - جبران کند.

و اگر در راه بازگشت به وطن متوجه شود باید احتیاط کند و برگردد و سعی را اعاده کند و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد. و چنانچه پس از بازگشتن به وطن متوجه شده است، اگر برگشتن برایش مشقتی ندارد واجب است برگردد و سعی را انجام دهد وگرنه می‌تواند برای انجام آن نایب بگیرد.

۶۶۲ تأخیر عمدی سعی در عمره تمتع ♦ اگر کسی در عمره تمتع عمداً و بدون عذر سعی را به قدری به تأخیر اندازد که نتواند قبل از مغرب، عرفات را درک کند، عمره‌اش باطل است.

واجبات و شرایط سعی

۶۶۳ امور لازم در سعی ♦ در سعی چند امر معتبر است:

اول: ترتیب بین طواف و سعی؛

دوم: تأخیر نینداختن سعی تا فردای طواف؛

سوم: نیت سعی؛

چهارم و پنجم: شروع از صفا و ختم به مروه؛

ششم: هفت عدد بودن تعداد شوط‌ها بدون کم و زیاد؛

هفتم: بین دو کوه بودن در حال سعی؛

هشتم: رعایت موالات عرفی بین اجزای سعی؛

نهم: اطمینان به عدد شوط‌ها؛

دهم: با اختیار سعی کردن؛

یازدهم: رعایت ترتیب بین اجزای سعی.

۱. رعایت ترتیب

۶۶۴ مقدم داشتن سعی بر طواف و نماز آن ♦ سعی، باید بعد

از طواف و نماز آن باشد و اگر پیش از طواف سعی کند، باطل

است. حکم کسی که از روی فراموشی یا ندانستن، سعی را بر

طواف مقدم کرده در مسأله ۴۸۱ گذشت.

◀ ۲. موالات بین طواف و سعی

۶۶۵ فاصله انداختن بین سعی و طواف ♦ اگر طواف در روز انجام شود، تأخیر سعی تا شب به جهت گرمی هوا یا خستگی و مانند آن اشکال ندارد؛ بلکه تأخیر آن بدون عذر نیز جایز است ولی نباید بدون عذر، سعی را تا روز بعد به تأخیر اندازد.

۶۶۶ تأخیر بدون عذر سعی تا روز بعد ♦ تأخیر سعی تا روز بعد، بدون ضرورت جایز نیست؛ بلکه نباید آن را تا بین الطلوعین روز بعد نیز به تأخیر اندازد. پس اگر در اوایل شب طواف کند، تأخیر سعی تا روز بعد جایز نیست؛ ولی در صورتی که در حوالی طلوع فجر طواف کرده، می‌تواند در بین الطلوعین یا در اوایل روز، سعی را انجام دهد.

۶۶۷ تأخیر سعی از روی معصیت ♦ کسی که وظیفه اش به تأخیر نینداختن سعی بوده، چنانچه معصیت کند و آن را به تأخیر اندازد، بنابر احتیاط باید طواف و نماز آن را قبل از سعی اعاده کند.

◀ ۳. نیت

۶۶۸ امور معتبر در نیت سعی ♦ در نیت سعی باید چند امر را قصد کند؛ هر چند به نحو اجمال: الف) قصد عمل؛ ب) قصد تعیین؛

ج) قصد قربت. و تفصیل این سه امر در بخش احرام گذشت. مثلاً قصد می‌کند «هفت شوط سعی بین صفا و مروه انجام می‌دهم برای انجام عمره تمتع حجة الإسلام، قربهٔ الی الله؛ که اول آن صفا و آخر آن مروه باشد.»

۶۶۹ نیت خالص در سعی ♦ سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای خداوند متعال، بجا آورد و اگر آن را برای خداوند متعال بجا نیاورد، یا در انجام آن ریا کند، باطل است.

۶۷۰ به زبان آوردن نیت ♦ لازم نیست نیت سعی را به زبان آورد یا حتی از قلب خود بگذرانند؛ بلکه همین مقدار که برای خدا سعی کند، کافی است.

◀ ۴ و ۵. رعایت نقطهٔ شروع و ختم سعی

۶۷۱ شروع از صفا و ختم به مروه ♦ در سعی واجب است از کوه صفا شروع کرده و پس از هفت شوط به مروه ختم کند.

۶۷۲ آغاز و پایان یک شوط ♦ سعی را باید از کوه صفا شروع کند و آن‌گاه که به مروه می‌رسد، یک شوط و به صفا که باز می‌گردد شوط دوم به حساب می‌آید، و به همین ترتیب پس از هفت شوط در مروه، سعی را تمام می‌کند. و اگر برای این‌که اطمینان کند از کوه صفا شروع کرده و به کوه مروه ختم کرده است مقداری از کوه بالا رود مانعی ندارد.

۶۷۳ شروع سعی از مروه ♦ اگر کسی سعی را از مروه، شروع کند، سعیش باطل است و هرگاه بفهمد باید دوباره از صفا سعی نماید. و اگر بعد از تقصیر متوجه شود باید علاوه بر سعی، تقصیر را نیز اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرّمات اجتناب کند. البته در عمره تمتع اگر بعد از احرام حج بفهمد، تقصیر و اجتناب از محرّمات احرام لازم نیست و تنها سعی انجام می‌دهد.

۶. رعایت تعداد شوط‌ها در سعی

۶۷۴ تعداد شوط‌ها ♦ سعی بین صفا و مروه باید هفت مرتبه باشد؛ نه کمتر و نه بیشتر.

۶۷۵ تکرار بخشی از سعی ♦ اگر به جهت غفلت یا ندانستن مسأله، قسمتی از اول یا وسط یا آخر سعی تکرار شود، به سعی ضرری نمی‌رساند.

۶۷۶ ترک سهوی بخشی از سعی ♦ اگر برخی شوط‌های سعی را فراموش کرده یا آن را به شکل صحیح انجام نداده، باید آن را تکمیل کند، و اگر بعد از تقصیر متوجه شود، اجتناب از محرّمات احرام لازم نیست؛ همچنان که اعاده اعمال بعدی نیز لازم نیست؛ و در این حکم تفاوتی بین شوط‌های مختلف نیست.

۶۷۷ زیادی عمدی در سعی ♦ اگر از روی علم و عمد قصد کند بیش از هفت شوط سعی نماید، هر مقدار که با این قصد سعی

کرده باطل است؛ ولی اگر بعد از تمام کردن سعی مقداری بر آن بیفزاید، سعیش صحیح است.

۶۷۸ قصد زیاده سهوی و التفات قبل از هفت شوط ♦ اگر به جهت ندانستن مسأله یا غفلت، قصد کند که بیش از هفت شوط، سعی نماید چنانچه در عمل به هفت دور ختم نماید سعیش صحیح است.

۶۷۹ افزودن غیر عمدی بر اشواط سعی ♦ اگر از روی سهو و غفلت یا ندانستن مسأله، بیش از هفت شوط سعی کند، صورت‌های مختلفی دارد:

۱. اگر مقدار زیاده به یک شوط نرسیده باشد، رها کند و سعیش صحیح است.

۲. اگر یک شوط کامل اضافه کرده، مستحب است شش شوط دیگر به آن اضافه کند و بهتر آن است که سعی را اعاده کند؛ و بنا بر احتیاط مستحب سعی دوم را کامل کرده، مجدداً آن را اعاده نماید.

۳. اگر بیش از یک شوط اضافه کرده ولی به هفت شوط نرسیده، مستحب، بلکه مطابق احتیاط استحبابی است که به هفت شوط برساند؛ علاوه بر این، احتیاط آن است که شوط‌های قبلی را به حساب نیاورد و سعی را اعاده کند؛ بلکه بهتر است سعی دوم را تکمیل کرده، مجدداً سعی را اعاده کند.

۴. اگر هفت شوط دوم کامل شده، سعیش صحیح است.

۶۸۰ انجام اشتباهی دو سعی متوالی ♦ کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده، ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، همان سعی کفایت می‌کند؛ البته احتیاط مستحب آن است که سعی را اعاده کند.

◀ ۷. بین دو کوه بودن در حال سعی

۶۸۱ بیرون رفتن از سعی ♦ لازم نیست که سعی‌کننده در تمام حالات سعی، بین دو کوه باشد بلکه سعی از مسیری که دیگران سعی می‌کنند حتی اگر بین دو کوه نباشد، صحیح است؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که در حال سعی، از بین دو کوه خارج نشود.

۶۸۲ توجه به صفا و مروه ♦ برگرداندن صورت در حال سعی اشکال ندارد؛ بلکه اگر همان مسیر را به پهلو یا عقب‌عقب هم سعی نماید، صحیح است؛ اگر چه خلاف احتیاط استحبابی است.

۶۸۳ سعی در خط غیر مستقیم ♦ لازم نیست در مسیر مستقیم سعی کند؛ بنابراین اگر به صورت مارپیچ هم سعی کند، کافی است.

۶۸۴ نگاه به اطراف در سعی ♦ نگاه کردن به چپ و راست در حال سعی مانعی ندارد؛ بلکه اگر برگردد و به پشت سر نیز نگاه کند، مانعی ندارد.

۶۸۵ سعی از طبقه دوم ♦ از آنجا که در طبقه فوقانی، سعی کننده از شروع و پایان سعی به خود کوه صفا و مروه نمی‌رسد، سعی از طبقه فوقانی باطل است و کسی که نمی‌تواند سعیش را از خود کوه صفا شروع و به کوه مروه ختم کند، باید برای سعی، نایب بگیرد.

۶۸۶ سعی از زیرزمین ♦ سعی در طبقه زیرزمین که بین دو کوه واقع شده صحیح است؛ اگرچه احتیاط مستحب است که در طبقه همکف سعی انجام دهد.

۸. موالات در اجزای سعی

۶۸۷ رعایت موالات عرفی در سعی ♦ موالات بین شوط‌های سعی معتبر است و قطع کردن سعی بدون عذر، جایز نیست؛ بنابراین اگر سعی کننده کاری انجام دهد که موالات عرفی سعی از بین برود، در غیر موارد خاص باید سعی را از سر بگیرد. در این حکم فرقی میان شوط اول و سایر شوط‌ها - حتی شوط چهارم به بعد - نیست.

۶۸۸ حکم سعی رها شده بدون از بین رفتن موالات ♦ با قطع

سعی در اثنای آن، چنانچه هنوز موالات عرفی از بین نرفته، باید سعی را از همانجا که قطع شده ادامه دهد هر چند قطع سعی بدون عذر و قبل از تکمیل شوط چهارم باشد و سعی کننده از مسعی خارج شده باشد.

۶۸۹ شروع مجدد سعی پس از انجام بخشی از آن ♦ کسی که در وسط سعی آن را رها کرده و قبل از فوت موالات هفت شوط دیگر بجا آورده، اگر از روی ندانستن مسأله باشد، سعی وی صحیح است؛ و احتیاط مستحب آن است که سعی را اعاده کند. و در صورت علم به مسأله، بنابر احتیاط باید سعی را اعاده کند.

۶۹۰ قطع سعی به جهت فراموشی یا ندانستن ♦ اگر به جهت عذری مثل فراموشی یا ندانستن مسأله، سعی را ناقص انجام داده، هرگاه ملتفت شد آن را ادامه دهد و احتیاط مستحب آن است که اگر شوط چهارم را تمام نکرده، پس از اتمام سعی آن را اعاده نماید.

۶۹۱ امور مجوز قطع سعی ♦ قطع کردن سعی، در این موارد جایز است: برای استراحت؛ آب کشیدن بدن یا لباس؛ وضو گرفتن یا غسل کردن؛ ترس از قضا شدن نماز واجب؛ ترس از قضا شدن نماز وتر؛ رسیدن به نماز اول وقت؛ رسیدن به نماز جماعت؛ برآوردن حاجت خود یا دیگری به ویژه اگر مؤمن باشد؛ بیماری؛ عیادت بیمار؛ و به طور کلی هر کاری که مطلوب شارع مقدس است و وقت آن می گذرد؛ مانند تطهیر مسجد و

شركت در تشييع جنازه يا نماز ميت مؤمن .

۶۹۲ توقف بر صفا و مروه به جهت تلاوت قرآن و دعا ♦ در اثنای سعی، توقّف و اشتغال به تلاوت قرآن و ذکر و دعا در کوه صفا و مروه، اشکال ندارد؛ هر چند طول بکشد و موالات عرفی سعی از بین برود البته اگر از کوه صفا و مروه خارج شود و بیرون بماند تا موالات از بین برود سعیش باطل است.

۶۹۳ قطع سعی برای رفع خستگی ♦ نشستن و خوابیدن در اثنای سعی بر صفا و مروه و یا بین آنها برای استراحت، مانعی ندارد؛ هر چند موالات سعی از بین برود؛ ولی باید پس از رفع خستگی بلافاصله سعی را ادامه دهد.

۶۹۴ تکمیل سعی پس از قطع کردن ♦ کسی که سعی را به جهت استراحت کردن، یا آب کشیدن بدن یا لباس، یا رسیدن به نماز اول وقت یا نماز جماعت یا نماز وتر قطع می‌کند، سعی را از همان محل قطع شده تکمیل می‌کند؛ هر چند قطع سعی قبل از دور چهارم باشد و موالات عرفی از بین برود یا از مسعی خارج شود.

۶۹۵ قطع سعی برای تحصيل طهارت ♦ کسی که سعی را به خاطر وضو گرفتن قطع می‌کند، اگر بعد از نصف باشد باید آن را تکمیل کند؛ و اگر قبل از نصف باشد، باید سعی را اعاده نماید. همچنین کسی که برای غسل کردن از حدث اکبر، سعی را قطع

کرده باید آن را تکمیل کند؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که سعی را اتمام و سپس اعاده نماید.

۶۹۶ قطع سعی برای انجام امور مطلوب شارع ♦ اگر سعی را برای انجام کاری که مطلوب و مورد رغبت شارع مقدس است و انجام آن بدون قطع سعی ممکن نیست قطع کند، چنانچه بعد از چهار شوط باشد، سعی را از همانجا که قطع کرده ادامه می‌دهد اما چنانچه قبل از آن سعی را قطع کرده، باید سعی را اعاده کند و احتیاط مستحب است که آن را تکمیل کند و سپس اعاده نماید.

همچنین است اگر برای حاجت خود یا دیگری - مؤمن باشد یا غیر مؤمن - سعی را قطع کند.

۶۹۷ قطع سعی به جهت موانع خارجی ♦ اگر به جهت موانع خارجی مانند قُرُق کردن محل سعی یا نظافت آن، سعی قطع شود (به گونه‌ای که عرفاً موالات بهم بخورد) باید سعی را از سر بگیرد؛ و احتیاط مستحب است که ابتدا سعی قطع شده را تکمیل کند، هر چند قطع سعی، قبل از شوط چهارم باشد. البته توجه شود که معیار در از بین رفتن موالات، نظر عرف است و ممکن است عرف با این که در شرایط عادی مقدار خاصی فاصله افتادن را موجب از بین رفتن موالات می‌داند، ولی همین مقدار در چنین شرایطی، مضر به موالات به حساب نیاید.

۶۹۸ قطع سعی به جهت بیماری ♦ کسی که در اثنای سعی،

به جهت بیماری از ادامه سعی عاجز شده، اگر قبل از گذشتن از نیمه دور چهارم، سعی را قطع نموده، چنانچه از توانایی بر انجام طواف ناامید است؛ یکی-دو روز صبر کند، اگر خوب نشد، برای سعی نایب بگیرد.

و اگر بعد از چهار شوط سعی را قطع کند، باید بدون تأخیر عرفی برای تکمیل سعیش نایب بگیرد و کفایت می‌کند، و اگر در نایب گرفتن تأخیر شد، سعیش باطل است و باید از اول اعاده کند؛ هرچند احتیاط استحبابی در اتمام و اعاده است.

و اگر بعد از نیمه شوط چهارم و قبل از تکمیل شوط چهارم، سعی را قطع کرد، بنا بر احتیاط، بدون تأخیر عرفی برای اتمام سعی نایب بگیرد و بعداً خودش و اگر بهبودی پیدا نکرد نایبش کل سعی را اعاده کند، و در این صورت نیز اگر در نایب گرفتن تأخیر شد، سعی باطل است و باید آن را از سر بگیرد؛ هر چند احتیاط استحبابی در اتمام و اعاده است.

۶۹۹ قطع سعی برای خوردن و آشامیدن ♦ خوردن و آشامیدن و صحبت کردن و خندیدن در اثنای سعی، اشکال ندارد؛ بلکه سعی‌کننده می‌تواند به طور موقت، سعی را رها کند و برای کاری مثل آب خوردن از مسعی خارج شود؛ ولی باید قبل از آن که موالات از بین برود، برگردد و سعی را از همان محل که رها کرده ادامه دهد.

۷۰۰ چگونگی ادامه سعی در موارد قطع ♦ کسی که به جهتی

سعی را قطع کرده، لازم نیست دقیقاً از همان نقطه سعی را ادامه دهد؛ بلکه می‌تواند از محاذی راست یا چپ آن نقطه سعی را ادامه دهد و برای این‌که یقین کند که سعیش دچار زیاده و نقصان نشده، می‌تواند سعی را از کمی قبل از آن نقطه ادامه دهد و نیتش این باشد که هرگاه به محل قطع رسید، سعی را ادامه دهد.

۹. اطمینان به تعداد شوط‌ها

۷۰۱ شک در عدد اشواط سعی ♦ سعی‌کننده باید اطمینان به عدد شوط‌های سعیش داشته باشد؛ پس اگر قبل از رسیدن به مروه در عدد اشواط شک کند -چه بین هفت و کمتر شک کند و چه میان شوط‌های کمتر از هفت؛ مثلاً شک کند سه شوط بجا آورده یا پنج شوط- سعیش باطل است. البته اگر مطمئن باشد در ادامه به عدد اشواط اطمینان پیدا می‌کند، چنانچه این اطمینان حاصل شود، سعیش صحیح است.

۷۰۲ شک در صحت تکمیل سعی پس از قطع آن ♦ کسی که برای عذری سعی را قطع نموده و بر طبق وظیفه، سعی را از موضع قطع ادامه داده و به پایان رسانده است، چنانچه پس از فراغ شک کند که آیا سعی را از همان نقطه قطع ادامه داده یا از مقداری جلوتر؛ اگر احتمال می‌دهد موقع شروع مجدد سعی،

التفات به وظیفه فعلی اش داشته، به شک خود اعتنا نکند، و گرنه سعی از آن نقطه باطل است؛ برای مثال اگر قطع سعی در شوط پنجم و در محاذی باب سلام بوده وقتی در شوط هفتم دوباره به آن نقطه رسید سعی صحیحش با رسیدن به آن نقطه شروع می‌شود و این دو شوط جزء سعی محسوب نمی‌شود.

۷۰۳ **ظن به تعداد اشواط سعی** ♦ گمان به تعداد شوط‌ها حکم شک را دارد.

۷۰۴ **اعتماد به شمارش همراهان** ♦ سعی‌کننده می‌تواند به شمارش شخص دیگر اکتفا کند، هر چند برایش اطمینان حاصل نشود.

۱۰. با اختیار سعی کردن

۷۰۵ **لزوم انجام سعی توسط خود فرد** ♦ افرادی که بتوانند هرچند با استراحت در اثنای سعی، خودشان سعی را انجام دهند نمی‌توانند برای انجام آن نایب بگیرند یا با کمک دیگری سعی را بجا آورند؛ بنابراین مجرد خستگی در اثنای سعی، مجوز نایب گرفتن و کمک گرفتن از دیگری نیست؛ مثلاً فقط هنگامی می‌توان از دیگری برای راه بردن صندلی چرخ‌دار کمک گرفت که شخصاً ادامه دادن سعی حتی با استراحت در اثنای آن هم

ناممکن یا همراه با مشقت غیر قابل تحمل باشد.

۷۰۶ سعی سواره ♦ بهتر است پیاده سعی کند، ولی اگر سوار بر وسایلی مانند صندلی چرخ‌دار نیز سعی کند صحیح است، ولی باید احتیاط کند و در حال اختیار خودش آن را راه ببرد.

۷۰۷ سعی ناتوان ♦ کسی که نمی‌تواند با پای خود سعی نماید، باید با وسیله‌ای مانند صندلی چرخ‌دار سعی کند ولی خودش آن وسیله را راه ببرد و اگر نمی‌تواند یا مشقت شدید دارد، از کسی بخواهد که او را سعی بدهد و اگر از این امر هم عاجز باشد یا این کار برایش مشقت شدید داشته باشد، برای سعی نایب بگیرد.

◀ ۱۱. رعایت ترتیب بین اجزای سعی

۷۰۸ رعایت ترتیب در اجزای سعی ♦ اگر در پایان یک شوط بفهمد قسمتی از اول آن شوط باطل بوده، باید آن شوط را از سر بگیرد تا ترتیب بین اجزای سعی رعایت شود.

◀ ۱۲. مباح بودن لباس و وسیله سعی بنا بر احتیاط

۷۰۹ سعی در لباس غضبی ♦ هرگاه بدون عذر بالباس غضبی یا لباسی که با عین پول خمس نداده تهیه شده سعی کند،

گناهکار است و سعی او بنا بر احتیاط باطل است.

۷۱۰ سعی با وسیله غضبی ♦ سعی با وسیله غضبی، حکم سعی و طواف با لباس غضبی را دارد؛ بنابراین در فرض علم و عمد، بنا بر احتیاط سعی باطل است.

۷۱۱ همراه داشتن پول خمس نداده در سعی ♦ کسی که بدون عذر در حال سعی پول خمس نداده همراه داشته باشد، گناهکار است، ولی سعی او صحیح است.

احکام متفرقه سعی

۷۱۲ شک در انجام سعی صحیح با علم به حالت سابقه ♦ کسی که شک دارد در قسمتی از سعی، شرایط آن را رعایت کرده، چنانچه برایش محرز است که شرایط در قطعه سابق-که متصل به این قطعه مشکوک بوده است- رعایت شده، به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است؛ چه در اثنای سعی شک کند و چه پس از پایان آن.

۷۱۳ شک در صحت سعی پس از پایان آن ♦ اگر بعد از فارغ شدن از سعی، در انجام صحیح آن شک کند، چنانچه احتمال بدهد هنگام سعی به رعایت شرایط آن توجه داشته، به شک خود اعتنا نکند؛ ولی اگر مطمئن است هنگام سعی به رعایت

شرایط آن توجه نداشته، باید قطعه مشکوک و اجزای بعد از آن را بجا آورد. البته اگر مثلاً در قسمتی از شوط چهارم شک کند وقتی در شوط ششم به همان محل رسید، ادامه سعی شوط چهارم محسوب می‌شود؛ بنابراین بعد از اتمام هفت شوط در واقع، پنج شوط سعی کرده است و اگر دو شوط دیگر سعی کند سعیش صحیح است.

۷۱۴ شک در صحت سعی در اثنای آن ♦ اگر هنگام سعی، در انجام صحیح آن شک کند، در صورتی که مطمئن باشد به رعایت شرایط آن توجه نداشته است، باید قطعه مشکوک، و بعد از آن را، به توضیحی که درمسأله قبل گذشت بجا آورد. ولی اگر احتمال دهد به رعایت شرایط آن توجه داشته، باید سعی را از سر بگیرد؛ البته احتیاط مستحب است ابتدا این سعی را تکمیل کند.

۷۱۵ شک در شوط‌های بیش از هفت قبل از رسیدن به مروه ♦ اگر قبل از رسیدن به مروه در تعداد شوط‌های بیشتر از هفت شک کند (مثلاً میان شوط هشتم و نهم شک کند) باید سعی را قطع کند و سعیش صحیح است.

۷۱۶ شک در تعداد اشواط سعی بعد از رسیدن به مروه ♦ اگر بعد از رسیدن به مروه در تعداد شوط‌ها شک کند، چنانچه شکش بین هفت شوط و بیشتر باشد، سعیش صحیح است. اما اگر شکش بین هفت شوط و کمتر یا بین هفت شوط، کمتر

از هفت شوط و بیشتر از هفت شوط باشد، سعیش باطل است؛ مگر این که این شک از بین برود.

۷۱۷ شک در سعی پس از گذشتن محل آن ♦ اگر بعد از تقصیر در عمره یا بعد از شروع طواف نساء در حج، در انجام سعی شک کند، بنا بگذارد که سعی را انجام داده است؛ و نباید به شکش اعتنا کند.

۷۱۸ انجام طواف و شک در انجام سعی در روز بعد ♦ در غیر صورت هایی که در مسأله قبل گفته شد کسی که در تأخیر سعی معذور نبوده، اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعد شک کند که آیا سعی کرده است یا نه، بنابر احتیاط طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد.

۷۱۹ سعی مستحب ♦ در شرع مقدّس سعی مستحب نداریم، و مناسب است کسانی که سعی واجب خود را انجام داده اند، محل سعی را برای دیگران خلوت کنند.

۷۲۰ طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی ♦ طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست؛ گرچه احتیاط مستحب، رعایت طهارت از حدث خصوصاً جنابت است.

۷۲۱ پوشش در حال سعی ♦ از آنجا که سعی در معرض دید دیگران انجام می شود، مردان باید در هنگام سعی عورت خود، و بانوان باید سر و بدن خود - به جز صورت و دست ها از میج

به پایین- را بپوشانند. و اگر بدون عذر نپوشانند، گناهکارند؛ هرچند به سعی آن‌ها ضرری نمی‌رسد.

۷۲۲ سعی حائض ♦ محل سعی، مسجد نیست و احکام مسجد را ندارد، و سعی در حال حیض یا نفاس هم صحیح است؛ البته چنین کسی باید مراقب باشد که برای رفتن به صفا از مسجدالحرام عبور نکند.

۷۲۳ حلال شدن محرمات پس از سعی ♦ در عمره تمتع یا مفرده با انجام سعی، هیچ یک از محرمات احرام حلال نمی‌شود و محرمات احرام با تقصیر حلال می‌گردد. ولی در حج، به تفصیلی که خواهد آمد، بوی خوش بروی حلال می‌شود.

۷۲۴ نزدیکی به خیال پایان سعی در عمره تمتع ♦ اگر کسی در عمره تمتع بعضی از شوط‌های سعی را فراموش کند و تقصیر کند -چه به گرفتن ناخن و چه به گرفتن مو- باید برگردد و سعی را تکمیل کند؛ و اگر به خیال خروج از احرام با همسرش نزدیکی کرده، باید یک گاو قربانی کند، ولی اگر فقط شوط آخر سعیش را فراموش کرده اعاده تقصیر لازم نیست؛ و در هر حال اجتناب از محرمات هم واجب نیست.

۷۲۵ نزدیکی به خیال پایان سعی در عمره مفرده و حج ♦ اگر بعضی از شوط‌های سعی را در غیر عمره تمتع فراموش کند و بعد عملی که برای خروج از احرام لازم است را انجام دهد و به

خیال خروج از احرام با همسرش نزدیکی کند، باید احتیاطاً یک گاو قربانی کند.

آداب و مستحبات سعی

۷۲۶ آداب و مستحبات سعی ♦ در سعی، چند چیز مستحب

است:

۱. بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، مقداری آب زمزم بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد، و بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.

پس از آن به نزد حجرالأسود بیاید؛ و مستحب است از دری که محاذی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن، بر بالای کوه صفا برود و رو به حجرالأسود کند و کعبه را بنگرد.

۲. به رکنی که حجرالأسود در اوست رو نماید و حمد و ثنای الهی کند و نعمت‌های او را به یاد آورد.

۳. آنگاه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ؛ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ

لا یَمُوتُ، وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ) سه مرتبه .

۴. پس بر پیامبر اکرم و آل او ﷺ صلوات بفرستد و بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا ابْتَلَانَا، وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ. (سه مرتبه)

پس بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،
لَا تَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

(سه مرتبه)

پس بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ. (سه مرتبه)

اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ. (سه مرتبه)

۵. سیس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد

مرتبه؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه؛ «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه .

۶. سیس بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، انْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَعَلَبَ
الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ،
اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ اظْلَمْنِي فِي ظِلِّ
عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.

۷. مکرر خود و خانواده و دین و مالش را به خداوند متعال

بسپارد و بگوید:

أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ، الَّذِي لِاتِّضَاعِ وَدَائِعِهِ دِينِي
وَنَفْسِي وَأَهْلِي؛ اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ
نَبِيِّكَ، وَتَوَقَّفْنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَاعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.

۸. سپس سه مرتبه بگوید «اللَّهُ أَكْبَرُ»، و دعای سابق را دوباره

بخواند و باز بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ و در حدّ توان دعا را تکرار کند.

و اگر نتواند تمام این اعمال را انجام دهد، برخی از آن را بخواند.

۹. در روایات است که حضرت امیر علیه السلام هنگامی که بر بالای

صفا می‌رفت، رو به قبله می‌کرد و دست‌های مبارکش را بلند

می‌نمود و سپس می‌خواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ؛ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ
بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا
أَنْتَ أَهْلُهُ؛ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَإِنْ
تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ عَنِّي عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ.
فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي. اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ
بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي
وَلَنْ تَظْلَمَنِي، أَصْبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْزَكَ؛
فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

۱۰. سپس بگوید: يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ سَائِلُهُ، وَلَا يَنْفُدُ نَائِلُهُ،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

۱۱. در حدیث شریف از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «هر کس بخواهد مال او زیاد شود، بسیار بر بالای صفا بماند».
و هنگامی که از صفا پایین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود، و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَ
وَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَصَنْكِهِ. اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ
عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد
و بگوید:

يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ،
يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ، يَا جَوَادُ يَا
كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أَرْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي
بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ.

۱۲. مستحب است از صفا تا ابتدای چراغ‌های سبز با آرامش
و وقار گام بردارد، و از آنجا تا انتهای چراغ‌های سبز دوم، «هزوله»
کند؛ یعنی مانند شترتند رود، از آنجا تا مروه نیز با آرامش حرکت
کند و در برگشت به همان ترتیب عمل کند. و بر بانوان هروله
مستحب نیست بلکه شایسته است که از این کار اجتناب کنند.
و مستحب است در هنگامی که به مناره میانه می‌رسد
بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

أَهْلٍ بَيْتِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ؛ وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَفَوْقِي؛ تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ.

و همین که از محل بازار عطاران (محدوده چراغ‌های سبز) گذشت، بگوید:

يَا ذَا الْمَتِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي؛ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

۱۳. هنگامی که به مروه رسید دعاهایی که درباره کوه صفا گفته شد، بر کوه مروه نیز بخواند.

۱۴. سپس بگوید:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُجْزِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ، الْعَفْوِ.

۱۵. مستحب است در گریه کردن بکوشد و خود را به گریه وادارد و در حال سعی، بسیار دعا کند. و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَ صِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.

تقصیر

۷۲۷ مراد از **تقصیر** ♦ محرم پس از انجام طواف و سعی بین صفا و مروه، باید برای خداوند متعال «تقصیر» کند؛ یعنی قدری از موی ناخن خود را بچیند و احتیاطاً مؤکِّد مستحب در آنست که برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند.

۷۲۸ تراشیدن سرو کردن مو ♦ در عمره تمتع، تراشیدن سرو کردن مو تقصیر محسوب نمی‌شود؛ بلکه اگر از روی علم و عمد باشد گناه است، و در برخی موارد کفاره هم دارد، که تفصیل آن در بحث محرمات احرام گذشت.

۷۲۹ امور معتبر در نیت **تقصیر** ♦ تقصیر باید با نیت انجام شود و در آن چند امر را باید قصد کند و لو به نحو اجمال: الف) قصد عمل؛ ب) قصد تعیین؛ ج) قصد قربت؛ به تفصیلی که در نیت احرام گذشت.

۷۳۰ قصد قربت در تقصیر ♦ تقصیر از عبادات است و باید با نیت خالص برای خداوند متعال انجام شود و اگر با خلوص نیت نباشد، باطل است و باید جبران کند، ولی به وسواس و القائات شیطانی نباید اعتنا کرد.

۷۳۱ قصد خروج از احرام با تقصیر ♦ در تقصیر، قصد بیرون آمدن از احرام لازم نیست؛ بلکه همین مقدار که با انجام آن قصد تقصیر کند از احرام بیرون می‌آید.

۷۳۲ رعایت ترتیب بین سعی و تقصیر ♦ رعایت ترتیب بین سعی و تقصیر لازم است، ولی فاصله افتادن بین سعی و تقصیر اشکال ندارد و تأخیر در عمره تمتع تا زمانی که بتواند بعد از آن احرام حج ببندد و خود را قبل از غروب روز نهم به عرفات برساند، جایز است.

۷۳۳ مکان تقصیر ♦ تقصیر در عمره، مکان خاصی ندارد؛ بنابراین محرم می‌تواند در محل اقامت خود نیز تقصیر کند.

۷۳۴ نحوه کوتاه کردن مو ♦ برای تقصیر، چیدن مقدار کمی از موی سر یا صورت یا کمی از ناخن دست یا پا، با هر وسیله‌ای -قیچی یا ناخن‌گیر یا ...- کفایت می‌کند؛ و مستحب است از جوانب مختلف سر کوتاه کند، و از ریش و شارب و مقداری از ناخن نیز بگیرد؛ و بهتر است از جلوی سر شروع کند.

۷۳۵ تقصیر از غیر موی سر و صورت ♦ ظاهراً کوتاه کردن موی

بدن و زیر بغل و عانه و ابرو برای تقصیر کفایت نمی‌کند؛ و به طور کلی تقصیر از غیر موی سر و ریش و شارب، کافی نیست بلکه حرام است.

۷۳۶ تقصیر بانوان ♦ بانوان باید موی سر خود را از نامحرم بپوشانند؛ و اگر بدون عذر در برابر نگاه نامحرم از موی خود تقصیر کنند، گناهکارند؛ ولی تقصیرشان صحیح است.

۷۳۷ تقصیر کردن محرم برای محرم دیگر ♦ کسی که خودش تقصیر نکرده، نمی‌تواند برای تقصیر، موی دیگری را بچیند؛ و اگر چنین کند بنا بر احتیاط کافی نیست؛ مگر آن‌که شخص تقصیر شده، معذور باشد؛ مثلاً خیال کند دیگری در احرام نیست (ولی چیدن ناخن دیگری در هر حال اشکال ندارد).

۷۳۸ تقصیر توسط شخص دیگر ♦ محرم می‌تواند از شخص دیگری هر چند شیعه نباشد، بخواهد که برای او تقصیر کند؛ ولی در هر حال باید خودش نیت کند.

۷۳۹ خروج از احرام پس از تقصیر ♦ عمره تمتع طواف نساء ندارد؛ لذا پس از انجام تقصیر، جمیع محرمات احرام حتی نزدیکی با زنان، حلال می‌شود؛ ولی در عمره مفرده پس از حلق یا تقصیر، بهره‌گیری جنسی حلال نمی‌شود؛ مگر پس از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن.

البته در هر صورت، حرمت محرمات حرم مانند شکار،

اختصاص به حال احرام ندارد.

۷۴۰ ترک تقصیر در عمره تمتع ♦ اگر کسی از روی عمد و اختیار، تقصیر را در عمره تمتع ترک نماید - خواه بداند باید تقصیر کند و خواه نداند - و برای حج محرم شود عمره تمتع او تبدیل به حج افراد می شود و باید با همان احرام، اعمال حج افراد را بجا آورد، سپس بعد از گذشتن روزهای تشریق (۱۱ تا ۱۳ ذی حجه) عمره مفرده بجا آورد؛ هر چند عمره تمتع او مستحب باشد؛ و این حج و عمره کفایت از حجة الإسلام نمی کند.

۷۴۱ فراموشی تقصیر تا احرام حج ♦ اگر کسی در عمره تمتع، تقصیر را فراموش کند و برای حج محرم شود، عمره تمتع و احرام حج او صحیح است، و قضای تقصیر لازم نیست؛ بلکه در حال احرام جائز نیست؛ ولی احتیاط مؤکد مستحب در آن است که یک گوسفند قربانی کند و آن را به فقرا بدهد.

۷۴۲ التفات به ترک یا نقصان طواف یا سعی پس از تقصیر ♦ اگر بعد از تقصیر متوجه شود که طواف یا سعی را انجام نداده یا آن را ناقص گذاشته است، باید طبق فروعی که در آغاز فصل طواف و پایان فصل سعی ذکر شده، عمل نماید.

احکام بین عمره و حج تمتع

۷۴۳ حرام بودن محرمات حرم ♦ محرمات حرم، یعنی اموری که به احترام حرم الهی حرام شده، مانند شکار کردن در حرم و کندن یا بریدن درخت و گیاه حرم؛ با تقصیر حلال نمی‌شود و بر هر مکلفی محرم باشد یا غیر محرم، حرام است.

۷۴۴ خروج از مکه در اثنای عمره تمتع و پس از آن ♦ خارج شدن از شهر مکه و حوالی آن در اثنای عمره تمتع اشکال ندارد ولی بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج - جز در صورت نیاز- جایز نیست و در صورت نیاز نیز باید به حج تمتع محرم شود و با احرام حج خارج گردد. بلی، اگر خروج با احرام برای او با مشقت شدید همراه باشد، می‌تواند بدون احرام بیرون رود.

۷۴۵ خروج کارگزاران حج از مکه پس از عمره تمتع ♦ اشخاصی مانند کارمندان سازمان حج، که می‌خواهند مکرر از مکه خارج

شوند، می‌توانند برای مرتبهٔ اول با احرام عمرهٔ مفرده وارد شوند و تا یک ماه از زمان خروج از احرام، برای ورود به مکه نیاز به احرام جدید ندارند؛ و برای انجام عمرهٔ تمتع در آخرین ورودشان به مکه اگر از مواقیت یا حوالی آن عبور نمی‌کنند، باید قبل از رسیدن به حرم محرم شوند.

۷۴۶ خروج بدون حاجت از مکه ♦ اگر کسی بدون حاجت بین عمره و حج تمتع با علم به حرمت، عمداً از مکه خارج شود، عمره‌اش باطل می‌شود ولی اگر از روی جهل یا سهو خارج شود، به عمره و حج او ضرری نمی‌رسد.

۷۴۷ خروج بدون احرام از مکه پس از عمرهٔ تمتع و گذشتن یک ماه از آن ♦ کسی که از روی جهل یا سهو، بین عمره و حج تمتع از مکه خارج شده، و نیز کسی که حاجتی داشته و خروج با احرام برای او با مشقت شدید همراه بوده، چنان‌چه یک ماه از احرام قبلی او گذشته باشد، برای ورود به مکه باید محرم شود؛ و اگر با عمرهٔ مفرده وارد شود، به عمرهٔ قبلی او ضرری نمی‌رسد؛ ولی اگر با عمرهٔ تمتع وارد مکه شود، عمرهٔ دوم، عمرهٔ تمتع او محسوب می‌شود.

۷۴۸ رفتن به اطراف مکه پس از عمرهٔ تمتع ♦ بعد از اتمام عمرهٔ تمتع، رفتن به غار حرا و غار ثور و منا که در نظر اهالی، منطقه‌ای از مکه یا اطراف نزدیک آن محسوب می‌گردد، جایز است. ولی خروج به عرفات اشکال دارد، مگر در صورتی که حاجتی داشته

باشد و نتواند با احرام خارج شود.

۷۴۹ تراشیدن سر میان عمره و حج تمتع ♦ بنابر احتیاط استحبابی موکد در بین عمره تمتع و حج تمتع سر نتراشد، و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است پرهیز کند؛ ولی هیچ کدام حرام نیست و کفاره ندارد.

۷۵۰ انجام عمره مفرده میان عمره و حج تمتع ♦ انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع جایز است؛ گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است. البته اگر عمداً و بدون عذر از شهر مکه و حوالی آن خارج شود، عمره تمتع او باطل می‌شود.

حج تمتع

۷۵۱ ارتباط عمره و حج تمتع ♦ کسی که احرام عمره تمتع می‌بندد، باید پس از عمره تمتع حج تمتع انجام دهد؛ هرچند عمره او استحبایی باشد.

۷۵۲ خلاصه اعمال حج تمتع ♦ حج تمتع مرکب از سیزده عمل است:

اول: احرام؛

دوم: وقوف در عرفات؛

سوم: وقوف در مشعرالحرام؛

چهارم: رمی جمره عقبه؛

پنجم: قربانی یا روزه بدل از قربانی؛

ششم: تراشیدن سر یا تقصیر کردن؛

هفتم: طواف زیارت؛

هشتم: دو رکعت نماز طواف زیارت؛

نهم: سعی بین صفا و مروه؛

دهم: طواف نساء؛

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء؛
دوازدهم: ماندن در منا در شب یازدهم و شب دوازدهم
و نیز در شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص؛
سیزدهم: رمی جمرات سه‌گانه در روزهای یازدهم و
دوازدهم و نیز در روز سیزدهم برای اشخاصی که شب
سیزدهم در منا مانده‌اند.

احرام حج

احکام احرام حج

۷۵۳ احکام احرام حج تمتع ♦ احرام حج تمتع، همانند عمره

تمتع است و تنها در سه جهت با آن تفاوت دارد:

(الف) زمان احرام؛ (ب) مکان احرام؛ (ج) نیت احرام.

۷۵۴ محرّمات احرام در حج تمتع ♦ محرّمات احرام در عمره و

حج تمتع یکسان است.

۷۵۵ زمان احرام در حج تمتع ♦ زمان احرام حج، بعد از اعمال

عمره تمتع است تا وقتی که بتوان پیش از غروب روز نهم، وقوف

در عرفات را درک کرد؛ و تأخیر احرام از این زمان اگر از روی علم و

عمد باشد، موجب بطلان حج است.

۷۵۶ زمان احرام امیرالحاج ♦ امیرالحاج باید احرامش را از

نزدیک ظهر روز ترویبه به تأخیر نیندازد و نماز ظهر و عصر را در

منا بجا آورد.

۷۵۷ مکان احرام حج تمتع ♦ مکان احرام حج تمتع، شهر «مکه معظمه» است - از هر کجای آن باشد - هر چند مستحب است در مسجد الحرام محرم شود و بهترین نقطه مسجد برای محرم شدن، کنار مقام ابراهیم علیه السلام و پس از آن، داخل حجر اسماعیل علیه السلام است.

۷۵۸ احرام در مناطق جدید مکه ♦ در احرام از مکه، فرقی بین مکه قدیم و جدید نیست؛ بلکه احرام از مناطق جدید شهر مکه که اخیراً احداث شده نیز صحیح است؛ و بنا بر احتیاط مستحب برای حج تمتع، در محدوده مکه زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احرام ببندد.

۷۵۹ غسل احرام حج تمتع ♦ احتیاط مستحب موکد آن است که قبل از احرام، در مکه معظمه غسل احرام کند. این غسل، در سایر احکام، همانند غسل احرام عمره تمتع است.

۷۶۰ نیت احرام حج تمتع ♦ چگونگی نیت برای حج تمتع، همان گونه است که در احرام عمره تمتع در مسأله ۲۰۴ گذشت.

۷۶۱ انجام طواف مستحبی پس از احرام به حج تمتع ♦ پس از احرام به حج تمتع، تا زمانی که طواف حج یا طواف نساء آن انجام نشده، نمی توان طواف مستحب بجا آورد؛ و کسی که بعد از احرام و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی انجام داده، بنا بر احتیاط مستحب، احرام را تجدید کند؛ یعنی رجاء به نیت

محرم شدن به حج تمتع تلبیه بگوید.

و کسی که قبل از حلق و تقصیر، از روی علم و عمد، از منا باز گردد و طواف مستحبی انجام دهد، بنا بر احتیاط، یک گوسفند قربانی کند.

۷۶۲ انجام طواف واجب قبل از طواف حج ♦ پس از احرام به حج تمتع، انجام طواف واجب - مانند طواف قضا برای خود یا به نیابت از دیگری - مانعی ندارد، هر چند قبل از بجا آوردن طواف حج یا طواف نساء باشد.

۷۶۳ ترک احرام حج تمتع از روی فراموشی ♦ چنانچه به سبب فراموشی، بدون احرام حج تمتع، از مکه خارج شود مسأله چهار صورت دارد:

۱. اگر قبل از عرفات متوجه شود؛ که در این صورت باید به مکه برگردد و محرم شود؛ و چنانچه به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند برگردد یا برگشتن برایش حرجی باشد، همان جا که هست محرم شود. و بنا بر احتیاط مستحب، برای محرم شدن، علاوه بر تلبیه بگوید: «اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ» و کفایت از حجة الإسلام می‌کند.

۲. اگر در عرفات متوجه شود، از همان جا احرام ببندد؛ و باید احتیاط کند و برای محرم شدن علاوه بر تلبیه بگوید «اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ»؛ و کفایت از

حجة الإسلام می‌کند. البته احتیاط مستحب آن است که در صورت امکان، به مکه برگردد و از آنجا محرم شود. ۳. اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از حلق و تقصیر بفهمد؛ بنا بر احتیاط همان جا که هست محرم شود و ذکر سابق را نیز بگوید؛ ولی این حج بنا بر احتیاط کفایت از حجة الإسلام نمی‌کند.

۴. اگر بعد از حلق و تقصیر یا بعد از تمام شدن اعمال متوجه شود؛ در این صورت لازم نیست محرم شود، و بنا بر احتیاط این حج مجزی از حجة الإسلام نیست.

۷۶۴ ترک احرام حج تمتع از روی جهل به مسأله ♦ اگر از روی جهل به مسأله، بدون احرام حج تمتع، تمام اعمال آن را بجا آورد، وظیفه‌ای ندارد و حشش کفایت از حجة الإسلام می‌کند؛ اما اگر در عرفات یا قبل از آن متوجه شد، چنانچه امکان بجا آوردن آن اعمال و لو به صورت اضطراری باشد، باید برگردد و محرم شود و علاوه بر تلبیه بگوید «اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ» و اگر پس از عرفات و پیش از پایان اعمال متوجه مسأله شود، باید احتیاط کند و محرم شود و بنا بر احتیاط، برای محرم شدن، آن ذکر را بگوید و در این صورت هم حشش کفایت از حجة الإسلام می‌کند.

۷۶۵ تأخیر غیر عمدی احرام حج قران و افراد ♦ اگر به سبب عذری، احرام حج افراد یا قران را به تأخیر اندازد تا وقت آن بگذرد، بنا بر احتیاط به دستور مسأله قبل عمل نماید؛ ولی در

هیچ صورت کفایت از حجة الإسلام نمی‌کند.

۷۶۶ ترک برخی واجبات احرام ♦ کسی که یکی از امور معتبر در احرام را ترک کند؛ مثلاً تلبیه نگویید، حکم کسی را دارد که اصلاً نیت احرام نکرده است و باید به دستور مسائل گذشته عمل نماید.

آداب و مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات

۷۶۷ مستحبات احرام ♦ کارهایی که در احرام عمره مستحب است در احرام حج نیز مستحب است.

مستحبات مخصوص احرام حج عبارت است از:

۱. در روز «ترویّه» (هشتم ذی حجه) احرام ببندد؛ و بهتر آن است که قبل از ظهر مُحرم شود و نماز ظهر و عصر را در منا بخواند و اگر سخت است، بعد از نماز ظهر، مُحرم شود.

۲. مستحب است در «مسجدالحرام»، محرم گردد؛ و بهترین مکان برای احرام، نزد مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و پس از آن داخل حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام است؛ و مُحرم شدن زیر ناودان طلا، استحباب مخصوصی ندارد.

۳. پس از خروج از مسجدالحرام همین که به «ابطح» مُشرف شود به آواز بلند «تلبیه» بگوید.

۴. چون به سوی منا حرکت کند بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو وَ
إِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي»؛ و با وقار و دلی آرام
به سوی منا برود و به تسبیح و ذکر حق تعالی مشغول باشد.

۵. چون به منا رسید بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا
صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ، وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ»؛ پس بگوید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ
مِنِّي، وَهَذِهِ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمُنَاسِكِ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ
بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

۶. احتیاط مستحب آن است که «شب عرفه» (شب نهم) را
تا طلوع خورشید در منا باشد، و مستحب است به طاعت خدا
مشغول گردد؛ و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در
مسجد خیف بجا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب
تعقیب بگوید و به سوی عرفات روانه شود و در صورتی که بعد
از طلوع فجر و قبل از طلوع خورشید، از منا خارج شود اشکالی
ندارد. البته مکروه است قبل از طلوع خورشید از وادی محسر
بگذرد؛ بلکه احتیاط مستحب در ترک آن است.

۷. هنگام حرکت به سوی عرفات این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ
إِنَّكَ صَمَدٌ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، فَاسْأَلُكَ أَنْ
تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ
تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

۸. «تا ظهر عرفه» تلبیه را تکرار کند؛ و پس از آن، تلبیه گفتن

مستحب نیست.

وقوف در عرفات

۷۶۸ اولین عمل واجب پس از احرام حج ♦ اولین عمل واجب پس از احرام حج، «وقوف در عرفات» است. وقوف در عرفات یعنی حضور در آن صحرا، به هر حالتی که باشد؛ در حال توقف باشد یا حرکت، سواره باشد یا پیاده، نشسته باشد یا ایستاده یا به هر حالت دیگر.

۷۶۹ محدوده عرفات ♦ حدودی که با نصب علائم برای عرفات و مشعر و منا مشخص شده است و اهالی منطقه آن را قبول دارند، معتبر است.

احکام وقوف در عرفات

۷۷۰ نیت وقوف در عرفات ♦ وقوف در عرفات عبادت است و

حاجی باید با نیت خالص برای خداوند در عرفات بماند. البته به زبان آوردن نیت وقوف لازم نیست؛ بلکه همین مقدار که در آن صحرا بماند، کافی است.

۷۷۱ طهارت از حدث و خبث در وقوفین ♦ برای وقوف در عرفات، مانند سایر اعمال حج - غیر از طواف و نماز- وضو داشتن و پاک بودن از حیض و نفاس لازم نیست. البته اگر بدن یا لباس محرم نجس شود، باید بدون تأخیر تطهیر کند؛ هرچند نجس ماندن آن‌ها وقوف را باطل نمی‌کند.

۷۷۲ خواب بودن در زمان وقوف ♦ خوابیدن در زمان وقوف مانعی ندارد؛ و اگر کسی نیت وقوف کند و بخوابد، وقوف او صحیح است، هرچند در تمام وقت، خواب باشد.

۷۷۳ زمان وقوف اختیاری ♦ زمان اصلی وقوف در عرفات، از ظهر تا مغرب روز عرفه (روز نهم ذی حجه) است.

۷۷۴ تأخیر وقوف از اول ظهر ♦ لازم نیست حاجی از ابتدای ظهر روز نهم در عرفات باشد؛ بلکه تأخیر آن تا نزدیک غروب اشکال ندارد؛ بنابراین می‌تواند کمی قبل از مغرب خود را به عرفات برساند و نیت وقوف نماید. البته احتیاط مستحب است که این تأخیر بیش از مقدار نماز ظهر و عصر نباشد.

۷۷۵ واجبات وقوف در عرفات ♦ آنچه در وقوف عرفات واجب است، دو امر است:

الف) مقداری از بین ظهر شرعی تا مغرب وقوف نماید؛
 ب) هنگام مغرب در عرفات باشد؛ و کوچ کردن از
 عرفات قبل از مغرب، جایز نیست.

۷۷۶ خروج از عرفات و رجوع قبل از مغرب ♦ اگر حاجی بعد از
 ظهر روز نهم، به طور موقت از عرفات بیرون برود و قبل از مغرب
 بازگردد، اشکال ندارد. و کسی که مسمای وقوف را درک کرده،^۱
 اگر پیش از مغرب از عرفات کوچ کند و برنگردد - هر چند اگر
 معذور نباشد گناه کرده - ولی حج او باطل نمی شود.

۷۷۷ وجوب بازگشت به عرفات، در صورت خروج عمدی ♦ کسی
 که از روی عمد، از عرفات خارج شده - خواه عالم به حرمت
 خروج قبل از مغرب بوده یا نسبت به حکم یا موضوع شک
 داشته - باید بازگردد و اگر برنگردد، گناهکار بوده و باید کفاره
 بپردازد (حتی اگر تمکن از بازگشت نداشته باشد). و اگر به هر
 دلیلی برگردد، کفاره ندارد؛ هر چند پشیمان نباشد و بعد از
 مراجعت، در وقوفش تا غروب، قصد وقوف یا قصد قربت نکند.

۷۷۸ کفاره خروج عمدی از عرفات ♦ اگر کسی از روی علم و
 یا در حال شک - در حکم یا در موضوع - با عمد و اختیار، بعد از
 ظهر از عرفات کوچ کند و قبل از مغرب باز نگردد، گناهکار است
 و کفاره آن قربانی کردن یک شتر است؛ هر چند کفاره داشتن آن
 ۱. به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هر چند خیلی کم
 باشد؛ مانند یک یا دو دقیقه.

را نداند. و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند. و کسی که از روی فراموشی، غفلت یا جهل مرگب یا اضطرار، قبل از مغرب از عرفات کوچ کند، کفاره ندارد.

۷۷۹ بازگشت به عرفات، در صورت خروج از روی عذر ♦ کسی
 که از روی جهل، سهو یا اضطرار، بعد از ظهر روز نهم از عرفات خارج شده، چنانچه بعد از مغرب، عذرش برطرف گردد وظیفه‌ای ندارد؛ و اگر قبل از مغرب، عذرش برطرف شد، باید برگردد تا این‌که هنگام مغرب در عرفات باشد و اگر برنگردد گناهکار است و باید بنا بر احتیاط استحبایی کفاره بدهد.

۷۸۰ ترک وقوف اختیاری در عرفات از روی عذر ♦ حجاجی که به
 سبب عذری مانند اضطرار، اجبار، فراموشی و تنگی وقت که بدون تقصیر پیش آمده، حتی بخشی از زمان وقوف اختیاری عرفات را درک نکنند، باید مقداری از شب عید را - هرچند کم باشد - در عرفات وقوف نمایند و این وقوف را «وقوف اضطراری» می‌نامند.

۷۸۱ ترک عمدی وقوف اختیاری در عرفات ♦ اگر حاجی بدون
 عذر، وقوف اختیاری عرفات را ترک کند، وقوف در شب عید قربان برای او کفایت نمی‌کند؛ و حشش باطل است؛ و آن در چند صورت است:

الف) اگر با علم، عمد و اختیار، وقوف را ترک کند.

ب) اگر از روی عمد و اختیار، به خاطر شک، وقوف را ترک کند؛ خواه نسبت به حکم شرعی وقوف، تردید

داشته باشد یا در حدود شرعی عرفات شک داشته باشد یا به خاطر نشناختن محل، در انطباق حدود شرعی عرفات بر خارج تردید کند.

ج) از روی تقصیر، نسبت به اصل حکم شرعی یا تعیین حدود موضوع غافل باشد یا برخلاف آن یقین داشته باشد.

د) از روی تقصیر، مضطر به ترک وقوف شود؛ یعنی اضطرارش به خاطر سوء اختیارش باشد. در این صورت هم حجش باطل است.

ترک وقوف اختیاری، به جز در این موارد، موجب بطلان حج نمی‌شود. بنابراین کسی که می‌داند وادی «عرنه» خارج از عرفات است ولی چون وادی عرنه را نمی‌شناسد، در آن وادی به تخیل آن که عرفات است وقوف می‌کند، حجش باطل نمی‌شود.

۷۸۲ **زمان وقوف اضطراری در عرفات** ♦ زمان وقوف اضطراری عرفات از مغرب (وقت از بین رفتن سرخی طرف مشرق هنگام غروب) روز نهم ذی حجه است تا طلوع فجر روز دهم.

۷۸۳ **ناتوانی از قربانی کردن شتر** ♦ کسی که نمی‌تواند شتر قربانی کند، باید هجده روز روزه بگیرد و واجب نیست که روزه‌ها را پشت سرهم بگیرد، هرچند مطابق احتیاط استحبابی است. این روزه‌ها را می‌تواند در مگه یا وطن یا بین راه بگیرد و برای گرفتن آن نیازی به قصد اقامت نیست.

۷۸۴ ذکر و دعا در عرفات ♦ حاجی در عرفات غیر از حضور و وقوف، وظیفه واجب دیگری مانند ذکر و دعا ندارد. ولی اذکار و ادعیه مستحب بسیاری برای وقوف در عرفات ذکر شده که مناسب است حاجی خود را از آن محروم نکند.

۷۸۵ وقوف در اطراف مشاعر با تنگی مکان ♦ اگر صحرای عرفات یا مشعر یا منا برای وقوف و بیتوته تنگ باشد، وقوف و بیتوته در قسمت‌های متصل به این مواقف که از آن‌ها مرتفع‌ترند، مانعی ندارد؛ ولی در قسمت‌های هم سطح و پایین‌تر از آن اماکن کافی نیست.

۷۸۶ وقوف بر جبل الرحمة ♦ ظاهراً «جَبَلُ الرَّحْمَةِ» - که کوهی در عرفات است - نیز موقوف محسوب می‌شود؛ ولی بنا بر احتیاط مستحب، حاجی در مدت وقوف واجب، بالای جبل الرحمة نرود.

۷۸۷ تبعیت از حکم قاضی عامه در مورد هلال ذی حجه ♦ هرگاه قاضی عامه، ثبوت هلال ماه ذی حجه را اعلان نماید، تبعیت از آن مجزی است؛ حتی اگر خلاف آن برای حاجی ثابت شده باشد.

آداب و مستحبات وقوف در عرفات

۷۸۸ مستحبات وقوف در عرفات ♦ چند چیز از مستحبات وقوف در عرفات است:

۱. در زمین همواری که در طرف چپ از دامنه جبل الرحمة است، وقوف کند؛

۲. در حال وقوف با وضو باشد؛

۳. غسل کند و بهتر است نزدیک ظهر باشد؛

۴. در اول وقت، نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه بجا آورد؛

۵. کاملاً متوجه خداوند سبحان باشد و از غیر خدا منقطع شود، و آنچه موجب حواس پرتی است از خود دور نماید، و بداند که عرفات از بهترین مکان‌ها برای استجاب دعا است و مستحبات بسیاری دارد؛

(از بهترین مستحبات وقوف در عرفات، خواندن «دعای معروف حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام» و «حضرت امام زین العابدین علیه السلام» است، و اعمال دیگری نیز در روایات شریف آمده است.)

۶. حمد و ثنای الهی کند، و صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، و

صد مرتبه سوره توحید بخواند و بگوید:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمُسَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْحِنِّ وَالْأَنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمُنْكَرْ بِي وَلَا تَحْدَعْني وَلَا تَسْتَدْرِجْني.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكِرْمِكَ وَمَتِّكَ

وَفَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا
 أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»،
 و به جای «أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» حاجت خود را نام برد؛

سپس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرِّي
 مَا مَنَعْتَنِي، وَالَّتِي إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي،
 أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ
 وَ مِلْكُ يَدِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ؛ أَسْأَلُكَ
 أَنْ تُؤَقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي
 الَّتِي أَرَبْتَهَا خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهَا
 نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ
 رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَأَطَلَتْ عُمُرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ»؛

۷. این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ
 الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،
 بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ،
 أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ خَيْرٌ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. اللَّهُمَّ لَكَ
 صَلَاتِي وَ دِينِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي، وَ لَكَ ثُرَاتِي، وَ بَكَ
 حَوْلِي وَ مِنكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ

وَسَوَاسِ الصَّدْرِ، وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ
وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَأْتِي بِهِ
الرِّيَاحُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَاحُ، وَأَسْأَلُكَ
خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي
سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا، وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوِي
وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْحَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا، وَاعْظِمْ لِي
نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْقَاكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

۸. آن‌گاه رو به قبله کند و هریک از این اذکار را صد مرتبه
بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «مَا شَاءَ اللَّهُ، لِأَقْوَةِ الْآ
بِاللَّهِ» و «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ
وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۹. سپس آیات زیر را بخواند:

الف) آیه‌های اول تا دهم سوره بقره؛

ب) سه مرتبه سوره توحید؛

ج) آیه الكرسي؛

د) «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا، وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ، أَلَا

لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ
تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي
الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا، وَادْعُوهُ خَوْفاً وَطَمَعاً، إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ
قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ؛

هـ) سوره فلق؛

و) سوره ناس.

۱۰. نعمت‌های خدا را به یاد آورد و بر آن‌ها خدا را شکر کند
و بگوید: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بَعْدِ
وَلَا تُكْفَى بِعَمَلٍ»؛

و آیاتی از قرآن که در آن «حمد» و «تسبیح» الهی و «الله
اکبر» و «لا اله الا الله» آمده است بخواند؛
بر محمد و اهل بیتش علیهم‌السلام درود فرستد؛

۱۱. خدا را به اسمای الهی که در قرآن آمده است، بخواند
و بگوید:

«اللَّهُ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ، الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ،
الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهِيمُنُ، الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ،
الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ، الْبَارِئُ، الْمُصَوِّرُ»؛

سپس این دعا را بخواند:

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ

بِقُوَّتِكَ وَقَدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ، وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ،
 وَجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتِ اللَّهِ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ،
 الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَبِاسْمِكَ
 الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ
 لَا تَزِدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي
 جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ؛

۱۲. حاجات خود را از خدا بخواهد و از خداوند کریم بخواهد
 که همه ساله حج نصیبش گرداند و هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْأَلُكَ
 الْحِجَّةَ». و نیز هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»؛
 پس بخواند:

«اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ
 الطَّيِّبِ، وَأَذْرَأْ عَنِّي سَرَفَسَقَةَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَسَرَفَسَقَةَ
 الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ»؛

۱۳. نزدیک غروب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتِتِ الْأُمْرِ، وَمِنْ سَرِّ
 مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ،
 وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا
 بِعِزِّكَ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا
 خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ

أَلْبَسَنِي عَافِيَتَكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ»؛

پس بگوید: «یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَیا أَوْسَعَ مَنْ أُعْطِيَ، یا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ» و حاجات خود را از خدا بخواند؛

۱۴. پس از غروب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ أَبَدًا مَا أَبَقَيْتَنِي، وَاقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مُعْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْنِكَ، وَاعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيََتْ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرِّزْقِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيْمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ»؛

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ»؛ و در راه مشعر استغفارکنان با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام روانه شود.

وقوف در مشعرالحرام

احکام وقوف در مشعرالحرام

۷۸۹ وظیفه حاجی پس از وقوف در عرفات ♦ حاجی پس از عرفات باید به «مشعرالحرام» برود و در آنجا با نیت خالص برای خداوند متعال «وقوف» نماید.

۷۹۰ نیت و نحوه وقوف در مشعر ♦ نیت وقوف در مشعرالحرام و چگونگی وقوف همانند نیت وقوف در عرفات و چگونگی وقوف در آن جا است. بنابراین اگر در قسمتی از زمان وقوف بلکه تمام وقت، خواب یا بی‌هوش باشد، چنانچه وقوف واجب را نیت کرده باشد، اشکال ندارد.

۷۹۱ حدود مرزی مشعر ♦ وادی محسر و مأزمین (گردنه‌ای که بر مشعر مشرف است) از حدود مشعر و خارج از آن هستند و

وقوف در آن‌ها صحیح نیست.

۷۹۲ یاد خداوند در مشعرالحرام ♦ یکی از کارهای واجب در مشعرالحرام «ذکر خداوند» است و برای آن، مجرد یاد خدا در قلب کافی نیست؛ بلکه باید خدا را به زبان یاد کرد؛ ولی لازم نیست آن را به عنوان ذکر مشعرالحرام بگوید؛ بلکه اگر بدون توجه به این امر نماز واجبش را بخواند، کفایت می‌کند.

۷۹۳ زمان وقوف در مشعر ♦ وقوف در مشعرالحرام سه وقت دارد که هرکدام وظیفه‌دسته‌ای از حجاج است:

(الف) از مغرب (زوال حمزه مشرقیه) روز نهم تا طلوع فجر صادق (اذان صبح) روز دهم که به آن «وقوف شبانه» می‌گویند؛

(ب) از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز دهم که به آن «وقوف اختیاری» گویند؛

(ج) از طلوع آفتاب تا ظهر شرعی روز دهم که به آن «وقوف اضطراری در روز» گویند.

۷۹۴ رکن بودن وقوف در مشعر ♦ مسمای وقوف از مغرب روز نهم تا طلوع آفتاب روز دهم از ارکان حج است و اگر حاجی بدون عذر، هیچ مقداری از شب عید تا طلوع آفتاب روز عید را وقوف نکند (همانند کسی که وقوف در عرفات را بدون عذر، ترک کند)، حشش باطل می‌شود و آن در چند صورت است:

الف) عالم عامد مختار باشد؛

ب) در حکم یا موضوع تردید داشته باشد؛

ج) از روی تقصیر از آنچه شارع مقدّس فرموده، غفلت داشته باشد؛

د) از روی تقصیر بر خلاف «آنچه شارع مقدّس فرموده» یقین داشته باشد؛

ه) از روی اضطرار ترک کند و اضطرار به سوء اختیار شخص باشد.

و در غیر از این صورت‌ها حج باطل نمی‌شود.

۷۹۵ لزوم درک وقوف اختیاری در مشعر ♦ تمامی حجاج

- به جز افرادی که در مسأله ۸۰۱ ذکر خواهد شد- نباید وقوف اختیاری مشعرا ترک کنند.

۷۹۶ مقدار واجب از وقوف بین الطلوعین ♦ وقوف کردن در

تمام مابین الطلوعین واجب نیست، و همین که گفته شود در مشعرالحرام بوده، کافی است؛ بنابراین اگر حج‌گزار کمی قبل از طلوع آفتاب وارد مشعرالحرام شود و وقوف نماید کافی است.

۷۹۷ درک بین الطلوعین و کوچ قبل از روشن شدن هوا ♦ کسی

که بین الطلوعین را در مشعر بوده، نباید قبل از روشن شدن هوا بلکه بنا بر احتیاط، قبل از طلوع آفتاب از مشعر کوچ کند؛ بلکه بنا بر احتیاط، قبل از طلوع آفتاب به سمت وادی محسر نیز

خارج نشود.

۷۹۸ زمان حرکت از مشعر به سمت منا ♦ مستحب است حجاج وقتی که هوا به قدری روشن شده که بدون روشن کردن چراغ، محل عبور دیده می‌شود، به طرف منا روانه شوند؛ ولی بنا بر احتیاط، قبل از طلوع آفتاب از مشعر خارج نشوند.

۷۹۹ بیتوته شب عید در مشعر ♦ حجاج لازم نیست شب عید را در مشعر الحرام به سر برند؛ ولی اگر شب دهم وارد مشعر الحرام شدند، بنا بر احتیاط مستحب مؤکد تا طلوع فجر به قصد قربت در آنجا بمانند.

۸۰۰ عقوبت ترک وقوف اختیاری در مشعر ♦ کسی که وظیفه او وقوف اختیاری است، چنانچه قبل از روشن شدن هوا از مشعر کوچ کند، صورت‌های مختلفی دارد:

(الف) اگر در نیمه اول شب نیت وقوف کرده و بدون عذر، قبل از نیمه شب کوچ کند و دیگر باز نگردد، باید یک شتر قربانی کند؛

(ب) اگر بعد از نیمه شب و قبل از طلوع فجر، بدون عذر، کوچ کند و دیگر باز نگردد، باید یک گوسفند قربانی کند؛

(ج) اگر ندانسته یا از روی سهو کوچ کند یا پس از طلوع فجر کوچ نماید و یا این‌که از مشعر خارج شود و قبل از

طلوع آفتاب بازگردد، در این سه صورت کفاره ندارد؛ هرچند پرداخت کفاره در صورت علم و عمد، مطابق احتیاط استحبابی است.

۸۰۱ موارد جواز ترک وقوف اختیاری ♦ گروه‌های زیر می‌توانند پس از وقوف شبانه در مشعرالحرام، به منا کوچ کنند و بر آن‌ها وقوف اختیاری واجب نیست:

۱ و ۲. زنان و کودکان؛

۳. افراد ناتوان و مریض مانند کهن سالان که وقوف بین‌الطلوعین برایشان مشقت دارد، هرچند شدید نباشد؛

۴. اشخاصی که ماندن برای آن‌ها همراه با مشقت شدید است؛

۵. کسانی که می‌ترسند اگر وقوف کنند با مشکلی مواجه شوند که دفع آن واجب است؛ مثلاً با ضرر اساسی یا خطری جدی روبرو شوند؛

۶. کسانی که اگر بین‌الطلوعین وقوف کنند برایشان مشکلی مانند مراجعت کاروان پیش می‌آید که نمی‌توانند خودشان اعمال مکه را بجا آورند یا موظفند رمی جمره عقبه را شبانه انجام دهند (به تفصیلی که خواهد آمد)؛

۷. صاحبان مشاغلی که کارشان را تنها در روز انجام

می دهند؛ مانند چوپان و هیزم‌کش؛

۸. مأموران تدارکات حجاج که برای تهیه و آماده‌سازی

مایحتاج آنان باید زودتر بروند؛

۹. کسانی که باید همراه یکی از دسته‌های قبل باشند.

این چند گروه می‌توانند مقداری از شب دهم را در مشعر الحرام وقوف نمایند و سپس به منا کوچ کنند؛ هرچند احتیاط مؤکد مستحب در آن است که قبل از نیمه شب از مشعر خارج نشوند. و بنابر احتیاط مستحب، برای احتساب نیمه شب، شب را از مغرب شرعی تا طلوع آفتاب حساب کنند.

البته دو گروه اخیر، اگر مشقت شدید نداشته باشند باید قبل از طلوع آفتاب به مشعر الحرام برگردند و نیت وقوف نمایند و اگر نایب باشند نیابت‌شان هم صحیح است.

۸۰۲ وقوف اضطراری مشعر ♦ اگر حاجی به جهت عذری مانند

بیماری یا دیر رسیدن موفق به وقوف اختیاری در مشعر الحرام نشود، باید مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر را در مشعر وقوف نماید - اگر چه کم باشد - و حجتش صحیح است؛ ولی اگر بدون عذر، وقوف اختیاری را ترک کرده چنین وقوفی برای او صحیح نیست.

۸۰۳ درک وقوف اختیاری عرفات و مشعر ♦ کسی که وقوف

اختیاری عرفات و مشعر را درک می‌کند، عملش بدون تردید صحیح است.

۸۰۴ درک وقوف اختیاری عرفات و اضطراری شبانه مشعر ♦

کسی که وقوف اختیاری عرفات و وقوف شبانه مشعر را درک کند، حجتش صحیح است، هرچند در ترک وقوف اختیاری مشعر معذور نباشد.

۸۰۵ وظیفه کسی که شب دهم رسیده ♦ اگر حاجی شب دهم

برسد، چنانچه در دیرآمدن، معذور نبوده، حجتش باطل است؛ و در صورت عذر، چنانچه بترسد با رفتن به عرفات، نتواند قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعر برساند، باید وقوف عرفات را رها کرده به وقوف مشعر اکتفا کند، وگرنه واجب است با درک وقوف اضطراری در عرفات، قبل از طلوع آفتاب، خود را به مشعر برساند.

۸۰۶ ترک عمدی وقوف اضطراری عرفات ♦ اگر وظیفه حاجی،

وقوف اضطراری در عرفات باشد، چنانچه از روی عمد و بدون عذر، وقوف اضطراری عرفات را ترک کند حجتش باطل می‌شود، اگر چه وقوف مشعر را درک کند.

۸۰۷ درک وقوف اختیاری عرفات و اضطراری نهاری مشعر ♦

کسی که وقوف اختیاری عرفات و وقوف اضطراری نهاری مشعر را درک کند، حجتش صحیح است.

۸۰۸ درک عرفات بدون درک مشعر ♦ کسی که تنها وقوف
-اختیاری یا اضطراری- عرفات را درک کند و وقوف به مشعر را
درک نکند حجت باطل است.

البته اگر به خاطر ندانستن مسأله، بدون نیت وقوف، از
مشعر عبور کرده ولی در مشعر دعا کرده باشد (هرچند در قنوت
نماز) و زمانی یادش بیاید که دیگر، نتواند -حتی قبل از ظهر
روز عید- به مشعر برگردد، حجت صحیح است؛ ولی احتیاط
مستحب آن است که یک گوسفند قربانی کند.

۸۰۹ درک وقوف اضطراری عرفات و اختیاری مشعر ♦ کسی
که وقوف اضطراری عرفات و وقوف اختیاری مشعر را درک کرده،
حجت صحیح است.

۸۱۰ درک وقوف اضطراری عرفات و شبانه مشعر ♦ کسی که
وقوف اضطراری عرفات و وقوف اضطراری شبانه مشعر را درک
کرده، حجت صحیح است.

۸۱۱ درک اضطراری عرفات و اضطراری نهاری مشعر ♦ کسی
که وظیفه اش، وقوف اضطراری عرفات و وقوف اضطراری نهاری
مشعر بوده چنانچه این دو وقوف را درک کند، حجت صحیح
است.

۸۱۲ درک وقوف مشعر به تنهایی ♦ کسی که تنها وقوف در
مشعر -اعم از اختیاری و شبانه- را درک کرده، اگر در ترک وقوف

عرفات معذور باشد حجش صحیح، و گرنه باطل است.

۸۱۳ درک وقوف اضطراری نهاری مشعر به تنهایی ♦ کسی که تنها وقوف اضطراری نهاری مشعر را درک کند، حجش باطل است؛ هرچند در ترک وقوف به عرفات معذور باشد.

۸۱۴ ترک عمدی وقوف اضطراری عرفات ♦ اگر وظیفه حاجی وقوف اضطراری در عرفات است، چنانچه از روی عمد و بدون عذر، وقوف اضطراری عرفات را ترک کند، حجش باطل می‌شود؛ اگر چه وقوف مشعر را درک کند.

۸۱۵ درک نکردن وقوف عرفات و مشعر ♦ کسی که هیچ یک از وقوف‌های عرفات و مشعر را درک نکند (نه وقوف اختیاری و نه اضطراری) حجش بدون تردید باطل است، هرچند به خاطر فراموشی، ندانستن یا اضطرار باشد.

۸۱۶ نحوه خروج از احرام در فرض بطلان حج ♦ کسی که حجش باطل شده باید با همان احرام، اعمال عمره مفرده را انجام دهد تا از احرام بیرون بیاید و احتیاط مستحب آن است که عدول به عمره مفرده را نیت کند. و در هر صورت باید در سال آینده حج را اعاده نماید.

آداب و مستحبات وقوف در مشعرالحرام

۸۱۷ مستحبات وقوف در مشعر ♦ در وقوف در مشعرالحرام

چند چیز مستحب است:

۱. با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به «تَلَّ سرخ» رسید بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي، وَزِدْ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ دِينِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي.
مَنَاسِكِي.

و در راه رفتن میانه‌روی نماید و کسی را آزار ندهد. و مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد؛ و به یک اذان و دو اقامه، میان هر دو نماز جمع کند، و نافله‌های مغرب را بعد از نماز عشا، بجا آورد. و در صورتی که نتواند پیش از نصف شب به مزدلفه برسد، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند، و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه، نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد، یعنی برای نخستین بار حج بجا می‌آورد، بنا بر روایات مستحب است که در مشعرالحرام قدم بگذارد و مشعرالحرام در این روایات نام کوهی است که در سرزمین مزدلفه بوده است.

و هنگامی که به مشعر رسید، بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا

جَوَامِعِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لِاثْوَيْسِنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ
تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَظْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ
أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعِ الشَّرِّ».

۲. سنگ ریزه‌های رمی جمرات را از مشعرالحرام بردارد.

۳. هر اندازه که می‌تواند به عبادت الهی مشغول باشد.

۴. پس از نماز صبح، حمد و ثنای الهی بجا آورد و نعمت‌های

خداوند را به یاد آورد و صلوات بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمُشْعَرِ الْحَرَامِ فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ
عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْحِنِّ
وَ الْأَنْسِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ
مَسْئُولٍ وَ لِكُلِّ وَاقِفٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي
هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي
خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

۵. در مسیر مشعر به سوی منا که می‌رود، هرگاه به «وادی

مُحَسِّر» رسید، در آن وادی به مقدار صد قدم «هَرَوْلَه» کند؛

یعنی مانند شترتند برود؛ و اگر سواره است مرکب خود را حرکت

دهد و بگوید: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَاجِبْ دَعْوَتِي

وَاحْلِفْنِي بِخَيْرٍ فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

رمی جمره عقبه

۸۱۸ کوچک کردن از مشعر ♦ پس از وقوف در مشعر الحرام،

حاجی برای انجام اعمال منا روانه سرزمین «منا» می‌شود.

۸۱۹ اعمال منا ♦ اعمال منا عبارت است از:

۱. رمی جمره عقبه؛

۲. قربانی؛

۳. حلق یا تقصیر؛

۴. بیتوته شب‌های یازدهم و دوازدهم ذی حجه؛

۵. «رمی جمرات سه‌گانه» در روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه.

۸۲۰ رعایت ترتیب میان اعمال روز عید ♦ حاجی باید ترتیب

بین رمی جمره عقبه و قربانی و بین آن و حلق یا تقصیر را رعایت کند و اگر بدون انجام عمل قبل، عمل بعدی را انجام دهد، عمل بعدی باطل است؛ بلی چنانچه از روی عذری همچون

فراموشی یا ندانستن مسأله یا اضطرار خلاف ترتیب عمل نماید، عمل انجام شده صحیح است.

۸۲۱ جمرات ♦ در آخر صحرای منا به طرف مکه، سه علامت قرار دارد که به آن‌ها به ترتیب «جرمه اولی»، «جرمه وسطی» و «جرمه عقبه» می‌گویند.

شرایط و واجبات رمی

۸۲۲ رمی واجب در روز عید قربان ♦ حاجی باید هفت سنگ‌ریزه به جرمه عقبه بزند. به این سنگ زدن «رمی» می‌گویند.

۸۲۳ امور لازم در رمی ♦ رعایت چند چیز در انداختن ریگ‌ها لازم است:

- اول: نیت با «قصد خالص برای خداوند متعال».
- دوم: پرتاب کردن؛ پس اگر نزدیک جمره برود و سنگ‌ها را روی آن بگذارد کافی نیست.
- سوم: برخورد کردن به جمره؛ پس انداختن ریگ‌ها در حوضچه‌ای که در اطراف جمرات است، کافی نیست.
- چهارم: آن‌که با انداختن به جمره برسد؛ پس اگر سنگ را انداخت و با کمک دست دیگری به جمره

رسید، کافی نیست. ولی لازم نیست مستقیم به جمرات برخورد کند؛ پس اگر سنگ به جایی خورد و کمانه کرد و به جمرات رسید کافی است.

پنجم: تعداد رمی‌ها باید هفت عدد باشد (و کمتر از آن کفایت نمی‌کند).

ششم: باید سنگ‌ریزه‌ها را یکی پس از دیگری پرتاب کند؛ پس اگر چند سنگ را باهم پرتاب کند و به جمره بخورد، فقط یک بار محسوب می‌شود.

هفتم: باید به نحوی سنگ بزند که به موالات عرفی با تفصیلی که می‌آید خللی وارد نشود.

۸۲۴ شرایط سنگ برای رمی ♦ سنگ‌ها باید به اندازه‌ای باشد که به آن ریگ بگویند، پس اگر آن قدر ریز باشد که به آن ریگ گفته نشود - مثل شن - کفایت نمی‌کند؛ و بنابر احتیاط، اگر بزرگ‌تر هم باشد، به گونه‌ای که عرفاً به آن ریگ گفته نشود کافی نیست.

۱. جنس ریگ‌ها باید از «سنگ» باشد و سیمان و کلوخ و گل سفت شده و ... کافی نیست؛ اما تمام اقسام سنگ، حتی سنگ مرمر اشکال ندارد.

۲. ریگ‌ها باید از «حرم» برداشته شده باشد - مثلاً از مشعر الحرام یا منا یا مکه - و اگر از جایی که حرم بودن آن معلوم نیست بردارد، کفایت نمی‌کند.

۳. رمی با ریگ‌هایی که پرتاب شده و در پای جمرات و اطراف آن‌ها ریخته شده است، کافی نیست؛ هرچند به شکل صحیح زده نشده باشد.

برداشتن ریگ، از نقاط دیگر حرم اشکال ندارد؛ ولی بنابر احتیاط مستحب از ریگ‌هایی که قبلاً برای رمی جمرات به کار رفته و به نقاط دیگر حرم آورده‌اند، استفاده نکند.

۴. استفاده کردن از ریگ‌هایی که مال دیگری است، بدون رضایت او حرام است و اگر برای سنگ‌زدن از چنین ریگ‌هایی استفاده کند، بنابر احتیاط به آن اکتفا ننماید.

۸۲۵ برداشتن سنگی که از خارج حرم آورده شده ♦ ریگی که از حرم برداشته شده، برای رمی کافی است؛ هرچند از خارج حرم آورده باشند، بنابراین ریگ‌هایی که در اطراف خیابان‌های مکه یا مشعرالحرام یا سرزمین مناریخته شده، کافی است؛ ولی عرفات و بخشی از مکه - از مسجد تنعیم به بعد - خارج از حرم است و استفاده از ریگ‌های آن اماکن برای رمی جمرات، کافی نیست.

۸۲۶ بهترین مکان برای جمع‌آوری سنگ‌ها ♦ مستحب است حاجی سنگ‌ها را از مشعرالحرام جمع کند و پس از مشعر، جمع کردن سنگ‌ها از منا، بهتر از نقاط دیگر حرم است.

۸۲۷ استفاده از ریگ‌های مساجد برای رمی ♦ برداشتن

ریگ‌هایی که جزء مسجد الحرام یا مسجد خیف یا سایر مساجد باشد جایز نبوده و بنا بر احتیاط، رمی با آن‌ها کافی نیست. بله، رمی با ریگ‌هایی که در مسجد الحرام و مسجد خیف و سایر مساجد ریخته شده، ولی از اجزای آن نیست، صحیح است.

احکام رمی

۸۲۸ نحوه رمی ♦ بنا بر احتیاط مستحب - در حال اختیار - با دست رمی کند. و رمی با پا و دهان، خلاف احتیاط استحبابی است؛ ولی رمی با فلاخن یا تیرو کمان صحیح است.

۸۲۹ رمی با شک در واجد شرایط بودن سنگ‌ها ♦ اگر شک کند به سنگی که می‌خواهد بیندازد ریگ گفته می‌شود یا نه، یا شک کند که جنس ریگ‌ها از سنگ است یا کلوخ، یا شک کند که سنگ‌ها از حرم برداشته شده یا خارج آن، نمی‌تواند به آن اکتفا کند.

۸۳۰ رمی با ریگ‌هایی که از دیگری گرفته ♦ اگر ریگ‌هایی را از دیگری بگیرد، چنانچه اطمینان داشته باشد که آن‌ها را از حرم برداشته، کافی است؛ وگرنه نمی‌تواند به آن اکتفا کند. و اگر نمی‌داند از سنگ‌های پای جمرات برداشته شده یا از موضع دیگری از حرم، می‌تواند با آن رمی نماید.

۸۳۱ شک در عدد سنگ ها هنگام رمی ♦ رمی کننده باید اطمینان پیدا کند که به تعداد معتبر و به طور صحیح رمی را انجام داده؛ لذا اگر در عدد سنگ ها شک کند یا شک کند که به جمره خورده یا نه، نمی تواند به آن اکتفا کند؛ بلکه اگر گمان کند که به جمره خورده است نیز نمی تواند آن را به حساب آورد.

۸۳۲ شک در رمی صحیح پس از پایان آن ♦ اگر بعد از آن که خود را از رمی، فارغ شده یافت، در انجام صحیح رمی شک کند؛ چنانچه احتمال دهد که هنگام رمی به رعایت شرایط آن توجه داشته، به شک خود اعتنا نکند؛ ولی اگر اطمینان دارد که از رعایت آن ها غافل بوده، باید به شکش اعتنا کند.

۸۳۳ شک در اصل رمی پس از ذبح ♦ اگر کسی بعد از ذبح یا حلق و تقصیر، بلکه بعد از اینکه خود را از محل رمی فارغ شده دید، شک کند رمی کرده یا نه، به شکش اعتنا نکند.

۸۳۴ شک در رمی، بعد از گذشتن روز عید ♦ اگر کسی پس از گذشتن روز دهم در رمی جمره یا تعداد سنگ ها یا رعایت شرایط رمی شک کرده، بنابر احتیاط (با تفصیلی که در مسأله ۸۳۲ و ۸۳۳ گذشت) به شکش اعتنا کند.

۸۳۵ اصابت سنگ به بخش توسعه یافته جمره ♦ رمی تمام قسمت های جمرات حتی مقداری که به آن ها افزوده شده کافی است و سنگ زدن به سیمان های لابلائی سنگ های

جمرات مانعی ندارد و لازم نیست حتماً به مقداری که قبلاً جزء جمرات بوده سنگ بزند؛ هرچند احتیاط مستحب آن است که قسمتی از وسط دیوار جمرات را که مقابل ستون سابق قرار گرفته، رمی نماید.

۸۳۶ محل اصابت سنگ ♦ سنگ زدن به هر دو طرف دیوار جمره کافی است؛ اما اصابت سنگ به ریگ‌های پایین جمرات، کفایت نمی‌کند.

۸۳۷ رمی جمرات از طبقات فوقانی ♦ رمی جمرات از طبقات فوقانی صحیح است.

۸۳۸ حالت فرد هنگام رمی ♦ حالت خاصی برای رمی‌کننده شرط نیست و جایز است در حال رمی سواره یا پیاده باشد؛ ولی مستحب است پشت به قبله و در حالت ایستاده رمی کند.

۸۳۹ پاک بودن رمی‌کننده و ریگ‌ها ♦ در رمی جمره، پاک بودن ریگ‌ها و همچنین پاک بودن بدن و لباس کسی که سنگ می‌زند، لازم نیست. البته طهارت رمی‌کننده از حدث اکبر موافق احتیاط استحبابی است.

زمان رمی

۸۴۰ زمان رمی جمره عقبه ♦ زمان اصلی رمی جمره عقبه، از

طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روز عید قربان است.

۸۴۱ لزوم رمی شبانه برای برخی از حجج ♦ حججی که

نمی‌توانند در روز عید رمی کنند یا می‌ترسند رمی در روز با خطر جدی و ضرر اساسی همراه باشد، باید شب عید، رمی نمایند؛ هرچند اگر در روز عید رمی کردند، رمی‌شان صحیح است (مگر آن‌که هنگام رمی کردن، خطر جدی برای‌شان وجود داشته باشد که در این صورت بنا بر احتیاط، رمی‌شان صحیح نیست).

۸۴۲ جواز رمی شبانه برای برخی ♦ پنج دسته‌اند که علاوه

بر این‌که می‌توانند در روز جمره عقبه رمی کنند، می‌توانند شب عید رمی نمایند:

۱. بانوان؛ ۲. کودکان؛ ۳. افراد کم‌توانی که رمی در روز بر آن‌ها سخت است (هرچند سختی آن شدید نباشد)، ۴. کسانی که رمی در روز بر آن‌ها بسیار سخت است؛ ۵. صاحبان مشاغلی که کارشان را تنها در روز انجام می‌دهند (مانند چوپان و هیزم‌کش).

۸۴۳ مقدم بودن رمی شبانه بر نایب گرفتن و تأخیر انداختن

رمی ♦ حججی که مجازند رمی جمره عقبه را در شب عید انجام دهند، جایز نیست برای رمی نایب بگیرند؛ همچنین نباید رمی را به بعد از روز دهم موکول کنند.

۸۴۴ مخیر بودن بین رمی شبانه و نایب گرفتن ♦ حججی که

جایز است شبانه رمی کنند، اگر رمی در روز هم برایشان حرجی

باشد، می‌توانند یا در شب قبل خودشان رمی کنند و یا برای رمی در روز نایب بگیرند.

۸۴۵ زمان رمی نیابتی ♦ کسانی که موظفند برای رمی نایب بگیرند، در صورت امکان، باید کسی را نایب بگیرند که رمی را در روز عید انجام دهد (هرچند خود آن‌ها و نایب آن‌ها از بانوان باشند)؛ و اگر نایب گرفتن برای رمی در روز ممکن نیست برای رمی در شب قبل، نایب بگیرند.

۸۴۶ نایب گرفتن برای رمی به جهت عذر و کشف خلاف ♦ کسانی که به خاطر عذر، نایب می‌گیرند، چنانچه معلوم شود معذور نبوده‌اند یا عذرشان برطرف شود، باید خود رمی نمایند. پس اگر مریض نایب بگیرد و زمانی بهبودی یابد که بتواند در روز دهم جمره را رمی کند، باید رمی توسط خودش اعاده شود؛ ولی اگر بعد از گذشتن وقت رمی، خوب شد، قضای آن لازم نیست.

۸۴۷ رفتن به جمرات با وسیله نقلیه ♦ کسی که از پیمودن مسافت میان خیمه‌ها و جمرات ناتوان است، ولی اگر به جمرات برسد، می‌تواند خودش رمی را انجام دهد، در صورتی که بتواند با ماشین یا وسیله نقلیه دیگری خود را به جمرات برساند، باید به جمرات برود و خودش رمی کند و نمی‌تواند برای آن نایب بگیرد.

۸۴۸ بررسی توانایی بر رمی از نزدیک ♦ حجاجی که نمی‌دانند

آیا می‌توانند جمره را رمی نمایند یا خیر، باید تا جمرات بروند و ببینند که توان رمی را دارند یا نه؛ مگر آن‌که این کار برایشان خطرناک یا همراه با مشقت شدید باشد.

۸۴۹ ناتوانی از رمی به جهت شلوغی ♦ کسی که به جهت شلوغی اطراف جمره از رمی در روز ناتوان است، چنانچه اطمینان دارد با تأخیر رمی، قدرت بر انجام رمی خواهد یافت، باید تا زمانی که احتمال می‌دهد عذرش برطرف گردد، صبر کند. البته می‌تواند رجاء نایب بگیرد، ولی اگر عذرش تا پایان وقت برطرف شد، باید خودش هم رمی را بجا آورد. همچنین است اگر با احتمال برطرف شدن عذر، تا پایان زمانی که نایب گرفتن ممکن باشد، صبر کرده است.

۸۵۰ ترس از حیض شدن به جهت رمی ♦ زنی که می‌ترسد به سبب رمی حائض شود، چنانچه به جهت این ترس انجام رمی در شب و روز عید برای وی حرجی باشد، می‌تواند برای رمی نایب بگیرد.

۸۵۱ نیابت تبرعی در رمی ♦ کسانی که موظفند برای رمی نایب بگیرند، چنانچه کسی بدون گفتهٔ آن‌ها از طرفشان رمی کند کافی است؛ هرچند احتیاط مستحب مؤکد آن است که به آن اکتفا نکنند.

موالات در رمی

۸۵۲ اعتبار موالات در رمی ♦ رعایت «موالات» در زدن شش سنگ اول لازم است؛ یعنی نباید بین آن‌ها فاصله زیاد بیندازد؛ و گرنه باید رمی را از سر بگیرد؛ البته اگر بعد از زدن سنگ چهارم یا پنجم، به جهت ندانستن مسأله یا فراموشی، سنگ زدن را قطع کرده باشد، چنانچه آن را تکمیل کند، رمیش صحیح است.

۸۵۳ تأخیر در رمی سنگ هفتم ♦ فاصله انداختن سنگ هفتم - هر چند در حال اختیار- تا روز بعد جایز است. همچنین کسی که شش سنگ زده می‌تواند ذبح و حلق کند، سپس در همان روز یا فردای آن روز، سنگ هفتم را بزند، و لازم نیست قضای آن را پیش از رمی روز یازدهم انجام دهد؛ هر چند مطابق احتیاط استحبابی است.

۸۵۴ قطع رمی و از سر گرفتن آن ♦ قطع کردن رمی حرام نیست و حج‌گزار می‌تواند در اثنای رمی، آن را رها کند؛ ولی اگر موالات از بین برود باید آن را دوباره از سر بگیرد؛ چنانکه اگر بدون از بین رفتن موالات هم، رمی را از سر بگیرد صحیح است.

۸۵۵ رمی در شب یازدهم ♦ اگر کسی به هر جهت موفق به رمی نشود، نمی‌تواند در شب یازدهم رمی کند؛ بلکه باید روز بعد، قضای آن را بجا آورد.

۸۵۶ ترک رمی روز دهم از روی علم و عمد ♦ کسی که با علم

و عمد، هرچند به جهت اضطرار، رمی روز دهم را ترک کرده بنابر احتیاط باید روز یازدهم قبل از رمی آن روز، قضای روز دهم را بجا آورد؛ و اگر روز یازدهم نیز قضا نکرد، بنابر احتیاط، به قصد رجاء در روزهای بعد - هرچند بعد از روز سیزدهم - از ماه ذی الحججه قضا کند، و در سال آینده نیز اگر خودش به حج می‌رود در روز دهم به قصد رجاء قضا کند؛ وگرنه نایب بگیرد.

۸۵۷ انجام ندادن رمی روز دهم از روی فراموشی یا ندانستن ♦
اگر رمی جمره عقبه را در روز عید، فراموش کند یا به جهت ندانستن مسأله، آن را ترک کند، سه صورت دارد:

اول: در روزهای تشریق (۱۱ تا ۱۳ ذی حجه) متوجه شود؛ در این صورت رمی را قبل از رمی ادایی آن روز قضا می‌کند.

دوم: بعد از روز سیزدهم در مکه متوجه شود؛ در این صورت بنابر احتیاط مستحب قبل از گذشتن ذی حجه رمی را رجاء قضا نماید و در روز عید سال بعد، اگر خودش به حج مشرف شد، خودش وگرنه نایبش رمی را رجاء قضا کند.

سوم: بعد از خارج شدن از مکه متوجه شود؛ در این صورت، چیزی بر عهده او نیست و حش صحیح است. البته احتیاط مستحب است به کیفیتی که در صورت قبل گفته شد، قضا کند.

کسی که رمی سنگ پنجم و ششم را از روی فراموشی یا ندانستن، ترک کرده باشد حکم کسی را دارد که جهت فراموشی یا ندانستن مسأله، همه آن را ترک کرده باشد.

۸۵۸ لزوم تقدیم رمی قضا بر رمی ادا ♦ اگر در روزی که رمی جمرات واجب است، بخواهد قضای رمی جمره عقبه را بجا آورد بنابر احتیاط قضا را مقدم کند و احتیاط مستحب در آن است که قضای روز دهم را اوایل آفتاب و رمی آن روز را هنگام ظهر بزند.

آداب و مستحبات رمی جمره

۸۵۹ آداب و مستحبات رمی جمره ♦ در رمی جمره، چند چیز مستحب است:

۱. در حال رمی با وضو باشد؛ بلکه احتیاط استحبابی در این کار است؛

۲. سنگ‌ها پاک باشد؛

۳. سنگ‌ها را که در دست می‌گیرد، بگوید:

«اللَّهُمَّ هُوَلاءِ حَصِيَّاتِي فَأَخْصِيَنِّي لِي وَأَرْفَعُهُنَّ فِي عَمَلِي»؛

۴. با هر سنگی که می‌اندازد، تکبیر بگوید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً

بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا،
وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعِيًّا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا؛

۵. جمره «عقبه» را پشت به قبله رمی کند و جمره «اولی» و
«وسطی» را رو به قبله؛

فاصله او تا جمره عقبه، ده یا پانزده ذراع فاصله باشد، و در
جره اولی و وسطی، در کنار جمره بایستد؛
سنگ‌ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت
سبابه بیندازد؛

۶. هنگامی که به چادر خود باز می‌گردد، بگوید:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ
الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

ذبح قربانی

۸۶۰ وجوب قربانی در حج تمتع ♦ کسانی که حج تمتع بجا می‌آورند، پس از رمی جمره عقبه، در صورت توانایی، باید حیوانی را در راه خدا «قربانی» کنند.

احکام مربوط به قربانی

◀ نوع قربانی

۸۶۱ نوع قربانی ♦ قربانی باید شتر، گاو یا گوسفند باشد. البته گاو میش نیز از اقسام گاو است؛ ولی سایر حیوانات کافی نیست.

۸۶۲ انواع قربانی به ترتیب فضیلت ♦ بهترین حیوان برای قربانی

کردن، شتر، و پس از آن گاو، سپس میش، و بعد از آن، بز است.
۸۶۳ نر یا ماده بودن قربانی ♦ در قربانی کردن، شتر ماده از شتر نر، و گاو ماده از گاو نر بهتر است؛ ولی گوسفند نر (و حتی بز نر) بهتر از گوسفند ماده است.

۸۶۴ ذبح قربانی متعدد ♦ یک گوسفند، کمتر چیزی است که برای ذبح کفایت می‌کند؛ ولی قربانی هر چه بیشتر باشد بهتر است، و در روایت است که رسول خدا ﷺ صد شتر همراه آوردند، سی و چهار تایی آن‌ها را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نحر کردند و شصت و شش تایی آن‌ها را برای خودشان.

۸۶۵ ذبح یک قربانی از جانب چند نفر ♦ قربانی کردن یک حیوان برای چند نفر حتی در حال اضطرار یا کمبود قربانی کفایت نمی‌کند.

◀ شرایط قربانی

۸۶۶ شرایط قربانی ♦ در قربانی چند چیز باید مراعات شود و قربانی بدون آن‌ها صحیح نیست:

اول: به سن خاصی رسیده باشد؛

دوم: صحیح بوده و مریض نباشد؛

سوم: معیوب و ناقص نباشد؛

چهارم: لاغر نباشد؛

پنجم: در صورت امکان، خصی نباشد.

تفصیل این شروط در مسائل بعد، می‌آید.

۸۶۷ لزوم وجود شرایط قربانی تا هنگام ذبح ♦ شرایط قربانی باید تا هنگام ذبح موجود باشد؛ بنابراین اگر گوسفندی هنگام ذبح، پایش شکسته باشد کافی نیست؛ هرچند هنگام خریدن، سالم باشد. بله، اگر هنگام خریدن، شرایط را دارا بوده و پس از آن شک دارد که شرایط را از دست داده یا نه، به شکش اعتنا نکند.

اول: رسیدن به سن خاص

۸۶۸ سن قربانی ♦ اگر قربانی شتر است باید پنج سالش تمام شده و داخل سال ششم شده باشد.

و اگر گاو یا بز است، یک سالش تمام شده و داخل سال دوم شده باشد، و احتیاط مستحب آن است که دو سالش تمام شده و داخل سال سوم شده باشد.

و اگر میش است، همین که شش ماهش تمام شده و داخل ماه هفتم شده باشد، بنابراین ظاهر کافی است و احتیاط مستحب آن است که هفت ماهش هم تمام شده باشد؛ و از این بهتر آن است که یک سالش تمام شده و داخل سال دوم شده باشد.

۸۶۹ تحقیق از سن قربانی ♦ تحقیق در مورد سن قربانی لازم است، و اگر شک کند که قربانی دارای سن لازم است یا خیر،

نمی‌تواند به آن اکتفا کند؛ بلکه اگر پس از ذبح، معلوم شود که سن قربانی کمتر از مقدار لازم بوده، باید آن را اعاده کند، خواه باقی مناسک را انجام داده باشد یا انجام نداده باشد.

دوم: بیمار نبودن

۸۷۰ بیماری حیوان و تحقیق از سلامتی آن ♦ اگر حیوان دچار مرضی است که گوشتش را فاسد کرده، قربانی کردن آن صحیح نیست؛ ولی مجرد کچلی حیوان مانعی ندارد. و اگر شک دارد که گوشت حیوان فاسد شده یا نه، به شکش اعتنا نکند و تحقیق لازم نیست؛ هرچند اگر بعد از ذبح بفهمد گوشت حیوان فاسد بوده، کفایت نمی‌کند.

سوم: بی‌عیب و نقص بودن

۸۷۱ ذبح قربانی معیوب و ناقص ♦ قربانی باید سالم و بی‌عیب و نقص باشد؛ بنابراین ذبح حیوانی که لوچی یا لنگی آشکار دارد کافی نیست؛ و بنا بر احتیاط مستحب، لوچی و لنگی غیر آشکار هم نداشته باشد، و حیوانی که کور باشد یا بینی یا گوشش بریده یا دست و پایش شکسته یا دمش بریده یا کنده شده باشد، کفایت نمی‌کند. همچنین اگر در اصل خلقت بی‌دُم باشد، چنانچه عرفاً ناقص محسوب بشود کفایت نمی‌کند.

و بنا بر احتیاط، اگر چشم حیوان سفید شده باشد برای قربانی کافی نیست.

۸۷۲ حیوان فاقد گوش ♦ قربانی کردن حیوانی که اصلاً گوش ندارد یا گوش هایش را از ته بریده اند صحیح نیست؛ ولی حیوانی که مقداری از گوشش بریده شده یا گوشش از متعارف کوچکتر است، مانعی ندارد.

۸۷۳ شکافته یا سوراخ بودن گوش قربانی ♦ اگر گوش حیوانی را شکافته یا سوراخ کرده باشند، چنانچه این کار به جهت نشانه گذاشتن باشد اشکال ندارد؛ بلکه اگر به این جهت هم نباشد کفایت می‌کند، ولی مکروه است.

۸۷۴ بررسی دقیق گوش و چشم قربانی ♦ مستحب است هنگام قربانی، با دقت، گوش و چشم حیوان بررسی شود.

۸۷۵ تحقیق از ناقص نبودن قربانی ♦ اگر شک کند که قربانی ناقص است یا خیر، به شکش اعتنا نکند و تحقیق لازم نیست. بلی، چنانچه احتمال بدهد که حیوان نقص مادرزادی دارد، چنانچه این احتمال به حدی باشد که قابل توجه متعارف مردم است، باید تحقیق کند.

۸۷۶ قربانی حیوان با بینی بریده یا سوراخ شده ♦ اگر بینی حیوان را بریده یا بالای بینی را سوراخ کرده باشند کافی نیست.

۸۷۷ ذبح حیوان بی شاخ یا شاخ بریده ♦ حیوانی که شاخ

داخلی اش شکسته یا بریده باشد - هرچند یک سوم آن باقی باشد - کفایت نمی‌کند؛ ولی اگر در اصل خلقت بی شاخ باشد یا شاخ خارجی آن شکسته یا بریده باشد مانعی ندارد (شاخ خارجی، شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف برای شاخ داخلی و سفیدرنگ است).

۸۷۸ حیوان مبتلا به گری ♦ حیوانی که بیماری جرب گرفته، معیوب است و برای قربانی کفایت نمی‌کند.

۸۷۹ پوکی استخوان حیوان ♦ چنانچه استخوان حیوان پوک شده باشد کفایت نمی‌کند؛ خواه به جهت پیری زیاد حیوان باشد یا به جهت لاغری بسیار.

۸۸۰ نقص عرفی حیوان ♦ هر حیوانی که در عرف ناقص شمرده شود کفایت نمی‌کند، مگر در مواردی که در مسائل پیش به کافی بودن آن تصریح شده است؛ مانند حیوانی که لوچی یا لنگی غیر آشکار داشته باشد.

۸۸۱ کشف بیماری یا نقص حیوان پس از ذبح ♦ اگر حیوانی به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح شود ولی بعد، معلوم گردد که مریض یا ناقص بوده، کافی نیست و باید دوباره ذبح کند.

۸۸۲ ذبح حیوان ناقص به جهت ندانستن مسأله ♦ اگر حیوانی را ناقص بدانند ولی به جهت ندانستن مسأله برای رضای

خداوند ذبح کند و بعد صحیح بودن آن معلوم شود، برای قربانی کافی است.

۸۸۳ لزوم تأخیر قربانی برای یافتن قربانی تام ♦ اگر قربانی تام یافت نشود، قربانی ناقص کافی نیست؛ بلکه باید تا آخر ذی حجه صبر کند و حیوان تام، قربانی کند و حلق و تقصیر و اعمال بعدی را پس از آن انجام دهد. البته چنانچه این تأخیر حرجی است یا مجبور است به وطن برگردد، باید بدون قربانی، اعمال بعدی را انجام دهد و قربانی را در باقی مانده ذی حجه، و اگر نشد در سال بعد، ذبح کند. در هر حال، روزه گرفتن لازم نیست.

۸۸۴ احتمال حدوث عیب در قربانی ♦ اگر احتمال بدهد که در قربانی عیبی حادث شده باشد، مثل آن که احتمال بدهد گوش یا دمش را بریده‌اند یا آن را خصی کرده‌اند، لازم نیست معاینه کند؛ بلکه می‌تواند بنا بگذارد که عیبی در قربانی حادث نشده است؛ چه قبل از ذبح چنین احتمالی بدهد، چه بعد از ذبح.

ولی احتمال این که قربانی عیب مادرزاد داشته باشد - مثلاً به طور مادرزادی فاقد گوش یا دم باشد - از آنجا غالباً احتمال بسیار ضعیفی است به آن اعتنا نمی‌شود؛ ولی اگر احتمال عیب مادرزاد داشتن قابل توجه باشد، باید بررسی کند.

چهارم: لاغر نبودن

۸۸۵ لاغر بودن قربانی ♦ قربانی کردن حیوانی که در نظر متعارف مردم لاغر شمرده می‌شود، کفایت نمی‌کند.

۸۸۶ ذبح حیوان لاغر در فروض مختلف ♦ اگر حیوانی را به اعتقاد لاغری خرید و در واقع هم لاغر بود، کافی نیست؛ ولی اگر به اعتقاد چاقی خرید و بعد از ذبح، فهمید که لاغر بوده، کفایت می‌کند؛ البته اگر قبل از ذبح متوجه شود، در قربانی واجب مانند قربانی حج تمتع یا قربانی که به جهت نذر یا کفاره واجب شده باشد ظاهراً کافی نیست، و در قربانی مستحب مانند قربانی که حج‌گزار در حج قران همراه خود می‌برد، اگر پول آن را پرداخته، کفایت می‌کند.

۸۸۷ خرید حیوان به گمان لاغری و کشف چاقی آن پس از ذبح ♦ اگر حیوانی را با گمان لاغری خرید به امید آن که چاق درآید و به جهت رضایت خدا رجاء ذبح کرد، و بعد، معلوم شد چاق است کفایت می‌کند؛ اما اگر از روی بی‌مبالاتی ذبح کرد، نه به امید رضای خداوند، کافی نیست.

۸۸۸ ذبح حیوان با اعتقاد به لاغری آن از روی جهل به مسأله ♦ اگر حیوان را لاغر می‌دانست و به واسطه جهل به مسأله برای رضای خداوند ذبح کرد، بعد، معلوم شد چاق است کفایت می‌کند.

پنجم: خصی نبودن

۸۸۹ خصی بودن قربانی ♦ ذبح حیوان خصی، یعنی حیوانی که بیضه‌هایش را در آورده‌اند کفایت نمی‌کند؛ ولی اگر یکی از بیضه‌ها باقی باشد، کافی است. حیوانی که بدون بیضه به دنیا آمده نیز همین حکم را دارد.

۸۹۰ شک در اخته شدن حیوان ♦ اگر شک کند حیوانی را اخته کرده‌اند یا خیر، به شکش اعتنا نکند و تحقیق لازم نیست.

۸۹۱ انحصار قربانی به حیوان اخته ♦ اگر جز حیوان خصی، حیوانی یافت نشود، قربانی کردن آن مانعی ندارد و کافی است.

۸۹۲ اطلاع یافتن از اخته بودن قربانی پس از ذبح ♦ هرگاه به خیال اخته نبودن، حیوانی را ذبح کند و پس از ذبح متوجه شود که حیوان اخته است، کافی نیست؛ مگر آن‌که حیوان غیر اخته پیدا نشود.

۸۹۳ کوبیده بودن بیضه‌های حیوان ♦ قربانی کردن گوسفندی که بیضه‌ها یا رگ‌های بیضه‌هایش را کوبیده‌اند با وجود حیوان دیگر هم کافی است؛ بلکه بز نری که این گونه باشد از میش ماده افضل است، و بنابر احتیاط مستحب، حیوانی که بیضه‌هایش را کوبیده یا رگ‌های آن را مالیده یا تائیده باشند، قربانی نکند.

ششم: مباح بودن قربانی

۸۹۴ **قربانی غصبی** ♦ قربانی باید مباح باشد و اگر حیوان غصبی باشد، ذبح آن حرام است و کفایت از قربانی هم نمی‌کند.

۸۹۵ **تهیه قربانی با مال متعلق خمس** ♦ تهیه قربانی با پولی که خمس بر آن واجب شده، قبل از پرداخت خمس آن، حرام است، ولی از آنجا که معمولاً معاملات کلی است و در نوع معاملات، فروشنده همین‌که پول برایش حلال ظاهری باشد به معامله رضایت دارد، معامله صحیح است و قربانی کردن آن هم اشکال ندارد.

◀ زمان قربانی

۸۹۶ **زمان قربانی** ♦ احتیاط مستحب است روز عید قربان، قربانی را ذبح کند؛ ولی اگر از روی اختیار، در روز یازدهم یا دوازدهم ذی حجه هم ذبح شود جایز و مجزی است.

۸۹۷ **تأخیر عمدی قربانی از روز دوازدهم** ♦ حاجی نباید ذبح کردن قربانی را با علم و عمد و اختیار، از روز دوازدهم ذی حجه به تأخیر اندازد.

۸۹۸ **تأخیر قربانی از روز دوازدهم از روی عذر** ♦ تأخیر قربانی از روز دوازدهم ذی حجه به جهت ندانستن مسأله یا نیافتن قربانی با شرایط لازم، یا عذر دیگر، تا آخر ذی حجه جایز و مجزی است.

و اگر اعمال مکه را انجام داده باید اعاده کند.

۸۹۹ انجام ندادن قربانی به اعتقاد تلف شدن آن ♦ اگر کسی به این اعتقاد که ذبح در مناسبت اتلاف قربانی می‌شود، بدون انجام قربانی، تقصیر کرده و سایر مناسک را انجام داده و پس از کوچ از منا متوجه اشتباهش شده، حجتش صحیح است و از احرام خارج شده و تنها قربانی براو واجب است.

۹۰۰ قربانی در شب ♦ قربانی کردن در شب جایز نیست.

۹۰۱ انجام قربانی قبل از روز عید ♦ ذبح قربانی نباید قبل از روز عید انجام گیرد؛ ولی کسانی که می‌توانند شب عید جمره عقبه را رمی کنند؛ مانند خائف و زنی که می‌ترسد حائض شود، می‌توانند در همان شب ذبح کنند.

۹۰۲ نبود قربانی با داشتن پول آن ♦ کسی که پول قربانی را قبل از تمام شدن روز دوازدهم دارد ولی قربانی پیدا نمی‌کند و نمی‌تواند تا فراهم شدن قربانی در مکه بماند، در صورت امکان باید پول قربانی را نزد کسی ودیعه بگذارد تا قبل از تمام شدن ذی‌حجه، گوسفند را قربانی کند و اگر در این سال ممکن نشود سال بعد این کار را انجام دهد.

پول قربانی را می‌تواند نزد شخصی که گمان دارد قربانی را ذبح می‌کند، بگذارد و اطمینان به این امر لازم نیست.

◀ مکان قربانی

۹۰۳ مکان ذبح ♦ در صورت امکان و حرجی نبودن، باید ذبح در منا صورت گیرد، در غیر این صورت باید قربانی در وادی محسر ذبح شود؛ و اگر این کار در وادی محسر هم غیر ممکن یا حرجی بود در هر جایی از حرم می‌تواند قربانی را ذبح کند و فرقی ندارد که حرج، ناشی از قربانی کردن باشد یا ناشی از باقی ماندن در احرام.

۹۰۴ قربانی در مسلخ‌های نزدیک منا ♦ در شرایط کنونی که قربانی کردن در منا در روزهای دهم تا دوازدهم ذی‌حجه ممکن نیست یا با حرج شخصی یا نوعی همراه است و باقی ماندن در احرام برای قربانی پس از این ایام هم حرج شخصی یا نوعی دارد، قربانی کردن در مسلخ‌های خارج منا، اشکال ندارد و تأخیر قربانی برای انجام ذبح در منا لازم نیست؛ ولی اگر تأخیر انداخت، اعمال بعدی را هم به تأخیر بیندازد.

۹۰۵ قربانی کردن در وطن ♦ انجام قربانی حج تمتع در خارج از حرم کفایت نمی‌کند؛ بنابراین انجام قربانی حج تمتع در وطن کافی نیست، هرچند در روز عید قربان باشد و به طور کامل به مصرف تعیین شده برسد.

◀ احکام ذبح قربانی

۹۰۶ نیت قربانی ♦ قربانی حج از عبادات است و باید به نیت خالص برای خداوند به جهت همان حجی که انجام داده ذبح شود.

۹۰۷ مباشرت در ذبح و نیت آن ♦ جایز است دیگری برای حج‌گزار ذبح کند و همین مقدار که گوسفندی را که برای حاجی معین شده با رعایت شرایط، ذبح کند، کافی است. بنابراین لازم نیست هنگام ذبح اسم حاجی را ببرد؛ بلکه لازم نیست قصد نیابت یا قصد حج تمتع کند؛ ولی حج‌گزار باید نیت کند و نیت ذابح کفایت نمی‌کند.

البته اگر آن شخص، نایب از حاجی باشد، باید از جانب حج‌گزار، ذبح را قصد نماید، و منوبٌ عنه هم باید قصد قربت داشته باشد؛ به این معنا که به خاطر رضای خداوند به نایب نیابت داده و تا هنگام ذبح نیز قصد قربت ادامه داشته باشد.

۹۰۸ فرستادن دیگری برای قربانی و دادن وکالت مطلق به او ♦ چون همه کسانی که از طرف حجاج برای قربانی کردن به قربانگاه می‌روند، نمی‌توانند خودشان ذبح کنند، و مجبور می‌شوند به دیگری وکالت بدهند؛ لذا حجاج محترم به نماینده‌شان وکالت مطلق بدهند که او حق داشته باشد خودش ذبح کند یا آن را به دیگری بسپارد.

۹۰۹ دین و مذهب ذابح ♦ لازم نیست ذابح شیعه باشد؛ بلکه مسلمان بودنش کافی است.

۹۱۰ تعیین قربانی در فرض وکالت از متعدد ♦ باید معین باشد قربانی ای که ذبح می شود مال کدام یک از حجاج است؛ بنابراین اگر مثلاً سه قربانی را از طرف سه حاجی بدون تعیین قربانی ها ذبح کنند، کفایت نمی کند.

۹۱۱ نحوه تعیین قربانی ♦ در تعیین قربانی لازم نیست نماینده حجاج، اسم آن ها را ببرد؛ بلکه تعیین اجمالی کافی است. بنابراین کسی که به نمایندگی گروهی از حجاج به قربانگاه می رود چنانچه اسامی آن ها را در لیستی بنویسد و در نیت خود هر قربانی را برای یکی از آن ها به ترتیب شماره لیست تعیین نماید - مثلاً در نیت، مشخص کند که گوسفند اول برای حاجی شماره یک - کافی است، هرچند اسم آن ها را نخواند یا اصلاً توجهی به اسم آن ها نداشته باشد.

۹۱۲ احراز ذبح قربانی توسط نایب، قبل از حلق ♦ اگر کسی را برای خرید قربانی و ذبح وکیل کند، باید یا خودش یا نوع مردم اطمینان پیدا کنند که وکیل ذبح کرده است یا حجت شرعی دیگری مانند شهادت دو عادل یا اخبار کسی که گفته او در این مورد برای حاجی یا متعارف مردم، اطمینان آور است وجود داشته باشد؛ و تا ثابت نشده که وی عمل را انجام داده نباید حلق یا تقصیر کند، و گمان کافی نیست.

۹۱۳ اخباریک نفر به ذبح ♦ در اخباریک شخص چنانچه نوع مردم اطمینان پیدا کنند ولی حج‌گزار به خاطر علم به اموری که بر نوع مردم مخفی مانده، به این خبر اطمینان حاصل نکند، نمی‌تواند به آن اکتفا کند.

۹۱۴ شک نایب در قربانی در انجام وظیفه ♦ اگر شخصی از جانب چند حاجی وکیل در ذبح باشد، چنانچه در انجام ذبح از طرف یکی از آن‌ها شک داشته باشد، باید از طرف او ذبح کند.

۹۱۵ شک در رعایت شرایط از سوی نایب ♦ اگر حج‌گزار می‌داند که وکیل، گوسفند را قربانی کرده و به وکیل اعتماد دارد، ولی شک دارد وکیل به رعایت شرایط توجه داشته است یا خیر، به شکش اعتنا نکند.

۹۱۶ ضامن بودن نایب با عمل برخلاف دستور شرع ♦ اگر وکیل، برخلاف دستور شرع در ویژگی‌های قربانی یا در کشتن آن عمل کند و بر اثر این کار خسارتی به موکل وارد شود، ضامن است و باید غرامت آن را بدهد و ذبح از موکل ساقط نمی‌شود و دو مرتبه باید ذبح کند.

و در ضامن بودن وکیل فرقی نیست که اجرت گرفته باشد یا نگرفته باشد، و با علم و عمد، برخلاف دستور شرع عمل کرده باشد یا در اثر ندانستن مسأله یا از جهت غفلت باشد. بله، اگر وکیل با موکل خود شرط کند که ضامن نباشد، غرامت برعهده او نیست.

۹۱۷ ملاک عمل نایب در ذبح ♦ اگر مرجع تقلید موکل رعایت

شرایطی را لازم نداند، وکیل در ذبح می‌تواند آن شرایط را رعایت نکرده و بروی ضمانتی نیست.

۹۱۸ ذبح تبرعی از جانب دیگری ♦ کسی نمی‌تواند بدون اجازه دیگری از جانب او ذبح کند؛ هرچند بداند وی به این کار راضی است و در واقع نیز راضی باشد. بله، اگر کاری انجام دهد که عرفاً اجازه در ذبح محسوب شود، کافی است؛ مانند زنی که روز عید پول قربانی را به شوهرش می‌دهد که این کار عرفاً اجازه در ذبح از طرف او محسوب می‌شود.

کیفیت ذبح

۹۱۹ وسیله ذبح ♦ ذبح با کارد استیل، بلکه با هر وسیله‌ای که در برندگی از چاقوی آهنی کمتر نیست، صحیح است.

۹۲۰ قطع سر یا نخاع قبل از جان دادن قربانی ♦ بنابر احتیاط مؤکد استحبابی قبل از آن که قربانی به طور کامل جان بدهد، سر حیوان را از بدنش جدا نکنند یا مغز حرام را که در تیره پشت است و از مهره‌های گردن تا دم حیوان امتداد دارد نبرند.

۹۲۱ روبه قبله بودن قربانی هنگام جان دادن ♦ لازم نیست که قربانی تا هنگام جان دادن رو به قبله باشد؛ بلکه همین اندازه که هنگام قطع چهار رگ اصلی رو به قبله باشد کافی است؛ لذا اگر قربانی پس از قطع رگ‌ها، پشت به قبله شود، هرچند هنوز

جان دارد، مانعی ندارد.

۹۲۲ شک در رعایت شرایط پس از ذبح ♦ اگر بعد از ذبح کردن، احتمال عقلایی بدهد که حیوان شرایط را نداشته - مثلاً قربانی عیب مادرزادی داشته و یا دارای شرایط سنی لازم نبوده است - یا احتمال دهد حیوان را به صورت صحیح ذبح نکرده است، چنانچه احتمال بدهد که هنگام ذبح به رعایت شرایط توجه داشته به شکش اعتنا نمی‌کند.

◀ مصرف قربانی

۹۲۳ مصرف گوشت قربانی ♦ پس از قربانی، باید حداقل یک سوم قربانی را به فقیری که در حرم حضور دارد - خواه اهل حرم باشد یا از غیر حرم آمده باشد - صدقه دهند؛ و برای این کار کافی است سهم فقیر را به وکیل او تحویل دهند یا خودش از فقیری که در حرم حضور دارد - هر چند زائر باشد - وکالت بگیرد تا آن سهم را دریافت کند.

و احتیاط مستحب آن است که گوشت قربانی را سه قسمت کرده؛ قسمتی را هدیه دهد و قسمتی را به فقیر صدقه دهد و قدری از ذبیحه را هم بخورد، و خوردن و هدیه کردن واجب نیست.

۹۲۴ فروش سهم فقیر قبل از قربانی ♦ فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است؛ بنابراین عمل بعضی

که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی به خود حاجی می‌فروشند یا هبه می‌کنند، صحیح نیست.

۹۲۵ تملک، اتلاف و بیع قربانی، بعد از ذبح ♦ تملک کردن یا خرید و فروش قربانی در سهم فقرا پس از ذبح جایز نیست؛ ولی می‌تواند قسمتی را که صدقه داده، از فقیر بخرد یا با اجازه او آن را تملک کند.

۹۲۶ بیرون بردن قربانی از حرم قبل از مصرف آن ♦ پیش از آن که حیوان قربانی را به مصارفش برساند نمی‌تواند آن را از حرم خارج کند؛ بلکه به احتیاط مستحب اگر آن را در مگه کشته، از مگه، و اگر در منا یا وادی محسّر کشته از آنجا خارج نکند؛ ولی پس از آن که قربانی را به مصرف رساند، خارج کردن آن از حرم اشکالی ندارد؛ مثلاً می‌تواند سهم فقیر را از وی خریده، از حرم خارج نماید.

از این حکم، کوهان و پوست، مستثنی است که قبل از مصرف رسانیدن قربانی نیز می‌توان آن‌ها را از حرم بیرون برد.

۹۲۷ استفاده از قربانی نذری و کفاره ♦ خوردن و سایر انتفاعات از قربانی‌ای که به جهت نذر یا کفاره باید ذبح شود جایز نیست؛ بلکه باید تمام آن، حتی کوهان و پوستش را صدقه بدهد و نمی‌توان از آن به عنوان اجرت به ذابح داد؛ ولی اگر ذابح فقیر باشد می‌توان آن را به او صدقه داد.

۹۲۸ وظیفه یابنده قربانی گمشده ♦ اگر کسی قربانی گمشده‌ای را پیدا کند باید روز دهم و یازدهم و دوازدهم ذی حجه به دنبال صاحبش بگردد، و اگر صاحبش را پیدا نکرد، عصر روز دوازدهم، قربانی را به نیت صاحبش در منا قربانی کند و این قربانی از صاحبش کفایت می‌کند؛ ولی اگر سه روز تفحص نکرد یا در صورت اختیار، در غیر منا قربانی کرد یا به نیت صاحبش قربانی نکرد، قربانی کردنش کفایت نمی‌کند. و چنانچه به وظیفه عمل کند، پس از ذبح، دیگر لازم نیست دنبال صاحبش بگردد؛ ولی اگر تا عصر روز دوازدهم دنبال صاحبش نگردد، ذبح آن از طرف صاحبش جایز نیست و حکم سایر حیوانات گمشده را دارد.

◀ روزه بدل قربانی

۹۲۹ وظیفه حاجی با عجز از قربانی ♦ کسی که قادر به ذبح نباشد (یعنی نه قربانی داشته باشد نه پول آن را)، باید سه روز در حج، قبل از خروج از مکه و هفت روز پس از مراجعت، روزه بگیرد.

۹۳۰ مصرف قربانی و پول آن قبل از حج ♦ کسی که قبل از احرام حج، حیوان قربانی را داشته باشد، می‌تواند آن را بفروشد یا ذبح کند؛ هرچند بداند پس از محرم شدن، از قربانی کردن عاجز

می‌شود. همچنین اگر پول قربانی را داشته باشد می‌تواند آن را مصرف کند؛ هرچند بدانند دیگر بعد از احرام، پولی برای قربانی نخواهد داشت. ولی احتیاط مستحب در ترک این کارها است.

۹۳۱ **تحصیل هزینه قربانی** ♦ حاجی که قربانی و پول آن را ندارد ولی می‌تواند از راهی - همچون کسب یا قرض - آن را به دست آورد، لازم نیست چنین کند، هرچند به زحمت نیفتد؛ ولی به دست آوردن هزینه قربانی؛ مطابق احتیاط استحبابی است. و به هر حال، اگر از راهی مثل قرض کردن، پول را به دست آورد، باید ذبح کند؛ مگر آن‌که در بازپرداخت بدهی، به مشقت شدید بیفتد.

۹۳۲ **فروش اموال برای قربانی** ♦ اگر حاجی، پول قربانی را به طور نقدی ندارد، ولی اموالی دارد که می‌تواند بدون مشقت شدید، با تبدیل آن پول قربانی را تهیه کند، باید قربانی کند.

احکام سه روز روزه

۹۳۳ **وظیفه ناامید از قربانی نسبت به فوریت روزه** ♦ کسی که در اول ذی حجه قربانی و پولش را نداشته باشد و از پیدا کردن آن مأیوس است، باید در دهه اول ذی حجه احرام حج ببندد و قبل از رفتن به عرفات، سه روز روزه بگیرد و بنا بر احتیاط آن سه روز، از هفتم تا نهم باشد، نه زودتر.

۹۳۴ روزه بدل از قربانی قبل از احرام به حج ♦ کسی که می خواهد سه روز را روزه بگیرد باید به احرام حج محرم شود؛ و روزه گرفتن قبل از آن صحیح نیست.

۹۳۵ تأخیر انداختن روزه به بعد از عید ♦ کسی که از یافتن قربانی و پول آن مأیوس است، بدون عذر نمی تواند روزه گرفتن را از دهه اول به تأخیر بیندازد؛ ولی اگر به جهت ناتوانی، روزه گرفتن در دهه اول برای وی حرجی باشد، می تواند آن را به دهه دوم پس از ایام تشریق یا دهه سوم به تأخیر بیندازد.

و چنانچه از یافتن قربانی و پول آن مأیوس نباشد، باید صبر کند، و می تواند رجاء در دهه اول روزه بگیرد، و اگر عجز وی ادامه داشت روزه اش صحیح است؛ و گرنه باید قربانی کند.

۹۳۶ فوری نبودن روزه در دهه دوم و سوم ذی حجه ♦ حاجی که از روی عذر یا بدون آن، در دهه اول روزه نگیرد، معصیت کرده؛ ولی روزه وی در دهه دوم یا سوم کفایت می کند و لازم نیست روزه را بلافاصله بعد از ایام تشریق انجام دهد، ولی بلافاصله انجام دادن آن، مطابق احتیاط استحبابی است.

۹۳۷ سه روز روزه گرفتن قبل از عید و تمکن بعدی از قربانی ♦ اگر حج گزار به جهت این که قربانی و پولش را ندارد سه روز روزه بگیرد ولی تا روز دوازدهم ذی حجه قربانی یا پول آن را به دست آورد، روزه ای که گرفته، کفایت نمی کند، و باید قربانی کند.

۹۳۸ روزه نگرفتن و تمکن بعدی از قربانی ♦ اگر از روی عمد یا

به هر دلیلی، در دههٔ اول روزه نگرفت ولی در روز عید یا دو روز پس از آن، قربانی یا پول آن را به دست آورد، باید ذبح کند و دیگر روزه برای وی مشروع نیست.

و اگر در این سه روز، قربانی و پول آن را به دست نیاورد باید روزه بگیرد و لازم نیست ذبح کند، هرچند قبل از پایان ذی حجه، قربانی یا پول آن را به دست آورد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که قربانی نیز بکند، به خصوص اگر در روز سیزدهم به قربانی یا پول آن، دست یابد.

۹۳۹ توالی سه روز روزه ♦ سه روز روزه، باید دنبال هم باشد

(مگر در برخی موارد که در مسائل بعد، گفته می‌شود) و روزه گرفتن این سه روز، در حال سفر، بدون قصد اقامت هم جایز است.

۹۴۰ روزه گرفتن در هفتم و هشتم و ترک روزه در روز نهم ♦ اگر

روز هفتم و هشتم را روزه گرفت و از روی عمد، روز نهم را روزه نگرفت، باید هر سه روز را دوباره پس از ایام تشریق، روزه بگیرد؛ و اگر به جهت ندانستن مسأله یا عذر دیگر، روز سوم را نگرفت می‌تواند یک روز را پس از ایام تشریق تا آخر ذی حجه روزه بگیرد و لازم نیست فوراً بعد از روزهای تشریق باشد.

۹۴۱ شروع به روزه گرفتن از روز هشتم ♦ اگر به جهت غفلت

یا ندانستن مسأله یا فراموشی آن، روز هشتم و نهم را روزه بگیرد، روزه‌اش صحیح است و یک روز پس از ایام تشریق تا آخر

ذی حجه روزه می‌گیرد؛ هر چند احتیاط مستحب است بعد از مراجعت از منا، سه روز روزه بگیرد - که شروع آن، روز چهاردهم است - و سه روز روزه را پشت سر هم بگیرد، و قصدش آن باشد که سه روز از پنج روز برای ادای روزه واجب باشد.

در هر صورت، اگر با علم یا تردید در مسأله، از روز هشتم روزه را شروع کند روزه‌اش کفایت نمی‌کند و باید پس از ایام تشریق، هر سه روز روزه بگیرد.

۹۴۲ **لزوم تأخیر روزه با ترک آن در روز هفتم و هشتم** ♦ حج‌گزاری که در روز هفتم و هشتم، روزه نگرفته است، نمی‌تواند روز نهم را روزه بگیرد؛ بلکه باید بعد از ایام تشریق، سه روز روزه بگیرد.

۹۴۳ **روزه عید قربان و ایام تشریق** ♦ برای همگان روزه گرفتن در روز عید قربان حرام است، مگر در کفاره قتل در ماه‌های حرام.

۹۴۴ **روزه گرفتن در روز یازدهم و دوازدهم** ♦ کسانی که روز یازدهم و دوازدهم ذی حجه در منا هستند جایز نیست در این دو روز، روزه بگیرند - خواه حج بجا آورند و خواه بجا نیاورند - و روزه گرفتن در مکه نیز حکم روزه گرفتن در منا را دارد؛ بنابراین اگر حاجی به جهت عذری یا از روی معصیت، در روز دهم یا یازدهم به مکه کوچ کند، حرام است روز یازدهم یا دوازدهم روزه بگیرد.

۹۴۵ **روزه گرفتن در روز سیزدهم** ♦ کسی که روز سیزدهم در منا هستند نباید از روی اختیار، در این روز، روزه بگیرند؛ ولی اگر

ضرورتی باشد، مثلاً یک روز از روزه‌اش باقی مانده و پرواز آن‌ها در روز چهاردهم بوده و نمی‌تواند از پرواز تأخیر کند، می‌تواند در روز سیزدهم روزه بگیرد؛ و روزه گرفتن در مکه نیز حکم روزه گرفتن در منا را دارد. بنابراین اگر حج‌گزار، به مکه کوچ کند نمی‌تواند در مکه روز سیزدهم را بدون ضرورت، روزه بگیرد.

۹۴۶ ترک سه روز روزه در ذی حجه بدون ضرورت ♦ حج‌گزاری
 که به جای قربانی وظیفه‌اش روزه گرفتن است اگر بدون ضرورت در ذی حجه روزه نگرفت، دیگر نمی‌تواند روزه بگیرد و قربانی کردن بروی مستقر می‌شود و باید در سال آینده خودش یا نایبش آن را در منا در روز دهم تا دوازدهم ذی حجه ذبح کند.

۹۴۷ ترک سه روز روزه در ذی حجه از روی ضرورت ♦ حج‌گزاری
 که به جای قربانی، وظیفه‌اش روزه گرفتن است، چنانچه به جهت ضرورتی نتواند در ذی حجه روزه بگیرد، باید بعد از ذی حجه روزه بگیرد؛ و قربانی کفایت نمی‌کند و لازم هم نیست قربانی کند.

۹۴۸ عقوبت ترک روزه تا آخر ذی حجه ♦ حج‌گزاری که به جای
 قربانی، وظیفه‌اش روزه گرفتن است، اگر از روی علم و عمد و اختیار، تا آخر ذی حجه روزه نگیرد، باید یک گوسفند هم کفاره بدهد و برای قربانی کردن گوسفند کفاره لازم نیست تا سال آینده صبر کند، و در هر جا ذبح شود کافی است، هر چند بهتر است آن را در منا قربانی کند؛ بلکه مطابق احتیاط استحبابی است.

۹۴۹ ترک سه روز روزه در مکه از روی ضرورت ♦ حج‌گزاری
که به جهت ضرورت نتواند سه روز را در حج، روزه بگیرد؛ مثلاً به جهت ناتوانی نتوانست در دههٔ اول روزه بگیرد و پس از ایام تشریق هم باید بلافاصله حرکت کند، می‌تواند سه روز را در راه یا در وطن بگیرد، و اگر در وطن پس از گذشتن ذی‌حجه هم روزه بگیرد اشکالی ندارد.

احکام هفت‌روز روزه

۹۵۰ شرط بازگشت به وطن ♦ حج‌گزاری که به جای قربانی
باید روزه بگیرد، «هفت روز روزه» را باید پس از بازگشت به وطن بگیرد و نمی‌تواند آن را در راه بگیرد.

البته جایی که مدتی همچون یک سال در آن اقامت کرده و خانواده‌اش در آنجا هستند و از آنجا به حج سفر کرده، در این مسأله «در حکم وطن» است؛ و بنابراین پس از مراجعت به خانواده خود می‌تواند «هفت روز روزه» را در آنجا بگیرد.

۹۵۱ هفت روزه گرفتن در غیر وطن ♦ لازم نیست «هفت روز
روزه» را در وطن یا محلّ اقامت فعلی خود و خانواده بگیرد، و همین که این روزه‌ها را بعد از بازگشت به وطن یا جایی که «در حکم وطن» است بگیرد، کفایت می‌کند. بنابراین اگر پس از بازگشت به وطن، به شهر دیگری سفر کند، می‌تواند «هفت روز

روزه» را در آنجا بگیرد؛ ولی از آنجا که روزه مسافر صحیح نیست، باید در آنجا قصد اقامت ده روز نماید.

۹۵۲ لزوم توالی در هفت روز روزه ♦ حج‌گزاری که وظیفه‌اش روزه گرفتن به جای قربانی است، باید «هفت روز روزه» را پشت سر هم بگیرد. بنابراین اگر بین آن‌ها فاصله بیندازد باید آن‌ها را از سر بگیرد.

۹۵۳ گرفتن هفت روز روزه در دو مکان ♦ حاجی می‌تواند با رعایت شرط پشت سر هم بودن روزه‌ها، تعدادی از این «هفت روز روزه» را در وطن، و باقی‌مانده آن را در جای دیگر که قصد اقامت نموده بگیرد.

۹۵۴ پشت سرهم گرفتن ده روز روزه ♦ کسی که سه روز را در راه یا وطن، روزه گرفته، می‌تواند بلافاصله پس از آن، هفت روز روزه را بگیرد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که بین آن‌ها فاصله بیندازد و یک روز فاصله هم کفایت می‌کند.

۹۵۵ گرفتن هفت روز روزه قبل از بازگشت به وطن ♦ حاجی نمی‌تواند هفت روز را در مکه یا در راه، روزه بگیرد، مگر آن‌که بخواهد در مکه بماند، که در این صورت باید یک ماه یا مدتی که در آن مدت، می‌توانست به خانه‌اش بازگردد- بگذرد و سپس هفت روز را روزه بگیرد.

و در این ایام که با هواپیما مراجعت می‌کنند، بعید نیست

صبر، به همان مقداری که باید به جدّه برود و با هواپیما به محلش برود، کافی باشد. بنابراین پس از گذشتن این زمان، می‌تواند روزه بگیرد.

۹۵۶ پشت سرهم گرفتن ده روز روزه در مکه ♦ حج‌گزاری که به جای قربانی باید روزه بگیرد و به جهتی که در مسأله قبل گفته شد می‌تواند این روزه‌ها را در مکه بگیرد، نمی‌تواند «سه روز روزه» و «هفت روز روزه» را پشت سرهم بجا آورد. البته اگر لااقل یک روز در بین آن‌ها روزه نگیرد، کافی است.

۹۵۷ محاسبهٔ زمان شروع هفت روز روزه ♦ حج‌گزاری که باید به جای قربانی روزه بگیرد و می‌خواهد در مکه بماند که باید برای گرفتن هفت روز روزه صبر کند - که تفصیل آن در مسألهٔ ۹۵۵ گذشت - باید مدت صبر کردن را پس از ایام تشریق و پایان مناسک و سه روز روزه گرفتن، محاسبه کند؛ پس کسی که مناسک خود - هرچند طواف نساء - را دیر انجام می‌دهد یا سه روز روزه را به تأخیر می‌اندازد، هفت روز روزه اش نیز به تأخیر می‌افتد.

۹۵۸ مبدأ محاسبهٔ یک ماه ♦ مراد از یک ماه - در مسألهٔ ۹۵۵ - ماه قمری است، نه سی روز. پس اگر کسی مثلاً در دههٔ اول، سه روز روزه گرفته باشد و اعمالش قبل از روز چهاردهم ذی‌حجه تمام شود، می‌تواند در روز چهاردهم ماه محرم در مکه روزه بگیرد؛ هرچند به جهت ناقص بودن ماه ذی‌حجه، سی روز در

مگه نمانده باشد.

۹۵۹ کامل بودن نماز برای گرفتن روزه در مکه ♦ کسی که می‌تواند هفت روز را در مگه روزه بگیرد، باید نماز یومیه‌اش در مکه کامل باشد؛ ولی لازم نیست قصد توطن و اقامت دائمی در مگه داشته باشد یا بخواهد به قدری بماند که به وی «مجاور» مکه گفته شود، پس اگر مسافر است و قصد اقامت ده روز کند کفایت می‌کند.

۹۶۰ بازنگشتن به وطن و هفت روز روزه گرفتن در غیر مکه ♦ کسی که به محل اقامت فعلی خود باز نمی‌گردد، ظاهراً نمی‌تواند در غیر مگه، هفت روز روزه را بگیرد؛ هرچند مدت زمان طولانی در آنجا بماند. مگر این‌که در آنجا قصد اقامت دائمی کند که می‌تواند پس از گذشت مقداری که می‌توانست به وطن یا محل اقامت سابق برسد، هفت روز را روزه بگیرد.

۹۶۱ وظیفه پسر بزرگ ترنسبت به قضای روزه بدل از قربانی ♦ اگر حج گزار پیش از سه روز روزه گرفتن از دنیا برود، پسر بزرگ‌تر او باید هم سه روز و هم هفت روز را از جانب او روزه بگیرد؛ ولی اگر پس از گرفتن سه روز از دنیا برود قضای هفت روز لازم نیست.

۹۶۲ احتساب پول روزه بدل از قربانی از اصل ترکه ♦ قضای روزه در حجة الإسلام و حجی که به سبب نذر لازم شده، از اصل مال، و در سایر اقسام حج از ثلث مال خارج می‌شود.

آداب و مستحبات قربانی

۹۶۳ مستحبات قربانی ♦

در قربانی چند چیز مستحب است:

۱. قربانی بسیار چاق باشد؛

۲. شتری که می خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دست ها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد و هنگام ذبح بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّ صَلَاتِي وَ
نُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ
وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي»؛

۳. خود حاجی، قربانی را ذبح کند و اگر نمی تواند، دست خود را روی دست ذابح بگذارد.

حلق یا تقصیر

احکام حلق و تقصیر

۹۶۴ مراحل خروج از احرام در حج تمتع ♦ در حج تمتع،

محرمات احرام در چهار مرحله، بر محرم حلال می‌گردد:

مرحله اول: بعد از ذبح، که حلق یا تقصیر - که از واجبات حج است - بر او حلال می‌شود؛ و چنانچه تراشیدن سر مستلزم خون آمدن از سر باشد، این مقدار خون بیرون آوردن نیز جایز می‌گردد.

مرحله دوم: بعد از تقصیر یا تراشیدن سر، که همه محرمات احرام حلال می‌گردد، به جز بوی خوش و مباشرت با زنان، بلکه مطلق لذت جویی زن و مرد از یکدیگر؛ و به احتیاط مستحب از تمام اموری که به زنان مربوط است چون عقد کردن و شاهد عقد شدن

نیز اجتناب کنند.

مرحله سوم: بعد از سعی صفا و مروه، بوی خوش حلال می‌گردد، ولی تا زمانی که نماز طواف نساء انجام نداده، مالیدن طیب و خوشبو کردن خود مکروه است؛ بلکه ترک آن مطابق احتیاط استحبابی است. مرحله چهارم: بعد از طواف نساء و نماز آن، آنچه مربوط به زنان است، حلال می‌گردد.

و بعد از این چهار عمل، تمام اموری که به جهت احرام، حرام شده بود، حلال است؛ ولی تا زمانی که در حرم باشد محرمات حرم یعنی کارهایی که به احترام حرم الهی انجام آن‌ها جایز نیست - مانند کندن درخت و گیاه حرم و شکار کردن در حرم - همچنان حرام خواهد بود.

۹۶۵ مراد از حلق و تقصیر ♦ پس از قربانی، حاجی باید «حلق» کند (یعنی تمام سرش را بتراشد) یا «تقصیر» نماید (یعنی مقداری از موی سر یا صورت یا مقداری از ناخن دست یا پای خود را کوتاه کند)؛ و کندن مو کفایت نمی‌کند.

۹۶۶ تعیین حلق بر برخی از حجاج ♦ چند دسته‌اند که وظیفه آن‌ها تراشیدن تمام سراسر است:

الف: مردی که حجة الإسلام خود را بجا می‌آورد، هر چند سفر اول حج او نباشد؛

ب: مردی که موی سر خود را با چیزی مانند صمغ و
عسل چسبانیده است؛

ج: بنا بر احتیاط، مردی که موی سر خود را جمع کرده
و در هم پیچیده و گره زده یا بافته است.

بر این سه طایفه تراشیدن تمام سر واجب است؛ هر چند
بدانند تراشیدن سر موجب بیرون آمدن خون می شود.

۹۶۷ متعین نبودن حلق در برخی موارد ♦ غیر از افرادی که
باید حلق کنند، افراد دیگر بین حلق و تقصیر مخیر هستند؛
مانند مردی که حج نیابتی بجا می آورد.

۹۶۸ حلق و تقصیر در حج اول ♦ کسی که برای اولین بار حج
بجا می آورد ولی حج او حجة الإسلام نیست - واز دو دسته دیگر
هم که گفته شد نیست - بنا بر احتیاط مستحب حلق کند؛ مگر
آن که بداند هنگام تراشیدن سر خون خارج می شود، که در
این صورت احتیاط مستحب در تقصیر است (گرچه حلق هم
مستحب است).

۹۶۹ کوتاه کردن موی سر قبل از حلق ♦ محرم نمی تواند برای
جلوگیری از خون آمدن، موی سر را کوتاه کند و پس از آن سر را
بتراشد.

۹۷۰ ضرری بودن حلق ♦ مردی که حجة الإسلام خود را بجا
می آورد، چنانچه حلق برای او ضرر اساسی داشته باشد،

باید تقصیر کند و اگر حلق برای او مشقت شدید داشته باشد می‌تواند به جای حلق، تقصیر کند.

۹۷۱ حرمت حلق بر بانوان ♦ بانوان فقط باید تقصیر کنند و تراشیدن سر بر آن‌ها جایز نیست.

۹۷۲ وظیفه خنثای مشکل نسبت به تقصیر ♦ خنثای مشکل اگر از سه دسته‌ای باشد که باید سر بتراشند، باید بین حلق و تقصیر جمع کند و باید احتیاط کند و تقصیر را بر تراشیدن سر مقدم کند؛ و اگر از این سه دسته نباشد، باید تقصیر کند و تراشیدن سر کافی نیست، بلکه جایز هم نیست.

۹۷۳ تراشیدن بخشی از سر ♦ کسی که سر می‌تراشد باید همه سر را بتراشد و تراشیدن قسمتی از سر کفایت نمی‌کند، و تا زمانی که همه سر را نتراشیده محرمات احرام حلال نمی‌شود.. بله، باقی ماندن مقدار کمی از مو که بسیاری از اوقات هنگام تراشیدن سر باقی می‌ماند، مانعی ندارد.

۹۷۴ نیت حلق و تقصیر ♦ حلق و تقصیر عبادت است و باید با نیت خالص برای خداوند متعال انجام گیرد.

۹۷۵ قصد بیرون آمدن از احرام ♦ در حلق و تقصیر، قصد بیرون آمدن از احرام لازم نیست؛ هرچند مطابق احتیاط استحبابی است.

۹۷۶ مکان حلق و تقصیر و محل ریختن مو ♦ مویی که برای

حلق یا تقصیر کننده می شود باید در منا ریخته شود؛ بلکه بنا بر احتیاط، در صورت امکان، عمل حلق یا تقصیر نیز باید در سرزمین منا انجام پذیرد. بنابراین حلق و تقصیر در قربانگاه های کنونی که خارج از منا قرار دارند، برای کسی که می تواند در منا حلق یا تقصیر کند، بنا بر احتیاط، کفایت نمی کند.

۹۷۷ حلق در غیر منا و انجام اعمال بعدی ♦ کسی که در غیر منا حلق کرده و اعمال بعدی را انجام داده و پس از آن هم عمره مفرده بجا آورده، از احرام بیرون نیامده و عمره او صحیح نیست، مگر اینکه از جهت جهل به مسأله و غفلت، در غیر منا حلق کرده باشد، که در این صورت بعید نیست مجزی باشد؛ هر چند احتیاط آن است که اگر ممکن باشد، در این صورت نیز به منا برگردد و در آنجا تیغ را بر سر بکشد و اعمال مکه را اعاده کند.

۹۷۸ ترتیب بین ذبح و حلق یا تقصیر ♦ حلق و تقصیر را باید بعد از ذبح انجام داد و تقدیم آن بر ذبح جایز نیست. بله، اگر کسی قربانی را تهیّه کرده و دست و پای آن را بسته به طوری که مطمئن است نمی تواند فرار کند، می تواند حلق یا تقصیر کند هر چند احتیاط مستحب در آن است که تا ذبح نکرده حلق نکند.

۹۷۹ تقدیم حلق یا تقصیر بر ذبح ♦ اگر کسی حلق یا تقصیر را بر ذبح مقدّم داشت، در صورت علم و عمد، باید اعاده کند؛ اما اگر از روی غفلت یا جهل به حکم مقدم کند کفایت می کند و

اعاده لازم نیست، حتی اگر قبل از طواف حج متوجه شود؛ اگر چه احتیاط مستحب این است که در این صورت حلق و تقصیر را بعد از ذبح اعاده کند.

۹۸۰ رعایت ترتیب در فرض تأخیر قربانی ♦ اگر قربانی از روز عید به تأخیر افتاد، حلق و تقصیر را نیز باید به تأخیر بیندازد و تا قربانی نکرده، نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند.

۹۸۱ انجام حلق و تقصیر قبل از عید قربان ♦ جلو انداختن حلق و تقصیر قبل از عید قربان جایز نیست.

۹۸۲ تقدیم حلق و تقصیر بر قربانی ♦ حاجی تا در روز عید، قربانی نکرده نباید حلق یا تقصیر کند؛ مگر در سه مورد:

۱. کسی که می‌ترسد اگر بخواهد صبر کند که ذبح انجام شود مشکلی مانند مراجعت کاروان یا حائض شدن برایش پیش آید که نتواند خودش اعمال مکه را بجا آورد؛
 ۲. کسی که می‌ترسد تأخیر اعمال مکه باعث بروز مشکلی شود که شرعاً دفع آن لازم است مثلاً خطر جانی داشته باشد؛

۳. کسی که تأخیر اعمال مکه مشقت شدید بیش از متعارفی را برای او ایجاد می‌کند.

این سه گروه، شبانه از مشعر به منا می‌روند و جمره عقبه را رمی می‌کنند، و به کسی برای قربانی وکالت می‌دهند، و در شب

عید با حلق یا تقصیر از احرام بیرون می‌آیند؛ هر چند قربانی آن‌ها انجام نشده باشد.

۹۸۳ زمان حلق و تقصیر ♦ زمان حلق و تقصیر، از صبح روز عید قربان شروع شده و تا آخر ماه ذی‌حجه ادامه دارد، به طوری که بعد از تقصیر، فرصتی برای انجام اعمال مگه در ذی‌حجه داشته باشد؛ و انجام آن در شب نیز صحیح است و کفایت می‌کند، ولی تا قربانی نکرده نباید حلق یا تقصیر کند.

۹۸۴ نحوه ازاله مو در حلق ♦ تراشیدن سر با هر وسیله‌ای که باشد کفایت می‌کند و لازم نیست حتماً با تیغ سرتراشی باشد؛ بلکه اگر با ماشینی که مانند تیغ، موها را از بیخ می‌زند، سر را بتراشد، کافی است؛ ولی کندن و سوزاندن مو... کفایت نمی‌کند.

۹۸۵ تراشیدن مو به عنوان تقصیر ♦ تراشیدن ریش و شارب، کفایت از حلق یا تقصیر نمی‌کند، و تراشیدن سر کفایت از تقصیر نمی‌کند.

۹۸۶ کشف بطلان حلق پس از تراشیدن سر ♦ کسی که وظیفه‌اش تراشیدن سر است اگر سرش را بتراشد، سپس متوجه شود که به سببی حلقش باطل بوده است، باید تیغ را بر سرش بکشد (امرار موسی) و بنا بر احتیاط مستحب، تقصیر را نیز به آن ضمیمه کند.

۹۸۷ حلق و تقصیر توسط دیگری ♦ حج‌گزار می‌تواند حلق و

تقصیر را خودش انجام دهد و می‌تواند از دیگری بخواهد که برایش حلق یا تقصیر کند و در هر حال خودش باید نیت کند؛ زیرا تراشیدن دیگری از باب نیابت نیست تا توهم شود که نیت نایب شرط است؛ بنابراین جایز است غیر شیعه، بلکه حتی غیر مسلمان نیز متصدی این کار شود.

۹۸۸ حلال شدن محرمات احرام پس از حلق و تقصیر ♦

حج تمتع با حلق یا تقصیر، کارهایی که به خاطر احرام حرام شده بود، حلال می‌شود، به استثنای بوی خوش و هر نوع بهره‌گیری جنسی از همسر. بنابراین بعد از حلق یا تقصیر، حاجی می‌تواند لباس‌های معمولی خود را بپوشد و سایر امور مربوط به بانوان مانند خواستگاری رفتن و عقد کردن آن‌ها نیز حلال می‌گردد.

۹۸۹ حلال شدن بوی خوش با مقدم داشتن طواف و سعی ♦

بر کسی که طواف حج و سعی را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از حلق یا تقصیر، بوی خوش نیز حلال می‌شود.

۹۹۰ ترتیب بین قربانی و حلق ♦ اگر حاجی برای قربانی به

کسی وکالت داد، تا وکیل او قربانی نکرده، نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند. البته اگر به اعتقاد این‌که نماینده‌اش قربانی کرده، حلق یا تقصیر کند، از احرام خارج می‌شود؛ ولی تا وقت قربانی نگذشته باید قربانی کند و تا قربانی نکرده نمی‌تواند اعمال مکه را بجا آورد.

۹۹۱ کوتاه کردن موقبل از حلق ♦ کسی که وظیفه او تراشیدن سر است، نمی‌تواند اول سرش را ماشین کند و سپس آن را بتراشد؛ حتی اگر فوراً نیز بتراشند، به طوری که مجموعاً تقصیر و حلق یک عمل به حساب آید.

۹۹۲ تراشیدن موی دیگری در حال احرام ♦ کسی که از احرام در نیامده نمی‌تواند سر دیگری را بتراشد یا از موی او بچیند؛ و اگر موی دیگری را تراشید یا تقصیر کرد گناهکار است و بنابر احتیاط، کافی نیست؛ مگر آن‌که حج‌گزاری که سرش حلق شده یا برایش تقصیر کرده‌اند، معذور باشد؛ مثلاً خیال می‌کرده دیگری در احرام نیست.

۹۹۳ مقدم داشتن اعمال مکه بر حلق و تقصیر ♦ تقدیم اعمال مکه بر حلق و تقصیر جایز نیست و اگر قبل از حلق یا تقصیر اعمال مکه را انجام دهد، باید پس از حلق یا تقصیر آن‌ها را اعاده کند و فرقی بین معذور و غیر معذور نیست. و چنانچه از روی علم و عمد، قبل از حلق و تقصیر، طواف کرده باشد، باید یک گوسفند قربانی کند، و تقدیم سعی به تنهایی بر حلق و تقصیر قربانی ندارد.

۹۹۴ کوچ از منا و ترک عمدی حلق و تقصیر ♦ اگر حج‌گزار از روی عمد و علم یا عمد و تردید، حلق و تقصیر را ترک کند و از منا خارج شود، بنابر احتیاط باید به منا بازگردد و در آنجا حلق یا تقصیر کند. و اگر برگشتن برای او حرجی باشد باید حلق و تقصیر

کند و موی خود را به منا بفرستد.

۹۹۵ کوچ از منا و ترک حلق و تقصیر از روی عذر ♦ اگر حج گزار

حلق یا تقصیر را فراموش کرده یا به جهت اشتباه فهمیدن مسأله، آن را ترک کند و از منا بیرون رود، می تواند در جایی که هست حلق یا تقصیر کند؛ هر چند احتیاط مؤکد مستحب در این است که اگر می تواند برگردد و حلق یا تقصیر را در منا انجام دهد؛ و در هر حال اگر بیرون منا حلق یا تقصیر نماید، واجب است موی خود را به منا بفرستد.

۹۹۶ شک در انجام حلق و تقصیر ♦ کسی که شک کند حلق

یا تقصیر کرده است یا نه، چند صورت دارد:

۱. بعد از خروج از احرام و انجام بعضی از محرمات احرام که پس از حلق و تقصیر حلال می شود، شک کند که حلق و تقصیر را انجام داده یا نه؛ در این صورت می تواند به شکش اعتنا نکند؛ هر چند احتیاط مستحب مؤکد در اعاده حلق و تقصیر است.
۲. بعد از شروع اعمال مکه، در انجام حلق و تقصیر شک کند؛ در این صورت می تواند به شکش اعتنا نکند؛ هر چند اعاده حلق و تقصیر و اعاده اعمالی که در مکه انجام داده است مطابق احتیاط استحبابی است.
۳. بعد از این که از منا کوچ کرد و اعمال مکه را شروع کرد شک کند؛ در این صورت اعاده حلق و تقصیر بر او

واجب نیست و اعمال مک‌ه‌اش نیز صحیح است.

۹۹۷ شک در صحت حلق و تقصیر پس از پایان آن ♦ اگر بعد از فارغ شدن از حلق یا تقصیر، شک کند آن را به شکل صحیح انجام داده یا نه، در صورتی که احتمال بدهد نسبت به رعایت شروط صحت توجه داشته، به شک خود اعتنا نکند.

۹۹۸ مو نداشتن کسی که باید حلق کند ♦ اگر کسی وظیفه‌اش حلق کردن باشد ولی مویی بر سر نداشته باشد باید به جای حلق کردن، تیغ را بر سر بکشد؛ و احتیاط مستحب آن است که تقصیر را هم انجام دهد.

۹۹۹ مو نداشتن کسی که مخیر بین حلق و تقصیر است ♦ کسانی که بین حلق و تقصیر مخیر هستند، در صورتی که سرشان مو نداشته باشد، باید تقصیر کنند؛ و اگر تقصیر امکان نداشت تیغ را به سر بکشند.

۱۰۰۰ وظیفه افراد کم‌مو ♦ اگر کسی مقداری از موی سرش ریخته است، چنانچه بقیه را بتراشد، کفایت از حلق می‌کند و لازم نیست تقصیر کند یا تیغ را بر سر بکشد؛ مگر آن که مقدار کمی از سرش مو داشته باشد به طوری که عرفاً نگویند سرش را تراشیده است؛ که در این صورت حکم کسی را دارد که اصلاً مویی ندارد.

آداب و مستحبات حلق و تقصیر

۱۰۰۱ مستحبات حلق و تقصیر ♦ در حلق و تقصیر چند چیز

مستحب است:

۱. رو به قبله باشد؛
۲. بسم الله بگوید و از جانب راست پیش سر شروع کند، و بخواند: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ سَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛
۳. پس از حلق، ناخن‌ها و شارب و اطراف ریش خود را کوتاه کند.

اعمال مکه

۱۰۰۲ خلاصه‌ای از اعمال مکه ♦ از واجبات حج، «اعمال مکه» است که به ترتیب عبارت است از: ۱. طواف حج؛ ۲. نماز طواف حج؛ ۳. سعی صفا و مروه؛ ۴. طواف نساء؛ ۵. نماز طواف نساء.

احکام مربوط به اعمال مکه

۱۰۰۳ وقت اعمال مکه ♦ وقت اعمال مکه، تا پایان ذی حجه ادامه دارد؛ هرچند احتیاط مستحب آن است که حاجی اعمال را از روز یازدهم به تأخیر نیندازد. بنابراین حجّاج می‌توانند برای انجام بیتوته شب یازدهم و دوازدهم و رمی جمرات در این دو روز در منا بمانند و بعد از آن‌که از منا کوچ کردند، اعمال مکه را بجا آورند.

۱۰۰۴ بهترین زمان برای طواف و سعی ♦ بهترین وقت برای طواف و سعی، روز دهم است، و پس از آن شب یازدهم، سپس روز یازدهم و سپس روز دوازدهم و سیزدهم است.

۱۰۰۵ انجام اعمال مکه قبل از حلق یا تقصیر ♦ حاجی چنانچه قبل از حلق یا تقصیر، اعمال مکه را بجا آورد، صحیح نیست؛ هرچند از روی جهل، سهو یا اضطرار باشد. البته اگر اعمال مکه را از روی سهو یا جهل، قبل از حلق و تقصیر انجام دهد و پس از کوچ کردن از منا متوجه شود، اعمالش صحیح است و اعاده ندارد.

۱۰۰۶ عقوبت تقدیم اعمال مکه بر حلق و تقصیر ♦ اگر حاجی از روی علم و عمد، قبل از حلق و تقصیر طواف حج را بجا آورد، باید یک گوسفند قربانی کند.

۱۰۰۷ ترتیب میان اعمال مکه ♦ مراعات ترتیب بین اعمال مکه در حال اختیار لازم است؛ بنابراین مقدم داشتن سعی بر طواف یا طواف نساء بر سعی، صحیح نیست و اگر از روی علم و عمد برخلاف این ترتیب عمل کند، عمل او باطل است.

۱۰۰۸ چگونگی طواف و سعی ♦ چگونگی طواف حج و نماز آن سعی و شرایط و احکام آن‌ها، همان‌گونه است که در اعمال عمره تمثّل گذشت؛ با این تفاوت که این اعمال باید به نیت طواف حج و نماز طواف حج و سعی حج بجا آورده شود.

۱۰۰۹ التفات به ترک طواف یا نقصان آن در اثنای سعی ♦ اگر در اثنای سعی یا بعد از آن، متوجّه شود که طواف را بجا نیاورده و یا ناقص گذاشته است، حکم ترک طواف یا نقصان آن در عمره تمتّع را دارد که در آغاز فصل طواف عمره تمتّع گذشت.

۱۰۱۰ رکن بودن طواف زیارت و سعی ♦ اگر حاجی از روی عمد و اختیار تا آخر ذی حجه طواف یا سعی را بجا نیاورد، حج او باطل می‌شود؛ خواه بداند که طواف واجب است یا نداند. ولی اگر از روی فراموشی یا غفلت از موضوع، طواف و سعی یا یکی از آن‌ها را تا آخر ماه ذی حجه ترک کند، حجش باطل نمی‌شود، و باید بعد از ماه ذی حجه آن را قضا نماید؛ و اگر فقط طواف را ترک کرده باشد و در مکه یا حوالی آن متوجه شده، باید بعد از طواف، سعی را هم انجام دهد، که تفصیل آن در مسأله ۴۸۱ گذشت. همچنین است اگر از روی ندانستن بعضی فروع و مسائل، طواف و سعی یا یکی از آن‌ها را تا آخر ذی حجه ترک کند؛ ولی در هر صورت باید ترتیب بین طواف و سعی را رعایت کند.

۱۰۱۱ ترک طواف واجب از روی جهل به مسأله ♦ اگر کسی طواف حج را از روی علم، شک یا جهل به مسأله بجا نیاورد تا این‌که به محل خود بازگردد، باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند.

۱۰۱۲ انجام سعی قبل از خواندن نماز طواف از روی جهل یا نسیان ♦ بعد از انجام سعی بین صفا و مروه، استفاده از بوی

خوش حلال می‌شود. در حلال شدن بوی خوش بر محرم همین‌که سعی، صحیح باشد و نیاز به اعاده نداشته باشد کافی است؛ بنابراین اگر سعی را به جهت فراموشی یا جهل، قبل از خواندن نماز طواف انجام دهد، بوی خوش حلال می‌گردد؛ هرچند باید نماز طواف را بخواند.

طواف نساء

۱۰۱۳ **عدم اختصاص طواف نساء به مردان** ♦ طواف نساء، اختصاص به مردان متأهل ندارد و بر همه کسانی که حج بجا می‌آورند، مرد و زن، متأهل و مجرد، جوان و پیر، واجب است، هرچند هیچ‌گونه تمایل جنسی نداشته باشند.

۱۰۱۴ **احکام طواف نساء** ♦ چگونگی طواف نساء و نماز آن و احکام و شرایط آن‌ها مانند طواف عمره تمثّل و نماز آن است، ولی باید به نیت طواف نساء و نماز آن بجا آورده شود.

۱۰۱۵ **آخرین مرحله حلال شدن محرمات** ♦ پس از طواف نساء و نماز آن، بهره‌گیری جنسی زن و شوهر از یکدیگر حلال می‌گردد و با این عمل، حاجی به‌طور کامل از احرام بیرون می‌آید؛ ولی تا زمانی که در حرم باشد محرمات حرم یعنی کارهایی که به احترام حرم الهی انجام آن‌ها جایز نیست -مانند کندن درخت و گیاه حرم و شکار کردن در حرم- همچنان حرام

خواهد بود.

۱۰۱۶ طواف نساء فوت شده از میت ♦ اگر حاجی طواف نساء را ترک کند و از دنیا برود، باید از اصل ترکۀ او برای انجام طواف نساء نایب بگیرند. البته اگر کسی تبرعاً از طرف میت آن را بجا آورد کفایت می‌کند و از ذمه میت ساقط می‌شود.

۱۰۱۷ تقدیم طواف نساء بر سعی ♦ طواف نساء را باید بعد از سعی انجام داد و اگر کسی آن را بر سعی مقدم کند، طوافش باطل است؛ مگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد.

۱۰۱۸ انجام طواف نساء قبل از طواف حج ♦ حاجی اگر طواف نساء را قبل از طواف حج بجا آورد، باطل است؛ هرچند از روی غفلت یا ندانستن مسأله یا اضطرار باشد.

۱۰۱۹ مقدم داشتن اضطراری طواف نساء بر سعی ♦ اگر کسی ناچار باشد که قبل از سعی طواف نساء انجام دهد (مانند زنی که می‌ترسد در اثنای سعی حائض شود و نتواند طواف نساء را انجام دهد) باید احتیاط کند و قبل از سعی طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، و بعد از سعی چنانچه می‌تواند خودش طواف نساء و نماز آن را بجا آورد وگرنه برای انجام آن نایب بگیرد.

۱۰۲۰ فاصله انداختن بین سعی و طواف نساء ♦ لازم نیست حاجی فوراً پس از سعی، طواف نساء را انجام دهد؛ البته نباید آن را از ماه ذی‌حجه به تأخیر بیندازد، و اگر به تأخیر بیفتد باید

قضای آن را بعد از ذی حجه بجا آورد و تا زمانی که آن را انجام نداده، بهره‌گیری جنسی زن و شوهر از یکدیگر حرام است.

۱۰۲۱ ترک سهوی طواف نساء ♦ اگر سهواً طواف نساء را ترک کند یا آن را باطل انجام دهد، باید شخصاً آن را تدارک نماید؛ و البته اگر حرجی باشد می‌تواند نایب بگیرد. همچنین اگر بعد از بازگشتن به وطن متوجه شود، می‌تواند برای انجام آن نایب بگیرد، مگر این‌که باقی ماندن حرمت بهره‌گیری جنسی تا تکمیل طواف توسط خودش هیچ‌گونه مشقتی نداشته باشد.

۱۰۲۲ احرام به مناسک جدید قبل از انجام طواف نساء ♦ کسی که هنوز طواف نساء بجا نیاورده، می‌تواند عمره مفرده انجام دهد، و در این صورت باید دو طواف نساء - یکی به نیت عمره مفرده و دیگری به نیت حج تمتع - بجا آورد.

تقدیم اعمال مکه

۱۰۲۳ تقدیم اعمال مکه بر وقوفین در حج تمتع ♦ در حج تمتع، اعمال مکه، پس از حلق یا تقصیر انجام می‌شود و حاجی تا حلق و تقصیر نکند نمی‌تواند اعمال مکه را بجا آورد، مگر آن‌که از افرادی باشد که می‌توانند اعمال مکه را قبل از وقوف به عرفات انجام دهند.

۱۰۲۴ مقدم داشتن طواف و سعی در حج قران و افراد ♦ تقدیم

طواف و سعی بر کسی که حج افراد یا قران بجا می‌آورد، در حال اختیار نیز جایز است؛ البته بعد از انجام آن‌ها، و قبل از حلق یا تقصیر، محرّمات احرام حلال نمی‌شود.

۱۰۲۵ ترس از عجز از بازگشت به مکه بعد از روز عید ♦ حجاجی

که می‌ترسند بعد از رفتن به عرفات و منا نتوانند به مکه بازگردند، واجب است تمامی اعمال مکه (طواف حج و سعی و طواف نساء) را قبل از رفتن به عرفات انجام دهند.

۱۰۲۶ تقدیم طواف نساء بر وقوف به عرفات ♦ حجاجی

که جایز یا واجب است که طواف حج و سعی را بر وقوف به عرفات مقدم کنند ولی نمی‌توانند طواف نساء را مقدم بدارند، عبارت‌اند از:

۱. حجاجی که به جهتی مانند حیض یا پیری زیاد یا بیماری نمی‌توانند یا می‌ترسند که نتوانند اعمال مکه را پس از بازگشت از منا انجام دهند؛ بر این عده تقدیم طواف و سعی واجب و صحیح است.

۲. حجاجی که انجام طواف و سعی بعد از برگشتن از منا بر آن‌ها با مشقت بسیار همراه است؛ این عده می‌توانند طواف حج و سعی را قبل از رفتن به عرفات انجام دهند و کفایت می‌کند (حتی در صورتی که انجام اعمال در زمان خودش همراه با مشقت شدید نباشد).

این دو گروه پس از بازگشت از منا طواف نساء را انجام می‌دهند و در صورتی که نتوانند یا انجام آن، همراه با مشقت شدید باشد، برای انجام آن نایب می‌گیرند.

۱۰۲۷ مقدم داشتن طواف بدون انجام سعی ♦ حجاجی که
در مسأله قبل ذکر شدند، نمی‌توانند تنها طواف حج را - بدون سعی - مقدم بدارند؛ بنابراین اگر حاجی توانایی انجام سعی را ندارد نمی‌تواند فقط طواف را مقدم کند، بلکه بعد از بازگشت از منا اگر تا آخر ذی حجه تمکن از اعمال مکه را بدون تحمل خرج داشته باشد باید خودش انجام دهد؛ وگرنه در هر عملی که تمکن ندارد نایب می‌گیرد.

۱۰۲۸ زمان حلال شدن بوی خوش در صورت تقدیم اعمال ♦
حجاجی که طواف و سعی یا تمام اعمال مکه را مقدم داشته‌اند، با انجام این اعمال، بوی خوش و بهره‌گیری جنسی از همسر بر آن‌ها حلال نمی‌شود؛ بلکه همه محرمات احرام بعد از تقصیر یا حلق برای آن‌ها حلال می‌گردد.

۱۰۲۹ ملاک تشخیص عذر برای مقدم داشتن اعمال مکه ♦
تشخیص عذر برای کسانی که اعمال مکه را مقدم می‌دارند، بر عهده خود آن‌هاست؛ بلی، تشخیص کسی که برخلاف متعارف کمترین دشواری را عذر می‌داند ملاک نیست و چنین کسی باید به متعارف رجوع کند.

آداب و مستحبات طواف حج

۱۰۳۰ مستحبات طواف و سعی ♦ در طواف و سعی حج چند چیز مستحب است:

۱. حاجی روز عید قربان، طواف و سعی را بجا آورد؛
۲. وقتی به در مسجد الحرام رسید، بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي؛
أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَعْفَرَ
لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ
وَ الْبَلْدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ؛ حِثُّ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُّ
طَاعَتِكَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقُدْرِكَ؛ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ
الْمُضْطَّرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ
لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

سپس به نزد حجرالأسود بیاید و دستش را به آن بمالد و آن را ببوسد، و اگر نتواند آن را ببوسد دستش را دست به حجر بمالد و دستش را ببوسد، و اگر این کار هم برایش امکان ندارد در مقابل حجر بایستد و تکبیر بگوید، و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود، را بجا آورد؛

۳. آنچه از مستحبات که در «طواف و سعی عمره تمتع»

بیان شد، در طواف و سعی حج نیز مستحب است.

بیتوته

۱۰۳۱ بیتوته یا صبح کردن ♦ حاجی باید شب یازدهم و شب دوازدهم - و در برخی موارد شب سیزدهم - را در منا «بیتوته» یا «اصباح» نماید. «بیتوته» یعنی شب را در جایی گذراندن و «اصباح» یعنی حضور داشتن هنگام طلوع فجر.

۱۰۳۲ عبادت بودن بیتوته و صبح کردن ♦ بیتوته و اصباح از عبادات است و باید با نیت خالص برای خداوند متعال بجا آورده شود.

۱۰۳۳ نحوه محاسبه شب ♦ حاجی باید نسبت به محاسبه آخر شب بین طلوع فجر و طلوع آفتاب احتیاط کند؛ بنابراین برای خروج از منا بعد از نیمه شب در شب یازدهم، شب را از مغرب (از بین رفتن سرخی طرف مشرق) تا طلوع آفتاب حساب کند.

احکام بیتوته در منا

◀ بیتوته شب یازدهم و دوازدهم

۱۰۳۴ وظیفه حاجی در شب یازدهم ♦ حاجی در شب یازدهم بین «بیتوته نیمه اول شب» و بین «اصباح» مخیر است؛ یعنی می‌تواند از غروب آفتاب شب یازدهم تا نیمه شب در منا به سر برد و می‌تواند هنگام طلوع فجر در منا حضور داشته باشد. بنابراین اگر کسی از اول غروب تا نیمه شب در منا حضور داشت می‌تواند بعد از نیمه شب از منا خارج شود؛ و چنانچه نیمه اول شب یا جزیی از آن را در منا نبود همین‌که قبل از طلوع فجر خود را به منا برساند و تا هنگام طلوع فجر در منا باشد کافی است؛ البته احتیاط مستحب آن است که از نیمه شب تا صبح در منا بیتوته کند.

۱۰۳۵ وظیفه حاجی در شب دوازدهم ♦ حاجی در شب دوازدهم همانند شب یازدهم - چنانکه در مسأله قبل گذشت - بین «بیتوته نیمه اول شب» و بین «اصباح» مخیر است.

۱۰۳۶ ترک بیتوته برای اعمال مکه ♦ حاجی که شب یازدهم و دوازدهم برای انجام طواف و سعی و طواف نساء، در مکه حضور دارد، اگر انجام اعمال مکه و مقدمات و آداب و مستحبات آن، تمام شب را فراگیرد، «بیتوته» و «اصباح» بر او واجب نیست

وگرنه باید هنگام طلوع فجر در منا حضور یابد، مگر شخصی که بعد از غروب روز یازدهم از منا خارج شده و اعمال مکه را در شب، تمام کرده، به سوی منا بازگشته باشد، چنین فردی پس از این که از محدودهٔ مکهٔ قدیم خارج شد می‌تواند هرچند بدون عذر در بین راه بیتوته کند.

۱۰۳۷ خروج از منا برای اعمال مکه ♦ وظیفهٔ حجاجی که شب یازدهم و دوازدهم برای انجام اعمال به مکه می‌روند نسبت به بیتوته چند صورت دارد:

الف) قبل از غروب از منا خارج شود و تا طلوع فجر به اعمال مکه و مقدمات و آداب و مستحبات آن اشتغال داشته باشد؛ در این صورت ترک بیتوته و اصباح براو جایز است هرچند کراهت دارد.

ب) قبل از غروب از منا خارج شود و اعمالش وقتی تمام شود که بتواند قبل از طلوع فجر در منا باشد؛ در این صورت باید هنگام طلوع فجر خود را به منا برساند -چه اعمال را قبل از نیمهٔ شب به پایان برساند و چه بعد از آن-؛ و احتیاط مستحب در آن است که در صورت اول قبل از نیمهٔ شب از محدودهٔ مکهٔ زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیرون بیاید؛ بلکه قبل از نیمهٔ شب به منا برگردد.

ج) بعد از غروب از منا خارج شود و قبل از نیمهٔ شب

اعمال را تمام کند؛ که در این صورت واجب است طلوع فجر را در منا باشد ولی اگر از محدودهٔ مکهٔ قدیم خارج شود و در بین راه منا بخوابد - هرچند از روی اختیار- کافی است و دیگر لازم نیست طلوع فجر را در منا باشد؛ و احتیاط مستحب در آن است که قبل از نیمهٔ شب از محدودهٔ مکهٔ قدیم خارج شود؛ بلکه قبل از نیمه شب به منا برگردد.

د) بعد از غروب از منا خارج شود و از قبل از نیمهٔ شب تا مقداری بعد از آن مشغول اعمال مکه باشد؛ در این صورت بنا بر احتیاط هنگام طلوع فجر در منا باشد.

ه) بعد از غروب از منا خارج شود و بعد از نیمهٔ شب مشغول اعمال شود؛ که لازم نیست طلوع فجر را در منا باشد، ولی ترک آن کراهت دارد.

و) بعد از نیمهٔ شب از منا خارج شود؛ که در این صورت دیگر لازم نیست به منا برگردد، ولی خارج از منا بودن در آن شب کراهت دارد، و ماندن در بین راه مکه و منا کراهت کمتری دارد.

۱۰۳۸ لازم نبودن بیتوته در منا برای چند گروه ♦ بر عده‌ای از

حجاج لازم نیست در شب‌های یازده و دوازده و سیزدهم در منا بمانند که عبارت‌اند از:

اول: کسانی که نتوانند بیتوته کنند یا بیتوته برای

آن‌ها همراه با مشقت شدید باشد.

دوم: کسانی که به حکم و وظیفه شرعی، آن شب را در خارج از منا به سر می‌برند؛ مانند بیماری که بیتوته باعث نقص عضوش شود، طبیب یا پرستاری که باید در بیمارستان مکه باشد و مأمورینی که باید در خارج منا به تأمین نیازهای حجاج بپردازند.

◀ بیتوته شب سیزدهم

۱۰۳۹ وجوب بیتوته شب سیزدهم بر چند گروه: ♦ چند دسته‌اند

که باید شب سیزدهم را در منا بیتوته کنند:

الف) کسی که از منا کوچ نکرده و غروب آفتاب شب سیزدهم، بلکه حوالی غروب که خورشید زردرنگ می‌نماید، در منا باشد.

ب) کسی که در حال احرام عمره تمتع یا حج از نزدیکی با زن -چه زن خودش باشد و چه نباشد- اجتناب نکرده است، باید احتیاط کند شب را در منا بیتوته کند.

ج) کسی که در حال احرام عمره تمتع یا حج از شکار پرهیز نکرده است. و احتیاط آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد، باز هم شب سیزدهم را

بماند؛ لکن اگر غیر از صید کردن، از امور دیگری که در مورد صید بر مَحْرَم حرام است - مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن - اجتناب نکرده، بیتوتهٔ شب سیزدهم واجب نیست.

۱۰۴۰ بیتوتهٔ شب سیزدهم به جهت گناه کبیره ♦ کسی که در حال احرام مرتکب یکی از گناهان کبیره شده، احتیاطاً مستحب آن است که شب سیزدهم در منا بیتوته کند.

۱۰۴۱ زمان بیتوتهٔ شب سیزدهم ♦ برای بیتوتهٔ شب سیزدهم باید قبل از طلوع آفتاب از منا خارج نشود و باید احتیاطاً کند و از اول شب در منا بماند و قبل از رمی جمرات روز سیزدهم از آنجا خارج نشود.

۱۰۴۲ بازگشت به منا بعد از مغرب و بیتوته شب سیزدهم ♦ اگر حاجی قبل از زرد شدن خورشید در روز دوازدهم از منا خارج شده و بعد از مغرب به منا مراجعت کند، بیتوتهٔ شب سیزدهم بر او واجب نیست.

◀ کفارهٔ ترک بیتوته

۱۰۴۳ کفارهٔ ترک بیتوته و اصباح واجب ♦ کسی که بیتوته و اصباح واجب منا را ترک می‌کند، باید یک گوسفند قربانی کند؛ و اگر قسمتی از اول شب که باید در منا بیتوته کرد آنجا نباشد،

بنابر احتیاط یک گوسفند قربانی کند. در کفاره داشتن فرقی بین عالم و جاهل، متوجّه و غافل، و مختار و ناچار نیست. البته اگر کاری که موجب ترک بی‌توته شده، مطلوب شرعی باشد (مثلاً از وارد شدن ضرر اساسی به بدن جلوگیری کند) ترک بی‌توته کفاره ندارد.

۱۰۴۴ کفاره ترک بی‌توته به جهت اعمال مکه ♦ بر کسی که برای اعمال مکه، قسمتی از شب را، بین راه یا در مکه باشد و یا اعمالش تمام شب طول بکشد، کفاره واجب نیست؛ هرچند شب سیزدهم باشد.

۱۰۴۵ ترک بی‌توته برای اعمال مستحب ♦ حاجی می‌تواند برای انجام طواف مستحبی، بی‌توته و اصباح را ترک کند و به مکه برود؛ هرچند بهتر است از آن اجتناب کند.

۱۰۴۶ بی‌توته در خارج از منا ♦ بی‌توته کردن در زمین‌های متصل به منا که خارج از منا است صحیح نیست و کفاره دارد؛ حتی اگر از روی جهل و فراموشی باشد. بلی، اگر به جهت کثرت جمعیت، سرزمین منا برای بی‌توته تنگ باشد، بی‌توته در وادی محسّر جایز است و کفاره هم ندارد.

۱۰۴۷ بی‌توته در منا بدون قصد قربت ♦ کسی که شب را بدون قصد قربت در منا می‌ماند، کفاره ندارد.

۱۰۴۸ شرایط حیوان کفاره ♦ حیوانی که به‌عنوان کفاره ترک

آداب و مستحبات مسجد خَیْف

۱۰۵۱ **مستحبات مسجد خیف** ♦ مستحب است تا هنگامی که در منا است، نمازهای واجب و مستحب را در مسجد «خَیْف» بخواند.

آداب مسجد خیف عبارت است از:

۱. صد رکعت نماز؛
۲. «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه؛
۳. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه؛
۴. «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

رمی جمرات سه‌گانه

۱۰۵۲ وجوب رمی در روزهای یازده و دوازده ♦ حاجی در روز
یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه، باید با نیت خالص برای خداوند
متعال، به هر یک از سه جمره - جمره اولی، جمره وسطی،
جمره عقبه - به ترتیب هفت سنگریزه بزند.

۱۰۵۳ رمی روز سیزدهم ♦ بر اشخاصی که شب سیزدهم در
منا مانده‌اند واجب است روز سیزدهم نیز جمرات سه‌گانه را
رمی کنند، ولی بر کسی که شب سیزدهم را بیتوته نکرده است
- هر چند از روی معصیت - رمی روز سیزدهم واجب نیست.

۱۰۵۴ ترک عمدی رمی ♦ رمی جمرات از واجبات حج است
ولی رکن حج نیست. بنابراین اگر کسی عمداً همه آن را ترک کند
ضرری به حشش نمی‌زند؛ هر چند معصیت کرده است.

۱۰۵۵ شرایط و واجبات رمی جمرات ♦ چگونگی رمی جمرات

و احکام آن و شرایط سنگ ریزه‌ها، همان‌گونه است که در رمی جمره عقبه در روز عید بیان شد.

۱۰۵۶ زمان رمی جمرات ♦ زمان اصلی رمی جمرات در این سه روز از طلوع تا غروب آفتاب است و هر چه به ظهر نزدیک‌تر باشد بهتر است. افضل آن است که رمی، هنگام ظهر باشد؛ و در حال اختیار، سنگ زدن در شب صحیح نیست.

۱۰۵۷ جواز رمی شبانه برای دو گروه ♦ دو گروه می‌توانند جمرات سه‌گانه را شب قبل رمی کنند:

۱. کسانی که رمی در روز برای آن‌ها با مشقت شدید همراه است؛

۲. صاحبان مشاغلی که کارشان را تنها در روز انجام می‌دهند؛ مانند چوپان و هیزم‌کش.

۱۰۵۸ لزوم رمی شبانه برای چند گروه ♦ چند دسته‌اند که باید رمی را در شب قبل انجام دهند:

۱. کسانی که نمی‌توانند در روز رمی کنند؛

۲. کسانی که می‌ترسند در رمی در روز با خطری جدی روبرو شوند؛

۳. کسانی که رمی در روز برای آن‌ها ضرر اساسی دارد.
این افراد نمی‌توانند جمرات را در شب بعد رمی کنند و رمی شب قبل، بر نایب گرفتن مقدم است.

۱۰۵۹ رمی شبانه بانوان و کودکان ♦ بانوان و کودکان، رمی جمره عقبه روز دهم را در حال اختیار هم می‌توانند شب عید انجام دهند؛ ولی رمی جمرات روزهای یازدهم و دوازدهم را تا معذور نباشند، نمی‌توانند در شب قبل انجام دهند.

۱۰۶۰ نایب گرفتن برای رمی ♦ حاجی در حال اختیار باید خودش رمی را انجام دهد؛ ولی کسانی که به خاطر عذرهای گفته شده می‌توانند در شب قبل رمی کنند، اگر شب قبل هم عذر داشته باشند برای رمی در روز نایب می‌گیرند.

۱۰۶۱ نایب گرفتن ناتوانان ♦ گروه‌هایی که می‌توانند در شب رمی جمرات کنند اگر از سنگ زدن در شب قبل معذور باشند، می‌توانند برای رمی نایب بگیرند، ولی در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرند که در روز سنگ بزند؛ و نباید رمی را به شب بعد یا روز بعد به تأخیر بیندازند.

۱۰۶۲ رمی شبانه با وجود ناتوانی در برخی ساعات روز ♦ اگر کسی از رمی کردن تنها در ساعاتی از روز معذور است، نمی‌تواند شبانه رمی کند؛ همچنان‌که اگر در تمام روز و قسمتی از شب معذور باشد، نمی‌تواند برای رمی نایب بگیرد.

۱۰۶۳ انجام رمی از طرف ناتوان ♦ کسی که از رمی کردن و نایب گرفتن ناتوان است، مانند بی‌هوش و طفل کوچک، ولیّ او یا شخص دیگری از طرف او رمی می‌کند؛ و اذن ولیّ یا حاکم

لازم نیست.

۱۰۶۴ اکتفا به رمی نیابی بدون اطلاع منوبّ عنه ♦ کسی که وظیفه او نایب گرفتن است، اگر بدون گفتن او دیگری برایش رمی کند کافی است، ولی احتیاط مستحب مؤکّد آن است که به آن اکتفا نکند.

۱۰۶۵ شک در قدرت بر رمی ♦ کسی که نمی‌داند توانایی رمی جمرات را دارد یا نه، باید تا جمرات برود و از نزدیک بررسی کند، بلی اگر می‌ترسد در راه رفتن به جمرات و یا در رمی با خطری مواجه شود، رفتن به جمرات واجب نیست.

۱۰۶۶ رفع عذر منوبّ عنه پس از انجام رمی نیابی ♦ اگر بعد از آن که نایب عمل را بجا آورد، عذر برطرف شود و فرصت رمی کردن ادایی باقی باشد، باید خودش هم رمی نماید.

۱۰۶۷ نایب گرفتن به خیال معذور بودن و کشف خلاف ♦ اگر کسی به اعتقاد این که معذور است، برای رمی جمرات نایب بگیرد و بعد معلوم شود که معذور نبوده است، باید خودش جمرات را سنگ بزند؛ و اگر وقت آن گذشته قضا نماید.

۱۰۶۸ رعایت ترتیب میان جمرات ♦ رعایت ترتیب در رمی جمرات لازم است. به این صورت که از «جرمه اولی» شروع کند و سپس «جرمه وسطی» را سنگ بزند و پس از آن، به «جرمه عقبه»؛ البته در سنگ هفتم لازم نیست ترتیب را رعایت کند،

پس اگر بعد از آن که شش سنگ به جمره اولی زد، جمره وسطی را رمی نماید، اشکال ندارد.

۱۰۶۹ رعایت نکردن ترتیب در رمی جمرات ♦ هرگاه حاجی در رمی جمرات ترتیب را رعایت نکند - هرچند به خاطر فراموشی یا ندانستن مسأله باشد - باید به‌گونه‌ای عمل کند که ترتیب رعایت شود؛ مثلاً اگر اول جمره وسطی را رمی کند و بعد جمره اولی و عقبه، کافی است که جمره وسطی و سپس عقبه را دوباره بجا آورد.

۱۰۷۰ رعایت ترتیب و فاصله زمانی میان رمی ادا و قضا ♦ اگر در روز بعد بفهمد که جمرات روز قبل را برخلاف ترتیب رمی کرده، باید به‌گونه‌ای که ترتیب حاصل شود قضا کند؛ و باید بین رمی روز قبل و رمی آن روز، حداقل به مقدار یک ساعت (یک دوازدهم همان روز) فاصله شود؛ و بنا بر احتیاط رمی قضا را قبل از رمی ادا انجام دهد.

۱۰۷۱ زمان تدارک قربانی ♦ کسی که در روز عید قربان موفق به قربانی یا حلق و تقصیر نشده است، می‌تواند در روزهای بعد، قبل از این اعمال، جمرات سه‌گانه را رمی کند.

۱۰۷۲ رعایت موالات در رمی ♦ رعایت موالات در چهار سنگ اول هر جمره در همه حالات معتبر است. رعایت موالات در سنگ پنجم و ششم، بر عالم و شاک

لازم است، هرچند مضطر باشد؛ ولی برای جاهل به حکم و سهوکننده شرط نیست.

رعایت موالات در پرتاب سنگ هفتم در هیچ صورتی لازم نیست.

۱۰۷۳ رمی جمره دوم قبل از تکمیل رمی جمره اول ♦ کسی که هنوز جمره قبلی را تکمیل نکرده اگر مشغول جمره بعدی شود، چنانچه هنوز سنگ چهارم جمره قبلی را زده است رمی جمره بعدی او باطل است.

و اگر فقط چهار یا پنج سنگ زده و از روی نافرمانی - علم یا حالت شک - یا ناچاری، مشغول جمره بعدی شده، رمی جمره بعدی او باطل است؛ ولی اگر از روی فراموشی یا جهل مشغول جمره بعدی گردد، جمره بعدی صحیح است.

و اگر بعد از زدن سنگ ششم مشغول جمره بعدی شود، در همه صورت‌ها رمی صحیح است.

۱۰۷۴ ترک عمدی رمی جمرات و نحوه تدارک آن ♦ اگر کسی - در حال اختیار یا ناچاری - جمرات سه‌گانه یا بعضی از آن‌ها را تا غروب آفتاب سنگ نزند، باید روز بعد آن را قضا کند؛ به نحوی که ترتیب حاصل شود؛ مثلاً اگر رمی جمره وسطی را ترک کرده، باید هم جمره وسطی و هم جمره عقبه را رمی نماید. و اگر در ایام تشریق قضا نکرد بنا بر احتیاط تا پایان ذی حجه قضا کند؛ و سال بعد نیز اگر خودش به حج می‌رود در همان روزی که رمی از

او فوت شده، قضا نماید؛ وگرنه برای رمی نایب بگیرد.

۱۰۷۵ نحوه تدارک رمی جمرات در صورت فراموشی یا جهل

به آن ♦ اگر کسی به خاطر غفلت یا ندانستن مسأله، جمرات یا بعضی از آن‌ها را سنگ نزند، سه صورت دارد:

اول: در روزهای تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی حجه) یادش بیاید؛ در این صورت باید آن را قضا کند، هرچند از منا کوچ کرده باشد؛ و اگر نمی‌تواند نایب می‌گیرد.

دوم: بعد از روزهای تشریق در مکه یادش بیاید؛ در این صورت بنابر احتیاط مستحب تا آخر ذی حجه رمی را قضا کند و در سال دیگر نیز در همان روزها، رمی کند. و اگر خودش به حج نمی‌رود برای رمی نایب می‌گیرد. سوم: پس از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید؛ در این صورت قضای آن، لازم نیست، ولی احتیاط مستحب در آن است که سال بعد نیز در همان روزی که رمی از او فوت شده، قضا نماید و اگر خودش به حج نمی‌رود نایبش رمی را قضا کند.

۱۰۷۶ رعایت نکردن شرایط لازم در رمی ♦ اگر شرایط لازم در

رمی را رعایت نکرده، مانند آن است که اصلاً رمی نکرده است.

۱۰۷۷ ترتیب و فاصله میان رمی ادا و قضا ♦ اگر بخواهد

قضای رمی جمرات و رمی همان روز را انجام دهد باید بین رمی

قضا و رمی ادا حداقل به مقدار یک ساعت (یک دوازدهم همان روز) فاصله شود و بنا بر احتیاط رمی جمرات قضا، قبل از رمی ادا صورت گیرد؛ همچنین است اگر بخواهد چند سنگ باقی مانده از روز قبل را قضا کند. بله، مقدّم داشتن و رعایت فاصله نسبت به سنگ هفتم واجب نیست.

۱۰۷۸ ترتیب میان دو رمی قضا شده ♦ کسی که رمی قضایی دو روز بر عهده اوست، باید بین رمی دو روز، حداقل مقدار یک دوازدهم همان روز فاصله بیندازد و بنا بر احتیاط، قضای رمی روز اول را بر قضای رمی روز دوم مقدم کند. همچنین است اگر بخواهد چند سنگ باقی مانده از رمی دو روز را قضا کند.

۱۰۷۹ علم به ترک رمی یک روز پس از گذشت زمان رمی ♦ اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، یقین کند که یک روز رمی نکرده و نداند کدام روز است، باید رمی هر سه جمره را به ترتیب به قصد مافی الذمه قضا کند.

۱۰۸۰ مقدّم داشتن و رعایت فاصله نسبت به سنگ هفتم ♦ اگر کسی سنگ هفتم از یک یا چند جمره را از روی عمد یا سهو نزند، باید روز بعد آن را بزند ولی لازم نیست آن را قبل از رمی روز بعد بزند.

۱۰۸۱ آگاهی از انجام ندادن رمی یکی از جمرات ♦ اگر حاجی رمی یکی یا دو تا از جمرات را انجام ندهد ولی نداند کدام یک

از جمرات بوده، باید به هر سه جمره به ترتیب سنگ بزند. بله، اگر پس از گذشتن روزی که باید رمی نماید شک کند که کدام جمره را رمی کرده و کدام را رمی نکرده، باید جمره عقبه را رمی کند و بنا بر احتیاط پیش از آن ابتدا جمره اولی و سپس جمره وسطی را رمی کند.

و اگر یقین دارد تنها یک جمره را رمی نکرده است باید جمره وسطی و عقبه را رمی کند و اگر پس از گذشتن روزی که باید رمی نماید شک کند که کدام جمره را رمی نکرده، باید جمره عقبه را رمی کند و بنا بر احتیاط پیش از آن جمره وسطی را رمی کند.

۱۰۸۲ نقصان چهار سنگ یکی از جمرات ♦ اگر بداند چهار عدد یا بیشتر از رمی یکی از جمرات را زنده است و نمی‌داند از کدام جمره است، اگر بعد از این که خود را از رمی جمرات فارغ شده دید شک کند، باید به هر سه جمره به ترتیب هفت سنگ بزند. البته اگر هنوز موالات رمی جمره اولی بهم نخورده، آن را تکمیل کند و بقیه جمرات را هفت سنگ بزند. ولی اگر هنوز از رمی جمره عقبه فارغ نشده، همان را تکمیل کند و صحیح است.

۱۰۸۳ نقصان سه سنگ یکی از جمرات ♦ اگر بداند دو یا سه عدد از رمی او فوت شده است و نمی‌داند از یک جمره است یا چند جمره مختلف، یا می‌داند از یک جمره است اما نمی‌داند از کدام جمره است، باید با رعایت ترتیب به هر یک از جمرات سه

سنگ بزند. بله، چنانچه گذشت در سنگ هفتم رعایت ترتیب معتبر نیست.

۱۰۸۴ نقصان رمی هفتم یکی از جمرات ♦ اگر بدانند رمی هفتم از او فوت شده است و نمی‌داند از یک جمره است یا چند جمره مختلف، یا می‌داند از یک جمره است اما نمی‌داند از کدام جمره است، واجب است هر جمره‌ای را یک بار رمی کند؛ و رعایت ترتیب لازم نیست.

البته اگر هنگامی که هنوز خود را از رمی جمره عقبه فارغ شده نیافته شک کند، یک سنگ به جمره عقبه بزند و کفایت می‌کند.

۱۰۸۵ شک در صحت رمی ♦ اگر حاجی شک کند جمره‌ای را صحیح رمی کرده یا نه، اگر هنوز مشغول سنگ زدن است، باید چندان بیندازد تا یقین کند به شکل صحیح، هفت سنگ به جمره انداخته است؛ ولی اگر پس از آن که خود را از رمی جمره فارغ شده یافت در تعداد سنگ‌زدن‌ها یا شرایط آن‌ها شک کند، چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی جمره به رعایت شرایط آن‌ها توجه داشته، به شکش اعتنا نکند؛ ولی اگر چنین احتمالی ندهد و بعد از گذشتن روز رمی شک کند، بنا بر احتیاط به شکش اعتنا نماید.

کوچ از منا

۱۰۸۶ زمان کوچ از منا ♦ کسانی که بر آن‌ها جایز است در روز دوازدهم از منا کوچ کنند، باید بعد از ظهر کوچ نمایند؛ و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می‌کنند بعد از طلوع آفتاب و رمی جمرات، هر وقت کوچ کنند مانعی ندارد.

حجاج نباید قبل از ظهر دوازدهم از منا کوچ کنند (یعنی با جمع کردن اثاثیه به قصد رفتن از آنجا خارج شوند) ولی اگر به هر دلیلی کوچ کردند، لازم نیست که دیگر به منا بازگردند.

۱۰۸۷ خروج حاجی از منا قبل از زمان مقرر ♦ اگر احیاناً حاجی قبل از ظهر دوازدهم اثاثیه خود را جمع کرده و از منا کوچ کند - هر چند عسیاناً -، واجب نیست برگردد؛ مگر برای رمی جمرات. ولی اگر از منا خارج شده ولی هنوز اثاثیه خود را جمع نکرده است، باید برای کوچ کردن بعد از ظهر به منا برگردد و لازم نیست هنگام ظهر در منا باشد و کافی است بعد از ظهر به منا مراجعت کند تا از آنجا کوچ نماید.

۱۰۸۸ زمان کوچ بانوان از منا ♦ در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم بانوان نیز حکم مردان را دارند؛ بنابراین اگر از رمی در روز معذور باشند و شب قبل رمی نمایند نمی‌توانند قبل از ظهر از منا کوچ کنند، مگر آن‌که از کوچ کردن در بعد از ظهر معذور باشند.

۱۰۸۹ خروج موقت از منا در صبح روز دوازدهم ♦ حاجی

می‌تواند صبح روز دوازدهم بدون برداشتن اثاثیه خود، به‌طور موقت از منا بیرون رود. در این صورت باید به منا بازگردد و لازم نیست بازگشتن قبل از ظهر باشد؛ بلکه اگر بعد از ظهر دوازدهم نیز بازگشته، سپس کوچ نماید اشکال ندارد.

مسائل متفرقه

احکام محصور و مصدود

تعریف واقسام

۱۰۹۰ **تعریف محصور** ♦ به کسی که پس از احرام به جهت بیماری نتواند اعمال را انجام دهد «محصور» می‌گویند و مراد از بیماری معنای گسترده‌ای است که شامل شکستگی استخوان، مجروح شدن و مستولی شدن ضعف به واسطه خونریزی نیز می‌شود.

۱۰۹۱ **تعریف مصدود** ♦ به کسی که پس از احرام به هر دلیلی مانند ممانعت حکومت یا دشمن یا بسته بودن راه یا فراهم نشدن وسیله نقلیه، از انجام مناسک عمره یا حج باز بماند «مصدود» می‌گویند؛ بلکه ظاهراً تمام کسانی که به علتی به جز بیماری نمی‌توانند اعمال حج یا عمره را به پایان برسانند مصدود محسوب می‌شوند. تفصیل احکام مصدود در مسائل

بعدی می‌آید.

۱۰۹۲ **نداشتن پول جواز عبور به سوی مکه** ♦ اگر از محرم پولی برای مجوز حرکت به سمت مکه یا اجازه بجا آوردن اعمال مطالبه کنند، چنانچه پول داشته باشد باید پرداخت کند، ولی اگر پول نداشته باشد یا چنین پرداختی برایش حرجی باشد حکم مصدود را دارد.

۱۰۹۳ **مصدود شدن به خاطر بدهکاری** ♦ اگر محرم به علتی مثل بدهکاری و ناتوانی از ادای بدهی حبس شود، و نتواند اعمال حج یا عمره را انجام دهد مصدود محسوب می‌شود.

۱۰۹۴ **خروج از احرام با اطمینان به بسته بودن راه** ♦ کسی که راهش بسته شده زمانی جایز است به وظیفه مصدود عمل کند که مطمئن باشد راه باز نمی‌شود و گمان کافی نیست.

۱۰۹۵ **باز بودن راهی دیگر** ♦ کسی که احرام بسته اگر یکی از راه‌ها بسته شود ولی راه دیگری برایش باز باشد و مخارج رفتن از آن راه را نیز داشته باشد، باید در احرام باقی بماند و از آن راه برود و اعمال را انجام دهد هر چند بترسد که اعمال را در وقتش درک نکند. بنابراین اگر در نهایت اعمال را درک نکند، در صورتی که محرم به عمره تمتع بوده باید حج افراد انجام دهد و بعد از اتمام آن عمره مفرده بجا آورد، و اگر حج هم از او فوت شده باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود، و اگر محرم

به حج بوده و حج از او فوت شده باید عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج گردد.

۱۰۹۶ مصدود و محصور در مکه ♦ کسی که با احرام عمره وارد مکه شود و نتواند اعمال عمره یا طواف یا سعی بجا آورد، در صورتی که نایب هم نتواند بگیرد مصدود یا محصور است.

۱۰۹۷ مصدود و محصور در عمره مفرده ♦ کسی که محرم به احرام عمره مفرده شده است اگر نتواند اعمال عمره را تا یک سال انجام دهد، مصدود یا محصور است. همچنین است اگر مدتی توانایی انجام اعمال را نداشته باشد که در احرام ماندن در این مدت برای وی یا نوع مردم، همراه با مشقت شدید است.

۱۰۹۸ مصدود و محصور در عمره تمتع ♦ کسی که احرام عمره تمتع بسته ولی نمی‌تواند اعمال آن را انجام دهد و قبل از غروب روز نهم خود را به عرفات برساند، مصدود یا محصور است. همچنین است اگر مدتی توانایی انجام اعمال را نداشته باشد که در احرام ماندن در این مدت برای وی یا نوع مردم، همراه با مشقت شدید است.

۱۰۹۹ مصدود و محصور در حج ♦ حج‌گزار در دو صورت مصدود یا محصور شمرده می‌شود:

اول: وقوف به عرفات و مشعر را اصلاً درک نکند یا به گونه‌ای آن‌ها را درک کند که حج از وی فوت شود؛

دوم: بعد از وقوفین، توانایی رمی جمره عقبه یا طواف حج یا سعی را نداشته باشد و نتواند نایب بگیرد.

۱۱۰۰ شرط تحلل هنگام احرام بستن ♦ اگر محرم هنگام احرام بستن، شرط تحلل کرده یعنی از خداوند متعال خواسته که اگر مانعی پیش آمد همانجا از احرام بیرون آید، به مجرد صد یا حصر از احرام خارج می‌شود و قربانی و حلق یا تقصیر لازم نیست و تمام محرمات احرام - حتی زن - بر او حلال می‌شود.

احکام مصدود

۱۱۰۱ خروج مصدود از احرام عمره با انجام قربانی ♦ کسی که از عمره - چه عمره مفرده، چه عمره تمتع - مصدود شود می‌تواند در همان جا که راهش بسته شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود و نیت تحلل هم لازم نیست.

۱۱۰۲ وظیفه مصدود از حج تمتع ♦ کسی که از حج تمتع مصدود شده اگر شرط تحلل نکرده باشد باید در همان محل صد یا در مکه یا مینا یا بین آنها، یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کند و با تراشیدن سر یا گرفتن از موی سر، از احرام بیرون آید و همه محرمات احرام بر او حلال می‌شود.

۱۱۰۳ ناتوانی مصدود در عمره مفرده از قربانی ♦ مصدود در

عمره مفرده در صورتی که نتواند برای خروج از احرام، قربانی نماید با حلق یا تقصیر از موی سر از احرام خارج می‌گردد و کوتاه کردن ریش و شارب و ناخن گرفتن کفایت نمی‌کند.

۱۱۰۴ ناتوانی مصدود در حج تمتع از قربانی ♦ مصدود در حج تمتع در صورتی که نتواند قربانی کند باید صبر کند تا وقت حج بگذرد و با عمره مفرده، و اگر نمی‌تواند با حلق یا تقصیر از موی سر از احرام خارج شود.

۱۱۰۵ ناتوانی مصدود در عمره تمتع از قربانی ♦ مصدود در عمره تمتع چنانچه نتواند برای خروج از احرام، قربانی نماید با انجام حج افراد از احرام خارج می‌شود و اگر از حج افراد هم ممنوع باشد باید صبر کند تا حج فوت شود و پس از روز سیزدهم ذی‌حجه با انجام اعمال عمره مفرده از احرام خارج گردد و اگر نسبت به عمره مفرده نیز مصدود است با حلق یا تقصیر از موی سر از احرام خارج می‌گردد.

۱۱۰۶ حلال شدن محرمات بر مصدود با انجام قربانی یا حلق و تقصیر ♦ چنانچه مصدود در عمره - مفرده یا تمتع - یا حج تمتع به تفصیلی که گفته شد قربانی و حلق و تقصیر انجام دهد و از احرام خارج گردد، همه محرمات احرام - حتی زن - بر او حلال می‌شود.

۱۱۰۷ وظیفه مصدود پس از خروج از احرام ♦ مصدود از

انجام عمره تمتع یا مطلق حج، باید در سال آینده همان قسم از مناسک را مجدداً بجا آورد هرچند عمره یا حجی که در آن مصدود شده استحبابی باشد یا حج واجب بوده و استطاعت او تا سال بعد باقی نمانده یا یا هنگام احرام، شرط تحلل کرده باشد؛ بلی اگر نتواند سال آینده حج بجا آورد یا حج او حرجی باشد وجوب آن ساقط می‌شود و نیازی به نایب گرفتن یا قضا کردن نیست.

کسی که در عمره مفرده مصدود شده و از احرام بیرون آمده لازم نیست دوباره عمره مفرده بجا آورد.

احکام محصور

۱۱۰۸ وظیفه محصور در عمره ♦ کسی که احرام عمره بسته، اگر هنگام احرام شرط تحلل نکرده باشد باید قربانی کند. قربانی محصور تنها برای بیرون آمدن از احرام نیست که عمره‌گزار در انجام آن مختار باشد؛ بلکه از واجبات است و باید انجام شود.

۱۱۰۹ ناتوانی عمره‌گزار محصور از انجام قربانی ♦ اگر محصور در عمره نتواند قربانی کند باید به جای آن سه روز روزه بگیرد، ولی با روزه گرفتن از احرام خارج نمی‌شود و باید این سه روز را در وطن یا جایی که قصد اقامت کرده روزه بگیرد.

۱۱۱۰ چگونگی قربانی کردن محصور ♦ محصور به دو صورت

می‌تواند قربانی کند:

الف) قربانی یا پول آن را توسط فرد امینی به محل ذبح - اگر عمره مفرده باشد به مکه، و اگر عمره تمتع یا حج باشد، به منی - بفرستد و با او قرارداد کند که آن را در وقت معین در مکه ذبح کند؛ و احتیاط آن است که قربانی به قصد تحلیل محصور ذبح شود. هنگامی که محصور از انجام قربانی مطلع شد، تقصیر می‌کند و همه محرمات احرام - حتی زن - بر او حلال می‌شود.

ب) در هر جایی که بخواهد - محل بیماری باشد یا جای دیگر - قربانی کند؛ پس از این قربانی، محرمات احرام - به جز زن - حلال می‌گردد و در این صورت تقصیر هم لازم نیست.

۱۱۱۱ هنگام ذبح قربانی فرستاده شده توسط محصور ♦ وقت

ذبح قربانی فرستاده شده توسط محصور در احرام حج یا عمره تمتع روز دهم است؛ و در احرام عمره مفرده هر زمانی می‌تواند باشد.

۱۱۱۲ نزدیکی محصور به خیال انجام قربانی توسط وکیلش ♦

اگر وکیلی که برای قربانی فرستاده است ذبح را انجام ندهد ولی شخص محرم به خیال انجام قربانی، محل شده و با زن هم

نزدیکی کرده باشد معصیتی نکرده و کفاره هم ندارد ولی باید دوباره قربانی یا پول آن را بفرستد و فعلاً از زن اجتناب کند و اجتناب از سایر محرّمات احرام لازم نیست. البته اجتناب از زن از زمانی آغاز می‌شود که قربانی یا پول را می‌فرستد نه از زمانی که معلوم می‌شود قربانی اولیه انجام نگرفته است.

۱۱۱۳ چگونگی حلال شدن زن برای محصوری که قربانی را

نفرستاده ♦ محصوری که قربانی را نفرستاده برای این که زن برایش حلال شود باید عمره یا حج بجا آورد، و هر نوع حج یا عمره کفایت می‌کند، و فرقی نیست که احرامی که در آن محصور شده، مستحب باشد یا واجب؛ و چنانچه انجام حج و عمره یا اجتناب از محرّمات تا آن زمان حرجی باشد، می‌تواند نایب بگیرد.

۱۱۱۴ وظیفه محصور پس از خروج از احرام ♦ محصور از

عمره تمتع یا حج - تمتع یا غیر آن - که از احرام خارج شده، باید در سال آینده همان قسم از حج را بجا آورد چنان که در مسأله ۱۱۰۷ گذشت.

و محصور از عمره مفرده بعد از خروج از احرام باید دوباره عمره مفرده بجا آورد، ولی بر مصدود از عمره مفرده لازم نیست آن را دوباره بجا آورد.

۱۱۱۵ بهبودی بیمار پس از فرستادن قربانی و درک اعمال ♦

محصور در عمره تمتع یا حج، اگر پس از فرستادن قربانی یا پول آن، خوب شود به طوری که توانایی رفتن به مکه را پیدا

نماید، چنانچه احتمال عقلایی بدهد که می‌تواند اعمال حج را در زمان خود بجا آورد، باید برود. پس اگر مُحْرَم به احرام تمتع باشد و به وقت برسد، اعمال عمره و حج را بجا می‌آورد؛ و چنانچه وقت به قدری تنگ شود که اگر بخواهد عمره بجا بیاورد و قوف به عرفات فوت می‌شود، باید به عرفات برود و حج افراد بجا بیاورد - و احتیاط مستحب آن است که قصد عدول نیز بنماید - و بعد از آن عمره مفرده بگذارد. چنانچه به این ترتیب عمل نماید لازم نیست سال بعد حج بجا آورد.

۱۱۱۶ **نرسیدن بیمار به اعمال حج پس از بهبودی** ♦ اگر بیمار پس از بهبودی زمانی برسد که نتواند مقدار رکن از وقوفین را درک کند و حج او فوت شود چنانچه قربانی او را ذبح نکرده باشند در حال احرام باقی مانده و باید با همان احرام، اعمال عمره مفرده را بجا آورد، و با انجام آن از احرام بیرون می‌آید و قربانی‌اش هم باید ذبح شود؛ و اگر زمانی برسد که قربانی او را ذبح کرده‌اند از احرام بیرون آمده است.

در هر حال اگر حج وی فوت شود باید در سال آینده همان قسم از حج را انجام دهد، هر چند برای حج استحبابی احرام بسته باشد.

آداب و مستحبات مکه مکرمه

۱۱۱۷ مستحبات مکه مکرمه ♦ آداب و مستحبات شهر مکه

- غیر از آنچه در اعمال عمره و حج گذشت- از این قرار است:

۱. زیاد ذکر خدا گفتن؛

۲. قرآن خواندن (و مستحب است تمام قرآن را در مکه

-مسجدالحرام یا جای دیگر شهر- تلاوت کند)؛

۳. خوردن آب زمزم و خواندن این دعا پس از آشامیدن آب:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ

ذَاءٍ وَ سُقْمٍ»،

و نیز این دعا:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ»؛

۴. نگاه کردن به کعبه و تکرار آن؛

۵. در هر شبانه روز ده مرتبه طواف کردن، در اول شب سه طواف،

در آخر شب سه طواف، صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف؛

۶. در مدت اقامت در مکه، سیصد و شصت مرتبه طواف

کردن و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم ممکن

نشد هر مقدار که بتواند؛

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

«پدرم حضرت امام باقر علیه السلام می فرمود: کسی که هفت

دور این خانه را طواف کند و دو رکعت نماز طواف

بخواند، خداوند برای او شش هزار حسنه می نویسد و شش هزار از گناهان او را محو می کند و شش هزار درجه او را بالا می برد و شش هزار حاجت او را برآورده می سازد پس آنچه از این خواسته زودتر برآورده شود از رحمت خداست و آن اندازه که به تأخیر می افتد از آن رواست که خداوند دعا و طلب نمودن بنده اش را دوست دارد»^۱.

طواف وداع

۱۱۱۸ استحباب طواف وداع ♦ بر کسی که می خواهد از مکه

بیرون رود مستحب مؤکد است که «طواف وداع» بجا آورد. طواف وداع نیز هفت شوط است و خواندن نماز آن هم مستحب است.

مستحب است که از خداوند متعال توفیق بازگشت به مکه را طلب کند.

بهتر است که در طواف وداع این امور را رعایت کند:

۱. در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را استلام

کند و اگر نمی تواند از دور اشاره کند؛

۲. چون به مستجار می رسد دعای مستجار را - که قبلاً

ذکر شد - بخواند؛

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۱۱، ح ۲.

۳. یک دست بر حجرالأسود و دست دیگرش را طرفِ درِ کعبه بگذارد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَبَيْتِكَ
وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَحِيْبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،
اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ،
وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَأَوْذَى فِيكَ وَفِي جَنْبِكَ، وَعَبَدَكَ
حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُقْلِحاً مُنْجِحاً
مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ،
مِنَ الْمُغْفِرَةِ وَالْبِرَّةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ»؛

۴. از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود.

نماز حجاج در مکه و مدینه

۱۱۱۹ نماز مسافر در مکه و مدینه ♦ زائرانی که به مکه یا مدینه می‌روند، بسیار شایسته است که قصد اقامه ده روز کنند و نمازشان را تمام بخوانند؛ ولی تا قصد اقامه نکرده‌اند، باید نمازشان را شکسته بخوانند، هر چند بخواهند در مسجدالحرام یا مسجدالنبی ﷺ نماز بخوانند.

۱۱۲۰ رفتن به احد ♦ زائرانی که تصمیم دارند در مدینه منوره حداقل ده روز بمانند، نمازشان تمام است و رفتن به احد و

مسجد قبا و مسجد ذوقبلتین در اثنای ده روز، این وظیفه را تغییر نمی‌دهد.

۱۱۲۱ نماز در عرفات و مشعر و منا ♦ حجّاجی که قصد کرده‌اند قبل از رفتن به عرفات، ده روز در مکه بمانند نمازشان در مکه تمام است. این حجّاج وقتی به عرفات می‌روند باید در آنجا و در مشعر و منا و پس از بازگشت در مکه نیز نمازشان را تمام بخوانند؛ ولی اگر قصد اقامه نکرده باشند، در تمام این اماکن باید نمازشان را شکسته بخوانند.

۱۱۲۲ شرکت در نماز جماعت اهل سنت ♦ حجّاج محترم باید از هر کاری که موجب وهن شیعه است جداً خودداری کنند، و مناسب است در نماز جماعت اهل سنت شرکت نمایند؛ ولی نباید به آن اکتفا کنند، بلکه باید آن را دوباره بخوانند.

۱۱۲۳ سجده بفرش ♦ سجده کردن بفرش، حتی فرش‌های مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ و سایر مساجد مکه و مدینه، صحیح نمی‌باشد و باید بر زمین و قسمت‌هایی از مسجد که سنگ فرش شده یا روی سجاده حصیری و مانند آن سجده کرد و زائر در صورت ضرورت روی فرش سجده می‌نماید؛ ولی نمی‌تواند به آن اکتفا کند.

۱۱۲۴ گذاشتن مهر ♦ گذاشتن مهر و باد بزن و مانند آن و سجده کردن روی آن‌ها در صورتی که موجب وهن شیعه شود،

جایز نیست و اگر وهن نباشد، اشکال ندارد.

اهمیت عبادت و تلاوت قرآن در سفر حج

۱۱۲۵ نماز در مسجدالحرام و مسجد النبی ﷺ ♦
 «مسجدالحرام» و «مسجد پیامبر ﷺ» والاترین و ارجمندترین مکان‌های مقدّس در روی زمین‌اند، و زائران محترم باید فرصت را غنیمت شمرده و از عبادت و دعا و تلاوت قرآن در این دو مکان شریف غفلت نورزند؛ در روایات ثواب «نماز در مسجدالنبی ﷺ» به اندازهٔ ثواب هزار نماز در اماکن دیگر و ثواب نماز در مسجدالحرام به اندازهٔ ثواب هزار «نماز در مسجدالنبی ﷺ» دانسته شده است.

۱۱۲۶ ختم قرآن در مکه ♦ «ختم قرآن» در مکه مکرمه بسیار با ارزش است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

«هر کس قرآن را در مکه ختم کند، پیش از مرگ پیامبر ﷺ را می‌بیند و جایگاه خویش را در بهشت مشاهده می‌کند».^۱

بنابر روایتی دیگر از آن حضرت، ثواب ختم قرآن از یک جمعه تا جمعهٔ دیگر (یا در روزهای دیگر) به اندازهٔ ثواب تمام کارهای

۱. بحار الانوار ج ۹۲، ص ۲۰۵، ح ۵.

نیک از اولین جمعه عمر تا آخرین جمعه‌ای است که انسان در این دنیا زنده باشد.^۱

۱۱۲۷ نگاه به قرآن و کعبه ♦ بسیار شایسته است زائرنی که از فیض قرائت قرآن محرومند، قرآن را بکشایند و به آیات الهی نظر کنند یا در مکه مکرمه نظاره‌گر خانه خدا باشند. در روایتی شریف نگاه به سیمای ملکوتی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و نگاه محبت‌آمیز به والدین و نگاه به کتاب خدا و نگاه به کعبه، عبادت شمرده شده است:

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: النَّظْرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِبَادَةٌ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ عِبَادَةٌ، وَ النَّظْرُ فِي الصَّحِيفَةِ - يَعْنِي صَحِيفَةَ الْقُرْآنِ - عِبَادَةٌ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ»^۱.

مسائل ویژه

۱۱۲۸ تقلید از مرجع متوفی ♦ تقلید ابتدایی از مجتهد جایز التقلیدی که از دنیا رفته است و مکلف در زمان حیات او ممیز بوده، جایز است.

و چنانچه مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، پس از وفات حکم زنده بودن را دارد؛ بنابراین اگر مجتهدی که از

۱. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۶۰، ح ۲۴

دنیا رفته اعلم باشد یا در صورت تساوی، به فتوای او - هر چند در برخی از مسائل - عمل کرده باشد، لازم است در تمام مسائل بر فتوای او باقی بماند، و اگر مجتهد زنده اعلم شده باشد، باید از او تقلید کند.

۱۱۲۹ تبعیض در تقلید ♦ رجوع به مجتهد دیگر در بعضی یا تمامی مسائل، چه عمل کرده باشد و چه عمل نکرده باشد، جایز نیست، مگر در آن ابواب فقهی که دیگری اعلم است.

۱۱۳۰ انجام اعمال بدون تقلید ♦ کسی که اعمالش را بدون تقلید انجام داده است چنانچه عملش با فتوای فعلی مرجعی که اکنون باید از او تقلید کند مطابق باشد، صحیح است و در غیر این صورت صحیح نیست.

۱۱۳۱ وظیفه مسأله‌گو در صورت نقل اشتباه حکم مسأله ♦ در صورتی که مسأله‌گو حکم مسأله‌ای را اشتباه بیان کند و گفته او موجب شود آن شخص بر خلاف وظیفه شرعی اش عمل کند، در صورتی که حرجی نباشد باید اشتباهش در گفتن مسأله را برطرف کند.

همچنین است اگر فتوای آن مجتهد عوض شده باشد و سکوت وی دلالت عرفی بر عوض نشدن فتوای مجتهد باشد که در صورت امکان و عدم حرج باید تغییر فتوا را خبر دهد تا آن شخص بر خلاف وظیفه شرعی اش عمل نکند.

۱۱۳۲ نماز در هواپیما ♦ نماز در هواپیما با رعایت شرایط نماز مثل طمأنینه و رعایت قبله مانعی ندارد هر چند بدانند قبل از گذشتن وقت به مقصد می‌رسد.

۱۱۳۳ وقت نماز صبح در شب‌های مهتابی ♦ در شب‌های روشن که مهتاب سبب می‌شود روشنی در افق نمایان نشود نمازگزار باید احتیاط کند و تا روشن شدن افق، نماز را تأخیر بیاندازد.

۱۱۳۴ سجده بر سنگ ♦ سجده بر انواع سنگ و سنگ معدنی که از اجزای زمین است، مانند سنگ مرمر و سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است.

۱۱۳۵ تیمم بر سنگ ♦ تیمم باید به خاک یا چیزهایی که از زمین بوده و پودر شده، مانند سنگ یا گچ پودر شده، صورت گیرد؛ و در حال ناچاری - که خاک و مانند آن پیدا نشود - باید به گرد و غباری که روی اشیا نشسته تیمم کرد؛ تیمم بر سنگ و هر چیزی که مانند سنگ با زدن دست هیچ چیزی از آن به دست نمی‌چسبد، در حال اختیار یا غیر اختیار جایز نیست.

۱۱۳۶ قصد بطلان عمل ♦ اگر حاجی در هنگام انجام طواف و سعی و ... قصد کند آن عمل یا بعضی اجزای آن را باطل کند، قصد او به تنهایی مبطل عمل نیست.

۱۱۳۷ برداشتن گمشده حرم ♦ در لقطه حرم مکه (چه قیمت آن به یک درهم برسد یا نه) باید تا یک سال آن را اعلان کند؛

پس اگر مالک آن را نیافت، یا آن را صدقه بدهد یا برای صاحب آن تا وقتی که احتمال دارد صاحب آن پیدا شود نگاه دارد؛ و اگر از بین برود چنانچه کوتاهی نکرده ضامن نیست و اگر بعد از یک سال اعلان، صدقه بدهد و صاحبش پیدا شود می‌تواند به صدقه راضی شود، یا عوض مالش را بگیرد و ثواب صدقه برای صدقه‌دهنده باشد. و اگر در غیر حرم مکه یا در مدینه پیدا کند حکم سائر موارد لقطه را دارد که در توضیح المسائل آمده است.

۱۱۳۸ برداشتن قرآن از مساجد ♦ برداشتن قرآن‌هایی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی ﷺ است، بدون آن که از متصدی آن اجازه بگیرند، جایز نیست، و اگر از مسجد بیرون برده‌اند، باید برگردانند.

۱۱۳۹ وضو گرفتن از آب‌های آشامیدنی ♦ وضو گرفتن از آب‌های کلمن‌ها و شیرهایی که مخصوص آشامیدن است، جایز نیست.

۱۱۴۰ عبور حائض از مسجد الحرام ♦ حائض و جنب نمی‌توانند از مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ (حتی قسمت‌هایی از آن که جدیداً ساخته شده است) عبور نمایند.

۱۱۴۱ ورود مستحاضه به مسجد ♦ مستحاضه کثیره بدون انجام غسل نمی‌تواند وارد مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ شود.

۱۱۴۲ نذر روزه در مسافرت ♦ انسان می‌تواند نذر کند که روز معینی را چه در سفر باشد چه نباشد روزه بگیرد. در این صورت باید در سفر هم روزه بگیرد و برای گرفتن این روزه نیازی به قصد ماندن ده روز نیست و لازم نیست قبل از رفتن به مسافرت نذر کند؛ بلکه اگر بعد از رفتن به مسافرت هم نذر کند که در هر حال -چه مسافر باشد یا نباشد- روزه بگیرد، عمل کردن به آن لازم است.

۱۱۴۳ روزه مستحبی در مدینه منوره ♦ مشهور بین علماء این است که مسافر می‌تواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد و احوط آن است که آن سه روز، روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد. ولی استحباب سه روز روزه برای خواستن حاجت در مدینه منوره به طور کلی ثابت نیست بلکه برای این امر آداب خاصی در روایات ذکر شده که در حال حاضر انجام آن مقدور نیست؛ لذا سه روز روزه را به رجاء ثواب بجا آورند.

از وصیت‌های حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

«اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ فَلَا يَخْلُو مِنْكُمْ مَا بَقِيَتْمْ فَإِنَّهُ إِنْ
تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوا وَأَدْنَىٰ مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَمَّهُ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ»

«از خدا بترسید، از خدا بترسید! دربارهٔ خانهٔ
پروردگارتان؛ مبدا تا زنده هستید، آن خانه از شما
خالی بماند؛ که اگر رها شد، مهلت داده نمی‌شود
و به عذاب دچار می‌شوید، و اگر از شما خالی بماند،
کیفر خداوند فرصت زندگی به شما نمی‌دهد. و
کم‌ترین راه‌آورد کسی که عازم خانهٔ خدا شود، آن است
که آمرزش نصیبش می‌گردد.»^۱

۱. کافی، ج ۷، ص ۴۹، ح ۷.

فهرست

مقدمه	۷
مسائل کلی	۱۱
فصل اول: حجة الإسلام و شرایط وجوب آن	۱۳
استطاعت	۱۸
استطاعت مالی	۱۸
حج بذلی	۲۵
استطاعت غیر مالی	۲۷
احکام استطاعت	۳۰
فصل دوم: نیابت در عمره و حج	۳۷

۴۹	فصل سوم: اقسام حج و عمره
۵۵	فصل چهارم: احکام عمره مفرده
۵۹	عمره تمتع
۶۷	احرام
۶۷	مکان احرام
۷۳	واجبات احرام
۷۴	غسل احرام
۷۶	۱. لباس احرام
۸۰	نماز احرام
۸۲	۲. نیت
۸۵	۳. لَبَّيْكَ گفتن
۸۹	مستحبات و مکروهات احرام
۹۱	محرمات احرام
۹۲	اول: لذت جویی شهوانی
۹۴	عقوبت آمیزش
۹۹	عقوبت لذت جویی های دیگر
۱۰۰	دوم: عقد کردن و شاهد عقد شدن
۱۰۲	سوم: استمنا
۱۰۳	چهارم: پوشیدن لباس معمولی (برای مردان)

- پنجم: استفاده از دستکش (برای بانوان) ۱۰۵
- ششم: پوشیدن چیزی که روی پا را می پوشاند (برای مردان) ۱۰۶
- هفتم: پوشاندن سر (برای مردان) ۱۰۷
- هشتم: پوشاندن صورت خود (برای بانوان) ... ۱۰۹
- نهم: فرو بردن سردر آب ۱۱۱
- دهم: سایبان داشتن در هنگام حرکت (برای مردان) ۱۱۲
- یازدهم: زینت کردن ۱۱۵
- دوازدهم: پوشیدن زیورآلات ۱۱۸
- سیزدهم: استفاده از عطریات ۱۱۹
- چهاردهم: استعمال روغن ۱۲۳
- پانزدهم: بیرون آوردن خون از بدن خود ۱۲۵
- شانزدهم: گرفتن ناخن خود ۱۲۷
- صورت های مختلف کفاره ناخن گرفتن ۱۲۷
- هفدهم: جدا کردن مو از بدن خود یا دیگری ... ۱۳۰
- کفاره صورت های مختلف ازاله مو ۱۳۲
- هجدهم: دروغ و دشنام و فخر فروشی ۱۳۴
- نوزدهم: جدال ۱۳۴
- کفاره جدال ۱۳۵
- بیستم: کشتن و انداختن جانوران بدن ۱۳۷
- بیست و یکم: شکار حیوانات وحشی صحرایی . ۱۳۸
- مسلح بودن ۱۴۰
- محرمات حرم ۱۴۰

- اول: شکار کردن ۱۴۱
- دوم: کندن درخت و گیاه ۱۴۱
- احکام عمومی کفاره محرمات احرام ۱۴۳
- آداب و مستحبات حرم ۱۴۶
- طواف** ۱۵۳
- رکن بودن طواف ۱۵۳
- شرایط و واجبات طواف ۱۵۷
۱. نیت ۱۵۸
۲. طهارت از حدث ۱۶۰
۳. طهارت از خبث ۱۶۴
۴. ختنه برای مردان ۱۶۶
- ۵ و ۶. شروع و ختم به حجر الاسود ۱۶۷
۷. حرکت به کیفیت معتبر در طواف ۱۶۸
۸. طواف کردن در بیرون حجر اسماعیل ۱۷۰
۹. رعایت محدوده طواف ۱۷۱
۱۰. وارد کعبه نشدن ۱۷۴
۱۱. با اختیار طواف کردن ۱۷۵
۱۲. هفت عدد بودن تعداد دورها ۱۷۶
۱۳. رعایت ترتیب ۱۸۰
۱۴. موالات ۱۸۰
- قطع کردن طواف ۱۸۲
۱۵. اطمینان به عدد دورها ۱۸۸

۱۶. اجتناب بانوان از نقاب ۱۹۰
۱۷. ترک قرآن در طواف ۱۹۰
۱۸. مباح بودن لباس طواف و وسیله آن (بنا بر احتیاط) ۱۹۱
- سترعورت (بنا بر احتیاط مستحب) ۱۹۲
- احکام متفرقه طواف ۱۹۳
- طواف مستحب ۱۹۶
- آداب و مستحبات طواف ۱۹۹
- نماز طواف** ۲۰۳
- احکام نماز طواف ۲۰۳
- آداب و مستحبات نماز طواف ۲۱۰
- سعی** ۲۱۳
- رکن بودن سعی ۲۱۳
- واجبات و شرایط سعی ۲۱۵
۱. رعایت ترتیب ۲۱۵
۲. موالات بین طواف و سعی ۲۱۶
۳. نیت ۲۱۶
- ۴ و ۵. رعایت نقطه شروع و ختم سعی ۲۱۷
۶. رعایت تعداد شوط‌ها در سعی ۲۱۸
۷. بین دو کوه بودن در حال سعی ۲۲۰
۸. موالات در اجزای سعی ۲۲۱

۲۲۶	۹. اطمینان به تعداد شوط‌ها
۲۲۷	۱۰. با اختیار سعی کردن
۲۲۸	۱۱. رعایت ترتیب بین اجزای سعی
۲۲۸	۱۲. مباح بودن لباس و وسیله سعی بنا بر احتیاط
۲۲۹	احکام متفرقه سعی
۲۳۳	آداب و مستحبات سعی
۲۳۹	تقصیر
۲۴۳	احکام بین عمره و حج تمتع
۲۴۷	حج تمتع
۲۵۱	احرام حج
۲۵۱	احکام احرام حج
۲۵۵	آداب و مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات
۲۵۷	وقوف در عرفات
۲۵۷	احکام وقوف در عرفات
۲۶۲	آداب و مستحبات وقوف در عرفات
۲۶۹	وقوف در مشعر الحرام
۲۶۹	احکام وقوف در مشعر الحرام

۲۷۸	آداب و مستحبات وقوف در مشعرالحرام
۲۸۱	رمی جمره عَقَبه
۲۸۲	شرایط و واجبات رمی
۲۸۵	احکام رمی
۲۸۷	زمان رمی
۲۹۱	موالات در رمی
۲۹۳	آداب و مستحبات رمی جمره
۲۹۵	ذبح قربانی
۲۹۵	احکام مربوط به قربانی
۲۹۵	نوع قربانی
۲۹۶	شرایط قربانی
۲۹۷	اول: رسیدن به سن خاص
۲۹۸	دوم: بیمار نبودن
۲۹۸	سوم: بی عیب و نقص بودن
۳۰۲	چهارم: لاغر نبودن
۳۰۳	پنجم: خصی نبودن
۳۰۴	ششم: مباح بودن قربانی
۳۰۴	زمان قربانی
۳۰۶	مکان قربانی
۳۰۷	احکام ذبح قربانی
۳۱۰	کیفیت ذبح

۳۱۱	مصرف قربانی
۳۱۳	روزه بدل قربانی
۳۱۴	احکام سه روز روزه
۳۱۹	احکام هفت روز روزه
۳۲۳	آداب و مستحبات قربانی
۳۲۵	حلق یا تقصیر
۳۲۵	احکام حلق و تقصیر
۳۳۶	آداب و مستحبات حلق و تقصیر
۳۳۷	اعمال مکه
۳۳۷	احکام مربوط به اعمال مکه
۳۴۰	طواف نساء
۳۴۲	تقدیم اعمال مکه
۳۴۵	آداب و مستحبات طواف حج
۳۴۷	بیتوته
۳۴۸	احکام بیتوته در منا
۳۴۸	بیتوته شب یازدهم و دوازدهم
۳۵۱	بیتوته شب سیزدهم
۳۵۲	کفاره ترک بیتوته
۳۵۴	آداب و مستحبات منا
۳۵۵	آداب و مستحبات مسجد خَیْف

۳۵۷..... رمی جمرات سه‌گانه

۳۶۷..... کوچ از منا

۳۶۹..... مسائل متفرقه

۳۷۱..... احکام محصور و مصدود

۳۷۱..... تعریف و اقسام

۳۷۴..... احکام مصدود

۳۷۶..... احکام محصور

۳۸۰..... آداب و مستحبات مکه مکرمه

۳۸۱..... طواف وداع

۳۸۲..... نماز حجاج در مکه و مدینه

۳۸۴..... اهمیت عبادت و تلاوت قرآن در سفر حج

۳۸۵..... مسائل ویژه

